

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسعه
راهبرد



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

راهبرد یاس سابق

سال پانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۵۸)، تابستان ۱۳۹۸

ISSN: 1735 - 2460

● صاحب امتیاز

دکتر سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمدخوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه و پژوهشکده تحقیقات راهبردی

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کد پستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نامبر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir

rahbordeyas@gmail.com

www.rahbord-mag.ir

آدرس اینترنتی:

پست الکترونیک:

سامانه ارسال و پی گیری مقالات:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

www.magiran.com

www.saminattech.ir

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

بانک اطلاعات نشریات کشور

سامانه یکپارچه مدیریت نشریات ایران

● چاپ: انتشارات پژوهشکده تحقیقات راهبردی

● قیمت: ۶۰۰۰ تومان

هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کچویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملایری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ دکتر سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: آقایان دکتر حسن سبحانی، دکتر اکبر زارع شاه آبادی، دکتر محمد کهندل،

دکتر وحید ماجد، دکتر مهدی صادقی شاهدانی، دکتر کیومرث یزدان پناه.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه بفرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نمایید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:
الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.
ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.
ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:
- کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.
- مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.
د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:
- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربرد نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چپ‌نویسی مقالات آزاد است.
۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.
۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.
۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است. راهبرد توسعه مفتخر است که آژوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل می‌آورد.

فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ میزگرد: ارزیابی چهل سال دستاوردهای توسعه‌ای کشور ۷
- ❖ تاثیر سیاست‌های نولیبرالیستی و نومرکانتیلیستی در توسعه اقتصادی برزیل (۱۹۸۵-۲۰۱۶ م) ۴۹
هادی آجیلی / مهدی رضایی
- ❖ تعیین اولویت‌های حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران مبتنی بر آسیب‌شناسی وضع موجود ۸۰
عبدالمحمد کاشیان / بهرام بیات
- ❖ واکاوی پیشران‌های موثر بر سطوح مشارکت پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوق‌های اعتبارات خرد
استان کردستان ۱۰۸
بهروز توپچی / شهپر گراوندی / فرحناز رستمی
- ❖ واپایش نابرابری فضایی توسعه شاخص‌های ارتباطات (مطالعه پژوهی: استان گلستان) ۱۳۳
ابراهیم معمری / احمد زنگانه / فرهاد معمری
- ❖ اثر صادرات بازارچه‌های مرزی بر اشتغال منطقه سیستان ۱۵۵
زهراراشکی قلعه نو / نورمحمد یعقوبی / رمضان حسین زاده / امین رضا کمالیان
- ❖ نقش و کاربرد ابزارهای اقتصادی در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیست ۱۷۳
فرزام پوراصغر سنگاچین / سجاد بهرامی / حمیده حیدرزاده

سخن سردیبر

توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و پیش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاء‌الله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

میزگرد

آقایان: دکتر داوود دانش جعفری^۱، دکتر محمدحسین ملایری^۲، دکتر وحید شقایق شهری^۳،
دکتر علیرضا زالی^۴ و دکتر علی مبینی دهکری^۵ در میزگرد علمی راهبرد توسعه با عنوان:

ارزیابی چهل سال دستاوردهای توسعه‌ای کشور

سردبیر: موضوع میزگرد این شماره فصلنامه راهبرد توسعه، «ارزیابی چهل سال دستاوردهای توسعه‌ای کشور» ناظر به بیانیه راهبردی مقام معظم رهبری با عنوان «گام دوم انقلاب» می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع، به پیشنهاد جناب آقای دکتر نبوی، فصلنامه راهبرد توسعه در چند شماره عناوین میزگرد خود را ناظر به بیانیه «گام دوم انقلاب» انتخاب و با توجه به محورهای این بیانیه، موضوعات را بررسی می‌کند. در شماره بهار فصلنامه، موضوع میزگرد را «هدف گذاری توسعه متکی بر اسلام سیاسی» انتخاب کردیم که با توجه به محورهای ابتدایی بیانیه «گام دوم انقلاب» در آن میزگرد به مسائلی از جمله نوع تلقی جهان دو قطبی از تحقق انقلاب اسلامی، چرایی مواجهه قدرت‌های جهانی با انقلاب اسلامی، چگونگی تکوین دوگانه اسلام و استکبار، نوع

۱ - وزیر اسبق اقتصاد و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲ - استادیار پژوهشی، بازنشسته مجمع تحقیقات استراتژیک

۳ - اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

۴ - رئیس سابق سازمان نظام پزشکی ایران

۵ - عضو هیات علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

اهداف در سیاست گذاری برای توسعه جمهوری اسلامی، نقش آفرینی چالش های فکری بین اسلام و استکبار و چرائی و چگونگی مدیریت بهینه چالش های پیش روی انقلاب اسلامی پرداختیم. در این شماره با توجه به بخش دیگری از بیانیه «گام دوم انقلاب» که بر دستاوردهای توسعه ای کشور تاکید دارند، موضوع میزگرد «ارزیابی چهل سال دستاوردهای توسعه ای کشور» انتخاب شده است. ایشان در این بیانیه تاکید کرده اند؛ «به رغم همه ای مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی است. مدیریتهای جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه ای ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه ای عرصه ها رسانید.» ایشان در محورهایی به این دستاورد ها اشاره کرده اند که بعضی از آن ها عبارتند از: ۱- ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، ۲- ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، ۳- به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه ای خدمت رسانی، ۴- ارتقاء شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم، ۵- سنگین کردن کفه ای عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، ۶- افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه و ۷- ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.

ناظر به این بیانات و با هدف ترویج اهداف توسعه ای جمهوری اسلامی، در این میزگرد، بخشی از تحولات و دستاوردهای مهم کشور در چهل سال گذشته را با حضور تنی چند از مسئولان و مقامات کشور بررسی خواهیم کرد. آقای دکتر دانش جعفری بفرمائید.

دانش جعفری: برای ورود به بحث و بررسی تحولات و دستاوردهای مهم کشور در چهل سال اخیر، لازم می دانم در ابتدای به نکات مهمی که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب درباره اقتصاد و دستاوردهای کشور بدرستی مطرح کرده اند، اشاره داشته باشم. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این بیانیه می فرمایند: «انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و

فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. ایشان در ادامه هم موارد را درباره عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی کشور مثال می‌زنند؛ «مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.» مقام معظم رهبری سپس راه حل این مشکلات را اعلام می‌کنند؛ «راه‌حلّ این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، موکد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیتّ چنین مجموعه‌ای باشد.»

در بخش چالش بیرونی تحریم‌ها می‌توان قانون داماتو را مثال زد. قانون داماتو اولین طرحی بود که در قالب تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران به اجرا درآمد. این طرح بر اساس پیشنهاد آقای داماتو - سناتور ایالت نیویورک - در دستور کار کنگره قرار گرفت و توانست نظر اکثریت اعضای کنگره‌ی آمریکا را به خود جلب کند. در واقع قانون داماتو یکی از طرح‌هایی بود که لابی صهیونیستی آی‌پک (AIPAC) پیگیر آن شد و سناتور داماتو آن را به کنگره ارائه کرد. پس از تصویب قانون داماتو در کنگره‌ی آمریکا، لابی صهیونیستی آی‌پک طی بیانیه‌ای عنوان

کرد که هدفش از پیگیری طرح داماتو این بوده که دست دولت ایران از دسترسی به درآمدهای نفتی کوتاه شود. این در حالی بود که آنچه به عنوان مصوبه‌ی نهایی از کنگره بیرون آمد، ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های بالای ۴۰ میلیون دلار در سال اول پس از تصویب بود و در سال‌های بعد نیز ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های بالای ۲۰ میلیون دلار.

در بخش درونی که مقام معظم رهبری به «عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی» اشاره دارند، به عنوان مثال می‌توان به نقش دولت و مردم (بخش خصوصی) در اقتصاد اشاره کرد که از ابتدای انقلاب قصد داشتیم از فربه شدن دولت جلوگیری کنیم و امور را به بخش خصوصی بسپاریم اما تا امروز این اتفاق نیفتاده است. همکاری بین دولت و مردم (بخش خصوصی) در اقتصاد اهمیت بسیار زیادی دارد و همواره این سؤال مطرح بوده که محدوده فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد تا کجا است؟ برای پاسخ گویی به این سؤال به جلسه سال ۶۳ هیئت دولت با حضرت امام (ره)، استناد می‌کنم که در آنجا نیز همین سؤال مطرح شد. حضرت امام در جواب این پرسش فرمودند؛ اگر کاری را مردم [بخش خصوصی] نمی‌توانند انجام دهند، دولت باید به انجام برساند، مانند: واکسیناسیون فلج اطفال و... که بخش خصوصی هیچ انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آن ندارد. دوم اینکه، اگر کاری را هم مردم و هم دولت می‌توانند انجام دهند، بهتر این است که آن کار را مردم انجام دهند. اگر همین توصیه و راهبرد مهم اقتصادی حضرت امام (ره) را رعایت می‌کردیم امروز ساختار دولت تا این اندازه بزرگ نمی‌شد.

مثال دیگر که در بخش درونی اقتصاد کشور را با چالش مواجه کرده است، وابستگی در آمد دولت به نفت است. این وابستگی یک چالش و هم یکی از تهدیدهای اقتصادی است چرا حدود ۶۵ درصد درآمد دولت ایران از نفت است. در واقع درآمدهای نفتی یک درآمد مطمئن و پایدار نیست؛ چون قیمت آن را ما تعیین نمی‌کنیم و به طور مثال اگر در بودجه قیمت نفت را ۱۰۰ دلار پیش‌بینی شود و قیمت نفت کاهش پیدا کند، دیگر نمی‌توان بودجه لازم کشور را تأمین کرد و اقتصاد کشور مورد تهدید واقع می‌شود. تهدید دوم که درآمدهای نفتی را تهدید می‌کند، بحث میزان صادرات آن است که در طول تاریخ مشاهده شده همزمان دکتر مصدق و هم در چند سال

گذشته مورد تحریم قرار گرفت. پس می توان نتیجه گرفت که درآمد نفتی درآمد مطمئنی نیست و باید برای آن جایگزینی پیدا کرد.

در دوره قاجار که هنوز ایران به درآمد نفت دسترسی پیدا نکرده بود، دولت مجبور بود مقررات سفت و سختی برای کنترل مخارج دولتی وضع کند. درآمد ناچیز دولت در این دوره عمدتاً از محل مالیات بر تولید کشاورزی، دامداری ها و مشاغل آزاد تامین می شد. علاوه بر آن درآمد مربوط به املاک شاهی، درآمد گمرکی، درآمد اجاره، پیشکش های اهدایی به شاه و کاهش ارزش پول ملی راه های دیگر کسب درآمد دولت در دوره قاجار بود. یکی از اشکال درآمد مالیاتی در این دوره، دریافتی هایی بود که تحت عنوان مصادره عمومی نامیده می شد. مصادره عمومی در واقع نوعی مالیات اضطراری بود که با نظر دولت و خارج از انتظار وضع می شد و از هر کس، هر مقدار که صلاح می دانستند وصول می شد. حکایت میرزا محمد زرافه واقعیت اقتصاد ایران در آن سال ها را نشان می دهد. در آن دوره وقتی درآمد دولت محدود بود طبیعی بود که هزینه ها هم با سختگیری همراه باشد. به طور مثال وقتی شخصی در دربار قاجار استخدام می شد اولاً بایستی شاه شخصا با استخدام او موافقت می کرد. از طرف دیگر حقوق مستخدم وقتی برقرار می شد که یکی از کارمندان قبلی دربار فوت کند تا از محل حقوق فرد فوت شده، امکان برقراری حقوق فرد تازه استخدام شده فراهم شود. در همین رابطه طبق مقررات دولت، وقتی کارمندی فوت می کرد، یک سوم حقوق کارمند، به بازماندگان او می رسید. در صورتی که فوت شده، بازمانده ای نداشت (اصطلاحاً گفته می شد بلاعقب) در این صورت پرداختی بعد از فوت به طور کامل قطع می شد. در میان کارکنان عالی رتبه دربار ناصرالدین شاه شخصی به نام میرزا محمد گلپایگانی وجود داشت که به رغم گذشت مدت فراوانی از گرفتن دستخط شاه مبنی بر استخدام، هنوز منابع اعتباری لازم برای پرداخت حقوق او تامین نشده بود. میرزا محمد که کاسه صبرش لبریز شده بود دائماً آرزو می کرد راهی پیدا کند تا مشکلش حل شود تا اینکه روزی شنید زرافه شاه مرده است! میرزا محمد که قلم خوبی هم داشت بلافاصله تصمیم گرفت نامه ای به شاه بنویسد و مشکل برقرار نشدن حقوق خود را مطرح کند. میرزا محمد در عریضه ای

که به شاه نوشت، این مطالب را طرح کرد: هر چه صبر کردم به مرده بلاعقبی برسم، قسمت نشد. حال که زرافه شاه مرده، خوب است از محل جیره زرافه متوفی، حقوق مرا برقرار نمایند. در پایان نامه نیز یک شوخی با شاه می‌کند و می‌گوید: بلاعقب ما همین زرافه است! شاه قاجار بعد از خواندن نامه به نخست‌وزیر دستور می‌دهد از محل جیره زرافه، حقوق میرزا محمد برقرار شود. بعد از این واقعه، میرزا محمد که اتفاقاً قد بلندی نیز داشت به‌عنوان میرزا محمد زرافه معروف شد. در واقع حکایت میرزا محمد زرافه نشان می‌دهد دوره‌ای که به‌دلیل محدودیت‌های درآمدی، دولت حتی امکان پرداخت حقوق یک کارمند جدید آن هم بعد از گرفتن دستور شاه را نیز به‌راحتی نداشت، چگونه درآمد خود را از محل مالیات بر تولید کشاورزی، دامداری‌ها و مشاغل آزاد تامین می‌کرد و هزینه‌های خود را کنترل می‌کرد اما امروز شاهد هستیم وقتی درآمد نفتی بخش اعظم بودجه دولت را تشکیل می‌دهد، دیگر آن سختگیری‌های هزینه‌ای مثل گذشته اعمال نمی‌شود و دولت می‌تواند به‌راحتی برای افزایش مخارج خود تصمیم بگیرد، بدون اینکه محل منابع آن روشن باشد.

به نظر من در ارزیابی دستاوردهای توسعه ای کشور باید با توجه به بیانات مهم رهبری در گام دوم انقلاب، به تحولات کشور در چهل سال اخیر بویژه در حوزه اقتصادی پردازیم. به نظر من این نوع ارزیابی منصفانه و واقع بینانه است. اگر چنین ارزیابی داشته باشیم، دستاوردهای توسعه ای کشور در چهل سال گذشته قابل دفاع است و اگر بتوانیم بر چالش بیرونی و چالش درونی در اقتصاد فائق بیاییم، در آینده نیز به دستاوردهای بزرگ و مهم نائل خواهیم شد.

سردبیر: آقای دکتر شقاقی شهری، ارزیابی شما از توسعه اقتصادی کشور و آنچه

در این مدت چهل ساله حاصل شده است، چیست؟

شقاقی شهری: یک اقتصاد پویا مستلزم داشتن منابع کافی و لازم است. منابع انسانی آگاه و سالم و منابع درآمد کافی از لازمه‌های رسیدن به رشد اقتصادی است. نیروی انسانی آموزشی دیده و آگاه در پیشبرد تکنولوژی و بالا رفتن بهره‌وری اهمیت ویژه‌ای دارد. با پیشرفت تکنولوژی و بالا رفتن بهره‌وری نیروی کار زمینه برای رشد اقتصادی و افزایش سطح مصرف

شهروندان نیز فراهم خواهد شد. بالا بودن درآمد سرانه و به تبع آن درآمد یک کشور میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی نیز بالا خواهد بود. در نتیجه کشور به استقلال اقتصادی و خودکفایی خواهد رسید. بنابراین برای رسیدن به اقتصادی پویا توام با رشد سریع باید به تربیت نیروهای انسانی پرداخت و زمینه را برای بالا بردن منابع انسانی که توام با سلامتی باشد فراهم کرد که لازمه رسیدن به این اهداف بالا بودن درآمد است. باید این نکته را در نظر گرفت که برای مقایسه کشورها از لحاظ توسعه اقتصادی، شاخصهای مختلفی استفاده می‌شود. برخی از این شاخص‌ها به تنهایی مبین توسعه اقتصادی هستند و برخی دیگر بصورت شاخصی ترکیبی از یک سری شاخصهای دیگر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تهیه می‌شوند. در واقع می‌توان گفت که معیار اصلی سنجش رشد جوامع، سطح تولید یا درآمد سرانه آنها است. اما از آنجا که توسعه اقتصادی شامل جنبه‌های کیفی نیز می‌شود، سطح تولید سرانه به تنهایی نمی‌تواند شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری سطح توسعه اقتصادی یک جامعه باشد. لذا از شاخصهای ترکیبی که جنبه‌های کیفی توسعه را نیز شامل می‌گردد استفاده می‌شود. درآمد ملی و درآمد سرانه، رشد اقتصادی، سواد و آموزش، توزیع درآمد، بهداشت و درمان، هزینه‌های تحقیق و توسعه، ساختار جمعیت، «شاخص مرکب کیفیت فیزیکی زندگی» (PQLI) و توسعه انسانی از جمله این شاخص‌های منفرد و ترکیبی هستند.

بررسی روند شاخص توسعه انسانی در ایران نشان از این دارد که در چهار دهه گذشته روند شاخص توسعه انسانی در کشور حاکی از افزایش توسعه انسانی کشور از سطح پایین به سطح متوسط است. با توجه به شاخص توسعه انسانی ایران، آمارها نشان از این دارد که این شاخص تا سال ۱۳۵۴ با رشد سریعتری افزایش یافته است. از سال ۱۳۵۴ با رشد تقریباً ثابتی افزایش یافته است. بررسی روند توسعه انسانی در سطح جهان نیز طی نیم قرن گذشته نشانگر پیشرفتهای قابل توجه اکثر کشورها در توسعه انسانی بوده است. به گونه‌ای که کشورهایی چون کره جنوبی و مالزی که در دهه ۱۳۴۰ دارای توسعه انسانی پایین بودند در سالهای اخیر به یک توسعه انسانی بالا دست یافته‌اند. شاخص توسعه انسانی ایران در این دوره در مقایسه با شاخص توسعه انسانی

کشورهای ترکیه، مصر، عربستان و عراق از رشد بیشتری برخوردار بوده است.

شاخص توسعه انسانی سال ۱۳۷۵

استان	درآمد سرانه (PPP)	شاخص* (GDP)	امید به زندگی در بدو تولد	شاخص امید به زندگی	نرخ باسوادی بزرگسالان	نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص	شاخص آموزش	HDI
کل کشور	۵۲۵۷	۰/۶۶۱	۶۹/۲	۰/۷۳۷	۰/۷۲۹	۰/۷۵۹	۰/۷۳۹	۰/۷۱۲

*GDP بر حسب دلار آمریکا

شاخص توسعه انسانی سال ۱۳۸۰

استان	درآمد سرانه (PPP)	امید به زندگی	نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص	نرخ باسوادی بزرگسالان	HDI
کل کشور	۵۹۴۰	۶۹	۰/۷۱۱	۰/۷۸۸	۰/۷۲۶

بررسی روند امید به زندگی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۸۱ بیانگر بهبود قابل توجه سلامتی شهروندان ایرانی طی این دوره بوده است. افزایش آگاهیهای عمومی و افزایش تسهیلات بهداشتی از سوی دولت به ویژه طی برنامه‌های چهارساله توسعه از عوامل اصلی بهبود این شاخص که کشور ماست.

روند امید به زندگی در ایران

سال	۱۳۳۹	۱۳۶۷	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱
امید به زندگی	۴۹/۵	۶۱/۶	۶۴/۷	۶۹/۲	۶۹/۸	۷۰/۱

نرخ باسوادی بزرگسالان از ۲۹ درصد در سال ۱۳۴۹ به ۴۱/۸ درصد سال ۱۳۵۸ و سپس به ۷۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است که نشانگر رشد سریع نرخ باسوادی بزرگسالان بعد از انقلاب

انقلاب اسلامی است.

روند نرخ باسواد بزرگسالان

سال	۱۳۴۹	۱۳۵۹	۱۳۶۷	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۸۰
نرخ سواد بزرگسالان	۲۶	۴۱/۸	۵۷/۱	۶۵/۲	۷۲/۹	۷/۵	۷/۶	۷۷/۱

بررسی روند محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی نشان می‌دهد دو دهه قبل از انقلاب اسلامی درآمد سرانه از رشد چشمگیر برخوردار بوده است. به طوری که شاخص مذکور از ۱۹۸۵ دلار در سال ۱۳۳۹ به ۴۹۷۶ دلار در سال ۱۳۵۷ با رشدی معادل ۱۵۰ درصد افزایش یافته و این به دلیل افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی در این دوره بوده است. پس از یک افت در دهه اول انقلاب با رشد اندکی نسبت به ۱۳۵۵ به ۶۶۹ دلار در سال ۱۳۸۱ رسیده است. افت درآمد سرانه در دهه اول انقلاب به دلیل وقوع جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی کشور و کاهش درآمدهای نفتی بوده است. (نخستین گزارش ملی توسعه انسانی ایران، ۷۸). بنابراین رشد نماگرهای آموزشی و بهداشتی طی دهه‌های اخیر موجب پیشرفت توسعه انسانی متوسط شده است.

روند محصول ناخالص داخلی سرانه (روش PPP)

سال	۱۳۳۹	۱۳۵۵	۱۳۶۷	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۸۰	۱۳۸۱
GDP سرانه	۱۹۸۵	۴۹۷۶	۳۷۱۵	۵۲۵۷	۵۸۱۷	۵۱۲۱	۵۹۴۰	۶۶۹۰

سردبیر: آقای دکتر ملایری، لطفا حضرتعالی به صورت مشخص از تحولات و رویکرد های صنعتی کشور در طی برنامه های ششگانه توسعه بفرماید
ملایری: در ابتدا باید به این نکته مهم اشاره داشته باشم اکنون که کشور با تحریم های شدید

بین المللی و کاهش درآمدهای نفتی مواجه است، باید با توجه ویژه به سیاست های کلی ابلاغی به ویژه سیاست های کلی نظام در بخش صنعت، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و سیاست های کلی اصل ۴۴، تهدیدها در حوزه صنعت را تا حد ممکن به فرصت ها تبدیل نموده و با توجه ویژه به تحقیق و توسعه، نوآوری، صنایع پیشرفته و جدید، رقابت پذیری، تکمیل زنجیره های ارزش و تولید، جلوگیری از انحصار، بهبود محیط سرمایه گذاری و استفاده از سرمایه گذاری خارجی کشورهای دوست و غیر متخاصم، تداوم راهبردهای توسعه صنعتی تا حصول نتیجه، آینده نگری و ایفای نقش در انقلاب چهارم صنعتی، گام های موثری برداریم.

اگر تاکنون به اهداف سیاست های کلی ابلاغی در حوزه صنعت به ویژه در ۲۰ سال اخیر، توجه کافی می شد، قطعاً وضعیت صنعت کشور بهتر از وضعیت فعلی می بود. البته وجود تحریم های اقتصادی در برهه هایی از زمان، مشکلات زیادی را در حوزه صنعت ایجاد کرده است که نمی توان آنها را نادیده گرفت اما این نکته را هم باید در نظر گرفت که برای توسعه صنعت کشور، ابتدا می بایست محیط فعالیت های صنعتی بهبود می یافت و از طریق بهبود محیط کسب و کار، جلوگیری از انحصار، توسعه ی رقابت پذیری، تقویت نوآوری و اصلاح نظام بانکی و نظایر آن، دنبال می گردید که متأسفانه توفیقات در این زمینه بسیار محدود بوده است. در این راستا وضع قوانین لازم، اصلاح قوانین موجود، دستیابی به اهداف بندهای سیاست های کلی ابلاغی در برنامه های توسعه و سیاست گذاری های دولتی، الزامی بوده که توفیقات در این زمینه محدود بوده است.

برنامه های توسعه بعد از انقلاب از برنامه اول تا برنامه ششم با پایان یافتن جنگ از سال ۱۳۶۸ آغاز گردید و بر اساس این برنامه های توسعه که می بایست با توجه به سیاست های کلی برنامه ها، ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری تدوین می شدند، در می یابیم که در برنامه اول توسعه با (یکسال تمدید شدن آن) یعنی سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۳، بازسازی و نوسازی ظرفیت های تولیدی، تولید محصولات استراتژیک و جذب و انطباق تکنولوژی های صنعتی

وارداتی مورد تاکید بوده و در این راستا ایجاد مناطق صنعتی آزاد جهت استمرار صنایع تولید کننده محصولات صادراتی، مورد تاکید قرار گرفته و اختصاص ارز با نرخ رسمی به تولید کالاهای حساس و تولید ماشین آلات صنعتی اختصاص یافته است. در برنامه اول توسعه، استراتژی جایگزینی واردات بیشتر مورد تاکید بوده است.

در برنامه دوم توسعه سالهای ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۸، توجه به صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت تاکید شده است و خودکفایی و حمایت از تولیدات داخلی مورد تاکید بوده است. در برنامه دوم توجه به محیط زیست و ملاحظات زیست محیطی نیز مطرح شده است ولی استراتژی صنعتی در برنامه دوم نیز مشابه برنامه اول بیشتر حمایت از تولید داخلی و جایگزینی واردات بوده است.

در برنامه سوم توسعه سالهای ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۳، جهش صادراتی مطرح می شود و صادرات کالا، صادرات کالاهای غیر نفتی و تقویت توان رقابت محصولات صادراتی تاکید شده است و در این راستا شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی تشکیل گردیده است.

در برنامه چهارم توسعه (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ با یکسال تمدید شدن آن)، تدوین سند ملی توسعه ی بخشهای صنعت و معدن با توجه به مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور در دستور کار قرار گرفت. بهره مندی از جریان های سر ریز فناوری در جهان و توجه ویژه به صنایع نوین مورد تاکید قرار گرفته است و به مزیت های رقابتی توجه شده است. اصلاح ساختار و ساماندهی مناسب بنگاه های اقتصادی و تقویت رقابت پذیری آنها و توسعه ی شبکه ها، خوشه ها و زنجیره های تولیدی و ارتقاء کیفیت محصولات صنعتی و توجه به استانداردهای بین المللی را، برنامه چهارم خواستار شده است. در برنامه چهارم توسعه به بنگاه ها و شرکت های بزرگ تولیدی و اهمیت آنها توجه شده است. در این برنامه تاکید بر صادرات غیر نفتی، افزایش توان رقابت پذیری بنگاه های فعال در صنایع توین و ایجاد شهرک های فناوری، از خواسته های برنامه بوده است. بهبود فضای کسب و کار، سیاست جهش صادرات و خلق مزیت های رقابتی مورد تاکید قرار گرفته است. تسهیل رقابت و جلوگیری از شکل گیری انحصارات، طراحی و

پایه سازی نظام ملی نوآوری بر اساس برنامه جامع توسعه فناوری و گسترش صنایع نوین از دیگر خواسته های برنامه چهارم بوده است و استراتژی تشویق صادرات را می توانیم استراتژی مورد نظر برنامه چهارم قلمداد نماییم.

در برنامه پنجم توسعه سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (و با یکسال تمدید شدن برنامه پنجم)، مجدداً تدوین راهبرد (استراتژی) توسعه ی صنعتی و معدنی خوسته شده است و به نظر می رسد تدوین راهبرد قبلی توسعه ی صنعتی و معدنی، مورد قبول گروه جدید سیاست گذار اقتصادی نبوده است. در این برنامه مجدداً بر ارتقاء سطح رقابت پذیری صنایع کشور و خلق مزیت های رقابتی تاکید شده است. همچنین شکل گیری خوشه های صنعتی و تمهید ادغام و شکل گیری بنگاه های بزرگ رقابت پذیر خواسته شده است. نوسازی و ارتقاء بهره وری صنایع و معادن از دیگر خواسته های برنامه بوده است و حمایت از سرمایه گذاری خطر پذیر در صنایع نوین مورد تاکید قرار گرفته است. حمایت از استقرار صنایع در شهرک ها و نواحی صنعتی و تسهیل و تشویق سرمایه گذاری صنعتی از دیگر خواسته های برنامه پنجم توسعه بوده است.

در برنامه ششم توسعه (سالهای ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰)، از مسایل محوری برنامه می توان به توجه به فناوری نوین، توسعه و کاربست علم و فناوری و بهبود محیط کسب و کار اشاره نمود. در برنامه ششم توسعه، برخلاف برنامه چهارم توسعه، توجه بیشتر به صنایع کوچک و متوسط شده است. تولید محصولات پتروشیمی، رونق تولید، نوسازی صنایع و توسعه ی صادرات غیرنفتی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. به دلیل وجود قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱، مواد کمتری از برنامه ششم توسعه به بخش صنایع کارخانه ای اختصاص دارد. در این برنامه از وزارت صنعت، معدن و تجارت خواسته اند حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه، طرح نوسازی و بازسازی صنایع را تدوین نماید.

با بررسی برنامه های اول تا ششم توسعه در خصوص بخش صنعت کشور، در می یابیم که توفیقات کمی در سیاست گذاری و اجرا در زمینه صنایع کارخانه ای کشور داشته ایم و موضوعاتی از قبیل رقابت پذیری، صادرات کالاهای غیر نفتی، نوسازی صنایع، کاهش شدت

انرژی، کارآفرینی، جذب فناوری های جدید و نظایر آن طی ۳۰ سال اخیر تکرار شده است و توفیقات کمتر از انتظار بوده است. تدوین استراتژی های (راهبردهای) صنعتی و معدنی چندین بار طی این سالها به انجام رسیده و افراد و گروه های بعدی، کارهای افراد قبل را قبول نداشته و کارها از ابتدا دنبال شده است. وقت و هزینه های زیادی در این تغییر راهبردها صرف شده است و نتوانسته ایم به اهداف مندرج در سیاست های کلی نظام در حوزه صنعت که در بخش اول این مطالعه به آن اشاره داشتیم، دست پیدا نماییم.

در این مسیر، تغییرات ناگهانی قیمت نفت، شدیدتر شدن تحریم بین المللی و دیدگاه ها و نظرات متفاوت دولتهای مختلف بسیار تاثیر گذار بوده است و همین مسایل باعث شده در زمینه صنعت کشور به ویژه صنایع کارخانه ای نتوانیم مشابه کشورهای موفق تر منطقه عمل نماییم و یک یا چند هدف اصلی را با تمام امکانات و توانایی های خود دنبال نماییم. شاید توجه بیشتر به سیاست های کلی نظام و اهداف مندرج در آن، می توانست عملکرد بهتری را در زمینه بخش صنعت کشور رقم بزند.

سردبیر: خیلی مناسب خواهد بود چنانچه حضرتعالی با استفاده از آمار های موجود، مباحث خودتان در باب صنعت را مستند بفرمایید

ملایری: ما اخیرا در یک طرح تحقیقاتی کارنامه ۴۰ ساله صنعت در ایران را بررسی کردیم که در پاسخ به سؤال شما، به یافته ها و نتایج این طرح استناد می کنم. نرخ تورم در کشور در طی ۴۰ سال اخیر اکثرا دو رقمی و قابل توجه بوده است. در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی معضل تورم مشکل بسیاری از کشورهای در حال توسعه بود ولی بیش از ۱۰ سال است که این مشکل در اغلب کشورها حل گردیده و قابل حل ارزیابی می گردد. ولی در ایران هیچگاه نتوانسته ایم برای یک دوره ی بیش از دو یا سه ساله معضل تورم را حل نموده و آن را در حول و حوش ۷ الی ۸ درصد نگاه داریم. در ۴۰ ساله بعد از انقلاب متوسط این متغیر در حدود ۲۰ درصد بوده است. تورم بالا و در حدود ۲۰ درصدی در سالهای بعد از انقلاب امکان سرمایه گذاریهای بلند مدت را سلب نموده و نااطمینانی را افزایش می دهد.

رشد اقتصادی در سالهای اولیه انقلاب تا پایان جنگ در اکثر سالها منفی بوده است که برای یک جنگ طولانی خارج از انتظار نمی باشد. در سالهای بعد از جنگ نیز نرخ رشد اقتصادی بسیار نوسانی و تابع قیمت جهانی نفت، صادرات نفت، تحریم های بین المللی و سیاست های اقتصادی دولتهای مختلف بوده است که محیط نامناسبی را برای سرمایه گذاری و صنعت کشور پدیدار گردانیده است.

رشد سرمایه گذاری در کشور حتی با شدتی بیشتر از رشد اقتصادی طی ۴۰ سال اخیر نوسانی بوده و حتی در سالهایی که این رشد اقتصادی بسیار بالا بوده است نتوانسته به رشد اقتصادی منجر گردد که دلیل آن طولانی شدن سرمایه گذاریها تا مرحله بهره برداری از آنها، کاهش بهره وری، نامناسب بودن پروژه های انتخابی و سهم کوچک بخش خصوصی از این سرمایه گذاریها را می توان نام برد.

نرخ بیکاری در کشور به استثناء یکسال در طول دوره مورد مطالعه دو رقمی بوده و از این نظر نیز نتوانسته ایم در طول سالهای مورد نظر بهبودی در کاهش نرخ بیکاری حاصل گردانیم. کشور ایران نسبت به کشورهای در حال توسعه و نسبت به کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی ۴۰ سال اخیر، نتوانسته از سرمایه گذاری مستقیم خارجی بهره مند گردد و طی سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۸۰ همواره این رقم زیر ۱ میلیارد دلار بوده است و در سالهایی حتی منفی و تنها چند میلیون دلار بوده است. از سال ۱۳۸۱ به بعد ارقام مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی تا حدودی بهبود یافت و در حول و حوش ۲ میلیارد دلار تا ۵ میلیارد دلار سالانه بوده است که در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار نازل می باشد.

درصد تغییر نرخ ارز بازار آزاد در ایران بعد از جنگ، نوسانی و روند آن افزایشی بوده است به طوری که طی سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۸، در حدود ۷/۲ برابر شده است و طی سالهای ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۹، ۱/۳ برابر و طی سالهای ۱۳۹۰ الی ۸ ماهه ی اول ۱۳۹۷، تقریباً ۷/۲ برابر و در کل دوره ۱۳۶۸ الی هشت ماهه ی اول ۱۳۹۷، تقریباً ۸۱ برابر شده است و نشانگر کاهش ارزش پول ملی طی ۳۰ سال اخیر است که این خود باعث افزایش نااطمینانی ها و جلوگیری از سرمایه گذاری

داخلی و خارجی به میزان مطلوب به ویژه توسط بخش خصوصی گردیده است. در این طرح تحقیقاتی همچنین نگاه آماری ویژه به بخش صنعت از زوایای مختلف داشتیم که در ادامه به آنها اشاره می‌کنم؛

۱. آمار تولید محصولات منتخب صنعتی ۱۳۹۶-۱۳۵۷

در این طرح ابتدا تولید محصولات منتخب (۴۵ محصول) طی ۴۰ سال اخیر را از نظر آماری بررسی کردیم که از یافته آن می‌توان تحلیل‌ها و استنباط‌های با ارزشی را به انجام رساند.

فولاد خام در ۴۰ ساله انقلاب رشد قابل توجهی داشته و از ۵۸۷ هزار تن در سال ۱۳۵۸ به ۲۰۸۳۳ هزار تن در سال ۱۳۹۶ رسیده است یعنی بیش از ۳۵ برابر شده است.

همچنین تولید محصولات فولادی از ۷۴۰ هزار تن در سال ۱۳۵۸ به ۱۸۷۹۲ هزار تن در سال ۱۳۹۶ رسیده است؛ یعنی بیش از ۲۵ برابر شده است. ولی در زنجیره ی تولید فولاد، کمتر به تولید محصولات فولادی که ارزش افزوده بالایی دارند و نیاز به تکنولوژی‌های پیشرفته تری دارند، پرداخته ایم.

در خصوص تولید سیمان نیز از رقم ۷۶۲۰ هزار تن در سال ۱۳۵۸ به رقم ۵۴۷۲۰ هزار تن در سال ۱۳۹۶ رسیده ایم که نشان از ۷ برابر شدن تولید سیمان در کشور طی این زمان دارد و این در حالی است که جمعیت کشور طی این زمان ۲/۴ برابر شده است.

تولید پودر شوینده از ۱۰۱ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به رقم ۶۵۷ هزار تن در سال ۱۳۹۶ رسیده است یعنی در طول حدود ۴۰ سال، ۶/۵ برابر شده است.

تولید لاستیک خودرو از ۴۰ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به عدد ۲۲۴ هزار تن در سال ۱۳۹۶ رسیده است که نشانگر ۵/۶ برابر شدن تولید این محصول دارد.

همچنین تولید محصولات پتروشیمی از ۱/۶ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به ۵۳/۵ میلیون تن در سال ۱۳۹۶ رسیده است که نمایانگر بیش از ۳۳ برابر شدن تولید این محصول دارد. ولی در خصوص محصولات پتروشیمی نیز در زنجیره ی تولید این محصول، تعداد محدود و با ارزش افزوده پایین تر را بیشتر تولید می‌نماییم و برخی از تولیدات این زنجیره که نیاز به تکنولوژی بالا و دارای

ارزش افزوده بسیار بالا می باشد را نتوانسته ایم طی این سالها در آنها سرمایه گذاری مناسب را صورت دهیم.

اکنون در مرحله ای از تولید صنعتی قرار داریم که لازم است حداقل در ۱۰ الی ۲۰ محصول مهم و استراتژیک، تحلیل صحیحی از زنجیره های تولید این محصولات صورت دهیم و علاوه بر تکمیل حداکثری این زنجیره های تولید، تمرکز خود را بیشتر بر تولید زنجیره های با ارزش افزوده بالا و قابلیت صادراتی معطوف نماییم.

۲. شاخص کل اشتغال، شاخص کل مزد و حقوق و مزایای پرداختی و شاخص کل تولید کارگاه های بزرگ صنعتی

شاخص کل اشتغال کارکنان کارگاه های بزرگ صنعتی (۱۰۰=۱۳۹۵)، در طی ۲۰ سال از ۱۳۵۳ الی ۱۳۷۳، ۱/۸ برابر شده است و این شاخص طی سالهای ۱۳۷۴ الی ۱۳۹۶ یعنی طی ۲۲ سال ۲۰/۱ برابر شده است که این مسئله تا حدی ناشی از ذات استفاده از تکنولوژی ها طی زمان است که کمتر کاربر می باشند ولی از روی شاخص کل تولید کارگاه های بزرگ صنعتی می توانیم استنتاج دقیق تری داشته باشیم. شاخص کل تولید کارگاه های بزرگ صنعتی (۱۰۰=۱۳۹۵) در طی سالهای ۱۳۵۳ الی ۱۳۷۳، ۲/۴ برابر شده است و این شاخص طی سالهای ۱۳۷۴ الی ۱۳۹۶ یعنی طی ۲۲ سال، ۶/۸ برابر شده است. بنابراین بخشی از عدم افزایش اشتغال در کارگاه های بزرگ صنعتی، به دلیل استفاده از تکنولوژی های به روزتر بوده است که کمتر کاربر می باشند. طی سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۹۶ یعنی نزدیک به ۴۰ سال بعد از انقلاب، شاخص کل اشتغال کارکنان کارگاه های بزرگ صنعتی، تقریباً ۲/۲ برابر شده است و شاخص کل تولید کارگاه های بزرگ صنعتی طی این زمان، ۱۳/۶ برابر شده است. جمعیت کشور طی این زمان تقریباً ۲/۴ برابر شده است.

۳. سرانه جبران خدمات شاغلان و نرخ تورم

در سالهای ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۷ یعنی اوایل انقلاب اسلامی تا پایان جنگ، در اکثر سالها، نرخ تورم بیشتر از رشد سرانه جبران خدمات شاغلان بوده است که منجر به کاهش قدرت خرید مردم و

بدتر شدن وضعیت اقتصادی کارگران و کارمندان شده است.

در سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۸ یعنی دهه ی اول پس از پایان جنگ و بازسازی های پس از جنگ، در اکثر سالها درصد تغییر جبران خدمات شاغلان به استثناء سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸، بیشتر از تورم بوده است.

همچنین در سالهای ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۹ یعنی تقریبا دهه ی دوم پس از جنگ، در اکثر سالها، درصد تغییر جبران خدمات شاغلان از نرخ تورم بیشتر بوده است و در سالهای اخیر، ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴، در سه سال اول، نرخ تورم بیشتر از جبران خدمات شاغلان و در ۲ سال پایانی، رشد جبران خدمات شاغلان بیشتر از نرخ تورم بوده است.

۴. درصد مواد اولیه وارداتی نسبت به کل مواد اولیه مصرفی در بخش صنعت

درصد مواد اولیه وارداتی به کل مواد اولیه بکار رفته در بخش صنعت، طی زمان و در ۴۰ ساله بعد از انقلاب کاهش یافته است و از حدود ۵۰ درصد تا سالهای ۱۳۶۴، به حدود ۱۰ درصد در سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ کاهش یافته است. البته در شرایط تحریم های شدید خارجی نیز این متغیر تحت تاثیر قرار می گیرد. همانطور که ملاحظه می شود در سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ که تحریم های شدیدی قبل از برجام اعمال شده بود، این سهم به زیر ۷ درصد کاهش یافته بود.

۵. ارزش داده ها و ستانده های فعالیت های صنعتی و نسبت آنها

ارزش ستانده ها به داده های فعالیت های صنعتی که تا حدی نمایانگر شاخص بهره وری می باشد، از عدد تقریبا ۲ در سالهای ۱۳۵۹ الی ۱۳۷۱، سیر کاهنده را طی نموده و از ارقام حدودا ۱/۷ طی سالهای ۱۳۷۲ الی ۱۳۸۱، به ارقام در محدوده ۱/۶ تا ۱/۵ در سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۷ کاهش یافته و این وضعیت نامناسب به سیر کاهنده خود تا سال ۱۳۹۴ ادامه داده به طوری که نسبت ستانده ها به داده های فعالیت های صنعتی در سالهای ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴ در حدود ۱/۳۵ بوده است و از نامناسب بودن وضعیت در فعالیت های صنعتی حکایت دارد.

۶. ارزش تولید و ارزش مواد اولیه خارجی مصرف شده و سهم این مواد در کارگاه های صنعتی

سهم مواد اولیه خارجی مصرف شده در ارزش تولیدات کارگاه های صنعتی در سالهای ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۵ بالا و به طور متوسط در حدود ۲۵ درصد بوده است. این سهم طی سالهای ۱۳۶۶ الی ۱۳۸۴ کاهش یافته و مجدداً طی سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ کاهش بیشتری یافته است. این سهم همچنین تحت تاثیر وضعیت اقتصادی ایران و تحریم های بین المللی بوده است.

۷. ارزش افزوده صنعت، تولید ناخالص داخلی و سهم ارزش افزوده صنعت از تولید ناخالص داخلی

سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی، از اول انقلاب تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷، به طور متوسط در حدود ۱۰ درصد بوده است این سهم در دهه ی اول بعد از جنگ یعنی سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۷ افزایش یافته و به طور متوسط به حدود ۱۵/۴ درصد ارتقاء یافت. در دهه ی دوم پس از جنگ یعنی سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۷ این سهم به طور متوسط ۱۴/۶ درصد بوده است و در سالهای ۱۳۸۸ به بعد این سهم کاهش یافته و در حدود ۱۲ درصد است. البته در اینجا بخش صنعت بدون لحاظ بخش نفت، معدن و آب و برق و گاز می باشد. برای صنعتی شدن کشور به ویژه رشد صنایع کارخانه ای، بهبود محیط اقتصاد کلان، ارتباطات مناسب تر بین المللی و استفاده از فناوری های روز دنیا، افزایش هزینه های تحقیق و توسعه و ارتقاء نوآوری ها مورد نیاز است.

۸. ارزش صادرات و ارزش تولیدات در کارگاه های صنعتی و نسبت آنها

ارزش صادرات کارگاه های صنعتی به ارزش تولید این کارگاه ها بسیار کم می باشد و در طی ۲۲ سالی که آمار آن ارائه شده است، حداکثر در حد ۱۳ درصد بوده است. این آمار نشانگر این است که اکثر تولیدات کارگاه های صنعتی ما قابلیت صادرات ندارند و رقابت پذیر نمی باشند و بازار صادراتی مناسب را نیافته اند. تا زمانی که تولیدات صنعتی ما قابلیت رقابت را نداشته باشند و از کیفیت لازم برخوردار نباشند، امکان ارتقاء و بهبود این شاخص اقتصادی وجود ندارد. البته

تقویت مناسبات اقتصادی با کشورهای دوست و غیر متخاصم نیز در این راستا، الزامی است.

سردبیر: در ادامه آقای دکتر شقاقی شهری مطالب تکمیلی خودشان را در باره دستاورد های توسعه ای کشور مطرح نمایند.

شقاقی شهری: پیش از انقلاب، پنج برنامه عمرانی به اجرا درآمد که در آنها با افزایش درآمدهای نفتی، انجام اصلاحات ارضی و گشودن دروازه های اقتصادی به سوی بازارها و کالاهای خارجی و تاثیر نیروی کار ارزان مهاجرین به شهرها، گسترش بازار مصرفی و تلاش بسیار برای صنعتی شدن ایران مورد توجه قرار گرفت. با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و با تدوین قانون اساسی، اهداف و خط مشی های کلان نظام حول جایگزینی واردات با تولیدات داخلی و سیاست تشویق صادرات غیرنفتی و کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی و نیز تلاش در جهت خودتکایی محصولات استراتژیک تدوین شد. بعد انقلاب و جنگ تحمیلی مجدداً برنامه ریزی اقتصادی بر مبنای اهدافی تازه در چارچوب نیازها و دیدگاه های جمهوری اسلامی و براساس قانون اساسی مورد نظر قرار گرفت و از سال ۱۳۶۸ تاکنون پنج برنامه توسعه پنجساله تدوین و اجرایی شده است.

برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) بعنوان اولین برنامه تصویب و اجرا شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشور دچار جنگ تحمیلی ناخواسته شد و شرایط اجرای برنامه اقتصادی جامع را با موانعی مواجه ساخت. در این برهه، خسارتی بالغ بر یک هزار میلیارد دلار به صورت مستقیم و غیرمستقیم برپیکره اقتصاد کشور تحمیل شد. پس از اتمام جنگ، نخستین برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی پنج ساله به اجرا درآمد. در این برنامه رشد تولید ناخالص ملی اقتصاد کشور بطور متوسط ۷/۷ درصد ارزیابی شد که پس از سالها رکود اقتصادی، دستاورد نسبتاً مثبتی محسوب می شد. در این برنامه بیشترین توجه به امور زیربنایی معطوف گشت. در اواسط برنامه به دلیل بروز جنگ خلیج فارس، قیمت نفت تا بشکه ای ۲۵ دلار افزایش یافت و درآمد ارزی کشور از میزان پیش بینی برنامه فراتر رفت، ولی متأسفانه واردات بیش از حد کالاهای مصرفی موجب شد که کشور در پایان برنامه دچار کسری تراز پرداختهای ارزی شود. این امر، نشانگر

عدم رشد صادرات کالاهای غیرنفتی و تداوم اقتصاد مبتنی بر درآمد نفت بود.

برنامه دوم توسعه برای دوره (۷۸-۱۳۷۴) بود. پس از پایان برنامه پنج ساله اول توسعه در سال ۱۳۷۲ می بایست برنامه دوم از سال ۱۳۷۳ آغاز می شد، اما متأسفانه بدلیل برخی مشکلات و چالشهای موجود این امر تحقق نیافت. لذا برنامه توسعه دوم از سال ۱۳۷۴ آغاز شد. در برنامه دوم رویکرد اصلی دولت بر محور قرار دادن بخش کشاورزی به عنوان اساس و مبنای توسعه اقتصادی معطوف بود. این برنامه به دلیل نوسانات حاکم بر قیمت نفت در بازارهای جهانی و عدم توفیق کامل دولت در اجرای بهینه طرح های خصوصی سازی و اصلاح ناکارآمد شرکت های دولتی و سایر مسائل باتوفیق همراه نشد. اما در زمینه های معینی از برنامه های زیربنایی عمرانی کشور پیشرفت های نسبتاً خوبی حاصل شد.

برنامه سوم توسعه در دوره (۸۳-۱۳۷۹) اجرایی گردید. سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه در بخش اقتصادی بطور خلاصه عبارت بودند از: تمرکز همه فعالیتهای اقتصادی به سوی «عدالت اجتماعی»، ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی، تلاش برای مهار تورم، اصلاح نظام مالیاتی، توسعه عمران روستایی، اشتغال زایی، حفظ امنیت سرمایه گذاری، فراهم ساختن امنیت غذایی، اصلاح نظام پولی، پرهیز از سلطه بیگانگان در جذب منابع خارجی، و آموزش نیروی انسانی در کلیه سطوح.

برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) با هدف تسریع رشد اقتصادی، افزایش توان رقابت پذیری اقتصاد، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، توسعه مبتنی بر دانایی، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و برقراری توازن منطقه ای، توسعه سلامت و بهبود کیفیت زندگی، تامین امنیت انسانی، حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و نیز صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی و ایرانی تدوین شد.

برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور (۹۴-۱۳۹۰) با دو سال وقفه ایجاد شده برای تدوین و شروع در ۱۵ دیماه سال ۱۳۸۹ در ۲۳۵ ماده و در نه فصل به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و اجرای آن با ابلاغ در سال ۱۳۹۰ رسماً آغاز شد و دوره زمانی این برنامه تا پایان سال ۱۳۹۴ بود. در اساس زمان بندی اجرای این برنامه قرار بود تا پایان سال ۱۳۹۴ نهایی شود اما از آنجایی که

این برنامه نتوانست مسیر خود را بدرستی طی کند یکسال زمان اجرای آن تمدید و تکمیل اجرای آن به سال ۱۳۹۵ موکول شد. برنامه پنجم توسعه بعنوان دومین برنامه پنجساله سند چشم انداز ۱۴۰۴، با هدف تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸ درصد، توسعه سرمایه گذاری و جذب منابع و سرمایه های خارجی، ارتقای سهم بهره وری در رشد اقتصادی به یک سوم در پایان برنامه؛ قطع وابستگی بودجه به نفت تا پایان برنامه و واریز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده های نفتی به صندوق توسعه ملی، واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی و تعاونی ذیل سیاستهای کلی اصل ۴۴، توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد گردد، رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد و کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به طوری که ضریب جینی حداکثر ۳۵ درصد در پایان برنامه باشد، تدوین و اجرایی شد.

اگر بخواهیم ارزیابی از عملکرد برنامه های توسعه بعد از انقلاب اسلامی در جهت تحقق اهداف اقتصادی داشته باشیم، می توانیم این عملکرد را بر اساس چند شاخص بررسی کنیم؛

۱- رشد اقتصادی: درخصوص رشد اقتصادی، تمرکز برنامه اول توسعه عمدتاً بر توسعه بخش خصوصی و بازسازی خرابی های بعد از جنگ تحمیلی بوده و متوسط رشد اقتصادی در برنامه اول ۷.۴ درصد رقم خورد که بیشترین میزان رشد اقتصادی در مقایسه با برنامه های توسعه بعد از انقلاب بوده است. با این حال رشد اقتصادی در سنوات ۷۲ و ۷۳ بترتیب ۱.۵ و ۰.۵ درصد بوده و متوسط بالای رشد اقتصادی برنامه اول ماحصل رشد اقتصادی دورقمی سالهای ۶۹ (۱۴.۱ درصد) و ۷۰ (۱۲.۱ درصد) می باشد. در برنامه دوم توسعه (۷۸-۷۴)، متوسط رشد اقتصادی ۳.۲ درصد و برای برنامه سوم توسعه (۸۳-۷۹)، ۶.۱ درصد بوده است. با اینکه متوسط رشد اقتصادی برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه اول توسعه پایین تر بوده، ولی ثبات و استمرار رشد اقتصادی بویژه در برنامه سوم چشمگیر و مشهود است و رشد اقتصادی نوسانی نبوده و پایدار بوده است که این نکته نشانگر سیاست های صحیح اتخاذ شده در برنامه سوم توسعه در جهت تحقق رشد اقتصادی

پایدار و باثبات قلمداد می گردد. همچنین متوسط رشد اقتصادی برنامه چهارم توسعه (۸۸-۸۴) حدود ۴.۴ درصد بوده که علیرغم افزایش بی سابقه درآمدهای نفتی دولت طی این دوره، رشد اقتصادی ۴.۴ درصد، رشد بالا و مناسب بشمار نمی رود. درضمن سالهای پایانی برنامه چهارم و آغاز برنامه پنجم همراه با تشدید تحریم ها و ایجاد تکانه مقداری نفت بوده، به طوری که در سالهای ۹۱ و ۹۲ رشد اقتصادی منفی و بترتیب ۶.۸- و ۱.۹- درصد شد که اثرات همین رشدهای منفی اقتصادی، تعمیق رکود اقتصادی در کشور بود. با این حال از سال دوم برنامه پنجم رشد اقتصادی تاحدودی افزایش یافت. رشد اقتصادی در سال ۹۲ معادل ۰.۹ درصد، سال ۹۳ معادل ۳ درصد و سال ۹۴ معادل یک درصد اعلام گردید.

نرخ رشد اقتصادی کشور از ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۹۳ به تفکیک برنامه های توسعه پنجساله

عنوان	برنامه اول ۶۸-۷۲	برنامه دوم ۷۴-۷۸	برنامه سوم ۷۹-۸۳	برنامه چهارم ۸۴-۸۸	برنامه پنجم ۹۰-۹۴
متوسط رشد اقتصادی	۷.۴	۳.۲	۶.۱	۴.۴	-۰.۳۸

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه

۲- تورم: در مجموع دوره هشت ساله ۶۸-۱۳۶۰ میانگین نرخ تورم ۱۹/۳ درصدی بود. کاهش قیمت نفت و آزادسازی های قیمتی و بروز عدم تعادل های جدی در اقتصاد ایران که در نتیجه اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی بود، باعث شد نرخ تورم یک سیر صعودی داشته و به ۴۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید تا بیشترین نرخ تورم اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی ثبت شود. در مجموع متوسط نرخ تورم در دوره سازندگی به ۲۵/۲ درصد رسید که بالاترین میانگین نرخ تورم در میان دولت های بعد از انقلاب به شمار می رود.

در برنامه دوم توسعه، تورم با تمهیداتی همچون تاسیس حساب ذخیره ارزی و محدود کردن هزینه کردهای ارزی دولت کاهش یافت. متوسط نرخ تورم در دوره برنامه سوم توسعه نیز ۱۴.۲

درصد رسید که پایین ترین میانگین نرخ تورم در میان برنامه های توسعه بعد از انقلاب به شمار می رود.

در سالهای برنامه چهارم توسعه به دلایل مختلف نظیر عدم انضباط مالی و پولی، اجرای طرح هدفمندی یارانه ها و آزادسازی قیمت حامل های انرژی و نیز وضع تحریم های بین المللی و متعاقب آن مشکلات فراروی صادرات نفت، نرخ تورم از ۱۰/۸ درصد سال ۸۸ به ۳۰/۵ درصد سال ۹۱ افزایش یافت و در سال ۱۳۹۲ نیز ۳۴/۷ درصد ثبت شد. متوسط نرخ تورم برنامه چهارم توسعه حدود ۱۵.۳۸ درصد گزارش شده است.

درضمن در اواخر برنامه پنجم توسعه، ارائه تصویر مثبت و روبه بهبود از فضای بین المللی درکنار اتخاذ سیاست های انضباط مالی و کنترل رشد پایه پولی توانست به کاهش نرخ تورم از حدود ۳۵ درصد سال ۱۳۹۱ به تورم تک رقمی ۹ درصدی در سال ۱۳۹۵ منجر گردد.

وضعیت نرخ تورم در اقتصاد ایران بعد انقلاب اسلامی و به تفکیک برنامه های توسعه

عنوان	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
	۶۸-۲۲	۷۴-۷۸	۷۹-۸۳	۸۴-۸۸	۹۰-۹۴
نرخ تورم (درصد)	۱۸.۸	۲۵.۶۲	۱۴.۲	۱۵.۳۸	۲۲.۸۴

ماخذ: بانک مرکزی

۳- تحولات ارزی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بدلیل حمایت از واردات کالاهای اساسی و صادرات محصولات مزیت دار، یک نظام چند نرخ (ریال به دلار) اجرا گردید. اما پس از چندی در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱ دوباره ریال به حق برداشت مخصوص SDR (به نرخ ۹۲/۳ به هر واحد) تثبیت شد. این تغییرات موجب تغییر نرخ رسمی ارز نگردید و نرخ ارز رسمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی ثابت ماند. در عمل نرخ رسمی دلار در ایران بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۲ بین ۶۵ تا ۷۵ ریال نوسان داشت. افزایش نرخ تورم در داخل در مقایسه با کشورهای صنعتی با توجه به ثابت بودن نرخ رسمی ارز، به کالاهای وارداتی مزیت اقتصادی

بخشید و توان رقابتی محصولات ایران در بازارهای بین‌المللی را کاهش داد. از سال ۱۳۶۷ و طی برنامه اول توسعه، نظام شناور مدیریت شده و تک‌نرخ نمودن ارز بر بازار حاکم گردید. در سال ۱۳۶۹ سیاست ارزی و بازرگانی کشور در راستای سیاست تعدیل اقتصادی به منظور دستیابی به نرخ تعادلی ارز و کاهش تاثیر نوسانات بازار غیررسمی ارز مدنظر قرار گرفت. اقدامات به عمل آمده در زمینه یکسان سازی نرخ ارز که از سال ۶۸ آغاز شده بود در این سال شدت بیشتری گرفت و در فروردین ماه سال ۱۳۷۲ سیاست یکسان سازی نرخ ارز به اجرا در آمد و نرخهای سه‌گانه ملغی اعلام شد و نرخ جدید ابتدا ۱۵۰۰ ریال بر هر دلار انتخاب شد. طی سالهای ۱۳۷۴ تا نیمه اول ۱۳۸۳، نرخ ارز و نوسان‌های آن افزایش یافت و مجدداً شکاف عمیقی بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد ایجاد شد. در واقع در برنامه سوم توسعه عمدتاً در قالب سیاست تثبیت و پذیرش نظام چندنرخ ارز عمل شد. درنهایت در سال ۱۳۸۱ دولت سیاست یکسان سازی نرخ ارز اعمال کرد. سیاست یکسان سازی انجام شده در سال ۸۱ در واقع بسیار موفقیت‌آمیزتر از یکسان سازی شکست‌خورده سال ۷۲ بود. از مهمترین سیاستهای ارزی برنامه چهارم توسعه می‌توان به ثبات بازار و نرخ ارز تا سال ۱۳۸۹، تداوم فعالیت حساب ذخیره ارزی، تشکیل صندوق توسعه ملی، پیدایش اولین شکاف قابل توجه بین نرخ رسمی و بازار آزاد در نیمه اول ۱۳۸۹، شکل‌گیری بحران ارزی از نیمه دوم ۱۳۹۰ و تشدید آن در سال ۱۳۹۱ به دنبال تشدید تحریم‌های بین‌المللی و افزایش شکل سطح عمومی قیمت‌ها در داخل، شکل‌گیری نظام چندگانه ارزی، ممنوعیت صادرات برخی کالاها و اولویت بندی کالاهای وارداتی به ده گروه و تشکیل مرکز مبادلات ارزی در سال ۱۳۹۱ اشاره نمود. با روی کار آمدن دولت یازدهم و شروع مذاکرات هسته‌ای، بدلیل ایجاد فضای روشن و امیدبخش از آینده اقتصاد ایران و انتظار جامعه از برطرف شدن تحیم‌های وضع شده نوسانات نرخ ارز نیز کاهش یافت و تقریباً دلار روند باثباتی را طی کرد. با این حال اواخر دولت بدلیل تحولات رخ داده در انتخابات امریکا و برخی اظهارات مقامات آن کشور درخصوص لزوم بازنگری در برجام و بروز مجدد نگرانی در کشور درخصوص آینده برجام از یک سو و عدم تزیق ارز کافی به بازار از طرف دیگر موجب

گردید دلار مجدداً سیر افزایشی و نوسانی داشته و به طی چندماه حدود ۴۰۰ تومان افزایش یابد. درضمن دولت یازدهم در آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز نیز توفیقی نداشت و نتوانست این سیاست را علیرغم وعده هایی که می داد اجرایی کند.

۴- بازار کار و اشتغال: سیاستهایی برای توسعه سرمایه گذاری بخش غیردولتی و حمایت از صنایع کوچک، متناسب سازی دستمزد و حقوق با بهره وری نیروی کار و سیاست های تشویقی و انگیزشی برای جذب متخصصین در نواحی محروم، گسترش آموزش های فنی و حرفه ای و آموزش مدیران، اعمال سیاست های تجاری، سیاست ایجاد اشتغال در خارج از کشور و گسترش همکاری های فنی و مبادله نیروی کار و بالاخره اصلاح قوانین و مقررات در جهت تشویق سرمایه گذاری خصوصی و توسعه بازار کار از جمله سیاست های اتخاذ شده در برنامه اول توسعه بوده است. عملکرد برنامه نشان می دهد تحقق اهداف پیش بینی شده تا حدودی از موفقیت نسبی برخوردار بوده و نرخ بیکاری به ۹.۱ درصد رسید.

در برنامه سوم توسعه اصلاح قوانین و مقررات بازار کار درکنار اجرای سیاست های فعال بازار کار و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه سرمایه گذاری های بخش غیردولتی به منظور افزایش فرصت های شغلی در مقایسه با برنامه های گذشته فعال تر شده و اثر این تحرک در بهبود نسبی عملکرد اشتغال مشهود بوده است.

اعطای تسهیلات اشتغالزایی و توسعه صنایع کوچک و متوسط (بنگاههای زودبازده) و کسب و کارهای خانگی به عنوان محورهای اولویت دار سیاست ها و خط مشی های برنامه چهارم توسعه انتخاب شدند. با این حال عملکرد برنامه چهارم توسعه در اشتغالزایی از طریق بنگاههای زودبازده و مشاغل خانگی و کارآفرینی موفقیت آمیز نبوده به طوری که طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ بطور متوسط سالانه حدود ۱۴ هزار شغل ایجاد شد که با ۲.۵ میلیون اشتغال وعده داده شده دولت تفاوت فاحش داشت.

طی برنامه پنجم توسعه هم درخصوص افزایش اشتغال سیاست مشخصی ارائه نشد و اتکای اشتغال به رشد اقتصادی به عنوان راهبرد اصلی دنبال گردید. بعبارت دیگر اعلام شد که با

افزایش رشد اقتصادی، اشتغال نیز ایجاد خواهد شد. انفعال در اتخاذ راهبردهای مشخص برای ایجاد اشتغال بویژه اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی و عدم ارائه تصویر روشن از افزایش اشتغال از طریق توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط موجب گردید همچنان شاهد چالش جدی در زمینه اشتغالزایی باشیم.

وضعیت نرخ بیکاری در اقتصاد ایران بعد انقلاب اسلامی و به تفکیک برنامه‌های توسعه

عنوان	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
	۶۸-۷۲	۷۴-۷۸	۷۹-۸۳	۸۴-۸۸	۹۰-۹۴
نرخ بیکاری (درصد)	۹.۱	۱۳.۰۳	۱۲.۶۸	۱۱.۱۲	۱۱.۲۸

ماخذ: مرکز آمار ایران

۵- بهره‌وری: با توجه به بررسی روند آمار و اطلاعات مربوط به شاخص‌های بهره‌وری نیروی کار، بهره‌وری سرمایه و بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) تغییرات این شاخص‌ها طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۳ نوسان بسیاری داشته است. میانگین رشد بهره‌وری نیروی کار طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ در حدود ۱.۸۴ درصد و بهره‌وری سرمایه ۰.۶۲- درصد محاسبه شده است. میانگین رشد بهره‌وری کل عوامل تولید نیز طی دوره مذکور در حدود ۰.۸۹ درصد بوده است. همچنین شایان ذکر است رشد بهره‌وری نیروی کار در اکثر سال‌های قبل از ۱۳۹۱ به جز ۴ سال هر ساله مثبت بوده درحالیکه رشد بهره‌وری سرمایه در اکثر سال‌های مورد مطالعه منفی بوده است. رشد بهره‌وری کل (TFP) نیز تقریباً در نیمی از سال‌های مورد مطالعه منفی بوده است. متوسط رشد بهره‌وری سرمایه در کل اقتصاد طی سال‌های برنامه‌های اول تا پنجم توسعه به ترتیب برابر با ۰.۹۳، ۰.۸۵، ۱.۲۴، ۰.۴۴- و ۲.۸۹- و متوسط رشد بهره‌وری نیروی کار طی برنامه‌های مورد مطالعه به ترتیب برابر با ۳.۴۲، ۱.۵۲، ۲.۱۹، ۳.۳۱ و ۱.۲۲- بوده است که حاکی از کاهش شدید این دو شاخص در برنامه پنجم نسبت به برنامه‌های ماقبل بوده است. همچنین بهره‌وری کل عوامل تولید در برنامه اول تا پنجم به ترتیب ۲.۱۷، ۱.۱۸، ۱.۷۲، ۱.۴۳ و ۲.۰۵- درصد رشد داشته است که بیانگر روندی کاهنده است. درضمن برآوردهای صورت گرفته از

سهم رشد بهره‌وری نیز حاکی از این می باشد که در بین برنامه‌های پنجساله مورد بررسی، برنامه سوم با سهم ۲۹.۹ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید از رشد اقتصادی، بهترین عملکرد را در بین برنامه های توسعه داشته است.

خلاصه روند بهره‌وری در برنامه‌های پنجساله توسعه

برنامه اول توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه سوم توسعه	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه	بهره‌وری
۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	۱۳۸۴-۸۸	۱۳۹۰-۹۴	
۳.۴۲	۱.۵۲	۲.۱۹	۳.۳۱	-۱.۲۲	رشد بهره‌وری نیروی کار
۰.۹۳	۰.۸۵	۱.۲۴	-۰.۴۴	-۲.۸۹	رشد بهره‌وری سرمایه
۲.۱۷	۱.۱۸	۱.۷۲	۱.۴۳	-۲.۰۵	رشد بهره‌وری کل اقتصاد

* آمار و اطلاعات سال ۱۳۹۴ منتشر نشده است.

ماخذ: سازمان ملی بهره‌وری

۶- کاهش نابرابری و توزیع درآمد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل توجه بیشتر دولت به مسأله عدالت اجتماعی و رسیدگی به محرومین و اقشار آسیب‌پذیر و طرح بسیج اقتصادی و انتشار کوپن و ایجاد سامانه کالاهای اساسی و قیمت‌گذاری دستوری و نظارت قیمتی و چندنرخ کردن ارز، شاخص نسبت دهک بالا به پایین از رقم ۲۶/۶ در سال ۱۳۵۸ به ۱۷/۳ در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. ضریب جینی نیز حدود ۰/۴۱ بوده که نسبت به دولت‌های بعدی بیشتر بوده ولی از یک کاهش محسوس نسبت به قبل انقلاب برخوردار بوده است. شاخص نسبت دهک بالا به پایین طی برنامه اول توسعه، کاهش محسوسی نداشته و تقریباً ثابت ماند و ضریب جینی ۰/۳۹۷ بوده است. در واقع در این دوره یکسان سازی نرخ ارز، آزادسازی قیمت‌ها و اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و مالی موجب افزایش شدید قیمت‌ها و تحقق نرخ تورم

۴۹٫۴ درصدی شد که این نرخ تورم با مقوله بهبود توزیع درآمدی رابطه عکس دارد و رویکردها عمدتاً اجرای سیاستهای رونق تولید و رشد اقتصادی بود تا عدالت اجتماعی. در برنامه دوم توسعه در کنار بحث خصوصی سازی و رشد اقتصادی، به مقوله عدالت اجتماعی نیز توجه شد و نسبت دهک بالا به پایین از ۱۶/۱ در سال ۱۳۷۴ به ۱۵/۴ در سال ۱۳۷۸ بهبود یافت و در طی برنامه سوم نیز از رقم ۱۵ در سال ۱۳۷۹ به ۱۴/۶ در سال ۱۳۸۳ کاهش یافت. ولی ضریب جینی به بالای ۰/۴ رسید. در برنامه چهارم توسعه، اتخاذ سیاست ها و طرح های نظیر مسکن مهر و توزیع یارانه نقدی به اقشار مختلف مردم موجب شد شاخص نسبت دهک بالا به پایین از ۱۴/۵ سال ۱۳۸۴ به ۱۴/۱ در سال ۱۳۸۸ و ۱۰/۷۹ در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت. ضریب جینی نیز به ۰/۳۸ تنزل یافت. در برنامه پنجم توسعه همچنان پرداخت یارانه نقدی ادامه یافت. در ضمن سیاست و راهبرد مشخصی برای بهبود توزیع درآمد اتخاذ نگردید. طرح مسکن اجتماعی به سرانجامی نرسید. در ضمن طرح هایی همچون ارائه کارت اعتباری، تسهیلات ده میلیون تومانی و تسهیلات خودرو چندان موفقیت آمیز نبودند. لذا در خصوص بهبود توزیع درآمد در برنامه پنجم توسعه نمی توان قضاوت روشنی ارائه داد و شواهد قوی دال بر بهبود وضعیت توزیع درآمد مشاهده نمی گردد.

وضعیت شاخص های توزیع درآمد در اقتصاد ایران به تفکیک برنامه های توسعه

دوره و برنامه های توسعه	دوره ۱۳۵۷-۶۷	برنامه اول (۱۳۶۸-۷۳)	برنامه دوم (۱۳۷۴-۷۸)	برنامه سوم (۱۳۷۹-۸۳)	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۸۸)	برنامه پنجم (۱۳۹۱-۹۴)
ضریب جینی	۰٫۴۱۷	۰٫۳۹۸	۰٫۳۹۹	۰٫۴۰۶	۰٫۳۹۶۸	۰٫۳۷۵
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت	۱۹٫۷۱۸	۱۶٫۳۴۰	۱۵٫۱۸۰	۱۵٫۴۲	۱۴٫۴۴	۱۱٫۵۱

۲- **سیاست های تجاری:** در برنامه اول با اتخاذ استراتژی توسعه صادراتی و درهای باز، درجه باز بودن به ۴۰/۹ درصد و نفوذ واردات به ۱۹ درصد افزایش یافت. در برنامه دوم و سوم

توسعه نیز رویکرد استراتژی توسعه صادراتی و درهای باز تداوم یافت که درجه باز بودن به ۴۰/۲ درصد و نفوذ واردات به ۱۷ درصد رسید. در برنامه چهارم توسعه بنا به افزایش جهشی درآمدهای ارزی نفت، واردات بی سابقه به کشور سرازیر شد که حجم واردات (۹۲-۱۳۸۴) بطور متوسط ۶۲/۶ میلیارد دلار بوده است. با توجه به شاخص بازبودن تجاری ۴۵/۱ درصد و نفوذ واردات ۱۷/۶ درصد بیشترین گرایش به سمت بازارهای خارج و تکیه به واردات در برنامه چهارم توسعه اتفاق افتاده است. دولت یازدهم طی برنامه پنجم توسعه در این حوزه عملکرد نسبتاً موفق داشته به طوری که با مدیریت واردات و افزایش صادرات نفتی و غیرنفتی توانست در سومین سال دولت به تراز تجاری مثبت نایل گردد.

روند شاخص های بخش تجارت خارجی

متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	ارزش به میلیارد دلار
۱۳۸۴-۹۲	۱۳۷۶-۸۳	۱۳۶۸-۷۵	۱۳۵۸-۶۷	
۶۳.۶	۲۰.۶	۱۷.۵	۱۲.۷	واردات کالا
۱۹.۷	۴.۸	۲.۹	۰.۶	صادرات غیر نفتی
۷۹.۱	۲۱.۷	۱۵.۸	۱۲.۲۶	صادرات نفت و گاز
۴۳.۹	۱۵.۸	۱۴.۶	۱۲.۲	کسری تجاری بدون نفت
۳۶۰	۱۱۷	۸۸.۴۷	۱۳۲.۲۶	تولید ملی
۱۶۲.۴	۴۷.۱	۳۶.۲	۲۵.۵۶	صادرات بعلاوه واردات
۴۵.۱	۴۰.۲	۴۰.۹	۱۹.۳	باز بودن تجاری (درصد)
۱۷.۶	۱۷	۱۹	۹	نفوذ واردات (درصد)

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه و محاسبات تحقیق

۸- اندازه دولت: اندازه دولت مرکزی در برنامه اول توسعه نسبت به سایر برنامه ها کوچکتر و

کمتر (حدود ۱۷ درصد) بوده که نشان از سیاست کوچک سازی و کاهش مداخله دولت دارد. درضمن اندازه بخش عمومی نیز با ۳۹/۳ درصد کمترین دربین سایر برنامه ها بوده که نشان از عدم دخالت نهادهای دولتی در اقتصاد دارد. درمجموع در برنامه اول توسعه راهبرد کاهش مداخله و حداقل دخالت دولت و نهادهای عمومی در اقتصاد را پیش گرفته بود. اندازه دولت مرکزی در برنامه سوم توسعه ۲۰/۶ درصد بوده که تا حدودی نشان از سیاست کوچک سازی و کاهش مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی دارد. در این دوره اندازه بخش عمومی حدود ۵۰ درصد بوده است. اندازه دولت مرکزی در برنامه چهارم ۲۳/۸ درصد بوده که بعد از دولت دفاع مقدس، بیشترین حجم دخالت را نشان می دهد. درضمن اندازه بخش عمومی با ۷۳/۳ درصد بزرگترین اندازه را داشته و نشان میدهد دولت و نهادهای عمومی وابسته به آن بیشترین دخالت را در اقتصاد داشته است. درمجموع در برنامه چهارم توسعه علیرغم ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴، به راهبرد کاهش تصدی های دولت در اقتصاد پایبند نبوده است.

اندازه دولت

دوره	شوکت نفتی	انقلاب و جنگ	برنامه اول توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه سوم توسعه	برنامه چهارم	برنامه پنجم توسعه
سال	-۵۷	-۶۷	-۷۲	-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	-۸۸	-۹۴
	۱۳۵۲	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳		۱۳۸۴	۱۳۹۰
اندازه دولت مرکزی (نسبت بودجه عمومی به تولید)	۴۵/۱	۲۷/۳	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۳/۸	۲۱/۹
اندازه بخش عمومی	۶۳/۱	۴۰/۸	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳	۷۳/۳	۷۰/۴

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه و محاسبات تحقیق

۹- سیاست های تعدیل و تثبیت اقتصادی: در دولت دفاع مقدس سیاست های تثبیت اداری و قیمتی و گسترش نظام یارانه ای در دوره نسبتاً طولانی (۶۸-۱۳۶۰) به همراه کنترل

دستوری قیمت ها در دستور کار بود. برنامه تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۶۹، به صورت یک برنامه همراه برنامه اول توسعه مطرح و اجرایی شد. در ابتدای فعالیت پس از پایان جنگ تحمیلی، برنامه تعدیل اقتصادی با اجرای سیاست‌هایی چون کاهش یارانه‌ها، کاهش ارزش پول ملی، عدم کنترل قیمت‌ها، خصوصی‌سازی، کاهش تعداد کارکنان بخش دولتی و... به اجرا گذاشته شد. ولی از سال ۱۳۷۴ به بعد و متعاقب افزایش شدید نرخ تورم مجدداً سیاست تثبیت را در دستور کار قرار گذاشته شد.

برنامه سوم توسعه نیز بدنبال اعمال سیاست های تعدیل اقتصادی از طریق تاکید بر حضور بخش خصوصی، یکسان سازی ارز، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و نیز هدفمندسازی یارانه ها بود. حضور بانک ها و بیمه های خصوصی در کشور در این دوره صورت پذیرفت و در سال ۱۳۸۱ مجدداً یکسان سازی نرخ ارز انجام شد و به کاهش اندازه دولت و دخالت در فعالیتهای اقتصادی تاکید گردید. با این حال در برنامه سوم توسعه در هدفمندسازی یارانه های انرژی و مقررات زدایی توفیقی حاصل نشد. با این حال گنجاندن مفاد قانونی برای خصوصی سازی در برنامه سوم توسعه نقطه عطفی در تحولات خصوصی سازی کشور قلمداد می گردد.

رویکرد اجرا شده در برنامه چهارم توسعه و عملکردها متناقض و دوگانه بود. اتخاذ سیاست ها و اجرای طرح های مسکن مهر، بنگاههای زودبازده، سهام عدالت، پرداخت یارانه نقدی به مردم و نیز کنترل دستوری قیمت ها از جمله سیاست های حمایتی و تثبیت اقتصادی با هدف گسترش عدالت اجتماعی در جامعه و بهبود توزیع درآمدی است که طی این برنامه اجرا شد و توانست ضریب جینی را کاهش دهد. با این حال عدم توجه به توسعه بخش تعاونی ذیل اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ از یک طرف و اصرار به آزادسازی قیمت ها در راستای طرح هدفمندسازی یارانه ها از سوی دیگر از جمله مواردی است که در راستای نگرش های تعدیل اقتصادی می توان بدان اشاره نمود.

در برنامه پنجم توسعه نیز شاهد تداوم اقدامات بودیم به طوری که عدم آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز، عدم اجرای اصلاحات ساختاری و نهادی در اقتصاد، کاهش سرعت در

حجم واگذاری ها به بخش خصوصی و عدم آزادسازی قیمت حامل های انرژی و ادامه سیاست های گذشته در طرح هدفمندی یارانه ها نشان داد که گرایش در برنامه پنجم توسعه عمدتاً گرایش بیشتر به سمت سیاست های تثبیت اقتصادی است.

سردبیر: از جناب آقای دکتر زالی که با توجه به مسئولیت های خویش در گذشته یکی از آگاه ترین افراد در زمینه تحولات بهداشتی و درمانی کشور است دعوت می کنم در خصوص دستاورد های کشور در دهه های گذشته در زمینه بهداشت و درمان مطالب مورد نظرشان را بفرمایند .

زالی: امروز کشور عزیزمان ایران، بعد از گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، در جایگاه ممتازی در حوزه بهداشت و درمان قرار گرفته و تفاوت های جدی نسبت به پیش از انقلاب کرده است. ما امروز با مباحث و سرفرازی از دستاوردهای بهداشت و درمان در حوزه انقلاب اسلامی نام می بریم و در بسیاری از موارد پیشرفت های بسیار محیرالعقولی انجام دادیم و بهداشت و درمان کشور جهش بسیار زیادی داشته است. امروز در کشور ما تعداد کسانی که نیاز دارند به خدمات تخصصی و درمانی دارند دیگر به خارج از کشور نمی روند یا اگر هم می روند کمتر از تعداد انگشتان دست هست در حالی که در پیش از دهه اول پس از انقلاب اسلامی برای بسیاری از اعمال بسیار ساده و ابتدایی هم افراد نیازمند این بودند که به خارج از کشور بروند. پیش از انقلاب مردم برای ساده ترین اعمال جراحی خود باید به خارج از کشور اعزام می شدند و پزشکان خارجی از جمله هندی و بنگلادشی درمان مردم را برعهده داشتند که نه تنها سطح علمی آنها از پزشکان حاذق ایرانی امروز بسیار پایین تر بود بلکه به دلیل نبود زبان مشترک مشکلاتی در عرصه درمان مردم ایجاد می شد. بعد از انقلاب با گسترش دانشکده های پزشکی و رشد کمی و کیفی نیروهای انسانی در شاخه های مختلف این نیاز به مرور برطرف شد تا جایی که اکنون می توانیم در بخش صادرات نیروی پزشکی در منطقه و فرامنطقه حرف هایی برای گفتن داشته باشیم.

یکی از معضلات کشور پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اعزام بیماران برای درمان و جراحی به

خارج از کشور بود. بیماران برای درمان ناباروری و هر گونه جراحی مانند قلب باید به خارج از کشور اعزام می شدند که هم هزینه های گزافی را برای فرد و کشور در پی داشت و هم رنج سفر را افراد باید تحمل می کردند اما اکنون در هر گوشه و کناری از کشور جراحی های مختلف از جمله قلب، اعمال سنگین در حوزه های مختلف انجام می شود. اکنون به جایی رسیده ایم که در برخی حوزه های صاحب سبک شده ایم به عنوان مثال در استفاده از سلول بنیادین برای درمان ناباروری، چشم، قلب و عروق، مغز و اعصاب، درمان مفاصل استخوان و حتی کلیه سرآمد هستیم و جزو ۵ کشور پیشرفته در حوزه سلول بنیادی به حساب می آییم. از سوی دیگر بسیاری از افراد برای پیوند اعضا ایران را به عنوان کشوری صاحب سبک انتخاب می کنند که افتخاری برای پزشکان ایرانی است چرا که پیوند اعضا کار چندان آسانی نیست و پیوند ریه، کبد، قلب، کلیه و مغز استخوان با بالاترین استانداردها در کشور انجام می شود.

ارتقای شاخص های بهداشتی درمانی در کشور نسبت به سال های ابتدای انقلاب غیر قابل مقایسه است. در سال ۵۷ امید زندگی در ایران ۵۴ سال بود اما امروز در حال نزدیک شدن به سن ۸۰ سال هستیم. در عین حال آمار مرگ و میر مادران باردار، نوزادان و کودکان زیر ۵ سال بسیار بهبود یافته در صورتی که پیش از انقلاب تعداد قابل توجهی از زایمان ها به مرگ مادر یا نوزاد ختم می شد. این دستاورد و موفقیت بسیار بزرگی در حوزه بهداشت و درمان است زیرا افزایش ارتقای سطح امید به زندگی از لحاظ سنواتی محصل یک کار بزرگ ملی در حوزه بهداشت و درمان است که با یک حرکت امید بخش و در یک سطح بسیار خوبی هستیم به طوری که در قبل از انقلاب رتبه ایران در امید به زندگی ۱۴۸ بود اما در حال حاضر این رتبه به ۶۰ ارتقا پیدا کرده است که اگر مسائل بهداشتی و درمانی به شکل مناسب حل شود رتبه به جایگاه بهتری نیز دست خواهد یافت.

یکی دیگر از دستاوردهای مهم پس از انقلاب اسلامی، ادغام خدمات بهداشتی درمانی با آموزش پزشکی و ماه عسل آن انتقال خدمات به مناطق محروم و کم برخوردار است. این سیستم بهداشتی حتی تأیید سازمان بهداشت جهانی قرار گرفته تا جایی که برخی از کشورهای جهان از

الگوی ما استفاده می کنند. امروز که چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد بیش از ۲۰ هزار خانه بهداشت در سطح کشور وجود دارد. هیچ روستا و حتی نقطه سوق الجشی مرزی در کشور وجود ندارد که خانه بهداشت نداشته باشد. ۳۵ هزار بهورز در حال کار در خانه های بهداشت است و ارائه خدمات اولیه در مناطق جنوب کشور phc نماد و الگو است.

یک زمانی در کشور مساله بیماری های واگیر دار موضوع جدی تلقی می شد اما امروزه با وجود اینکه کشور در میانه ای از کشور های مشهور و مملو از بیماری های واگیر دار مانند فلج اطفال قرار دارد در چنین شرایطی فلج اطفال در کشور ریشه کن شده است و با افتخار می تونیم از دستاورد ریشه کن شدن فلج اطفال صحبت کنیم. در سال های قبل از انقلاب بیماری مالاریا یکی از مساعل جدی کشور بود اما امروز این ویروس نابود شده است، در جنوب شرقی کشور از لحاظ تنوع و تکرر مالاریا جزو کشور های استثنایی بودیم یعنی ریشه کن کردن از نظر بیولوژیکی و تغییرات ژنتیکی پشه بسیار سخت است که در ایران توانستیم زودتر از زمان مورد نظر این کار را انجام دهیم. کشور افغانستان در شرق ایران یکی از کانون های پرخطر برای سل های مقاوم درمان تلقی می شود اما اکنون در کشور شرایط مانند گذشته نیست که لازم باشد تا مبتلای به سل منزوی شوند و بیمارستانی برای مسلولین وجود داشته باشد و مسلولین مساله جدی بهداشت کشور تلقی شوند و امروز جزو کشور هایی هستیم که دغدغه کمتری در این موضوع داریم.

در موضوع واکسیناسیون، ایران یک آگوی موفق را ارائه کرده است و پوشش ۹۸.۹ درصدی واکسیناسون در کشور یکی از دستاورد های بزرگ است که البته در زمینه شهروندان ایرانی واکسیناسیون ۱۰۰ درصدی اجرا شده است این درصد خلا موجود به خاطر بخشی از جمعیت شناور مرزی است.

پیش از انقلاب میزان مرگ و میر مادران به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر حدود ۲۰۰ نفر بوده است که اکنون به کمتر از ۲۰ نفر رسیده است. در حوزه مرگ و میر نوزادان در پیش از انقلاب ۸۵ نفر بوده است که اکنون به عدد نزدیک ۱۲.۵ در هر ۱۰۰ هزار نفر رسیده است و در حوزه مرگ و

میر کودکان حدود ۱۵.۵ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است در حالی که این عدد در قبل از انقلاب بالغ بر ۱۰۰ نفر بوده است و این موضوع نشان دهنده جایگاه بسیار ممتاز بهداشت در سطح کشور است.

امروز ما در بسیاری از حوزه ها نه تنها به استقلال و خوداتکایی کامل در حوزه خدمات درمانی رسیدیم بلکه تحریم های ناجوانمردانه بر حوزه بهداشت و درمان به جایی نبرده و نتوانسته در این زمینه کاستی هایی را ایجاد کند. امروز میزبان بسیاری از افراد در زمینه توریسم سلامت هستیم. از کشورهای منطقه برای ارائه خدمات درمانی به کشور ما می آیند توجه کنید به جای فرستادن بیمار به خارج از اقسا نقاط دنیا میزبان توریسم درمانی هستیم. البته تمام ظرفیت ما در این زمینه ها پر نشده است و ما ظرفیت بسیار بالایی در این حوزه داریم. ان شاءالله با تحقق زیرساخت ها ما می توانیم به یک مرجع قطب توریسم درمانی در منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل شویم. این در حالی است که بیشترین میزان ارجاع بیماران در دهه اول انقلاب خارج از کشور بحث پیوند کلیه بود. خب امروز ما به یکی از کشورهای پیشتاز در حوزه پیوند کلیه رسیدیم. در حال حاضر در عرصه جهانی سومین کشور از نظر تعداد کیفیت و اثر بخشی پیوند کلیه هستیم. در جهان رتبه سوم و در آسیا رتبه اول را داریم. در زمینه سایر پیوند ها هم به همین گونه عمل شده است و در حوزه پیوندهایی کلیه و قرنیه چشم و سایر پیوند ها دست برتر را در منطقه داریم.

نکته بسیار مهم در حوزه درمان، دستاورد های مهم کشور در فناوری های نوین است، این نکته مهمی است که کشور در جریان تحریم و در سایه انزوای علمی قرار داشت و ممکن بود دچار آسیب جدی شود، اما خود باوری دانشمندان ایرانی ما را به این نقطه پر افتخار نزدیک کرد و اکنون در حال حرکت در حوزه ای هستیم که لبه مرز دانش است و پیشرفت ها در حوزه هایی همچون نانو تکنولوژی، بیو تکنولوژی، پوتومیکس و ژنومیکس به صورتی بوده است که در حال حاضر در ایران دارای سبک هستیم. وشبختانه فقه پویای شیعه دروازه حرکت جهشی انقلاب اسلامی ایران را در حوزه سلول های بنیادی را مفتوح کرد و در حوزه سلول های بنیادی کشوری هستیم که حرف های نوینی برای گفتن داریم. همچنین پارادایم های جدید به وجو

آمده در ایران موجب شده تا در حوزه سلول های بنیادی و بیماری های صعب العلاج با حفظ مبانی اصیل پژوهشی و مبتنی بر شواهد کشور ما مرجع شود و در برخی از این موضوعات همچون سلول های بنیادی به عنوان رفرنس تلقی شویم.

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی دسترسی مردم به خدمات درمانی است؛ در سالهای پیش از انقلاب مجموع ناوگان درمانی کمتر از ۲۵ درصد ظرفیت بود در حالی که امروز بیش از ۱۵۰ هزار تخت بیمارستانی وجود دارد و با توجه به اینکه طی سال های گذشته پیش فرایند نو سازی و بهینه سازی ناوگان تخت های بیمارستانی با معطوف ساختن به تخت های بیمارستانی ویژه صورت گرفته ما شاهد یک رشد جهشی در زمینه بهینه سازی و رشد کمی تخت های بیمارستانی هستیم که نوید دهنده رشد بسیار خوب خدمات در کشور است.

پس از انقلاب در حوزه های مختلف بهداشت و درمان به رتبه های برتر جهانی دست یافته ایم؛ در حوزه دارو ایران جزو اولین کشور بود که خود ابتکاری را تجربه کرد و اتفاقا بعد از سخنرانی مقام معظم رهبری و بحث ایشان مبنی بر استفاده از کالای ایرانی، در حوزه پزشکی به اینکه خدمات ایرانی، کالای ایرانی و سرویس خدمات ایرانی که بسیار هم با کیفیت است رسیده ایم و کیفیت خدمات پزشکی در کشور بدون نیاز به کشور های بیگانه در بالاترین سطح خود در حال انجام است و ما مدعی این امر هستیم که در بسیاری از موارد با بسیاری از کشور های توسعه یافته هم آوردی داریم. در زمینه نانو تکنولوژی که ابزار و تجهیزات آن در سایه تحریم بود ایران در منطقه جایگاه اول و در جهان رتبه هشتم را دارد. نانو تکنولوژی به خصوص در حوزه پزشکی دانش پیچیده ای است و کسب رتبه هشتم جهان در حوزه دانش نانو تکنولوژی پزشکی در دنیا به سادگی دست یافتنی نیست. در خصوص نازایی ایران در حال حاضر از لحاظ تعداد، اثر دهی، کیفیت و توفیق در درمان در رتبه سوم جهان است در صورتی که در سال های اول بعد از انقلاب همه افراد برای درمان نازایی به کشور انگلیس و با هزینه های گزافی مراجعه می کردند در صورتی که اکنون به واسطه انقلاب اسلامی و پیشرفت های حاصل شده می توانیم همه منطقه پوشش دهیم.

در پایان برای اینکه بهتر با پیشرفت های کشور در حوزه بهداشت و درمان آشنا شویم به یک مورد اشاره می کنیم؛ سال گذشته توانستیم با ابداع روش نوین درمانی، طول عمر و کیفیت زندگی مبتلایان به تومور مغزی بدخیم افزایش دهیم. این روش نوین به عنوان یک روش تکمیلی در کنار روش های استاندارد درمان تومورهای بدخیم مغزی، برای اولین بار در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ارائه می شود. این روش نوین برای بیماران، نتایج خوب و موفقیت آمیزی به همراه داشته است. در دنیا تومورهای بدخیم مغزی از تومورهای پرچالش محسوب می شوند و از طرفی معمولاً بین پنج تا هشت نفر از بین هر صد هزار نفر شانس ابتلا به این بیماری را دارند. «گلیوبلاستوما» تومور بدخیم پیشرفته درجه چهار مغزی و بدخیم ترین سرطان مغزی انسان محسوب می شود و پیش بینی می شود که آمار ابتلا در ایران نیز چیزی حدود دو نفر از بین هر صد هزار نفر باشد. بیش از ۶۰ درصد تومورهای گلیومای مغزی تومورهای بدخیم از جنس گلیوبلاستوما هستند و این تومور شایع ترین تومور بدخیم مغزی است. متأسفانه در کشور ما سن ابتلا به این بیماری با آمار جهانی متفاوت است؛ معمولاً مبتلایان این بیماری در ایران یک دهه جوان تر از آمار مبتلایان جهانی هستند و این درمان را مشکل تر می کند، زیرا در افراد جوان درمان متفاوت تر است. یکی از روش های نوین که برای درمان این بیماری در دنیا استفاده می شود به این شکل است که ویروس هایی که خاصیت از بین بردن سلول های سرطانی مغز را داشته باشند، داخل سلول های مغزی کاشته می شوند و سلول های بدخیم مغزی را از بین می برند. اقدام دیگری که برای درمان این بیماری در ماساچوست آمریکا انجام شده، استفاده از نانوذرات ها برای انتقال این مواد سمی و ویروس های کشنده است. یکی دیگر از این روش ها استفاده از ویروس دستکاری شده ای به نام «ژیکا» است، که با اصلاح ژنتیکی این ویروس بخشی از سلول های تومور مغزی بیماران از بین می رود. ما برای از بین بردن تعداد بیشتری از سلول های این تومور ویروس کشنده سلول های سرطانی را با سلول های بنیادی مزانشیمال که از مغز استخوان خود بیمار گرفته می شود ترکیب کردیم. ما در واقع برای نخستین بار از ترکیب این دو روش استفاده کردیم. با استفاده از این روش هیچ صدمه ای به بیماران وارد نمی شود. در حالی

بیش از ۸۰ درصد بیماران مبتلا به این بیماری، علی رغم استفاده از همه روش های درمانی، در سال اول تشخیص فوت می کنند، اما در روش ترکیبی ما، توانستیم طول عمر مبتلایان به این بیماری را افزایش دهیم. اکنون چهار سال از درمان دو نفر از کسانی که برای درمان آن ها از این روش استفاده می شود می گذرد و زندگی آن ها از کیفیت مناسبی برخوردار است. این موفقیت نمونه ای از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی در بخش بهداشت و درمان و مایه مباهات است.

سردبیر: با عنایت به نقش بسیار تعیین کننده زیربنا ها در توسعه صنعتی ایران، جناب آقای دکتر مبینی دهکردی از مناسب ترین ها در زمینه سخن گفتن در باره چرائی ها و چگونگی های سیاستگذاری در این قسمت مهم در کشور هستند. آقای دکتر ارزیابی شما از تحولات زیربنایی و زیرساختی کشور و نقش توسعه ای آن در ۴۰ سال گذشته چیست؟

مبینی دهکردی: من نزدیک به ۲۰ سال در حوزه زیربنایی و زیرساخت ها درگیر سیاستگذاری هستم. هر زمان هم تصمیم به تعریف سیاست در این حوزه می گرفتم از خود می پرسیدم که آیا ما باید اقدام به سیاستگذاری کنیم؟ پاسخ می گرفتم؛ بلی باید دولت در این حوزه سیاست گذاری کند. باز از خود می پرسید منظور از دولت آیا دولت به مفهوم حاکمیت است و یا قوه مجریه و دولت اجرایی؟ به این نتیجه می رسیدم که دولت های اجرایی کوتاه مدت هستند اما زیربناها و زیرساخت ها نیازمند سیاستگذاری بلندمدت است، لذا باید دولت به مفهوم حاکمیت در این حوزه سیاست گذاری کند. در مرحله سوم از خود می پرسیدم منابع لازم برای تحقق سیاستگذاری ها در حوزه زیربناها و زیرساخت ها چگونه باید تامین شود؟ آیا دولت این منابع را باید تامین کند و یا جامعه؟ و ارتباط دولت و جامعه در تامین منابع زیربناها و زیرساخت ها چیست؟ حال که می خواهیم تحولات زیربنایی کشور را در ۴۰ سال گذشته ارزیابی کنیم، باید در ابتدا مشخص کنیم که مبنای ارزیابی ما چیست؟ یک زمانی مبنای ارزیابی، اهداف ماست؛ یعنی بر مبنای میزان تحقق اهدافی که تعریف شده بود، ارزیابی ما انجام می شود. یک زمانی ارزیابی ما یک ارزیابی درون سازمانی در دوره های زمانی مختلف است؛ مثلا

تحولات در حوزه زیربناها و زیرساخت ها را در دوره زمانی مثلا سال ۵۷ و ۹۷ مقایسه می کنم. یک زمانی هم ارزیابی ما بر اساس منابع صورت می گیرد؛ یعنی کارآیی منابع در حوزه زیربناها و زیرساخت ها را بررسی می کنم. یک زمانی هم ارزیابی ما به صورت مقایسه ای است؛ البته مقایسه با کشورهای که شرایطی مشابه کشور ما را داشته اند. به این نتیجه رسیدم که ارزیابی مقایسه ای درست نیست چرا که هیچ کدام از کشورها بسترهای زمینه ای مشابه کشور ما ندارند. به عنوان مثال در حوزه میدان گازی مشترک با قطر، کشور ما با تحریم ها و محدودیت های بسیاری مواجه هست و در بسیاری از برهه های زمانی امکان بهره وری کامل از این میدان مشترک گازی را نداشته است اما کشور قطر با حمایت های کشورها و شرکت های بزرگ چند ملیتی از این میدان مشترک گازی بهره وری داشته است. یا وقتی در حوزه زیربناها و زیرساخت ها کشور خود را با کشور ترکیه مقایسه می کنیم، متوجه می شویم که با وجود اینکه این کشور درآمدهای نفتی ندارد، اما در حوزه زیربناها و زیرساخت ها از ما جلوتر است. به عنوان مثال ما فرودگاه امام را در ۲۸ الی ۲۹ سال ساختیم، اما آنها فرودگاه استانبول را در ۱۶ سال ساختند. وقتی علت را بررسی می کنیم، متوجه می شوم که اقتصاد ما رانتی است اما اقتصاد ترکیه، رانتی نیست. اقتصاد ما متکی به دولت است اما اقتصاد ترکیه به دولت متکی نیست. ما در پرتو مبارزه با ناتو هستیم اما ترکیه در پرتو حمایت ناتو قرار دارد. بنابراین در ارزیابی دستاوردها و تحولات زیرساختی کشور، باید رویکرد مقایسه ای را کنار بگذاریم. اما اگر این ارزیابی بر اساس رویکرد منابع و کارآیی منابع انجام شود، به دستاوردهای قابل دفاع در برخی بخش ها می رسیم و در برخی بخش های دیگر نمی رسیم. در مجموع در بخش زیرساخت های اجتماعی با هر نوع رویکردی که ارزیابی داشته باشیم، دستاوردهای زیرساختی کشور، قابل دفاع و چشمگیر است که شاخص توسعه انسانی در کشور نیز مویذ این دستاوردهاست. اما وقتی هزینه های ساخت هر واحد زیرساخت ها را با هزینه های ساخت جهانی در هر دوره زمانی مقایسه می کنیم، متوجه می شویم که هزینه های ما بیشتر است؛ یعنی کارآمدی منابع ما در بخش زیرساخت ها کمتر از نرم جهانی است. یا اگر در بخش تکنولوژی، تحولات زیرساختی کشور را ارزیابی می

کنیم، با عقب ماندگی مواجه هستیم. برای مثال امروز هندی در ساخت بزرگراه ها، به عدد ۳۹ کیلومتر در روز رسیده اند. هندی از رقم ۷ کیلومتر در روز به رقم ۳۹ کیلومتر در روز رسیده اند که این پیشرفت از دستیابی آنها به تکنولوژی در بخش زیرساخت ها حکایت دارد. با این حال باید در ارزیابی خود واقعیت های زیرساختی خود را هم در نظر بگیریم. باید این واقعیت را در نظر بگیریم که دهه اول پس از انقلاب، با توجه به اینکه کشور درگیر جنگ تحمیلی بود، عملاً بخش زیرساخت های کشور با توقف همراه بود. وقتی این واقعیت ها را در نظر می گیریم و تحولات امروز زیرساختی کشور را با تحولات آن دوران مقایسه می کنیم، تحولات بسیار مهم و چشمگیری را داریم؛ مثلاً در بخش زیرساخت های انرژی، آب، برق، گاز، جاده، سد و ...، تحولات امروز قابل مقایسه با شرایط آن دوران نیست. بنابراین معتقدم در ارزیابی تحولات زیربنایی و زیرساختی کشور در ۴۰ سال گذشته، باید این ارزیابی در چهار دهه و با توجه ویژگی های خاص هر دوره زمانی و زمینه خاص و اقتضاعات آن دهه انجام شود. یعنی نباید هر چهار دهه را با یک ویژگی و یک زمینه خاص مورد ارزیابی قرار داد. وقتی چنین ارزیابی از تحولات زیربنایی و زیرساختی کشور از هر دهه با توجه به ویژگی های خاص و زمینه خاص آن می کنیم، به تحولات و دستاوردهای مهم و قابل دفاع می رسیم.

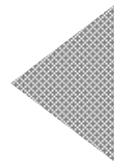
در پایان می خواهم به دو نکته از بیانیه گام دوم انقلاب اشاره کنم که مقام معظم رهبری با درایت و هوشمندی به این نکات تاکید کرده اند. نکته اول اینکه رهبر معظم انقلاب در این بیانیه با توصیه های اساسی در پرتو امید و نگاه خوشبینانه به آینده، بر این نکته تاکید دارند که عمر انقلاب چهل سال نبوده است، بلکه اکنون پس از گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» آغاز شده است. نکته دوم که ایشان بر آن تاکید دارند، این است که برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت؛ این نکته بدین معناست که باید تحولات و دستاوردهای چهل سال گذشته را ارزیابی کنیم، اما نباید درگیر گذشته و زمان شویم و در یک دوره زمانی در گذشته بمانیم. بنابراین همین دو نکته نشان می دهد که باید دستاوردهای گذشته را مورد ارزیابی قرار دهیم اما این ارزیابی باید در راستای

ساختن آینده باشد؛ یعنی پس از ارزیابی دستاوردها، باید در بخش هایی که عقب ماندگی داریم، بازنگری داشته باشیم و خطاهای گذشته را جبران کنیم.

سردبیر: از حضور مدعوین محترم در این میزگرد تشکر می کنم.

مقالات

تأثیر سیاست‌های نولیبرالیستی و نومر کانتیلیستی در توسعه اقتصادی برزیل (۱۹۸۵-۲۰۱۶ م)



هادی آجیلی^۱

مهدی رضایی^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۹/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۹)

چکیده

بحران سقوط دولت دیلما روسف از حزب کارگر در سال ۲۰۱۶ به اتهام فساد و اختلاس و به قدرت رسیدن نامزد حزب مخالف راستگرای پی اس دی بی، بار دیگر توجهات در جهان را به سوی برزیل و تحولات سیاسی در آن جلب نمود. صرف نظر از منازعات متداول و مطول سیاسی در این کشور، خیز اقتصادی برزیل در چند دهه اخیر و مطرح شدن این کشور به عنوان وزنه ای مهم در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه ای و جهانی، به خصوص پس از تشکیل گروه «بریکس»^۲ در سال ۲۰۰۹، مطالعه تحولات مرتبط با رشد و توسعه سریع اقتصادی در این کشور به عنوان بزرگترین اقتصاد منطقه آمریکای لاتین و یکی از با قابلیت ترین اقتصادهای جهانی را از اهمیتی بیش از پیش برخوردار ساخته است.

بررسی تطبیقی سیاست‌های توسعه اقتصادی در برزیل در طول حدود سه دهه اخیر مبین نوسانات

۱-دکترای روابط بین الملل، استادیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (نویسنده مسئول)

(hadiajili@yahoo.com)

۲-دکترای روابط بین الملل، دانش آموزخته دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

و افت و خیزهای قابل توجهی در مسیر توسعه اقتصادی در این کشور به ویژه بین دو سیاست اقتصادی بازار محور نولیبرالی و دولت محور نومرکانتیلیستی و یا بعضا به صورت آمیزه ای از این سیاستهاست. بر این اساس موضوع اصلی پژوهشی در این نوشتار بررسی تطبیقی دو سیاست غالب در توسعه اقتصادی برزیل در سه دهه اخیر یعنی سیاست نولیبرالی و نومرکانتیلیستی توسعه اقتصادی با اتکا به شاخص ها و نمایه های مشخصی همچون «فهرست توسعه انسانی»، «ضریب جینی»، «نرخ تورم»، «نرخ سرمایه گذاری خارجی» و «شاخص پولی» است.

پوشش اصلی در این نوشتار آن است که کدام سیاست اقتصادی (نولیبرالی و نومرکانتیلیستی) در توسعه اقتصادی برزیل در سه دهه اخیر نقش مهمتری داشته اند؟ **فرضیه اصلی** ارائه شده مبتنی بر این پرسش آن است که سیاست های اقتصادی نومرکانتیلیستی تبلور یافته در حزب کارگر بیش از سیاستهای اقتصادی نولیبرالی متبلور در حزب پی اس دی بی در توانمند سازی اقتصادی برزیل و رشد و توسعه اقتصادی در این کشور موثر بوده است.

واژگان کلیدی: برزیل، توسعه اقتصادی، نولیبرالیسم، نومرکانتیلیسم

مقدمه

پیش از ذکر مبانی نظری این نوشتار لازم است تا در خصوص رهیافت مطالعات توسعه در برزیل و مهمترین نقاط عطف در تاریخ رشد و توسعه اقتصادی این کشور تا قبل از سال ۱۹۸۵ چند جمله ای به اختصار ذکر شود.

تاریخ اقتصاد توسعه در برزیل را می توان بر اساس تقسیم بندی های موجود از نقاط عطف در مطالعات مربوط به اقتصاد سیاسی کل منطقه در ۵۰۰ سال گذشته، در قالب ۳ مرحله کلی عصر سیصد ساله استعمار، عصر پس از استقلال در قرن ۱۹ و الگوهای متنوعی از توسعه اقتصادی در قرن بیستم و پس از آن تقسیم بندی و مطالعه نمود. (Holand Barbosa, Fernando, 2004, 36)

از دوران طلایی سالهای قبل از جنگ جهانی اول که طی آن و به لطف نظم اقتصادی لیبرال حاکم بر جهان برزیل یکی از سریع ترین دوران رشد و اقتصادی خود را طی نمود^۱ تا سالهای

۱- در قرن نوزدهم و تحت رژیم تجاری آزاد و لیبرال پکس بریتانیکا تجارت خارجی در برزیل با اتکا به صادرات محصولات

رکود در دهه ۳۰ قرن بیستم و متعاقب آن که شاهد توسعه رژیم اقتصادی حمایتگرا در کل منطقه و رشد آرام اقتصاد جهانی در سایه اقتصاد کینزی بوده ایم، برزیل تا کنون چهار مقطع مهم و متفاوت را در اقتصاد توسعه خود پشت سر نهاده است که شامل: ۱- الگوی حمایتگرایانه توسعه اقتصادی در دوران دیکتاتوری ورگاس از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵^۱ ۲- الگوی فوق حمایتگرایانه توسعه اقتصادی در جمهوری دوم از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴^۳-سپرف و زوال تدریجی اقتصادی در حکومت نظامیان از ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۸۵^۴- الگوی نولیبرالی و نومرکانتیلیستی توسعه از ۱۹۸۵ به این سو و همزمان با بازگشت دموکراسی به برزیل می گردد. (Vicente, Juan, 2012. 13-14) مقطع اخیر در سطح ملی نیازمند بررسی سیاست های اقتصادی دو حزب رقیب و عمده در این کشور یعنی حزب پی اس دی بی و حزب کار گراست.

کشاورزی شکوفا گردید. تا اواسط قرن نوزدهم ۴۲٪ صادرات برزیل را قهوه و ۲۷٪ را شکر، ۹٪ را چرم و ۸٪ را پنبه تشکیل می داد. رشد اقتصادی قابل توجهی در سالهای ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۰ در این کشور ایجاد شد به گونه ای که فقط ارزش صادرات برزیل در مدت دو دهه به دو برابر افزایش یافت. سرعت رشد توسعه اقتصادی برزیل در نیمه دوم قرن بیستم همپای توسعه اقتصادی در کشورهای اروپایی و حتی فراتر از آنها بود. برای مطالعه بیشتر رک به:

Antonio, Jose Ocampo & Bertola, Luis, Desarrollo Vaivenes y Desigualdad, Una Historia Economica De America Latina Desde La Dependencia, Secretaria General Ibero Americana, 2009.

۱- از سال ۱۸۸۹ و سقوط نظام پادشاهی در برزیل تا ۱۹۳۰ که ژولیو ورگاس به قدرت رسید، ۱۳ رئیس جمهور در برزیل به قدرت رسیدند. دوران شکوه و رونق اقتصادی برزیل بتدریج پس از جنگ جهانی اول رو به افول نهاد. در دوران دیکتاتوری ۱۵ ساله ژولیو وارگاس از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ نوعی مدل توسعه اقتدارگرا با محوریت وی و با اتکا به راهبرد توسعه مبتنی بر جانشینی واردات اجرا شد. در طول این سالها متوسط نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی به حدود ۴ درصد و در دهه ۵۰ قرن بیستم به بیش از ۷ درصد رسید. برای مطالعه بیشتر رک به: <http://countrystudies.us/brazil/16>.

۲- از سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ که ارتش در برزیل قدرت بلا منازع بود، ۵ رئیس جمهور نظامی دست راستی در این کشور به قدرت رسیدند. در ابتدای این مقطع اقتصاد برزیل حتی به یک معجزه اقتصادی نیز نزدیک تر شد به طوری که از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ برزیل طی یک جهش تاریخی توانست متوسط نرخ رشد اقتصادی خود را به رقم بیش از ۱۱ درصد در ۵ سال متوالی برساند. اما شوک نفتی ۱۹۷۳ و تغییرات کلان در صحنه اقتصاد جهانی و از جمله الغا نظام برتن وودز در مجموع به زیان دولت های نظامی در این کشور بود. برای مطالعه بیشتر رک به:

Altmann, Josette & Fander Falconi, America latina y el Caribe: perspectivas de Desarrollo y coincidencias para la Transformacion del estado, Publicaciones de Flacso, 2011.

پیشینه تحقیق

با بررسی آثار پیشین در این حوزه به چند اثر می توان اشاره نمود. یکی مقاله خانم سعیده خادم المله با عنوان «بررسی عوامل تبدیل برزیل به یک قدرت نوظهور اقتصادی» در فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱ است که ایشان در مقاله مذکور صرفاً به روند جهش اخیر برزیل به عنوان یک اقتصاد نوظهور پرداخته اند ضمن آنکه مقاله منابع نسبتاً قدیمی دارد. مقاله دیگر نوشته حسین جمالی است با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه و دموکراسی در برزیل (۲۰۱۱-۱۹۶۰)» در فصلنامه مطالعات میان رشته ای، دوره ۷، پاییز ۹۴. همچنین، یک پایان نامه ارشد دانشجویی نیز وجود دارد با عنوان «دولت و توسعه در برزیل (۱۹۹۵-۲۰۱۱)» از خانم زهرا همتی در دانشگاه تهران که هم به لحاظ دوره مورد بررسی هم از منظر چارچوب نظری با اثر حاضر متفاوتند.

سیاست‌های نولیبرالی و نومرکانتیلیستی در برزیل از ۱۹۸۵ م

برای بررسی الگوهای توسعه اقتصادی در برزیل در طول سه دهه اخیر و از جمله بررسی تطبیقی میان آنها و نیز داوری در خصوص میزان موفقیت آمیز بودن هر یک از این راهبردها بر اساس نمایه های منتخب، در ابتدا می بایستی این دو رهیافت نظری در اقتصاد توسعه را از لحاظ مبانی مفهومی و تنوریک مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم.

الگوی نولیبرالی توسعه اقتصادی

در اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم شرایط بحرانی و حاد اقتصادی و سیاسی، حکومت نظامی وقت را وادار به تغییرات و اصلاحات اساسی اقتصادی و سیاسی به ویژه اتخاذ راهبردی جدید در توسعه اقتصادی کشور از طریق اجرای یک «الگوی نولیبرالی توسعه» و آزاد سازی تجاری و اقتصادی نمود. این راهبرد برگردانی از سیاست های موسوم به «اجماع واشنگتن»^۱ یا تعدیل ساختاری بود

۱- با به روی کار آمدن دولتهای راستگرا در غرب در دهه ۸۰ قرن بیستم، زمینه های اجرای سیاستهای توسعه ای موسوم به اجماع واشنگتن در کشورهای آمریکای لاتین بیش از پیش فراهم و منجر به تعمیق جریان جهانی شدن اقتصاد به خصوص در این کشورها شد. برای مطالعه بیشتر رک به:

که در همه کشورهای منطقه آمریکای لاتین کمابیش به عنوان راهبرد مناسب برای توسعه اقتصادی و غلبه بر بحران بدهی ها از اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم و با هدف رسیدن به اقتصادی آزادتر، غیر دولتی تر و بازار محور تر اجرایی گردید. در حوزه اقتصاد توسعه، نولیبرالیسم به نوعی بازگشت به لیبرالیسم کلاسیک یا تخطی از اصول اقتصادی مبتنی بر کنزینیزم و پایان دولت رفاهی نیز توصیف شده است. این بازگشت در دوران جهانی شدن اقتصاد به معنای افزایش اهمیت و نقش متغیرهای بین المللی توسعه اقتصادی و از جمله بازار محور شدن اقتصادهای ملی و تاکید بر نقش بازارهای مالی و صادراتی بوده است. (Jackson, Robert, 2009, 27) از لحاظ آکادمیکی نیز تاسیس مکتب شیکاگو به رهبری میلتون فرید من^۱ در اواخر دهه ۷۰ قرن بیستم حاکی از پایان رسمی کنزینیزم از منظری آکادمیک و اتخاذ رویکردی نو به سیاستهای اقتصاد جهانی بود که ایدئولوژی نولیبرالیسم در کانون آن قرار داشت. (Manfered B. Steger, 2010, 33) سیاست های اقتصادی نولیبرال در جهان در حال توسعه به رغم پیچیدگی های نظری خود اما به طور خلاصه عمدتاً معطوف به خصوصی سازی گسترده، دولت رفاهی مینیم یا حداقلی، کاهش ارزش پول ملی جهت ورود سرمایه های بین المللی و قوت بخش صادراتی و رفع تعرفه های تجاری بوده است و از لحاظ نظری در جهان توسعه یافته تر به نوعی آنتی تز در برابر کنزینیزم حاکم بر نظام اقتصاد جهانی پس از نظم برتن وودزی تعبیر شده است. (Peet, Richard, 2008, 160) در این میان سیاست های نولیبرالی توسعه برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچون برزیل، به معنای کنار گذاشتن الگوی حمایتگرایانه کینزی و قرار دادن اقتصاد ملی در معرض آزاد سازی دفعی بوده است. نخستین بار این جان ویلیامسون پژوهشگر انستیتو اقتصاد بین الملل بود که در اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم این اصطلاح را در اشاره به سیاستهای اقتصادی به کار برد که در ابتدا به عنوان مجموعه ای از توصیه های نهادهای مالی و

۱- در ادبیات اقتصادی سالهای اخیر میلتون فرید من استاد اقتصاد دانشگاه شیکاگو ۱۹۱۲-۲۰۰۶ از لحاظ بازسازی نظم لیبرال در جهتی نولیبرال به عنوان چهره ای محوری به شمار می رود. او رهبر «مکتب اندیشه اقتصادی پولی» بود که سیاستهای مالی برای مدیریت تقاضا توسط دولتها را رد می کرد. او بر ایجاد بازارهای رقابتی و ابتکارات فناوری تاکید داشت. این طرز تلقی راستگرایانه از اقتصاد در خود امریکا پس از محو کنزینیزم کم نظیر بود و «مکتب شیکاگو» را در محور نولیبرالیسم اقتصادی قرار داد. برای مطالعه بیشتر رک به:

پولی بین‌المللی برای کشورهای فوق‌العاده بدهکار آمریکای لاتین ارائه شده بود. او سیاستهای نولیبرالی توسعه را شامل سیاستهای اقتصادی مختلفی می‌دانست که عمدتاً در خصوصی سازی سریع، کاهش ارزش پول ملی و کاهش تعرفه‌ها به منظور رقابتی شدن و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی خلاصه می‌گردید که این سیاستها به منزله قرار دادن اقتصاد ملی در معرض آزاد سازی سریع بود.^۱ (Pee, Richard: 161-163) برای تامل و ارزیابی در خصوص نحوه تاثیر پذیری اقتصاد برزیل از سیاست‌های نولیبرالی توسعه، مشخصاً می‌توان این تغییرات را در دوران چهار دولت نولیبرال سارنی، دمیو، فرانکو و کاردوسو بررسی نمود که از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ قدرت را در برزیل در دست داشتند و خاستگاه سیاسی آنها عمدتاً حزب لیبرال^۲ PSDB بود.

الگوی نومرکانتیلیستی توسعه اقتصادی

در حالی که رویکرد نولیبرالی توسعه در اقتصاد سیاسی یک رویکرد کاملاً شناخته شده است، رویکرد نومرکانتیلیستی به عنوان نوعی سیاست توسعه اقتصادی غیر مصطلح، نیازمند توضیح و تبیین بیشتری است. رویکرد مرکانتیلیستی به توسعه در زمان سیطره قدرت‌های استعماری عمدتاً در سطح ملی بیشتر معطوف به مفاهیمی همچون دولت مدرن، پروتکشنیزم یا ملی‌گرایی اقتصادی و در سطح بین‌المللی در دوران جنگ سرد، مبتنی بر نظریه ثبات بر پایه سیطره بوده است. (Carreras, Albert, 2010: 49) اما با تغییرات گسترده در نظام اقتصاد جهانی و برخی ناکامی‌های رویکرد نولیبرالی، رویکرد نومرکانتیلیستی به توسعه اقتصادی با تجدید نظر در برخی مفروضات رویکرد مرکانتیلیستی به خصوص در زمینه نقش دولت و فضای آنارشیک در سطح

۱- ویلیامسون این سیاستها را به طور مشخص شامل سیاست‌های ذیل می‌داند: ۱- نزاکت مالی ۲- کاهش هزینه‌های عمومی و حذف یارانه‌های دولتی ۳- اصلاحات مالیاتی (کاهش مالیات ثروتمندان برای تسریع در انباشت اولیه) ۴- جهت‌بخشی بازاری به نرخ‌های بهره به جای جهت‌بخشی دولتی ۵- نرخهای مبادله‌ای رقابتی ۶- آزاد سازی تجاری ۷- تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان منابع اصلی سرمایه و فناوری ۸- خصوصی سازی ۹- حذف نظارت دولتی یا نظارت زدایی ۱۰- تامین حقوق مالکانه و تضمین مالکیت خصوصی ۱۱- کاهش ارزش پول ملی برای توسعه صادرات بر اساس راهبرد توسعه صادرات ۱۲- تسهیل واردات کالا و خدمات از طریق نهادهای منطقه‌ای و جهانی مسئول. برای مطالعه بیشتر رک ب:

Peet, Richard and Hartwick, Elaine "Theories of Development", Guilford Press, 2009

۲- Brazilian Social Democracy Party

جهانی از دهه ۹۰ قرن بیستم به این سو، سعی در ایجاد نوعی سازگاری و آشتی بین دو دیدگاه لیبرالی «همگرایی» و دیدگاه رادیکال «واگرایی» در نظام اقتصاد جهانی داشته است که ایده دولت توسعه گرا در محور آن قرار دارد. (Jackson, Robert, 64-65) نومرکانتیلیستها موجودیت و مشروعیت نظام اقتصاد جهانی بازار محور و لیبرال را می پذیرند با این حال این نظام را در کل وابسته به خواست و اراده دولتها تفسیر می کنند. به اعتقاد آنها در چارچوب این نظام دولتها نقشی محوری در تعیین سیاست های اقتصادی و تجاری دارند که می تواند بر مسیر توسعه اقتصادی در آنها اثر گذار باشد. (<https://mises.org>) به ویژه از دهه ۹۰ قرن بیستم به این سو و پس از سلطه کوتاه مدت و بدون چالش سیاستهای نولیبرالی در مباحث توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تا اندازه ای شاهد نضج و رشد افکار نومرکانتیلیستی از جمله در شرق آسیا و آمریکای لاتین و در اعتراض به سرمایه محوری بیش از حد سیاست های توسعه ای نولیبرال بوده ایم. بر این اساس، نظریه نومرکانتیلیستی توسعه در تباین ذاتی با نظریه اقتصادی نولیبرال قرار ندارد، با این حال بسیار دولت محورتر و نظارت محور تر است و تا اندازه زیادی متبادرکننده رویکرد نوکزنیزمی^۱ به توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. (Pee, Richard: 178) به اعتقاد نومرکانتیلیستها پروتکشنیزم در زمانی که به نظر می رسد نظام اقتصادی قادر به ارائه «کالاهای عمومی»^۲ لازم نیست راهی برای برخی دولتها جهت حمایت از اقتصادهای ملی به شمار می رود. آنها همچنین طرفدار یک رابطه متوازن میان قدرت دولت و نیروهای بازار هستند و بر خلاف کلاسیسیستها و نوکلاسیسیستها قایل به مداخلات دولت و نقش تنظیم کننده آن هستند. به باور آنها مداخله دولت باعث ناکارآمدی بازار نمی شود اما آنچه که ممکن است سبب ناکارآمدی بازار شود برخی «ناکارایی های بوروکراتیک»^۳ و «ناکارآمدی

۱- Neo keynesianism

۲- نومرکانتیلیستها موفقیت ژاپن در دستیابی به توسعه سریع اقتصادی در دوران پس از جنگ جهانی دوم را به دلیل اتخاذ رویکردی نومرکانتیلیستی تفسیر و حتی توسعه متاخر بیرهای آسیایی را به اتخاذ همین راهبرد منسوب می نمایند.

۳- مفهوم کالاهای عمومی Collective Goods برای اشاره به نظریه ثبات بر پایه سیطره در اقتصاد سیاسی بین الملل به کار می رود که بیشتر به نقش محوری قدرت هژمون در تامین ثبات مالی و پولی جهانی اشاره دارد. برای مطالعه بیشتر رک

به: Kegly, W. Charles, and Blanton Shanon, "World Politics", WADSWORTH, 2013.

های اداری»^۱ است، به علاوه اگر همه چیز نیز به بازار واگذار شود ممکن است «انحصاراتی»^۲ ایجاد شود و فضای رقابتی به نفع برخی انحصارات در بازار از بین برود. به این ترتیب به اعتقاد مرکانتیلیستهای مدرن باید تعادلی میان بازار و دولت ایجاد شود. به نظر آنها وجود یک «ظرفیت اداری - سیاسی توسعه یافته»^۳ برای تنظیم حدود مداخلات دولت در اقتصاد و مکانیزم بازار لازم است. www.economicshelp.org براساس آنچه که گفته شد اگر چه سیاست های توسعه اقتصادی در برزیل در طول سه دهه اخیر عمدتاً آمیزه ای از سیاست های نولیبرالی و نو مرکانتیلیستی بوده است، با این حال با توجه به مخالفت صریح مانیفست حزب کارگر برزیل با سیاست های نولیبرالی و برعکس تصریح حزب پی اس دی بی به متعهد بودن به آزاد سازی اقتصادی، نتایج حاصله از اجرای این سیاست ها می بایستی در کارنامه اجرایی دو حزب مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد.

برای بررسی نتایج سیاست های نو مرکانتیلیستی توسعه اقتصادی در برزیل می بایستی سیاست های اقتصادی دولت های کارگری لولا و روسف از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ مورد واکاوی قرار گیرد.

فرایند توسعه اقتصادی در برزیل از ۱۹۸۵ م

پس از طرح مبانی نظری و مفهومی در این نوشتار، نوبت به بررسی و تطبیق این دو الگو در سه دهه اخیر در توسعه اقتصادی برزیل می رسد. در سال ۱۹۸۵ و پس از پایان ۶ سال ریاست جمهوری آخرین رئیس جمهور نظامی برزیل، این کشور نیز تحت تاثیر شرایط بین المللی و منطقه ای جدید به سوی اجرای سیاست های آزاد سازی اقتصادی و حکمرانی دموکراتیک تر تغییر جهت داد که در نتیجه این تحولات شاهد ظهور یک الگوی جدید از نوسازی و توسعه اقتصادی در برزیل بوده ایم. برای برزیل نیز همانند سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین دهه ۸۰ قرن بیستم به دلیل تغییرات اساسی در الگوی توسعه اقتصادی به عنوان «دهه گمشده»^۴ یا دهه

۱- Administrative Inefficiencies

۲- Monopolies

۳- Developed Administrative-political Capacity

۴- Lost Decade

از دست رفته در ادبیات اقتصادی این کشور شناخته می شود. مشکلاتی نظیر تورم حاد و نجومی در نتیجه سیاست رها سازی قیمت ها و آسیب های بسیار شدید اجتماعی و طبقاتی که بخش اعظمی از طبقات متوسط را تا پرتگاه فقر سوق داد، از مهمترین چالشهای اقتصادی دولت های برزیل در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم به شمار می رفت. (Haber, Stephen, 1997, 101) به منظور بررسی دقیق و تفصیلی سیاست های نولیبرالی توسعه اقتصادی در برزیل می بایستی عملکرد اقتصادی چهار دولت «خوزه سارنی» «فرناندو دمیو» «یتامار فرانکو»، «انریکه کاردوسو» در قالب نمایه های منتخب مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار گیرد.

«خوزه سارنی» (۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ م)

خوزه سارنی پس از مرگ آخرین حاکم نظامی برزیل و همزمان با تغییرات پارادایماتیک در راهبرد توسعه اقتصادی در کل منطقه به مقام ریاست جمهوری این کشور رسید. او اولین رئیس جمهور غیر نظامی و آخرین رئیس جمهوری بود که برای یک دوره پنج ساله و از طریق آرای غیرمستقیم مردم انتخاب می شد. نقش او در انتقال نظام سیاسی برزیل از یک دولت نظامی به یک دولت مدنی نقشی بی بدیل بوده است.^۱ با این حال او فقط توفیقاتی در بازکردن فضای سیاسی کشور داشت و برنامه های اقتصادی او و به ویژه مبارزه با تورم حاد که متاثر از جریان آزاد سازی اقتصادی در کل منطقه و تغییرات بنیادین در راهبرد توسعه اقتصادی نولیبرالی بود، با شکست بسیار بدی روبرو شدند. (Cristina, Mariana. 2011, 28-29) در دهه ۸۰ قرن بیستم نرخ تورم در برزیل به طور متوسط سالیانه در حدود ۱۰۰ تا ۲۷۰ درصد بود. بین فوریه ۸۹ و مارس ۹۰ نرخ تورم با افزایش ۸۶ درصدی در هر ماه به رقم نجومی ۲۷۵۱ درصد رسید. علت تورم حاد در این زمان سیاست عرضه شدید پولی و افزایش حجم نقدینگی در اثر نرخ های بسیار

۱- کاستی های ناشی از نحوه انتخاب رئیس جمهور در دوران گذار به دموکراسی منجر به برگزاری همه پرسی در خصوص ماهیت نظام سیاسی در برزیل گردید که گام مهمی در راه تثبیت دموکراسی و توسعه سیاسی در این کشور در سال ۱۹۸۸ بود. قانون اساسی جدید در سال ۱۹۸۹ بیشتر سعی نمود برزیل را به سوی نوعی نظام پارلمانی مدرن سوق دهد. برای مطالعه بیشتر رک http://www2.congresso.gov.pe/sicr/cendocbib/con4_uibd.nsf/onstutuci%C3%B3n_Brasil.pdf:

بالای بهره (تا بیش از ۱۷۰ درصد در ماه^۱)، واگذاری های دولتی و از دست رفتن کامل اطمینان از نظام مالی و پولی کشور بود. (Vicente, Juan, 58-59) نظم مبتنی بر دهه ها اجرای سیاست های حمایتگراییانه اقتصادی در حال فروپاشی بود و درک درستی از اقتصاد به شدت بازاری و سرمایه دارانه نولیبرال که از سوی سازمانها و نهادهای توسعه ای جهانی توصیه می گردید، وجود نداشت. با شکست برنامه های مهار تورم، دولت برزیل در نهایت به فکر کاهش شدید ارزش پول ملی از ژانویه ۱۹۸۹ افتاد که در نتیجه آن ارزش ریال قدیم برزیل در برابر دلار بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت. <http://repositorio.cepal.org> به طور کلی دولت سارنی در برزیل صرفا یک دولت گذار بود که زمینه های توسعه و تحول اقتصادی در برزیل را از یک الگوی به نسبت حمایتگراییانه به یک الگوی نولیبرال فراهم نمود که این تحولات تاوان اجتماعی سنگینی در پی داشت. در این زمان بیش از ۴۰ درصد مردم برزیل در فقر نسبی به سر می بردند و طی ۴ سال درآمد سرانه مردم برزیل بر اساس نمایه تولید ناخالص داخلی از ۳۰۰۰ دلار به ۱۶۰۰ دلار کاهش یافت. (Holand Barbosa, 54-55) جدول شماره ۱ نرخ های نجومی تورم در دولت سارنی را به تصویر کشیده است.

جدول شماره (۱): نرخ تورم در برزیل در دولت سارنی (۱۹۸۵-۱۹۹۰)

سال	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰
درصد نرخ تورم	۲۲۶	۱۴۷	۲۲۸	۶۲۹	۱۴۳۰	۲۷۵۱

Source: <http://www.sjsu.edu/faculty/watkins/brazilinfl.htm>

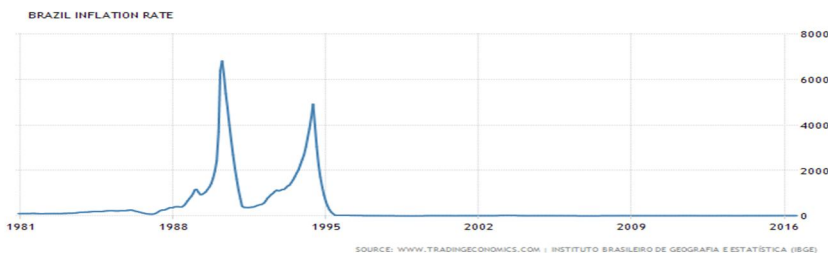
استمرار و تعمیق نولیبرالیسم در دولت «فرناندو کویویر دمیو» (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲م)

فرناندو کویویر دمیو به عنوان سی و دومین رئیس جمهور برزیل از مارس ۱۹۹۰ تا دسامبر ۱۹۹۲ از حزب سوسیال دموکرات برزیل (PSDB) قدرت را به دست گرفت. دمیو نخستین رئیس

۱- در سال ۱۹۹۰ تقریباً بانک مرکزی برزیل نرخ بهره در این کشور را هر روز بین ۱ تا ۲ درصد افزایش می داد به طوری که این مقدار در مارس ۱۹۹۰ تا ۱۶۷ درصد در ماه افزایش یافت و نرخ بهره سالیانه هم از ۱۰۰۰ درصد نیز فراتر می رفت. برای مطالعه بیشتر رک به: www.globalfinancialdata.com/gfdblog/?p=19

جمهوری بود که پس از پایان دولت نظامی از طریق آرای مستقیم مردم انتخاب می شد. او که در برابر لولا داسیلوا نامزد حزب کارگر به پیروزی رسید، استمرار و تعمیق سیاست های نولیبرال در اقتصاد را تنها راه نجات اقتصادی برزیل می دانست. (Jaime Ortega, 2011, 29) مهمترین اولویت های او در راستای اجرای سیاستهای نولیبرال مبارزه با تورم نجومی در برزیل، اجرای برنامه های خصوصی سازی و کوچک سازی دولت بود. در این زمان کسری شدید بودجه، کاهش مداوم ارزش پول ملی و تورم بی سابقه که با هیچ کشور دیگر در آمریکای لاتین قابل مقایسه نبود از مهمترین معضلات اقتصادی برزیل به شمار می رفتند. او به منظور مبارزه با بحران تورمی یک برنامه اقتصادی موسوم به «برنامه کویور»^۱ را به مورد اجرا گذاشت که بر اساس آن از طریق یک سیاست انقباضی پولی، سپرده های عظیم بانکی به «اوراق قرضه غیر قابل نقد دولتی»^۲ تبدیل می شد. بر اساس این برنامه تمام حسابهای بالای در حدود ۵۰۰ دلار برای چند هفته مسدود و نرخ های بهره نجومی به حدود صفر می رسید. در اثر اجرای این برنامه که آمیزه ای از سیاست های مالی و پولی بود، نرخ تورم از حدود سه هزار درصد در سال ۹۰ به ۴۰۰ درصد در سال ۹۱ رسید، اما مجدداً در سال ۹۲ به ۱۰۰۰ درصد افزایش یافت و در سال ۹۴ نیز مجدداً به رقم ۲۳۰۰ درصد رسید. (Vicente, Juan, 60-61)

نمودار شماره (۱): نرخ تورم در برزیل در دهه ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم



Source: <http://repository.cmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1897&context=tepper>

نمودار ا-ب نرخ های نجومی تورم در برزیل را اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم را به خوبی به تصویر کشیده است. بر این اساس برزیل برای روزهایی در پایان دهه ۸۰ قرن بیستم نرخ

۱ - Collor Plan

۲ - Non-Cashable Government Bonds

تورم بالای ۴۰۰۰ درصد را نیز تجربه نمود.

در دوران تصدی دمیو نوعی انقلاب پولی، مالی و تجاری در برزیل رخ داد که جوهره آن را سیاست های اقتصادی نولیبرال تشکیل می دادند. خصوصی سازی بی سابقه، سرمایه گذاری خارجی، گشایش های تجاری، توسعه صنعتی مدرن و کاستن از هزینه های دولتی اساس این برنامه ها بود. دولت دمیو با مشکلات فراوانی توانست در جهت اجرای سیاست های نولیبرال ۱۵ شرکت عمده دولتی را خصوصی سازی نماید. با این حال رشد اقتصادی برزیل در دولت دو ساله دمیو منفی بود و حتی به منفی ۳ درصد نیز کاهش یافت. در نتیجه این امر سرانه تولید ناخالص داخلی در برزیل به ۲۵۰۰ دلار کاهش یافت. وضعیت برزیل در نخستین فهرست توسعه انسانی (HDI) منتشره در سال ۹۱ وضعیت خوبی نبود به طوری که در سال ۹۲ ضریب جینی در برزیل در بالاترین حد خود به رقم ۶۲ واحد رسید که جایگاه نامناسبی را برای برزیل رقم می زد. با این حال در سال ۹۱ برای نخستین بار میزان سرمایه گذاری خارجی در برزیل از مرز ۱ میلیارد دلار فراتر رفت که دستاورد بزرگی برای این کشور بود. (Carreras,

Albert, Hofman, and Andre, Tafunell Xavier, 2011, 124-126)

دولت دمیو اما به رغم همه تلاش های خود فرجام خوبی نداشت و نهایتاً آمیزه ای از بحرانهای سیاسی و از جمله افشای چندین پرونده اختلاس به همراه تورم غیر قابل کنترل، در مجموع شرایطی را رقم زد که نتیجه آن سقوط دولت وی بود.^۱ در مجموع دولت وی یکی از نولیبرال ترین دولتهای برزیل در عصر سلطه سیاست های نولیبرالی بود که به دلیل درگیر شدن در تغییرات ساختاری سریع به سوی اقتصاد بازار محور توفیقات چندانی نیافت.

دولت «ایتامار آگوستو فرانکو» (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵م)

- با کناره گیری دمیو از قدرت به دلیل اتهامات وارده، معاون اول وی ایتامار آگوستو فرانکو^۲ از

۱- موضوع اختلاس های دولتی در برزیل همواره چالشی بی بدیل برای سیاستمداران این کشور بوده است. با این حال در دوران ریاست جمهوری دمیو با توجه به تجربه یک فضای سیاسی دموکراتیک تر نسبت به گذشته، نخستین چالش میان پارلمان و دولت در خصوص اتهامات اختلاس در دستگاه های اجرایی برزیل رقم خورد که در نتیجه آن طی یک فرآیند ۸ ماهه دمیو استیضاح و از قدرت خلع گردید. برای مطالعه بیشتر رک به:

Fernandes Da Silva, Marcos, The politica Economy of Corrupcion in Brazil, University of London, 1999

۲- در زمان ریاست جمهوری فرانکو در آوریل ۱۹۹۳ برزیل تصمیم تاریخی خود برای برگزاری یک رفراندوم در مورد نوع

حزب لیبرال برزیل PL در اکتبر ۱۹۹۲ به عنوان کفیل ریاست جمهوری عهده دار این مقام گردید و تا اول ژانویه ۱۹۹۵ در این مقام قرار داشت.^۱ او در میانه یک بحران عظیم اقتصادی و سیاسی قدرت را در برزیل به دست گرفت، به طوری که برزیل همچنان گرفتار تورم نجومی بود. فرانکو برای مبارزه با بحران تورمی «فرناندو انریکه کاردوسو» از چهره های بسیار برجسته دانشگاهی در زمینه اقتصاد بین المللی را به عنوان وزیر دارایی خود معرفی نمود که در دور بعد به مقام ریاست جمهوری رسید. کاردوسو برنامه های اقتصادی موفق را به اجرا گذاشت و توانست بحران تورم در کشور را تا حدود زیادی از طریق اقدامات اطمینان بخش اقتصادی خود موسوم به «برنامه واقعی»^۲ مهار کند. در دوران وزارت او برزیل با تغییر واحد پول خود به ریال و «اجرای برنامه برابری دلار در برابر ریال»^۳ (که طی آن ارزش هر ریال معادل ۱ دلار تعیین گردید) و همچنین تثبیت نرخ بهره در سال در حدود ۳۰ درصد، توانست تورم را به نرخ ۴۳ درصد در سال ۹۴ و دو درصد در سال ۹۵ کاهش دهد (Vicente, Juan, 69-73) که بیشتر به یک معجزه اقتصادی شباهت داشت.

در مجموع کارنامه اقتصادی فرانکو از دو رئیس جمهور گذشته بسیار قابل قبول تر بود به طوری که فقط در طول سه سال ریاست جمهوری او تولید ناخالص داخلی برزیل به حدود دو برابر افزایش یافت و برزیل از یک بحران حاد اقتصادی خارج شد. در دولت وی شاخص درآمد

نظام سیاسی کشور که آیا جمهوری باشد و یا سلطنتی و اگر جمهوری باشد نظام ریاستی یا پارلمانی باشد را عملی ساخت که در نتیجه آن نظام جمهوری ریاستی با کسب ۳۱ درصد آرا در مقابل نظام پادشاهی با ۱۳ درصد آرا به عنوان نظام سیاسی مطلوب و مقبول، از سوی مردم این کشور برگزیده شد.

۱- او که از سناتورهای کهنه کار و با سابقه برزیلی بود نقش مهمی در فراندوم برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به صورت مستقیم در سال ۱۹۹۳ داشت. فرانکو به رغم آن که یک لیبرال و معاون دمیو بود با او اختلافات زیادی داشت و از جمله با برخی از برنامه های دمیو نظیر خصوصی سازی گسترده به هر قیمت ممکن، به شدت مخالف بود. فرانکو تا پیش از استیضاح دیلما روسف و به قدرت رسیدن میشل تمر در سال ۲۰۱۶، تنها رئیس جمهوری بود که از طریق رای غیر مستقیم مردم این مقام را در اختیار خود داشت. او از مبتکرین بازار مرکوسور و از طرفداران همگرایی اقتصادی در آمریکای لاتین و توسعه تجارت آزاد در این قاره بود برای مطالعه بیشتر رک به:

Lora, Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, La Política de las políticas Públicas, Progreso economico y Social en America Latina, Banco Interamericano de Desarrollo, Informe 2012.

۲- Plano Real

۳- BRL_USD Convertibility

سرانه تولید ناخالص داخلی از ۲۵۰۰ به حدود ۴۷۰۰ دلار رسید و شاخص ضریب جینی هم از ۵۸ واحد به ۵۶ واحد کاهش یافت. همچنین شاخص توسعه انسانی برزیل نیز از ۰/۶۲۰ به ۰/۶۵۵ افزایش یافت. (Gustavo Rojas, 2012, 45-46)

سیاست های محض نولیبرالی توسعه در دولت «فرناندو انریکه کاردوسو» (۱۹۹۵-۲۰۰۳)

انریکه کاردوسو وزیر دارایی فرانکو و رئیس حزب سوسیال دموکرات برزیل در انتخابات سال ۹۴ با کسب ۵۴ درصد آرا در دور اول به پیروزی رسید که حدود دو برابر آرای رقیب خود لولوا داسیلوا از حزب کارگر بود.^۱ در دوران ریاست جمهوری ۸ ساله کاردوسو، پیشرفت های اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه ای در برزیل رخ داد. او که خود از بنیانگذاران میانه رو تر نظریه وابستگی ساختارگرایی دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم بود در دهه ۹۰ آن قرن با چرخشی آشکار در نظریات خود، سیاست آزاد سازی اقتصادی نولیبرال را یگانه راه برون رفت از ناکامی های اقتصادی در برزیل معرفی می نمود. او به سرعت کار خصوصی سازی شرکت های دولتی را که پیش از او دمیو آن را آغاز و در دوره فرانکو با وقفه ای روبرو شده بود، مجدداً عملیاتی نمود، به طوری که در نخستین دور ریاست جمهوری وی بزرگترین برنامه «غیر ملی سازی»^۲ شرکتهای بزرگ دولتی به اجرا درآمد. (www.slideshare.net) اگر چه تورم در برزیل به طور کامل خنثی گردید اما از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ بدهی بخش عمومی از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی به ۵۵ درصد افزایش یافت و ارزش ریال برزیل بیش از ۱۰۰ درصد کاهش یافت. سیاست کاهش ارزش پولی بر خلاف انتظار سبب رشد اقتصادی خوبی در برزیل نشد و حتی رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۲ به منفی دو درصد تنزل یافت که در نتیجه آن نرخ بیکاری نیز تا بیش از ۱۲ درصد افزایش یافت. <https://knoema.com>

۱- کاردوسو به عنوان یک جامعه شناس و استاد دانشگاه نخستین رئیس جمهور برزیل بود که یک دوره ۸ ساله را در مقام ریاست جمهوری در دوران پس از حکومت نظامیان در برزیل سپری نمود. او از اساتید برجسته علوم سیاسی و جامعه شناسی و از واضعان مکتب وابستگی در دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم و یک چهره آکادمیکی کاملاً شناخته شده و محترم بود. او از سال ۹۱ به مقام رهبری حزب پی اس دی بی برگزیده شد و در سال ۹۸ نیز برای بار دوم و با کسب ۵۳ درصد آرا دوباره در برابر داسیلوا رقیب خود از حزب کارگر پیروز شد.

نمودار شماره (۲): روند تحول در ارزش ریال برزیل در دو دهه اخیر



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/currency>

نمودار شماره ۲ روند به شدت کاهشی ارزش پول برزیل در برابر دلار را که در دوره دوم ریاست جمهوری فرانکو به بیش از ۳۰۰ درصد نیز رسید نشان می دهد. در مجموع بر خلاف انتظار عمومی سیاست های اقتصادی کاردوسو موفقیت آمیز نبود. حتی درآمد سرانه برزیلی ها که در سال ۹۵ در حدود ۴۷۰۰ دلار بود و تا سال ۹۷ به ۵۲۰۰ دلار افزایش یافته بود مجدداً در پایان دوره ۸ ساله وی به سطح ۳۱۰۰ دلار تنزل یافت که حاکی از بازگشت آن به مقادیر خود در دوره دمیو داشت. (Vicente, Juan76) بخش صادراتی برزیل نیز در دوره کاردوسو به رغم افزایش کمی اما با کسری بیشتری حتی نسبت به دهه ۸۰ قرن بیستم روبرو شد به طوری که در حالی که صادرات برزیل در سال ۱۹۸۵ به حدود ۲۵ میلیارد دلار و واردات آن به ۱۳ میلیارد دلار بالغ می گردید و این کشور از یک موازنه مثبت ۱۲ میلیارد دلاری تجاری برخوردار بود، در سال ۱۹۹۹ و در اوج اجرای سیاست های نولیبرالی این کشور یک میلیارد دلار کسری تجاری داشت (۴۸ میلیارد دلار صادرات در برابر ۴۹ میلیارد دلار واردات)، هر چند دینامیزم های تجارت خارجی برزیل در دوره کاردوسو بسیار فعال شد. (Gustavo Rojas, 66) با این حال در دوران کاردوسو موفقیت های بین المللی قابل ملاحظه ای هم نصیب برزیل گردید به طوری که در سال ۹۸ برزیل موفق به دریافت وام ۴۰ میلیارد دلاری از صندوق بین المللی پول در ازای تشدید سیاستهای اقتصادی نولیبرال و انضباط مالی بیشتر گردید و این کشور توانست از سال ۹۵ تا ۲۰۰۰ میزان سرمایه گذاری خارجی را از ۴ میلیارد دلار به ۳۲ میلیارد دلار افزایش دهد. میزان سرمایه گذاری خارجی در سال ۹۸ و ۹۹ به طور پیاپی به رقمی بیش از ۳۰ میلیارد دلار رسید که موفقیت بی همتایی در کارنامه اقتصادی کاردوسو بود. علاوه بر آن ذخایر ارزی کشور در سال ۹۹ به حدود ۴۰ میلیارد دلار افزایش یافت

(Sanchez, Omar, 2003, 156-157) که این رقم تا آن زمان بی سابقه بود.

در مجموع مهمترین و برجسته ترین دستاورد اقتصادی کاردوسو کاهش نرخ تورم به زیر ۵ درصد بود. او همچنین توانست در طول دهه ۹۰ قرن بیستم نرخ بهره را از حدود ۷۰ درصد به زیر ۲۵ درصد کاهش دهد که به منزله اجرای یک سیاست کاملاً موفق پولی بود (Vicente Juan, 85). بخش مهمی از برنامه های کاردوسو در زمینه مسایل اجتماعی بر توسعه آموزش عمومی متمرکز بود که موفق ترین سیاست های اجرا شده توسط او بود.

به طور کلی سیاست های اقتصادی کاردوسو را باید در قالب هزینه های ناشی از اجرای انقباضی سیاست های نولیبرال در برزیل ارزیابی نمود که در نتیجه آن این کشور به نوعی دچار ریاضت اقتصادی شدید گردید و به همین دلیل هم او بخش قابل توجهی از محبوبیت خود را در اثر این اقدامات از دست داد. با این حال کاردوسو نقش مهمی در بستر سازی لازم برای جهش های آتی اقتصادی در برزیل در دوران آغاز هزاره سوم داشت و برزیل در دوران کاردوسو با برنامه ریزی های لازم و گام نهادن در مسیر تعمیق دموکراسی به قدرتی موثر در سیاست و اقتصاد منطقه ای و بین المللی تبدیل شد. از این منظر می توان تاثیر گذاری کاردوسو را حتی با لولا مقایسه نمود با این حال کاردوسو هرگز از محبوبیت و اقبال بالای مردم به لولا برخوردار نگردید.

دولت «لولا داسیلوا» (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱)

پس از آن که لولا داسیلوا برای چهار بار پیاپی در انتخابات ریاست جمهوری و به عنوان نامزد حزب کارگر شرکت نمود، توانست در انتخابات سال ۲۰۰۳ به پیروزی دست یابد. لولا که از بنیانگذاران حزب کارگر برزیل PT بود و از سال ۱۹۸۹ به عنوان رهبر حزب کارگر در تمام رقابتهای انتخابات ریاست جمهوری برزیل شرکت نموده بود، در این انتخابات توانست بر نامزد حزب پی اس دی بی پیروز شود. پیروزی لولا را باید در نتیجه سرخوردگی عمومی از اجرای سیاست های به غایت نولیبرال در برزیل و توسعه نابرابری های اجتماعی و درآمدی و از جمله به روی کار آمدن سایر دولتهای نو چپگرا در منطقه نظیر ونزوئلا نیز دانست. لولا از اول ژانویه سال ۲۰۰۳ به عنوان رئیس جمهور برزیل قدرت را در دست گرفت و تا اول ژانویه ۲۰۱۱ رئیس

جمهور برزیل بود. دوران ریاست جمهوری لولا به دلیل تأثیر گذاری ویژه شخصیت سیاسی او بر سیاست و اقتصاد برزیل، به دوران «لولایسم»^۱ در ادبیات سیاسی این کشور اشتهار یافته است. (Lora, Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, 2012, 131-133) او یکی از محبوبترین سیاستمداران تاریخ برزیل و یکی از نامورترین سیاستمداران این کشور در سطح جهانی بود.^۲ لولا نخستین رئیس جمهوری بود که صراحتاً برنامه های اقتصادی خود را متمرکز بر مبارزه با مساله حاد نابرابری های درآمدی در جامعه برزیل نمود. او به دلیل خاستگاه حزبی خود و عدالت محوری حزب کارگر، اساس برنامه های اقتصادی خود را در راستای اجرای برنامه های اجتماعی ویژه با هدف فقر زدایی بنا نهاد. برنامه ریشه کنی فقر تحت عنوان «گرسنگی صفر»^۳ و «سبد خانوار» از مهمترین برنامه های اجتماعی دولت وی بوده اند. برنامه سبد خانوار او در واقع ادامه ابتکار دولت کاردوسو مبنی بر اعطای یارانه های آموزشی خانوار^۴ بود که نوعی یارانه انرژی^۵ و سبد غذایی خانوار^۶ نیز در دوره لولا به آن افزوده گردید. او برای اجرای این برنامه ها نیز یک وزارتخانه مستقل تحت عنوان «وزارت توسعه اجتماعی و ریشه کنی فقر» ایجاد نمود و یک الگوی اقتصادی حمایتگر یارانه به نفع طبقات کارگری و توده های فقیر را به اجرا گذاشت. (Tapajos, Maria, 2009, 89-90) برنامه سبد خانوار او توفیقات بسیار خوبی در پی داشت و از جمله لولا توانست ضریب شاخص جینی را در طول دوره ۸ ساله ریاست جمهوری خود از ۶۰ واحد به ۵۴ واحد کاهش دهد (Cristina, Mariana, 54) که به منزله انقلابی اجتماعی در توزیع عادلانه تر ثروت برزیل بود. نمودار ۳-ب ضریب شاخص جینی در سالهای اخیر و میزان کار انجام شده برای کاستن از فاصله طبقاتی را با اتکا به یارانه های دولتی به خوبی به تصویر می کشد.

۱- Lollism

۲- او در سال ۲۰۰۹ از سوی روزنامه الپائیس و مجله لوموند به عنوان مرد سال معرفی شد و در سال ۲۰۱۰ از سوی مجله تایم به عنوان یکی از ۱۰۰ چهره اثر گذار در سطح جهانی شناخته شد. لولا در تدوین قانون اساسی جدید این کشور در سال ۸۹ و بازنگری آن در سال ۹۳ نیز نقشی فعال و کاملاً تأثیر گذار ایفا نموده بود.

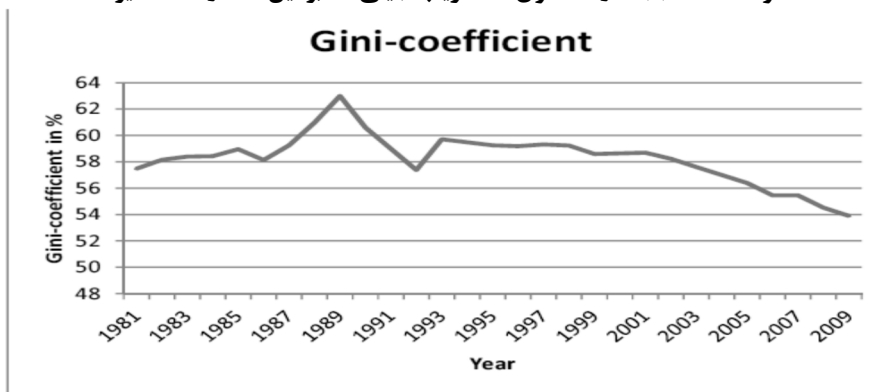
۳- Zero Hunger

۴- Bolsa Escola

۵- Auxílio Gás

۶- Bolsa Alimentação

نمودار شماره (۳): روند تحول در ضریب جینی در برزیل در دو دهه اخیر



Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI>

اگرچه لولا به عنوان بنیانگذار حزب کارگر برزیل به وضوح تمایلات و دیدگاههای چپگرایانه داشت، با این حال او پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری و به ویژه در دور دوم ریاست جمهوری خود، نسخه بسیار اصلاح طلبانه تر و سازگارتری با سیاست های نولیبرالی را به کار بست که در برزیل به عنوان یک الگوی بومی و محلی تر توسعه اقتصادی و در اقتصاد توسعه بیشتر به عنوان یک الگوی نومرکانتیلیستی قابل تحلیل است. <http://repositorio.cepal.org>

در کنار برنامه های اجتماعی عدالت محور، برنامه اصلی لولا برای اقتصاد این کشور، رشد سریع اقتصادی با اتکا به سیاست های جانب تقاضا و از جمله اجرای پروژه های بزرگ عمرانی توسط بخش خصوصی و با هدف ایجاد اشتغال بود. نوسازی ناوگان هوایی، ریلی و جاده ای در کنار کاهش مالیاتها و نوسازی بخش انرژی کشور از جمله مهمترین اقدامات او در چارچوب این برنامه بود. (Tapajos, Maria, 91-93)

۱- لولا در سال ۲۰۰۶ توانست با کسب ۶۰ درصد آرا در برابر نامزد رقیب از حزب PSDB که موفق به کسب ۳۹ درصد آرا گردید، به پیروزی دست یافته و برنامه های خود را با قدرت بیشتری ادامه دهد.

جدول شماره (۲): مقادیر تولید ناخالص داخلی در سالهای منتخب (به میلیارد دلار)

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
ارزش GDP	۳۸۱	۴۱۳	۴۳۴	۴۸۱	۵۰۹	۴۵۶	۶۳۷	۵۵۱	۶۳۱	۵۸۱	۴۱۱

Source: https://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Brazil

بدون تردید یک خیزش اصلی برزیل در توسعه اقتصادی و سیاسی در دوره لولا داسیلوا صورت گرفت. به عنوان نمونه فقط سرانه تولید ناخالص داخلی برزیل در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری وی ۴ برابر رشد یافت و از ۳۱۰۰ دلار در ابتدای کار لولا به ۷۲۰۰ دلار در سال ۲۰۰۷ و تا ۲۰۱۱ به ۱۲۵۰۰ دلار و در پایان دور دوم ریاست جمهوری او رسید. علاوه بر آن در دوره لولا برای نخستین بار پس از سالها کاهش ارزش پول ملی این کشور، ارزش ریال برزیل تقویت شد به گونه ای که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ ارزش ریال برزیل در برابر دلار آمریکا حدود ۱۰۰ درصد تقویت گردید. (Gustavo Rojas, 72-73) جدول شماره ۲ به خوبی رشد بیش از دو برابری تولید ناخالص داخلی برزیل ظرف حدود یک دهه اخیر را به تصویر می کشد. نمودار شماره ۴ نیز فراز و فرودهای رشد اقتصادی برزیل در دهه ۹۰ و سالهای نخست هزاره سوم را به خوبی نشان می دهد. این نمودار همچنین امکان مقایسه میان عملکرد دولت های کاردوسو و لولا را فراهم می کند. بر این اساس در سالهای ریاست جمهوری کاردوسو رشد اقتصادی سیری قهقراپی را طی می نمود و حال آن که در دوره لولا داسیلوا رشد اقتصادی آهنگ بسیار خوبی به خود گرفت. به این ترتیب که متوسط رشد اقتصادی برزیل در ۴ سال نخست ریاست جمهوری لولا به حدود ۳/۶ درصد رسید و در دوره دوم، متوسط رشد اقتصادی کشور به ۴/۶ رسید و حتی در سال انتهایی ریاست جمهوری وی، برزیل از رشد حدودا ۱۰ درصدی برخوردار گردید که یکی از بالاترین نرخ های رشد در سطح جهانی برای یک اقتصاد بزرگ در حال توسعه به شمار می رود.

نمودار شماره (۴): نرخ رشد تولید ناخالص داخلی برزیل در دو دهه ۹۰ و ابتدای هزاره سوم



Source: Nassif, Andre & Feijo Carmen & Araujo, Elliane, Is Brazil Catching up or Falling Behind? United Nations Publications, 2013, 99

این استمرار رشد اقتصادی به افزایش اشتغال، افزایش دستمزدها و سرمایه گذاری بیشتر سرمایه های خصوصی مردم در طرح های زیربنایی منجر گردید. در همین راستا ارزش بازار مالی و سرمایه برزیل در نخستین دور ریاست جمهوری لولا از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ حدود ۴ برابر افزایش یافت به طوری که در سال ۲۰۰۷ به بیش از ۹۸ درصد از معادل تولید ناخالص داخلی کشور رسید. www.theglobaleconomy.com

نمودار شماره ۵: نرخ رشد بازار سرمایه در برزیل ۲۰۰۸-۲۰۱۶



Source: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2012/wp12224.pdf>

نمودار شماره ۵ نرخ رو به رشد بازار سرمایه در برزیل را از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ و در سال های مدیریت سیاسی و اقتصادی حزب کارگر نشان می دهد. سیاست های اقتصادی لولا منجر به آن شد تا طبقه متوسط و مصرف کننده برزیل از ۳۷ درصد به

۵۰ درصد افزایش یابد. در دوران لولا بود که برزیل به هشتمین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل شد و ۲۰ میلیون نفر از مردم این کشور به بالای خط فقر ارتقا یافتند. (Jaime Ortega, Reyna, 88) همچنین در نخستین دوره ریاست جمهوری لولا تجارت خارجی برزیل مستمرا با ارزش مازاد تجاری روبرو می گردید به طوری که این میزان از ۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ تا ۴۱ میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. با این حال رکود اقتصاد جهانی سبب شد تا این میزان در سال ۲۰۱۱ به حدود ۲۰ میلیارد دلار کاهش یابد. www.statista.com برزیل که در دهه ۸۰ به عنوان یکی از مقروض ترین کشورهای جهان شناخته می شد، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۸ به عنوان یک اقتصاد اعتباردهنده خارجی پا به میدان نهاد. لولا در برابر بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ نیز سیاست های اقتصادی محرکی را برگزید تا اقتصاد برزیل از عواقب آن به دور بماند.

در دوره ۸ ساله لولا نرخ سرمایه گذاری خارجی نیز افزایش قابل ملاحظه ای یافت و در حالی که در ابتدای دولت وی مقادیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با دولت کاردوسو تا ۱۸ میلیارد دلار کاهش یافته بود، این مقدار در سال ۲۰۱۱ به رقم ۶۶ میلیارد دلار رسید که رشدی بیش از سه برابر را نشان می داد. این مقدار در حدود ۴/۳ درصد از کل سرمایه گذاری خارجی مستقیم در جهان را در همین سال شامل می گردید. برنامه های اقتصادی لولا منجر به افزایش ذخائر ارزی و کاهش بدهی های خارجی و تقویت ثبات و رشد اقتصادی پایدار برزیل شد به طوری که در اثر این موفقیت های اقتصادی، لولادر پایان ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۱ مقبولیتی ۸۷ درصدی داشت که در مقایسه با هر رئیس جمهور دو دوره ای دیگری نظیر کاردوسو بسیار بالا بود. لولا داسیلوا به رغم تاکیدات موکد خود بر نقش نظارت محور و تنظیم کننده دولت در اقتصاد، در مجموع به سیاست های خصوصی سازی آغاز شده از دهه ۹۰ و تحت الگوی نولیبرال پشت نکرد، اما او و مجموعه دولت وی تمام سعی خود را در تعدیل پیامدهای اجتماعی این تحولات به کار بستند. روی هم رفته دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا یکی از بهترین دوران سیاسی و اقتصادی برزیل در سالهای اخیر بوده است که فقط با دوران رشد و شکوفایی برزیل در سالهای پیش از جنگ جهانی اول قابل مقایسه است. افزایش حدود سه برابری تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ملی، افزایش ذخایر ارزی برزیل در حدود سه برابر و افزایش دو برابری ارزش پول برزیل برخی از این دستاوردهاست. با این وجود به دلیل گستره و

سابقه قابل ملاحظه فساد دولتی در برزیل، دولت لولا نیز از این موضوع استثنا نبود و پرونده هایی در این خصوص برای دولت وی نیز گشوده شد که با استمرار و توسعه اتهامات مرتبط با فساد سیاسی در دولت خانم روسف منجر به تضعیف جایگاه و موقعیت برتر این حزب در سیاست برزیل پس از برهه ای طولانی گردید.

برای داشتن ارزیابی بهتری از عملکرد حزب کارگر و استمرار سیاست های اقتصادی نومرکاتیلیستی در برزیل می بایستی کارنامه دولت خانم روسف را به عنوان جانشین لولا از حزب حاکم یا حزب کارگر نیز مورد ارزیابی دقیق قرار داد تا روند تکوین توسعه اقتصادی در برزیل در سال های اخیر روشن تر شود.

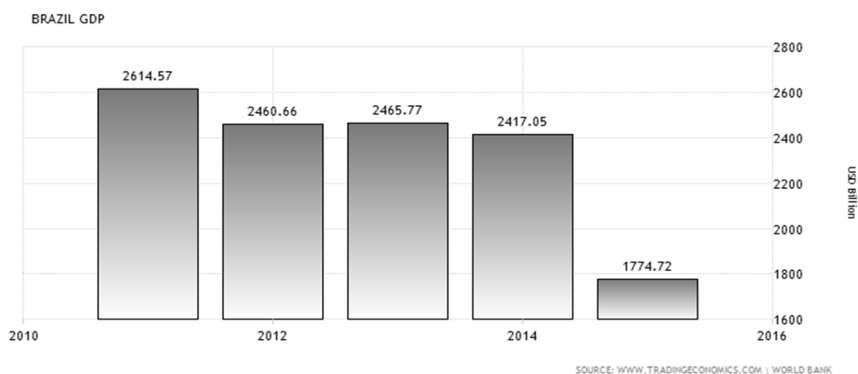
دولت «دیلمار روسف» (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶)

مقبولیت سیاستهای لولا و بهبود تدریجی اوضاع اقتصادی در دوره تصدی او سبب شد تا اقبالها به حزب کارگر و برنامه های اقتصادی این حزب ادامه یابد. لذا او میراث ارزنده ای برای هم حزبی های خود به جای گذاشت که در نتیجه آن دیلمار روسف نامزد حزب کارگر توانست در انتخابات ریاست جمهوری برزیل در سال ۲۰۱۰ در برابر خوزه سررا کاندیدای حزب مخالف PDDB و با کسب ۵۶ درصد آرا به پیروزی دست یابد. (Cordera, Rolando, 2014, 48) او نخستین زن در تاریخ برزیل بوده است که توانسته به این مقام دست یابد. با این حال بخت با او یار نبود و اولین خانم رئیس جمهور اگرچه آغاز به نسبت خوبی داشت اما فرجام خوشایندی نداشت چرا که او در ۳۱ آگوست ۲۰۱۶ توسط سنای این کشور به اتهام فساد مالی از قدرت خلع ید شد.

در حالی که اقدامات تحریک بخش اقتصادی در سال ۲۰۱۱ رشد اقتصادی حدودا ۱۰ درصدی را پس از بحران مالی جهانی برای این کشور به ارمغان آورد، اما افزایش تورم در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، دولت خانم روسف را مجبور به اتخاذ تدابیری برای کنترل بازار نمود که همزمانی این تصمیمات اقتصادی با اوضاع شکننده اقتصادی و مالی در جهان موجب کاهش مجدد رشد اقتصادی برزیل به سطح ۲/۷ درصد برای سال ۲۰۱۲ گردید. (Cordera Rolando, 50) به این ترتیب نوسانات بالا در رشد اقتصادی برزیل در بیشتر سالهای ریاست جمهوری خانم روسف مهمترین چالش دولت در مسیر توسعه اقتصادی کشور بوده است به گونه ای که در حالی که مقادیر تولید ناخالص داخلی برزیل در دوران ریاست جمهوری لولا به بیش از دو برابر

افزایش یافت، این مقادیر در دوره ۴ ساله ریاست جمهوری روسف حدود ۴۰ درصد کاهش یافت. به این ترتیب در حالی که دوران ریاست جمهوری لولا را می بایستی دوره تثبیت رشد اقتصادی دانست، دوره خانم روسف را می بایستی دوران آغاز آشفتگی دوباره اقتصادی دانست. نمودار شماره ۵ نمایانگر کاهش تدریجی تولید ناخالص داخلی در سالهای ریاست جمهوری روسف است که بیانگر عملکرد نا مطلوب دولت او در این خصوص در مقایسه با دولت لولاست.

نمودار شماره (۵): مقادیر تولید ناخالص داخلی در سالهای ریاست جمهوری روسف



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/gdp>

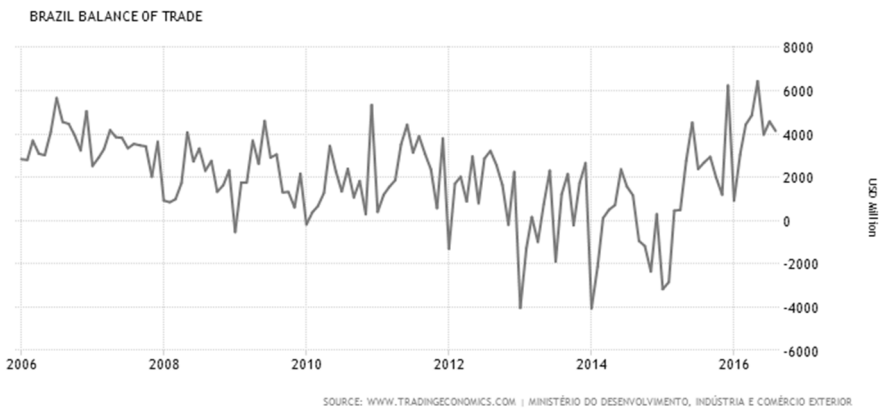
در پاسخ به کاهش رشد اقتصادی دولت خانم روسف سعی نموده تا با اتخاذ تدابیری از جمله کاهش تدریجی نرخ بهره از ۱۲ درصد به ۷/۵ درصد طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ و کاهش تدریجی ارزش پول این کشور تا بیش از ۵۰ درصد، شرایط لازم برای توسعه بخش صادراتی خود را مجددا فراهم نماید. (Nassif, Andre & Feijo Carmen, 2013, 73) با این حال او در این زمینه نیز توفیقی نداشت به طوری که تراز تجاری برزیل طی سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ منفی شد و حتی به رقم منفی ۱۴ میلیارد دلار نیز کاهش یافت. www.statista.com

نمودار شماره (۶): مقادیر نرخ بهره در برزیل در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶



Source: <http://www.indexmundi.com/facts/brazil/interest-rate-spread>

نمودار شماره ۶: توازن تجاری برزیل



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/balance-of-trade>

نگاهی به برخی از نمایه های کلان اقتصادی برزیل در سال ۲۰۱۵ که در نتیجه حاکمیت ۱۳ ساله حزب کارگر در این کشور کسب شده است، امکان داوری میان سیاستهای رقیب در توسعه اقتصادی برزیل را بهتر فراهم می کند.

جدول شماره (۴): برخی از مهمترین شاخصه های اقتصادی برزیل در سال ۲۰۱۵

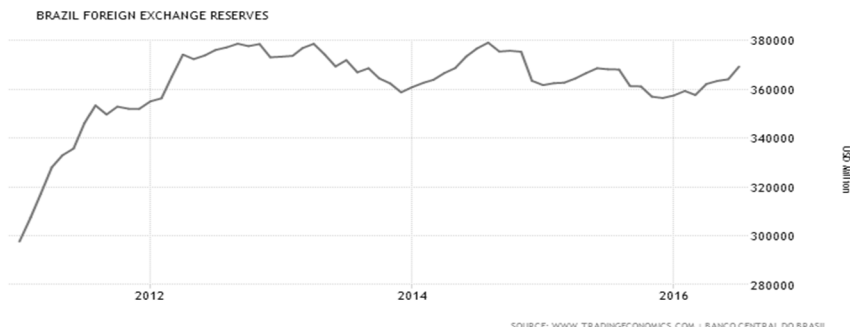
شاخص	GDPنومینال	GDP قدرت خرید	سراانه نومینال	سراانه قدرت خرید	صادرات	واردات	درصد مردم زیر فقر
مقادیر	۱۹۰۰ میلیارد دلار	۳۲۶۰ میلیارد دلار	۹۳۰۰	۱۶۱۰۰	۱۹۱	۱۷۱	۰/۱۵
جایگاه جهانی	۱۷	۷	۷	۷۴	۲۵	۲۴	-

Source: <http://www.worldbank.org/en/country/brazil>

اقتصاد برزیل در سالهای اخیر به یک اقتصاد کاملاً خدمات محور تبدیل شده است به طوری که در سال ۲۰۱۳ فقط ۵/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به بخش کشاورزی اختصاص داشته است و حال آن که سهم صنعت ۲۶/۵ درصد و سهم خدمات ۶۸ درصد بوده است که بالاترین نرخ در میان سایر اقتصاد های منطقه است.

(Cordera, Rolando, 52-53) در طول سالهای حاکمیت حزب کارگر از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ سیاستهای نومرکانتیلیستی این حزب توانست حدود ۲۹ میلیون نفر از مردم برزیل را از خط فقر خارج نماید و سبب کاهش ضریب جینی در همین مدت از ۵۸ واحد به ۵۴ واحد گردد که اگر چه هنوز هم در سطح منطقه رقم قابل توجهی است با این حال حاکی از عملکرد فوق العاده این حزب در کاستن از آمار فقرا دارد. از سوی دیگر نرخ تورم در برزیل در طول سالهای حاکمیت حزب کارگر همواره تک رقمی و کمتر از ۱۰ درصد بوده است که حاکی از موفقیت سیاست های پولی در این کشور می باشد، با این حال این نرخ در سال ۲۰۱۵ مجدداً تا حدود ۱۰ درصد افزایش داشته است که نشانگر عملکرد ضعیف تر دولت روسف در مقایسه با دولت لولا در این ارتباط می باشد. نمودار شماره ۷ ب میزان رو به رشد تجارت خارجی برزیل را در سالهای منتخب در طول ۱۰ سال اخیر به تصویر کشیده و نمودار شماره ۸ نیز میزان ذخایر ارزی رو به افزایش برزیل در سالهای اخیر را نشان می دهد که در سال ۲۰۱۶ به حدود ۳۷۰ میلیارد دلار رسیده است. این نمودار نمایانگر کارنامه قابل قبول خانم روسف در افزایش ۳۰ درصدی ذخایر ارزی کشور می باشد.

نموار شماره (۷): میزان ذخایر ارزی برزیل



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/foreign-exchange-reserves>

جدول شماره ۶: شاخص توسعه انسانی در برزیل از سال ۱۹۸۰ تا کنون

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۸	۲۰۱۱	۲۰۱۳	۲۰۱۴
شاخص HDI	۰/۵۴۵	۰/۶۱۲	۰/۶۸۲	۰/۷۰۵	۰/۷۳۱	۰/۷۴۰	۰/۷۴۴	۰/۷۵۵
رتبه جهانی	۶۶	۷۶	۶۶	۷۷	۷۰	۷۷	۷۹	۷۵

Source: <http://countryeconomy.com/hdi/brazil>

در جدول شماره ۶ امکان مقایسه ای تطبیقی در ارتباط با شاخص بسیار مهم توسعه انسانی در طول بیش از سه دهه از تاریخ توسعه در برزیل فراهم شده است که بر اساس آن در سال ۲۰۱۴ برزیل بالاترین رکورد تاریخی خود را در این نمایه به ثبت رسانده است.

پس از پیروزی ۵۲ درصدی روسف در انتخابات سال ۲۰۱۴ در برابر نامزد PSDB که نشانه اقبال کمتر به وی در مقایسه با دوره اول ریاست جمهوری وی بود، به سرعت ریاست جمهوری او تحت تاثیر دو بحران حاد سیاسی مرتبط با ارتشا و سو استفاده مالی در حزب کارگر قرار گرفت که در نتیجه آن پای لولا نیز به این رسوایی ها باز شد.^۱ در نهایت با توجه به رسوایی های

۱- روسف مشخصاً متهم شده است با تخطی از قانون بودجه، هزینه‌های دولتی را در راستای فعالیت های تبلیغاتی خود افزایش داده و آمار دولتی را دستکاری کرده است، علاوه بر اتهام دست بردن دولت روسف در حساب های دولتی، بخش دیگری از اتهامات وارده به روسف و سلف او لولا رسوایی مربوط به شرکت نفتی پتروبراس یا رسوایی پتروبراس Petrobras scandal است. سابقه پرونده پتروبراس به حدود سال ۲۰۱۴ باز می‌گردد که اعلام شد شماری از مقامات دولتی و سیاستمداران برزیلی و از جمله لولا و روسف، در ارتباط با دریافت رشوه از شرکت پتروبراس بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

مذکور و اکثریت حزب مخالف در کنگره بالفور روند آغاز استیضاح روسف از سوی کنگره این کشور در دستور کار قرار گرفت که در نتیجه آن وی از مقام ریاست جمهوری عزل گردید.^۱ با برکناری روسف، به ۱۳ سال حکومت چپگراها در برزیل پایان داده شد و میشل تمر^۲ به عنوان سی و هفتمین رئیس جمهور برزیل از حزب پی اس دی بی قدرت را در دست گرفت. سقوط حزب کارگر و پایان غم انگیز دولت خانم رئیس جمهور بار دیگر نوسانات و آشفتگی های سیاسی و اقتصادی در برزیل را آشکار و چالشی دوباره بر سر راه راهبرد مناسب برای توسعه اقتصادی کشور ایجاد نموده است. چالشهای ناشی از فساد سیاسی که در ساخت دولت و بوروکراسی عریض و طویل دولت برزیل رخنه نموده است، همچنان بزرگترین تهدید داخلی برای شکوفایی اقتصادی بیشتر این کشور به شمار می رود. لولا داسیلوا وعده داده است که با عبور از چالشهای سیاسی ایجاد شده توسط حزب رقیب و با استفاده از همه ظرفیت های شخصی، حزبی و ملی خود درصدد است مجدداً خود را برای سال ۲۰۱۹ نامزد حزب کارگر در انتخابات برزیل نماید که با توجه به اقبال عمومی به شخصیت وی و کارنامه بسیار قابل قبول او در توسعه اقتصادی برزیل در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری وی امکان پیروزی مجدد او دور از ذهن نیست. در هر حال با توجه به قوت توسعه سیاسی در برزیل در سال های اخیر و حرکت رو به رشد اقتصاد این کشور از این پس جدال های سیاسی و مبارزات حزبی در این کشور بیشتر در خصوص آهنگ رشد و توسعه و سیاست های اجتماعی مرتبط با آن خواهد بود و نه مسایل یا چالشهای نظری کلان مرتبط با چگونگی اتخاذ راهبردهای توسعه اقتصادی.

آنها متهم هستند که بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ در ازای لابی برای برخی شرکتهای برزیلی جهت برنده شدن در مناقصات خارجی مبالغی در حدود ۲۳۰ میلیون دلار را دریافت نموده اند که آنها این اتهامات را از اساس رد نموده اند. برای مطالعه بیشتر رک به:

<https://magnet.xataka.com/en-diez-minutos/que-esta-pasando-en-brasil-y-por-que-podria-acabar-con-la-presidencia-de-dilma-rousseff>

۱- در پی این اقدام مجلس عوام، مجلس سنا نیز در تاریخ ۱۲ می ۲۰۱۶ روند استیضاح خانم روسف را آغاز نمود و نهایتاً با رای مجلس سنا برزیل در تاریخ ۳۱ آگوست ۲۰۱۶ دیلما روسف رئیس جمهوری این کشور از پست ریاست جمهوری خلع شد. سناتورهای برزیل با ۶۰ رای موافق در برابر ۲۰ رای مخالف، رای به برکناری روسف دادند. برای مطالعه بیشتر رک به:

<https://magnet.xataka.com/en-diez-minutos/que-esta-pasando-en-brasil-y-por-que-podria-acabar-con-la-presidencia-de-dilma-rousseff>

۲- Michel Temer

جمع بندی

بررسی تطبیقی سیاست های توسعه اقتصادی بازار محور نولیبرالی و نظارت محور نومرکانتیلیستی مبین تفاوت ماهوی و ذاتی میان این دو سیاست توسعه اقتصادی نیست، بلکه تفاوت های این دو راهبرد توسعه را بیشتر بایستی در مسایل و موضوعات کارکردی اقتصاد و به ویژه نحوه معیشت توده های مردم و نیز حدود و ثغور مداخلات دولتی در اقتصاد جست. بررسی روندهای توسعه اقتصادی در برزیل در سه دهه اخیر می تواند به عنوان یکی از بهترین نمونه ها برای ارزیابی اقتصادهای بزرگ در حال توسعه مد نظر قرار گیرد. مطالعه فرآیند توسعه اقتصادی در برزیل به منزله درک جایگاه و میزان تاثیر پذیری توامان دینامیزمها، محرکه ها و متغیرهای داخلی و بین المللی توسعه اقتصادی از یکدیگر در طول سه دهه اخیر است. سیاست های نولیبرالی توسعه در برزیل ساختار راهبرد توسعه اقتصادی در این کشور را از اواسط دهه ۸۰ قرن بیستم به کلی دگرگون و از اقتصادی حمایتگرا به اقتصادی بازار محور تبدیل نمود. مشکلات و آسیب های شدید اجتماعی ناشی از تورم و گسترش فقر در این کشور در اواخر دهه ۸۰ و بخشی از دهه ۹۰ قرن بیستم عمدتاً ناشی از واگذاری نقش دولت به بازار و قرار دادن اقتصاد در معرض آزاد سازی بدون توجه به نتایج اجتماعی آن بوده است که این سیاست ها در کاهش درآمد سرانه و افزایش ضریب جینی و گسترش عمومی فقر نمود یافت. به ویژه اجرای بلافصل این سیاستها از سوی احزاب عمدتاً لیبرال در برزیل در سالهای دهه ۹۰ قرن بیستم از جمله در دولتهای دمبو و کاردوسو بیشتر به نفع طبقه سرمایه دار برزیل خاتمه یافت. اما این سیاست ها در توسعه اقتصاد صادراتی و افزایش نرخ سرمایه گذاری خارجی در برزیل نقشی بی بدیل داشتند. در مجموع تجربیات و ناکامی های ناشی از اجرای این راهبرد، سبب شد تا سیاست های تعدیل ساختاری و نولیبرالی حزب پی اس دی بی در دوره حاکمیت حزب کارگر به نفع یک توسعه اقتصادی دولت محورتر و حمایتگرایانه تر یا نومرکانتیلیستی با تمرکز و توجه به وضع معیشتی توده های مردم و توسعه طبقه متوسط تغییر جهت داده و بار دیگر نقش نظارتی دولت در برقراری تعادل در سیاست های آزاد سازی در کنار توجه به آسیب های اجتماعی و طبقاتی مورد توجه قرار گیرد. تجربه موفق اعطای یارانه های مختلف دولتی در دوران لولا در همین راستا بود. اگرچه دستاوردهای دولت های نولیبرال دومبو،فرانکو و کاردوسو در توسعه صنعتی برزیل غیر قابل انکار است و از جمله این کشور نرخ رشد صنعتی تا ۴۰ درصد را در دهه ۹۰ قرن بیستم تجربه

نمود، اما تعدیل مکانیزم های بازار محور اقتصاد نولیبرالی از جمله ایجاد نهادهای نظارت محور اقتصادی و اجتماعی و رها نکردن توده های کم درآمد به امان منطق بازار آزاد در کنار استمرار سیاست های افزایش سرمایه گذاری خارجی و توسعه ظرفیت صادراتی برزیل، از مهمترین ابتکارات دولت های کارگری لولا و روسف در خصوص توسعه متوازن در برزیل بوده است و به همین دلیل در دوران حاکمیت حزب کارگر، هم شاهد افزایش کیفیت زندگی مردم برزیل و هم شاهد بهبود شاخص های توسعه صنعتی و اقتصادی در این کشور هستیم. حزب کارگر در طول زمامداری ۱۳ ساله خود سعی در بومی سازی سیاست های نولیبرال و تلفیق الگوهای محلی تر توسعه مبتنی بر عدالت محوری با حفظ و توسعه روابط با نظام سرمایه داری جهانی نمود و به همین دلیل هم توانست الگوی موفق تر و متوازن تری از توسعه اقتصادی را در مقایسه با احزاب لیبرال و مدل نولیبرالی ارائه دهد، به طوری که تحولات اقتصادی صورت گرفته در دوران حاکمیت حزب کارگر به منزله یک نقطه عطف جدید از لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی در این کشور به شمار می رود که موقعیت جهانی برزیل را به نحوی بی سابقه ای ارتقا داده است. فقط نگاهی به شاخص های افزایش دو برابری تولید ناخالص داخلی و سرانه آن، کاهش قابل ملاحظه فاصله ضریب جینی و افزایش بی سابقه تجارت خارجی کشور و افزایش ارزش پول ملی و سایر شاخص های کلان اقتصادی، میزان کار انجام شده در این کشور را در طول سال های اخیر به خوبی به تصویر می کشد، به گونه ای که انتظار می رود با توجه به بستر سازی صورت گرفته توسط حزب کارگر در سال های گذشته حتی سقوط دولت روسف و به قدرت رسیدن مجدد حزب پی اس دی بی خلل جدی در مسیر توسعه اقتصادی و صنعتی برزیل ایجاد نکند، اگر چه فساد سیاسی نهفته در بوروکراسی عریض و طویل دولتی در برزیل همچنان یکی از مهمترین موانع توسعه و رشد اقتصادی بیشتر در این کشور است.

منابع

- Antonieta Maria ,Pignatari Silva,Leandro,**Brazil and the G20,Recent Development Strategy and Strength among New Emerging Economies,**
- Antonio,Jose Ocampo& Bertola,Luis,**Desarollo Vaivenes y Desigualdad,Una Historia Economica De America Latina Desde La Dependencia,Secretaria General ibero Americana,2009.**

- Altmann, Josette&Fander falconi, **America latina y el Caribe: perspectivas de Desarrollo y coincidencias para la Transformacion del estado**, Publicaciones de Flasco, 2011.
- Carreras, Albert, Hofman, and Andre, Tafunell Xavier, **El Desarrollo Economico de america latina en epocas de Globalizacion**, CEPAL, 2010.
- Fernandes Da Silva, Marcos, **The politica Economy of Corruption in Brazil**, University of London, 1999.
- Jackson Robert, Sorensen George, **Introduction to International relations**, Oxford, 2009
- Gustavo Rojas De Cequeira Cesar, **El caso Brazilano**, 2012
- Holand Barbosa, Fernando, **Economic Development, Brazilian Experience**, 2004-9-Lora , Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, **La Política de las políticas Publicas, Progreso economic y**
- Manfred B. Steger & Ravi K. Roy, **A very short Introduction to Neoliberalism**, Oxford university press, 2010.
- Nassif, Andre & Feijo Carmen & Araujo, Elliane, **Is Brazil Catching up or Falling Behind?** United Nations Publications, 2013.
- Peet, Richard and Hartwick, Elaine "Theories of Development" , Guilford Press, 2009
- Reid, Michael, "Forgotten Continent, The Battle for Latin America's Soul", Yale university press 2009.
- Rojas Fransisco, Alvarez Andrea, **America Latina y el Caribe, Globalizacion y conocimiento** , flasco 2011.
- Sanchez, Omar, "Globalization as development Strategy in Latin America", 2003. 16- Tapajos, Maria, **Estado, Políticas Publicas y Desarrollo social en Brasil**, Ministerio de Desarrollo Social, 2009
- Vicente , Juan & Banchiller, Cabria, **Las Estrategias De Desarrollo Economico en Brazil 1952-2010**, Salamanca, 2012.
- Cordera Rolando, **El desarrollo Hoy y Ayer**, Revista cepal, 113, Agosto 2014,
- Haber, Stephen, **Crecimiento Economico E Historia Economica De America Latina, Economia, Theoria Y Practica**, Numero 8, 1997
- Jaime Ortega Reyna, **La configuracion neoliberal en America Latina**, Espiral, Estudios sobre Estado y Sociedad Vol. XVIII No. 52 · Septiembre / Diciembre de 2011
- Cristina, Mariana, **Brazil Un Caso Reciente De Crecimiento Economico** , Revista de Studios Empresariales, N1, 2011
- <http://countrystudies.us/brazil/16>.
- <https://fee.org/articles/milton-friedman-and-the-chicago-school-of-economics/>
- www.globalfinancialdata.com/gfdblog/?p=19
- <http://repository.cmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1897&context=tepper>
- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/currency>

- <http://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI>
- <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2012/wp12224.pdf>
- <http://www.indexmundi.com/facts/brazil/interest-rate-spread>
- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/foreign-exchange-reserves>
- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/gdp>
- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/balance-of-trade>
- <http://www.sjsu.edu/faculty/watkins/brazilinfl.htm>
- <http://www.eltiempo.com/multimedia/especiales/dilma-rousseff-y-el-escandalo-politico-de-corrupcion-en-brasil/16588325/1/>
- <https://magnet.xataka.com/en-diez-minutos/que-esta-pasando-en-brasil-y-por-que-podria-acabar-con-la-presidencia-de-dilma-rousseff>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Brazil
- <http://www.worldbank.org/en/country/brazil>
- <http://countryeconomy.com/hdi/brazil>
- <https://mises.org/library/neo-mercantilism>
- <http://www.economicshelp.org/blog/17553/trade/mercantilism-theory-and-examples>
- <https://www.slideshare.net/falcoforado/neoliberalism-and-denationalization-of-the-economy-of-brazil>
- <http://repositorio.cepal.org/bitstream/handle/11362/10795/73147169I.pdf?sequence=1>
- <https://knoema.com/atlas/brazil/unemployment-rate>
- http://www.theglobaleconomy.com/Brazil/Stock_market_capitalization/
- <https://www.statista.com/statistics/263631/trade-balance-of-brazil/>
- http://unctad.org/en/publicationslibrary/wir2011_en.pdf
- http://www2.congreso.gob.pe/sicr/cendocbib/con4_uibd.nsf/onstituci%C3%B3n_Brasil.pdf

تعیین اولویتهای حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان در ایران مبتنی بر آسیب‌شناسی وضع موجود

عبدالمحمد کاشیان^۱

بهرام بیات^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۱۱/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۸/۴/۱۶)

چکیده

در دنیای پر تحول امروز، زیربنای اقتصادهای صنعتی، از محوریت منابع به محوریت سرمایه‌های فکری جابه‌جا شده و به همین دلیل اهمیت عامل دانش در اقتصاد روزافزون می‌شود. توجه به اقتصاد دانش‌بنیان، یکی از مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد ایران در جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز و تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود و در این میان حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان یک الزام اساسی است. از جهتی حمایت از این شرکتهای، بدون شناسایی آسیب‌های پیش‌روی آنها میسر نیست و از این جهت هدف اصلی این پژوهش آن است که ضمن شناسایی آسیب‌های پیش‌روی شرکتهای دانش‌بنیان، به تبیین درجه اهمیت هر یک از آنها پرداخته و از این بستر برای تعیین اولویتهای سیاستی حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان بهره جوید. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی در شناسایی آسیب‌ها و استفاده از

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان، سمنان. (نویسنده مسئول)

a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی.

آزمون فریدمن برای تعیین اولویت‌ها، دلالت بر آن دارد که ایجاد نهادهای پیونددهنده دانشگاه و صنعت، حمایت از طریق ابزارهای نظام مالیاتی، حمایت از طریق کاهش بوروکراسی اداری موجود در ایران، حمایت از طریق تقویت قوانین مربوط به مالکیت فکری در سطح ملی و بین‌المللی، حمایت از طریق آشنا ساختن شرکت‌های دانش‌بنیان به امور تجاری‌سازی و بازاریابی مهم‌ترین اولویت‌های سیاستی در حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان محسوب می‌شود و مسائلی مربوط به تأمین مالی و تأمین سرمایه بر خلاف تصور رایج در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: دانش‌بنیان، حمایت، تأمین، تجاری‌سازی، مالکیت فکری، اقتصاد

۱- مقدمه

توجه به اقتصاد دانش‌بنیان، یکی از مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد ایران در جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز و تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، سعی بر آن داشته‌اند به‌جای خام‌فروشی و فروش محصولات که ارزش پایینی دارند، تولید و صادرات محصولات را در اولویت قرار دهند که از لحاظ دانش فنی در سطح بسیار بالایی هستند و با کمترین مواد اولیه، بالاترین ارزش‌افزوده را به خود اختصاص دهند. در واقع این کشورها در تلاش بوده‌اند تا درآمدهای خویش را از راه دانش فنی ارتقا دهند و سهم محصولات عادی را کاهش دهند. اقتصاد ایران هم از جهت توانایی رقابت در عرصه‌های بین‌المللی و هم از جهت تقویت اقتصاد داخلی و نیز جلوگیری از خام‌فروشی و واردات بی‌رویه کالا، نیاز به توسعه و ترویج اقتصادی دارد که مبتنی بر دانش باشد و شاکله اصلی آن را دانش فنی شکل دهد. محور اصلی جریان، مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان هستند که در واقع بار اصلی این حرکت را به دوش می‌کشند. طبیعی است که پویایی و حرکت رو به رشد شرکت‌های دانش‌بنیان مستلزم فراهم کردن بسترهای حمایتی لازم برای رسیدن به اهداف است؛ اما بررسی‌های مقدماتی این تحقیق حاکی از آن است که شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران با مشکلات متعددی مواجه هستند و وجود این مشکلات مانع از رشد و توسعه قابل‌قبول آن‌ها شده است. از طرفی تفکر حاکم بر بسیاری از تصمیم‌گیران در این حوزه توجه صرف به تأمین مالی و تأمین سرمایه شرکت‌های دانش‌بنیان است و حال آنکه اولویت‌های مهم‌تری نیز در این زمینه وجود دارد. این تحقیق به دنبال آن است که ضمن شناسایی آسیب‌های پیش‌روی شرکت‌های دانش‌بنیان به این سؤال پاسخ

دهد که اولویت‌های مرد نیاز جهت حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان کدام است؟ بدیهی است که با شناسایی این آسیب‌ها می‌توان راهبردهای حمایتی اولویت‌دار در این خصوص را ترسیم کرد.

بر این اساس بعد از مقدمه و در بخش دوم، ضمن بررسی مبانی نظری تحقیق و ارائه یک آسیب‌شناسی دقیق از شرکت‌های دانش‌بنیان مبتنی بر تحقیقات پیشین، ماتریس آسیب‌ها را در دو بعد درونی و بیرونی و ۵ محور اقتصادی، اجتماعی، ساختار، فنی و حقوقی ارائه خواهیم کرد. ادعای تحقیق حاضر این است که تحقیقات پیشین کفایت لازم در شناسایی آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان را ندارد و لازم است ضمن تکمیل گستره آسیب‌ها، اولویت هر یک را تبیین نماییم. به همین منظور در بخش سوم به بررسی روش تحقیق خواهیم پرداخت و در بخش چهارم با تحلیل داده‌های موجود، ضمن تکمیل ماتریس آسیب‌ها، به اولویت بندی آسیب‌های مورد نظر خواهیم پرداخت و نتایج تحقیق را در قالب آسیب‌های پیش‌روی شرکت‌های دانش‌بنیان و اولویت سنجی آن در ایران ارائه خواهیم کرد. دستاوردهای این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک الگو مشتمل بر اولویت‌های حمایتی برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان مورد استفاده قرار گیرد و جهت‌گیری اصلی سیاست‌گذاران این حوزه را ترسیم نماید.

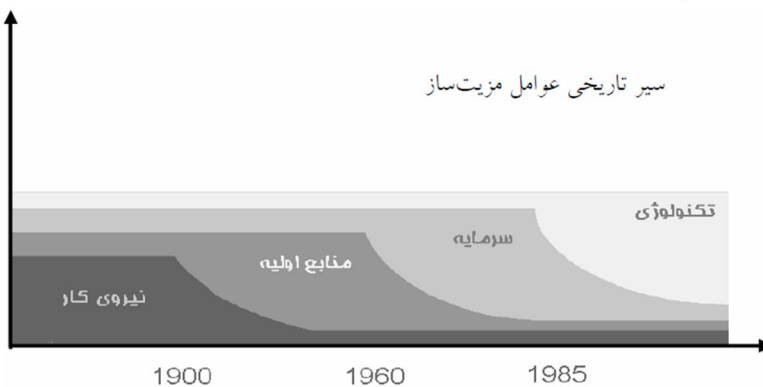
۲- مبانی نظری تحقیق و ادبیات پیشین:

۲-۱- اقتصاد دانش‌بنیان: چستی و اهمیت

در دنیای پر تحول امروز، زیربنای اقتصادهای صنعتی، از محوریت منابع به سمت محوریت سرمایه‌های فکری جا به جا شده و به همین دلیل دانش به‌صورت روز افزون پراهمیت‌تر می‌شود. در چنین شرایطی شکل جدیدی از سازمان‌هایی مورد نیاز است که به‌عنوان سازمان‌های مبتنی بر دانش شناخته شده و اصطلاحاً شرکت‌های دانش‌بنیان نامیده می‌شوند و عاملی حیاتی برای توسعه اقتصادی در یک کشور هستند. در واقع این شرکت‌ها موتور رشد و توسعه محسوب می‌شوند (مک‌کارتی، ۲۰۰۰: ۱۳۱). اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که در آن تولید و توزیع با استفاده از دانش، منبع اصلی رشد و ایجاد ثروت است. نگاهی به سیر شکل‌گیری عوامل مزیت‌ساز جوامع در یک‌صد سال گذشته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۰۰ میلادی «نیروی کار ارزان»، به‌عنوان مزیت اصلی محسوب می‌شده و از آن به بعد، در اختیار داشتن منابع طبیعی و در ادامه به

علت کاربرد گسترده ماشین‌آلات در صنعت، «سرمایه» اهمیت بیشتری پیدا کرد. سرمایه اقتدار خود را تا حدود سال‌های ۱۹۸۵ حفظ کرد اما امروز این دانش است که به عامل مزیت‌زا تبدیل شده است (استیری و مشیری، ۱۳۸۸). همین مسئله سبب شده است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر این موضوع تأکید جدی داشته باشند و برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود سیاست‌گذاری نمایند.

نمودار (۱) - سیر تاریخی عوامل مزیت‌ساز (استیری و مشیری، ۱۳۸۸)



بار اصلی چنین فرآیندی بر عهده شرکت‌های دانش‌بنیان است. شرکت‌های دانش‌بنیان شرکت یا مؤسسات خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش، کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی، تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش‌افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط، تشکیل می‌شوند (قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۸۹، ماده ۱). اقتصاد دانش‌بنیان، تولید و توزیع و کاربرد دانش در همه صنایع علل محرک رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال است.

۲-۲- اقتصاد دانش‌بنیان و تأثیر بر متغیرهای کلان اقتصادی

در کنار اهمیت بالای اقتصاد دانش‌بنیان در آینده اقتصادهای بین‌المللی، اقتصاد دانش‌بنیان با تأثیر قابل توجهی که بر متغیرهای کلان اقتصادی دارد، می‌تواند نقش قابل توجهی در توسعه و رشد

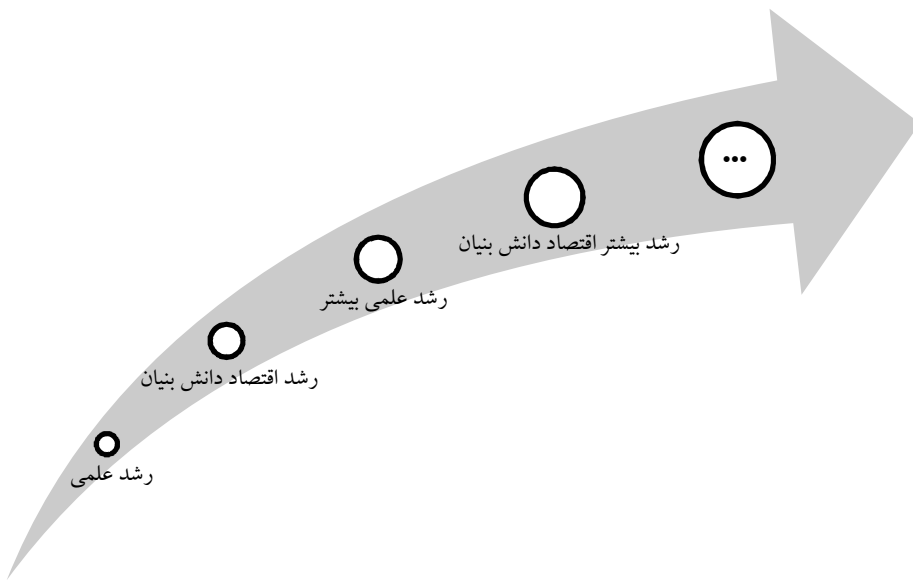
اقتصادی کشور داشته باشد. رشد اقتصادی، تورم، بهره‌وری، سرمایه انسانی و اجتماعی از جمله مهم‌ترین متغیرهایی هستند که دانش‌بنیان شدن اقتصاد در بهبود آن‌ها تأثیر دارد. گرجی زاده و شریفی رنانی (۱۳۹۳) اثر اقتصاد دانش‌بنیان بر کنترل تورم را در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه، طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۰-۱۳۵۷ و با استفاده از مدل خود توضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) مورد آزمون و تحلیل قرار می‌دهند و نشان می‌دهند که بین محورهای مختلف اقتصاد دانش‌بنیان (آموزش و توسعه منابع انسانی، رژیم‌های اقتصادی و نهادی، زیرساخت‌های اطلاعاتی و سیستم ابداعات و نوآوری) و تورم رابطه بلند مدت برقرار بوده و تمام محورهای اقتصاد دانش‌بنیان به جزء شاخص آموزش تأثیر منفی و معنادار بر تورم دارند، در حالی که نتایج تأثیر مثبت شاخص آموزش و توسعه منابع انسانی بر تورم را نشان می‌دهد. جنگانی و سایرین (۱۳۹۲) به بررسی اثر اقتصاد دانش‌محور بر رشد اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ می‌پردازد. این پژوهش که بر اساس روش تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌های اقتصاد سنجی و اطلاعات آماری بانک جهانی، صورت گرفته است حاکی از رابطه مثبت میان رشد اقتصادی و شاخص‌های سرمایه، کامپیوتر، ابتدایی، هزینه تحقیق و توسعه می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری‌های جدید و نوظهور، اقتصاد کشورهای صنعتی را به افق‌های جدیدی سوق داده که از جمله شاخص‌های آن، نرخ بیکاری و تورم پایین، بازار سرمایه منطقی و پویا، افزایش درآمد سرانه و نرخ بهره‌وری بالا است (استیری و مشیری، ۱۳۸۸). همه این مسائل دست به دست هم داده است تا در فرآیند توسعه اقتصادی کشور موضوع دانش‌بنیان شدن اقتصاد به یک اولویت اساسی تبدیل شود.

۲-۳- اسناد بالادستی و لزوم حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان

بخش مهمی از ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان و حمایت از آن‌ها در اسناد بالادستی کشور و در سیاست‌های کلی و کلان کشور در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در دوران حاضر دانش‌بنیان کردن اقتصاد با تکیه بر تولید علم تا تجاری‌سازی و به عبارت دیگر تبدیل کردن وجه غالب اقتصاد کشور به اقتصاد دانش‌بنیان از جمله مهم‌ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود: سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند

چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است و در آنجا پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه به‌عنوان مهم‌ترین اهداف و به عبارتی چشم‌انداز اقتصاد دانش‌بنیان در کشور ترسیم شده است» (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۳).

مسئله دیگری که در مورد اقتصاد دانش‌بنیان و تأثیر آن بر اقتصاد کشور قابل بررسی است، حرکت و رشد علمی کشور است که تا حد زیادی به اقتصاد دانش‌بنیان بستگی دارد. خصوصاً زمانی که دستاوردهای علمی به مرحله تجاری‌سازی برسند. در واقع چرخه زیر در رشد و حرکت علمی وجود دارد:



۲-۳-۱- لزوم حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری) کشور (ابلاغی شهریور ۱۳۹۳)، گویاترین سند بر لزوم حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است. بخشی از این ابلاغیه به

شرح زیر است:

۶- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور، با تأکید بر:

۶-۱- توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.

۶-۲- اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.^۱

بنگاه‌های کوچک به دلیل نیاز به سرمایه پایین‌تر و ریسک پایین‌تر و نیز زودبازده بودن یکی از اولویت‌های اصلی اقتصاد ایران است.

۲-۳-۲ - **بایدها و نبایدها در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان**

در پیشبرد امور اقتصاد دانش‌بنیان توجه به ۱۵ مؤلفه اصلی باید در نظر گرفته شود. این مؤلفه‌ها که از آن به‌عنوان الزامات اقتصاد دانش‌بنیان یاد می‌شود به شرح زیر است (کاشیان، بیات، ۱۳۹۵):

لزوم به ثمر نشاندن محصولات دانش بنیان

لزوم شاخص سازی درباره تشخیص شرکت های دانش بنیان

لزوم توقف نکردن در پیشبرد امور دانش بنیان

لزوم مشارکت توأم فعالان اقتصادی و دانشمندان در اقتصاد دانش‌بنیان

لزوم تجاری سازی و نیز لزوم شکل گیری شرکت های علم و فناوری

ایجاد بانک اطلاعات

اجرای قانون حمایت از شرکت های دانش بنیان

لزوم رصد اختراعات

برطرف کردن مشکلات شرکت های دانش بنیان

تشویق نخبگان به تشکیل شرکت های دانش بنیان

تقویت شرکت های دانش بنیان

لزوم توسعه تولید خصوصا در حوزه دانش بنیان

لزوم پیشرفت توأم تولید و علم در کشور

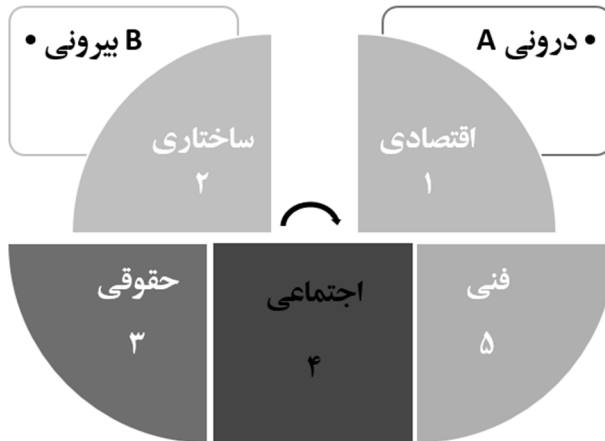
لزوم تربیت نیرو در صنایع دانش بنیان

لزوم تجاری سازی و تکمیل چرخه فناوری

۲-۴- آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان: مروری بر تحقیقات پیشین

علی‌رغم جایگاه بالایی که برای شرکت‌های دانش‌بنیان در نظر گرفته شده است، تحقیقات موجود و دستاوردهای این تحقیق نشان از آن دارد که شرکت‌های دانش‌بنیان با آسیب‌های متعددی مواجه هستند و این آسیب‌ها سبب شده است که امکان رسیدن به اهداف مورد نظر دشوار و شاید غیرممکن باشد. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۱) در گزارشی با عنوان «شکست کارآفرینان باتجربه ایرانی ریشه‌ها»، مرکز رشد پارک علم و فناوری استان سمنان (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و آسیب‌شناسی عوامل عدم موفقیت برخی واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد»، ربیعی و دیگران (۱۳۹۰) در «چالش‌های توسعه محصول جدید»، رضایی و سمیعی (۱۳۹۰) در مطالعه موانع اجرایی شرکت‌های دانش‌بنیان و طباطباییان و دیگران (۱۳۸۶) در «آسیب‌های تجاری‌سازی فناوری نانو» عوامل متعددی از آسیب‌های پیش‌روی این شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. آسیب‌های شناسایی شده از حیث روش تحقیق کدگذاری شده‌اند. کدهای مورد استفاده در این بخش به صورت پسینی تعیین می‌شود و در ۵ حوزه اقتصادی، ساختاری، فنی، حقوقی و اجتماعی و از دو منظر آسیب‌های درونی و آسیب‌های بیرونی استخراج شده است:

نمودار (۲) - تقسیم بندی آسیب‌ها



کد گذاری صورت گرفته در این بخش بر اساس مؤلفه‌های پیشین به شرح زیر است:

بیرونی	درونی	
B1	A1	اقتصادی
B2	A2	ساختاری
B3	A3	حقوقی
B4	A4	اجتماعی
B5	A5	فنی

جدول زیر ترسیمی از آسیب‌های شناسایی شده در تحقیقات پیشین در حوزه دانش‌بنیان است.

جدول (۱) - آسیب‌های شناسایی شده در تحقیقات پیشین در حوزه دانش‌بنیان

بیرونی	درونی	
<p>B1</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ مشکلات ناشی از تأمین مالی (ساز و کار پرداخت و بازپرداخت اعتبارات، فرایند پیچیده دریافت اعتبارات بانکی و بالا بودن نرخ سود بانکی و وثیقه بالا) ○ قیمت گذاری غیرواقعی و نامناسب در بازار ○ وجود رقابت پیچیده و متلاطم در بازارهای داخلی و جهانی ○ کوتاه شدن چرخه حیات محصولات ○ ریسک بالای سرمایه گذاری ○ بستر نامناسب در فضای کسب و کار ○ محدودیت سرمایه ○ ارزیابی عملکرد نامشخص 	<p>A1</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ نداشتن دانش، تجربه و مهارت‌های موردنیاز کارآفرینی و ضعف در اجرا ○ ضعف بازاریابی، ضعف تحقیقات بازار ○ ناتوانی در پیش‌بینی ریسک‌ها و تهدیدهای رقبا، ○ نوآوری افراطی و نامتناسب با بازار ○ ضعف در تجاری‌سازی ○ مشکلات ناشی از شراکت نامناسب ○ پیش‌بینی نکردن راه‌های جایگزین و انعطاف‌پذیری پایین ○ نداشتن دانش، تجربه و مهارت‌های لازم واحدهای فناور ○ تجاری‌سازی و وجود ریسک تجاری در پروژه‌های توسعه محصول ○ پیش‌بینی نادرست تقاضای بازار و درک نامناسب نیازها و خواسته‌های مشتریان 	اقتصادی
<p>B2</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ نامساعد بودن محیط کسب‌وکار ○ بوروکراسی اداری موجود در ایران ○ عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی و قوانین مربوطه ○ همکاری ضعیف شرکت‌های صنعتی با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ○ عدم مدیریت متمرکز بروی پروژه‌ها و هدفمند نبودن 	<p>A2</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ تعداد افراد شاغل در واحدهای فناور ○ مدت زمان استقرار واحدها در مراکز رشد ○ شرکت در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌های برنامه ریزی شده ○ عدم آشنایی کامل واحدهای فناور به پارک‌ها و مراکز رشد 	ساختاری

بیرونی	درونی	
<p>آن‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ تمرکز نیروی انسانی متخصص در کلان‌شهرها ○ گرایش تعاونی به دانشگاه و دولت ○ کوتاه نبودن مسیر ثبت شرکت 	<ul style="list-style-type: none"> ○ عدم وجود تیم‌های تخصصی در پارک‌ها و مراکز رشد جهت انجام مشاوره‌های بازاریابی، علمی و حقوقی ○ متفاوت بودن تخصص علمی اعضای کلیدی واحدهای فناور با طرح ارائه شده 	
<p>B3</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ حقوق مالکیت معنوی ضعیف ○ تحریم‌های اقتصادی ○ وجود قوانین دشوار 	<p>A3</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ عدم آشنایی واحدها با قوانین کسب و کار 	حقوقی
<p>B4</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ عدم آشنایی جامعه با مقوله خود اشتغالی ○ عدم اعتماد مردم به سازمان‌های اداری و قوانین موجود ○ توسعه مستمر فناوری‌های جدید ○ فشار زمانی تحمیلی بر شرکت برای ارائه محصول جدید ○ عدم شناخت مصرف‌کنندگان و نداشتن فرهنگ مصرف؛ ○ عدم تعامل سازنده میان محقق و صاحب سرمایه ○ کم کاری مراکز رشد 	<p>A4</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ عدم مسئولیت پذیری اعضا 	اجتماعی
<p>B5</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ نداشتن دانش فنی یا فرمولاسیون کاربرد فناوری نانو در صنایع؛ 	<p>A5</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ عدم برخورداری از تحقیق و توسعه در واحدهای فناور ○ وجود ریسک فنی در پروژه‌های توسعه محصول ○ طراحی ضعیف محصول 	فنی

اشکال اساسی مجموعه تحقیقات پیشین این است که اولاً آسیب‌های شناسایی شده جامع و مانع نیستند و ثانیاً اولویت بندی کاملی از آن صورت نگرفته است. هدف این تحقیق در ادامه این است که ضمن پیش فرض گرفتن دستاوردهای تحقیقات پیشین، دایره آسیب‌های شناسایی شده را کامل نموده و آن را اولویت‌سنجی نموده تا از این طریق بتوان راهبردهای اساسی برای حمایت از این شرکت‌ها ایجاد شود.

۳- روش پژوهش

بررسی راهبرد پژوهش، جهت گیری و یا رویکرد پژوهش، سؤالات و فرضیه اصلی پژوهش، روش‌های گردآوری داده‌ها و مرحله طرح تحقیق از مهم‌ترین موضوعاتی است که در این بخش

مورد بررسی قرار می‌گیرد.

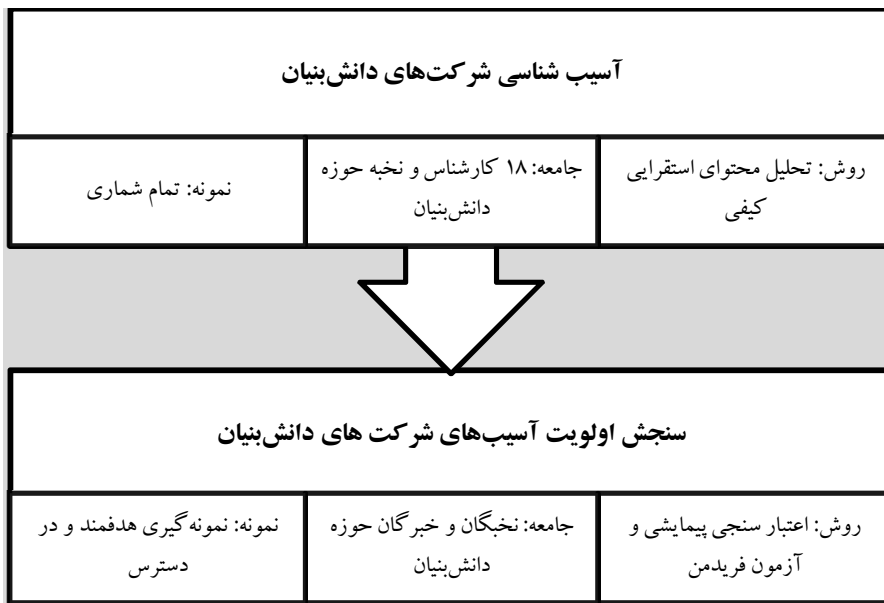
۳-۱- راهبرد (استراتژی) پژوهش

منظور از راهبرد پژوهش تعیین شیوه پژوهش بر اساس کیفی بودن، کمی بودن و یا ترکیبی از آن دو (آمیخته) است. این پژوهش از آن جهت که به بررسی و شناسایی آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور می‌پردازد، یک پژوهش کیفی محسوب می‌شود و از آن جهت که به شناسایی درجه اهمیت راهبردهای به دست آمده از آسیب شناسی مذکور مبادرت می‌ورزد، یک پژوهش کمی محسوب می‌شود. لذا روش مورد استفاده در این پژوهش روش آمیخته است. در بعد کیفی پژوهش و در تحلیل آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان از روش تحلیل محتوای استقرایی بهره خواهیم جست و در بعد کمی پژوهش و در تبیین اولویت‌ها و درجه اهمیت راهبردهای ارائه شده، از روش اعتبار سنجی و آزمون فریدمن استفاده خواهیم کرد.

۳-۲- جامعه و نمونه آماری:

در بخش اول و بررسی آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی آسیب‌شناسی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق روش تحلیل محتوای استقرایی صورت گرفته است. در این روش ابتدا تمام آسیب‌هایی که در تحقیقات پیشین صورت گرفته مورد بررسی قرار گرفته و از این جهت جامعه مورد نظر تمام تحقیقات پیشین و نمونه آن از سنخ تمام شماری است و همچنین در ادامه نظرات ۱۸ خبره در حوزه دانش‌بنیان مورد بررسی قرار گرفته است تا با تلفیق این دو یک نظام جامع از آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان استخراج شود. کفایت نظری این موضوع از طریق ۲۰ مصاحبه و مقاله دیگر صورت گرفته است. در گام بعدی به منظور تبیین درجه اهمیت هر یک از راهبردهای ارائه شده، از روش کیفی و پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر نخبگان و خبرگان در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان هستند که ویژگی مشترک آن‌ها تجربه، تخصص و سابقه خدمت عملی بالا و سطح تحصیلات بالا می‌باشد. نمونه مورد نظر از نوع نمونه در دسترس بوده است.

نمودار (۲) - روش استفاده شده در این تحقیق



در این تحقیق برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه و روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده گردیده است. در استراتژی کیفی تحقیق با هدف استخراج آسیب های شرکت های دانش بنیان از روش تحلیل کتابخانه ای استفاده گردید و بعد شناسایی آسیب ها، با استفاده از پرسش نامه درجه اهمیت هریک از راهبردها مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور راهبردهای مورد مطالعه تا آنجا که ممکن بود به معرف های قابل سنجش و سؤالات تبدیل شدند و برای پاسخ گویی به آن از طیف لیکرت استفاده شد. در ادامه به روایی و پایایی پرسش نامه اشاره شد؛ که در این روش پایایی پرسش نامه از طریق آلفای کرون باخ محاسبه می گردد. ضمن اینکه برای سنجش اولویت راهبردهای ارائه شده، از آزمون فریدمن استفاده شده است.

برای بررسی اولویت های آسیب از آزمون فریدمن در نرم افزار SPSS استفاده شده است. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است که برای مقایسه سه یا بیش از سه گروه وابسته که حداقل در سطح رتبه ای اندازه گیری می شوند، مورد استفاده قرار می گیرد. این آزمون می تواند در مورد داده های پیوسته (فاصله ای یا نسبی) نیز به کار برده شود، اما در هنگام محاسبه این داده ها نیز رتبه بندی آن ها مدنظر قرار می گیرد. آزمون فریدمن معادل ناپارامتری آزمون F وابسته در تحلیل

واریانس اندازه‌های تکراری است. در این حالت برای اجرای تحلیل واریانس داده‌های تکرار شده ضرورتی به وجود فرضیاتی مانند نرمال بودن توزیع، برابری واریانس‌ها و پیوسته بودن مقیاس وجود ندارد؛ بنابراین در تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری چنانچه یک یا همه فرضیات ابتدایی مذکور رد شوند، از آزمون فریدمن استفاده می‌شود. فرضیه‌ی صفر در این آزمون بیان می‌کند که توزیع مشاهدات در سنجش‌های تکرار شده یکسان هستند. یا به عبارت دیگر میان توزیع‌های ایجاد شده در اثر سنجش‌های مکرر روی یک گروه و یا بین گروه‌های هم‌تا در زمینه متغیر وابسته تفاوتی وجود ندارد. محاسبه‌ی آماره‌ی فریدمن که آن را با χ^2_r نشان می‌دهند با استفاده از رابطه زیر امکان پذیر است به دو روش صورت می‌گیرد:

$$\chi^2_r = \frac{SS_{br}}{k(k+1)} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن SS_{br} مجموع مجذورات رتبه‌ای بین توزیع‌ها و k تعداد مقوله‌ها یا توزیع‌ها می‌باشد که رتبه بندی در مورد آن‌ها صورت می‌گیرد.

$$\chi^2_r = \frac{12}{Nk(k+1)} \sum (T_g)^2 - 2N(k+1) \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن N تعداد آزمودنی‌ها، k تعداد مقوله‌ها یا توزیع‌ها می‌باشد که رتبه بندی در مورد آن‌ها صورت می‌گیرد و T_g جمع رتبه‌های گروه g ام می‌باشد. مقدار SS_{br} نیز از رابطه زیر حاصل می‌شود:

$$SS_{br} = \frac{\sum (T_g)^2}{N} - \frac{(T_{all})^2}{N_a}$$

در این رابطه N_a تعداد کل رتبه‌های تمام گروه‌ها و T_{all} جمع کل رتبه‌های اختصاص داده شده به آزمودنی‌ها می‌باشند. مقدار آماره این آزمون با مقدار بحرانی حاصل از جدول توزیع کای دو با $k-1$ درجه آزادی و در سطح اطمینان مورد نظر که معمولاً ۹۵٪ می‌باشد، مقایسه می‌شود. چنانچه χ^2_r بزرگ‌تر از مقدار بحرانی جدول باشد، فرضیه صفر تأیید نمی‌شود.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها:

بررسی آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان

بررسی آسیب‌های شناسایی شده در تحقیقات و تحلیل محتوای کیفی استقرایی حاکی از آن است که شرکت‌های دانش‌بنیان با آسیب‌های قابل توجهی مواجه هستند. این آسیب‌ها می‌تواند در دو بخش درونی و بیرونی و در ۵ حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ساختاری و اجتماعی تقسیم شود. همان‌طوری که قبلاً هم ذکر شد، ابتدا تمام آسیب‌هایی که در تحقیقات علمی پیشین صورت گرفته مورد بررسی قرار گرفته و همچنین در ادامه تحلیل محتوای نظرات ۱۸ خبره حوزه دانش‌بنیان که به ارائه آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان پرداختند، مد نظر قرار گرفت. با تلفیق این دو، یک نظام جامعی از آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان به دست آمده است. هر چند تحقیقات پیشین مدعی کفایت نظری در این حوزه داشتند، با این وجود تحلیل محتوای نظر خبرگان، آسیب‌های جدیدی را شناسایی کرده است. کفایت نظری این موضوع از طریق ۲۰ مصاحبه، دست نوشته و مقاله دیگر صورت گرفته است که آن‌ها نتوانسته‌اند آسیب جدیدی را به مجموع آسیب‌های شناسایی شده اضافه نمایند.

جدول (۲) - آسیب‌های پیش‌روی شرکت‌های دانش‌بنیان

بیرونی	درونی	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ مشکلات ناشی از تحریم‌ها ✓ فضای نامساعد کسب و کار (کندی روند خصوصی سازی، شبه دولتی‌ها و ...) ✓ مشکلات حوزه مالیاتی ✓ مشکلات تأمین مالی و مدیریت ریسک ✓ نبود حمایت صادراتی و وارداتی (از جمله تخصیص ارز به کالاهای وارداتی مشابه) ✓ بالا بودن بدهی دولت به شرکت‌های دانش‌بنیان ✓ نبود مکانیزم خرید تضمینی محصولات دانش‌بنیان 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ ناتوانی در تجاری‌سازی و بازاریابی مناسب ✓ نداشتن تجربه لازم و مهارت کافی در کارآفرینی و مدیریت امور ✓ کمبود سرمایه و شراکت نامناسب در تأمین سرمایه 	اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ تکرر نهادها و نبود مراکز هماهنگ‌کننده ✓ ضعف نهادهای دولتی در ثبات تصمیم‌گیری، توجه به شرکت‌ها و ارائه مجوز و بی‌توجهی به بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها ✓ بروکراسی اداری خصوصاً فرآیند ثبت شرکت‌ها ✓ مشکلات ساختاری فضای کسب و کار (تمرکز متخصصان در کلان شهرها) 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ بعد کمی و کیفی نیروی انسانی و آموزش آن‌ها ✓ نبود تیم‌های مشاوره تخصصی ✓ مشکلات مربوط به واحدهای فناور 	ساختاری

بیرونی	درونی	
✓ مشکلات ناشی از پیوند دانشگاه و صنعت		
✓ مشکلات ناشی از تحریم‌ها ✓ تغییرات پی در پی قوانین، دشوار بودن آن‌ها و عدم اجرا شدن قوانین حمایتی ✓ هزینه‌بر بودن پیگیری‌های حقوقی ✓ ضعیف بودن قوانین مربوط به مالکیت فکری	✓ عدم آشنایی واحدها با قوانین کسب و کار	حقوقی
✓ ضعف در توسعه و آموزش فرهنگ اقتصاد دانش‌بنیانی (ضعف در آموزش شیوه‌های خود اشتغالی در حوزه دانش‌بنیان و فرهنگ مصرف محصولات دانش‌بنیان) ✓ نبود نگرش صحیح نسبت به جایگاه و توانمندی‌های دانش‌بنیان‌ها ✓ ضعف تعاملات در طرفین تولید محصولات دانش‌بنیانی (فشار به شرکت برای تولید محصول و عدم تعامل سازنده بین سرمایه‌گذار و ایده‌پرداز) ✓ نبود ثبات، آرامش و بی‌اعتمادی به قوانین و سازمان‌های اداری	✓ عدم مسئولیت‌پذیری اعضا	اجتماعی
✓ نداشتن دانش فنی یا فرمولاسیون کاربرد فناوری نانو در صنایع؛ ✓ نبود آزمایشگاه‌های لازم جهت صدور تأییدیه‌های فنی	✓ مشکلات ناشی از ماهیت پیچیده دانش‌بنیانی ✓ زمان‌بر بودن، هزینه‌بر بودن، پرریسک بودن و پیچیده و مستلزم فناوری بالا بودن ✓ نبود واحدهای تحقیق و توسعه و طراحی ضعیف محصولات	فنی

مآخذ: ادبیات پیشین شامل مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۱)، مرکز رشد پارک علم و فناوری استان سمنان (۱۳۹۳)، ربیعی و دیگران (۱۳۹۰)، رضایی و سمیعی (۱۳۹۰)، طباطباییان و دیگران (۱۳۸۶) و تحلیل محتوای استقرایی کیفی سخنان ۱۸ کارشناس اقتصاد دانش‌بنیان

راهبردهای حمایتی برای شرکت‌های دانش‌بنیان

همان‌طور که ملاحظه گردید سنجش آسیب‌های در بخش پیشین انجام گرفت. در ادامه نگارنده می‌تواند صرفاً به اولویت‌سنجی آسیب‌ها بپردازد. با این وجود برای آنکه جنبه کاربردی مقاله بیشتر شود، آسیب‌های شناسایی شده به‌گونه‌ای بیان می‌شود که به‌نوعی حمایت در برابر آن آسیب تلقی شود و مصادیق آن را با استفاده از روش تحلیل اسنادی اضافه کرده است. با این اوصاف جدول زیر آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان را به‌صورت ایجابی و در قالب راهبرد حمایتی ارائه کرده است و به‌منظور استفاده در پرسش‌نامه‌ها جنبه درونی و بیرونی آن را نادیده انگاشته و صرفاً در تحلیل نتایج از آن استفاده خواهد کرد.

جدول (۳) - راهبردهای حمایتی

راهبرد حمایتی اقتصادی	
۱	حمایت از طریق آشنا ساختن شرکت‌های دانش‌بنیان به امور تجاری‌سازی و بازاریابی (شامل دوره‌های آموزش، حمایت صادراتی، ایجاد مراکز خدمات تجاری‌سازی و ...)
۲	حمایت از طریق ایجاد تجربه لازم و مهارت کافی در کارآفرینی و مدیریت امور (شامل دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های انتقال تجربه و ...)
۳	حمایت از طریق فراهم آوردن سازوکارهای مواجهه با تحریم‌های اقتصادی (شامل کمک به واردات مواد اولیه مورد نیاز، صادرات محصول، اعتبارات بانکی خارجی، نقل و انتقالات مالی، استفاده از آزمایشگاه‌های خارجی و ...)
۴	حمایت از طریق تأمین سرمایه و شراکت مناسب در تأمین سرمایه (شامل تنوع شیوه‌های تأمین مالی، حمایت از تعاونی‌های دانش‌بنیان و ...)
۵	حمایت از طریق بهبود فضای کسب و کار (شامل بهبود فرآیند شکل‌گیری و ثبت شرکت‌ها، بهبود روند خصوصی‌سازی، مدیریت شبه دولتی‌ها و ...)
۶	حمایت از طریق ابزارهای نظام مالیاتی (شامل معافیت مالیاتی مؤسسات دانش‌بنیان، مشاوره رایگان در امور مالیاتی، مشوق‌های مالی بلاعوض برای حسابرسی و ...)
۷	حمایت از طریق تأمین مالی و مدیریت ریسک (شامل کاهش نرخ بهره، ساده‌سازی فرآیند وام‌گیری، حل مشکلات مربوط به وثیقه، تصحیح مکانیسم پرداخت و بازپرداخت و ...)
۸	حمایت از طریق سازوکارهای صادراتی و وارداتی (منع تخصیص ارز به کالاهای وارداتی مشابه، تقویت کردیدور حمایتی صادرات، وضع تعرفه بر کالاهای مشابه خارجی، استفاده از ظرفیت دیپلماتیک و ...)
۹	حمایت از طریق پرداخت بدهی دولت به شرکت‌های دانش‌بنیان (اولویت قرار دادن در تسویه)
۱۰	حمایت از طریق سازوکار خرید تضمینی محصولات دانش‌بنیان
راهبرد حمایتی ساختاری	
۱	حمایت از طریق کاهش بوروکراسی اداری موجود در ایران (شامل از بین بردن نهادهای متکثر و ایجاد نهادهای یکپارچه، استفاده از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، استفاده از نیروهای خیره و آموزش دیده و ...)
۲	حمایت از طریق ارتقای بعد کمی و کیفی نیروی انسانی شرکت‌های دانش‌بنیان و آموزش آن‌ها (شامل برقراری کارگاه‌های انتقال تجربه و دوره آموزشی، تشکیل نهاد بالا دستی در هر یک از حوزه‌های اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت‌های لازم برای

	سفرهای علمی-مطالعاتی و ...)
۳	حمایت از طریق ایجاد تیم‌های مشاوره تخصصی (ایجاد مراکز مشاوره‌ای تخصصی)
۴	حمایت از طریق از بین بردن تکرر نهادها و یا ایجاد مراکز هماهنگ کننده
۵	حمایت از طریق توجه به شرکت‌های خصوصی و منافع آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های دولتی
۶	حمایت از طریق ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی
۷	حمایت از طریق رفع بروکراسی اداری در فرآیند ثبت شرکت‌ها و کاهش زمان آن
۸	حمایت از طریق رفع مشکلات ساختاری فضای کسب و کار (تمرکز متخصصان در کلان شهرها و فرآیند اعطای مجوزها ...)
۹	حمایت از طریق ایجاد ساختارهای پیونددهنده دانشگاه و صنعت
راهبرد حمایتی حقوقی	
۱	حمایت از طریق کاهش هزینه پیگیری‌های حقوقی (شامل مشاوره‌های حقوقی رایگان و...)
۲	حمایت از طریق آشنایی واحدها با قوانین کسب و کار (تقویت مراکز مشاوره، آموزش قوانین به‌عنوان پیش‌شرط راه‌اندازی شرکت‌های دانش‌بنیان و ...)
۳	حمایت از طریق منع تغییرات پی در پی قوانین، آسان‌سازی قوانین و اجرایی شدن قوانین حمایتی (شامل پیگیری از طریق نهادهای بالادستی، ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها مردم نهاد دانش‌بنیانی و ...)
۴	حمایت از طریق تقویت قوانین مربوط به مالکیت فکری در سطح ملی و بین‌المللی
راهبرد حمایتی اجتماعی	
۱	حمایت از طریق توسعه و آموزش فرهنگ اقتصاد دانش‌بنیانی و فرهنگ مصرف محصولات دانش‌بنیان (شامل توسعه فرهنگ محصولات دانش‌بنیان از طریق رسانه‌ها، ورود نظام آموزشی به مسئله دانش‌بنیانی و ...)
۲	حمایت از طریق ایجاد نگرش صحیح نسبت به جایگاه و توانمندی‌های دانش‌بنیان‌ها (استفاده از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها در تبیین جایگاه دانش‌بنیان‌ها، برگزاری نمایشگاه‌ها و دوره‌های آموزشی عمومی و ...)
۳	حمایت در جهت تقویت تعاملات در طرفین تولید محصولات دانش‌بنیانی (تقویت راهبردهای مشاوره‌ای، حمایت از طریق ثبت حق تجاری‌سازی و ایجاد درآمد ثابت برای صاحب ایده، تعریف قوانین متعاملین و کانالیزه کردن آن‌ها و ...)
۴	حمایت از طریق ایجاد ثبات، آرامش و اعتماد سازی نسبت به قوانین و سازمان‌های اداری (با عمل به برنامه‌های راهبردی و

	بالادستی کشور و ...)
۵	حمایت از طریق گسترش فرهنگ مسئولیت پذیری اعضای شرکت‌های دانش‌بنیان (شامل حرکت به سمت خصوصی سازی، آموزش‌های لازم در کارگروهی و تشکیلاتی و ...)
راهبرد حمایتی فنی	
۱	حمایت به‌منظور به دست آوردن دانش فنی یا فرمولاسیون کاربرد فناوری در صنایع؛
۲	حمایت از طریق فراهم کردن دسترسی به آزمایشگاه‌های لازم جهت صدور تاییدیه‌های فنی، استفاده آزمایشگاه‌های خصوصی از حمایت‌های قانون، ایجاد آزمایشگاه‌های دولتی، تعاونی دانش‌بنیانی، استفاده از سازوکار دور زدن تحریم جهت استفاده از آزمایشگاه‌های تخصصی خارجی و ...
۳	حمایت در برابر مشکلات ناشی از ماهیت پیچیده دانش‌بنیانی (زمان‌بر بودن، هزینه بر بودن، پر ریسک بودن و پیچیده و مستلزم فناوری بالا بودن)
۴	ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه و طراحی بهتر محصولات (شامل خدمات طراحی صنعتی مشمول حمایت، حمایت از صنایع بسته‌بندی مرتبط با دانش‌بنیان‌ها و ...)

اولویت بندی راهبردهای تأمین و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و ارائه الگوی بهینه

بر اساس آنچه که در بخش قبلی مطرح گردید، راهبردهای متعددی در حوزه اقتصادی، ساختاری، حقوقی، فنی و اجتماعی مطرح گردید. حال نوبت به آن رسیده است که درجه اهمیت هر یک از این راهبردها مورد بررسی قرار گیرد. به‌منظور تعیین درجه اهمیت و اولویت بندی، راهبردهای ارائه شده در بخش قبلی، از آزمون فریدمن استفاده شده است که گردآوری داده‌های مورد نیاز آن از طریق پرسش نامه خبرگان بوده است. در این پرسش نامه از طیف لیکرد استفاده گردید تا خبرگان بر اساس این طیف درجه اهمیت هر یک از راهبردهای ارائه شده را تبیین نمایند.

بی اهمیت	کم اهمیت	قابل توجه	مهم	خیلی مهم	
۱-۲	۳-۴	۵-۶	۷-۸	۹-۱۰	نمره

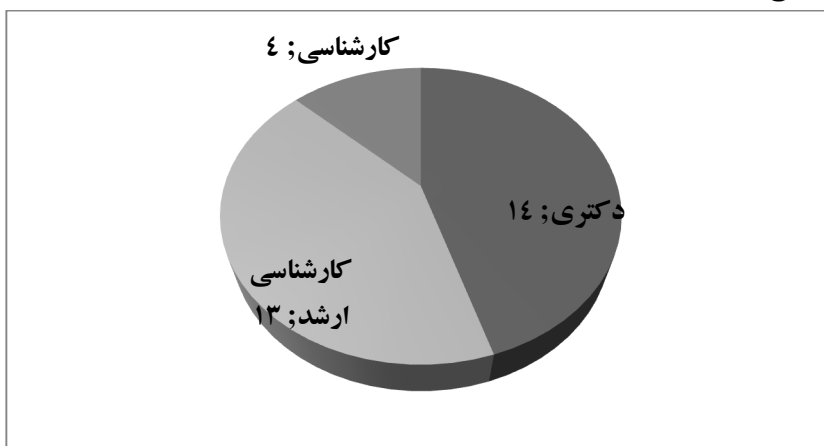
همان‌طوری که در بخش قبلی نیز مطرح شد، جامعه آماری مورد نظر در این بخش نخبگان و خبرگان حوزه دانش‌بنیان هستند. نمونه‌گیری صورت گرفته به صورت هدفمند و نمونه در دسترس بوده است. در مجموع در این نمونه از آرای صاحبان فن، خبرگان و پژوهشگران بهره‌جسته شده است که از نزدیک به ۴۰ فرد شناسایی شده، ۳۱ پاسخ برای پرسش نامه فراهم آمده

تعداد	تحصیلات
۱۴	دکتری
۱۳	کارشناسی ارشد
۴	کارشناسی
۳۱	مجموع

است که در بخش بعدی تجزیه و تحلیل می‌شود.

ویژگی جمعیتی پاسخ دهندگان به پرسشنامه

ویژگی جمعیتی پاسخ دهندگان به پرسشنامه از دو حیث مورد بررسی قرار گرفته است. ۱- سطح تحصیلات این افراد. ۲- تخصص و توانمندی. از حیث تحصیلات پاسخ دهندگان به پرسش نامه به شرح زیر بوده‌اند:



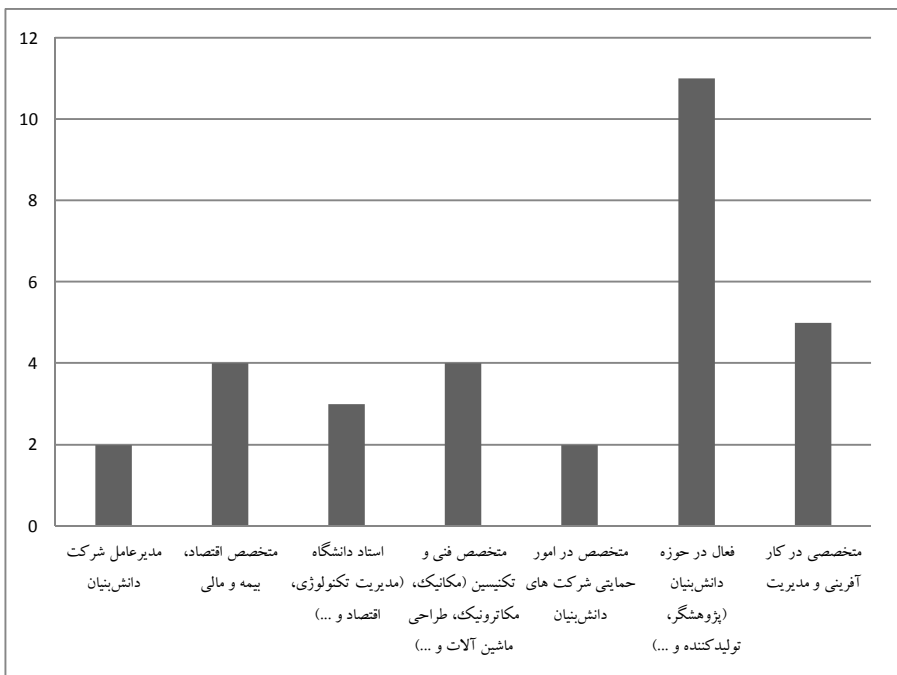
نمودار (۳) - ویژگی‌های جمعیت شناختی از منظر سطح تحصیلات

از حیث تخصص نیز این افراد به دسته‌های زیر قابل تقسیم هستند:

جدول (۴) - افراد نمونه بر حسب تخصص

تعداد	تخصص
۲	مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان
۱۱	فعال در حوزه دانش‌بنیان (پژوهشگر، تولیدکننده و ...)
۲	متخصص در امور حمایتی شرکت‌های دانش‌بنیان
۴	متخصص فنی و تکنیسین (مکانیک، مکاترونیک، طراحی ماشین آلات و ...)
۳	استاد دانشگاه (مدیریت تکنولوژی، اقتصاد و ...)
۴	متخصص اقتصاد، بیمه و مالی
۵	متخصصی در کار آفرینی و مدیریت

نمودار شماره (۵) - ویژگی‌های جمعیت شناختی از منظر تخصص



تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور بررسی پایایی نتایج از ضریب آلفای کرون باخ استفاده شده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ در تمامی حالت‌ها بالاتر از ۰.۷ است، می‌توان از پایایی پرسش‌نامه اطمینان حاصل کرد.

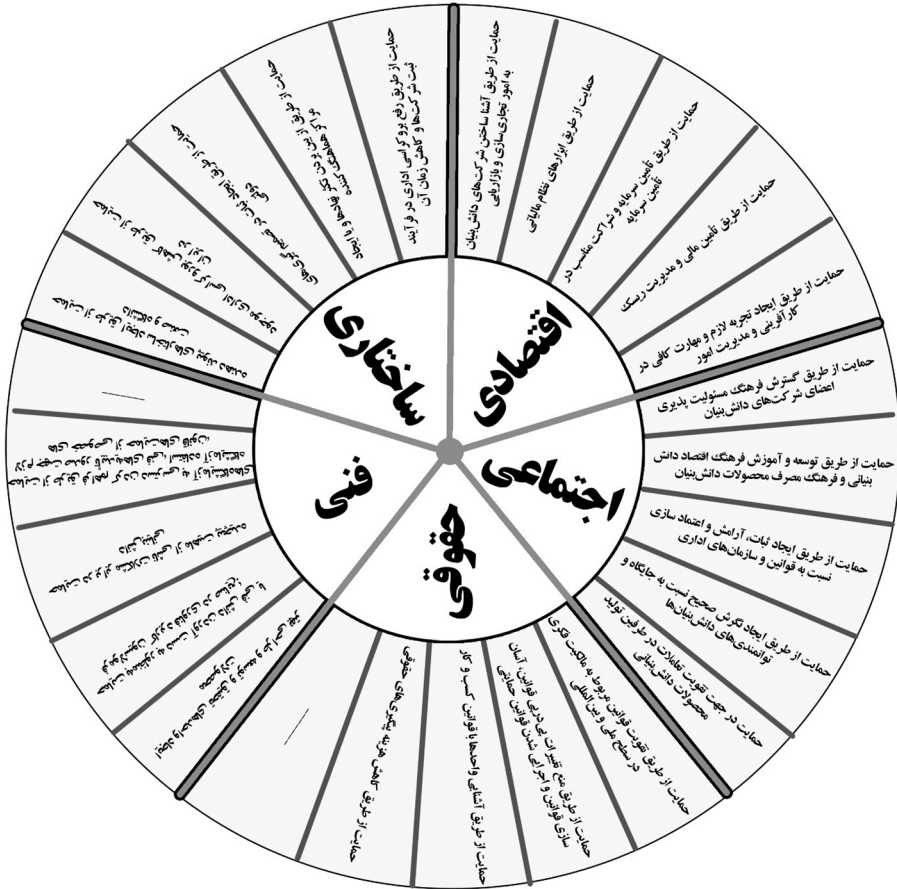
Reliability Statistics

N of Items	Cronbach's Alpha
۱۳	.956

تعیین درجه اهمیت و اولویت بندی راهبردهای ارائه شده:

نتایج تحقیق الگوی بهینه حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان است که شامل اولویتهای حمایتی از این شرکت‌ها در برابر آسیب‌های موجود را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان به اولویتهای ۵ گانه هر یک از بخش‌های اقتصادی، ساختاری، فنی، اجتماعی و حقوقی اشاره نمود که به ترتیب اهمیت ارائه شده‌اند. ترتیب اولویتهای در شکل زیر برای هر بخش از سمت چپ به راست است.

نمودار (۴) - اولویت‌های پنج گانه حمایتی در هر یک از بخش‌های اقتصادی، ساختاری، فنی، حقوقی و اجتماعی (مآخذ دستاوردهای تحقیق)



هدف از تحقیق حاضر این بود که الگوی برای تأمین و حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان طراحی نماییم که در آن اولویت‌های حمایتی از شرکت‌های دانش بنیان بر اساس آسیب‌های پیش روی این شرکت‌ها تبیین شده باشد. به عبارتی به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که اگر قرار است حمایتی از مؤسسات و شرکت‌های دانش بنیان صورت گیرد، این حمایت باید مبتنی بر چه اولویت‌هایی باشد. یکی از مسائلی که برای ما بسیار حائز اهمیت بود این است که آیا مشکلات شرکت‌های دانش بنیان صرفاً ناشی از تأمین مالی است یا مشکلات مهم‌تری نیز وجود دارد که لازم است بدان توجه شود. بر اساس نظر خبرگان و کارشناسان بحث دانش بنیان

آنچه که به عنوان اولویت در راهبردهای حمایتی اشاره شده است، دلالت بر آن دارد که الگوی بهینه حمایت و تأمین مستلزم آن است که به راهبردهایی که درجه اهمیت بالاتری دارند، توجه بیشتری شود. اگر قرار باشد بر اینکه حمایت دقیقی از شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شود، لازم است که مسئولان توجه بیشتری به اولویت‌ها داشته باشند. مسائلی از قبیل حمایت از طریق ایجاد ساختارهای پیونددهنده دانشگاه و صنعت، حمایت از طریق ابزارهای نظام مالیاتی (شامل معافیت مالیاتی مؤسسات دانش‌بنیان، مشاوره رایگان در امور مالیاتی، مشوق‌های مالی بلاعوض برای حسابرسی و ...)، حمایت از طریق کاهش بوروکراسی اداری موجود در ایران (شامل از بین بردن نهادهای متکثر و ایجاد نهادهای یکپارچه، استفاده از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، استفاده از نیروهای خبره و آموزش دیده و ...)، حمایت از طریق تقویت قوانین مربوط به مالکیت فکری در سطح ملی و بین‌المللی، حمایت از طریق آشنا ساختن شرکت‌های دانش‌بنیان به امور تجاری‌سازی و بازاریابی (شامل دوره‌های آموزش، حمایت صادراتی، ایجاد مراکز خدمات تجاری‌سازی و ...)، حمایت از طریق تأمین سرمایه و شراکت مناسب در تأمین سرمایه (شامل تنوع شیوه‌های تأمین مالی، حمایت از تعاونی‌های دانش‌بنیان و ...)، حمایت از طریق تأمین مالی و مدیریت ریسک (شامل کاهش نرخ بهره، ساده سازی فرآیند وام‌گیری، حل مشکلات مربوط به وثیقه، تصحیح مکانیسم پرداخت و بازپرداخت و ...)، حمایت از طریق منع تغییرات پی‌درپی قوانین، آسان‌سازی قوانین و اجرایی شدن قوانین حمایتی (شامل پیگیری از طریق نهادهای بالادستی، ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها مردم نهاد دانش‌بنیانی و ...)، حمایت از طریق ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی، حمایت از طریق از بین بردن تکثر نهادها و یا ایجاد مراکز هماهنگ‌کننده به ترتیب ۱۰ راهبرد اصلی در حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان هستند که بر اساس نظر کارشناسان به دست آمده است. امید است تعیین این اولویت‌ها بتواند جهت‌گیری حمایتی متولیان این امر را تبیین نماید.

جمع بندی، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

این تحقیق به دنبال آن است که یک الگوی بهینه حمایتی برای تأمین و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه دهد. طراحی الگوی بهینه تأمین و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان مستلزم آن است که در کنار فهم ماهیت شرکت‌های دانش‌بنیان و سازوکار آن‌ها، فهم دقیقی از آسیب‌های

شرکت‌های دانش‌بنیان در اختیار داشته باشیم. بخشی از ادبیات پیشین این تحقیق مربوط به شناسایی آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان بوده است. در این تحقیق سعی بر آن بود که با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی و نیز با استفاده از گردآوری داده کتابخانه‌ای، آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان را احصا نماییم. با در اختیار داشتن یک نظام مفهومی از آسیب‌های شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از روش تحلیل اسنادی، به بررسی راهبردهای حمایتی موجود در برابر آسیب‌های شناسایی شده پرداختیم. ضمن اینکه راهکارهای پیشنهادی نیز در این زمینه مطرح گردید. آنچه که به‌عنوان اولویت در راهبردهای حمایتی اشاره شده است، دلالت بر آن دارد که الگوی بهینه حمایت و تأمین مستلزم آن است که به راهبردهایی که درجه اهمیت بالاتری دارند، توجه بیشتری شود. اگر قرار باشد بر اینکه حمایت دقیقی از شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شود، لازم است که مسئولان توجه بیشتری به اولویت‌ها داشته باشند. نتایج تحقیق دلالت بر آن دارد که مسائلی از قبیل حمایت از طریق ایجاد ساختارهای پیونددهنده دانشگاه و صنعت، حمایت از طریق ابزارهای نظام مالیاتی (شامل معافیت مالیاتی مؤسسات دانش‌بنیان، مشاوره رایگان در امور مالیاتی، مشوق‌های مالی بلاعوض برای حسابرسی و ...)، حمایت از طریق کاهش بوروکراسی اداری موجود در ایران (شامل از بین بردن نهادهای متکثر و ایجاد نهادهای یکپارچه، استفاده از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، استفاده از نیروهای خبره و آموزش دیده و ...)، حمایت از طریق تقویت قوانین مربوط به مالکیت فکری در سطح ملی و بین‌المللی، حمایت از طریق آشنا ساختن شرکت‌های دانش‌بنیان به امور تجاری‌سازی و بازاریابی (شامل دوره‌های آموزش، حمایت صادراتی، ایجاد مراکز خدمات تجاری‌سازی و ...)، حمایت از طریق تأمین سرمایه و شراکت مناسب در تأمین سرمایه (شامل تنوع شیوه‌های تأمین مالی، حمایت از تعاونی‌های دانش‌بنیان و ...)، حمایت از طریق تأمین مالی و مدیریت ریسک (شامل کاهش نرخ بهره، ساده‌سازی فرآیند وام‌گیری، حل مشکلات مربوط به وثیقه، تصحیح مکانیسم پرداخت و بازپرداخت و ...)، حمایت از طریق منع تغییرات پی در پی قوانین، آسان‌سازی قوانین و اجرایی شدن قوانین حمایتی (شامل پیگیری از طریق نهادهای بالادستی، ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها مردم نهاد دانش‌بنیانی و ...)، حمایت از طریق ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی، حمایت از طریق از بین بردن تکثر نهادها و یا ایجاد مراکز هماهنگ‌کننده ۱۰ راهبرد اصلی در حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان هستند که بر اساس نظر کارشناسان در شاخص هم وزن به دست آمده

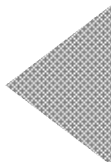
است. امید است تعیین این اولویت‌ها بتواند جهت‌گیری حمایتی متولیان این امر را تبیین نماید.

منابع

- ---، راهبرد تولید دانش‌بنیان: جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی، به کوشش دفتر سیاست‌گذاری و مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی، تهران، ریاست جمهوری، معاونت علمی و فناوری، مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی، (۱۳۹۱).
- ---، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شکست کارآفرینان باتجربه ایرانی ریشه‌ها، دلایل و پیامدها، دفتر کسب‌وکار، تهران.
- استیری، روح الله و مشیری، بنیامین، ابزارهای تأمین مالی بنگاه‌های دانش‌بنیان، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، (۱۳۸۸).
- اکبرزاده، نجمه، شفیق زاده احسان، بررسی نقش دولت در بهبود روند ایجاد و توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان، فصلنامه رشد فناوری، (۱۳۹۱).
- حمیدی زاده، محمدرضا، رویکرد دستیابی به کسب و کار دانش محور، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت، (۱۳۸۷).
- ربیعی، علی، علی اکبری، سمیرا، محمودخانی، زهرا، رتبه بندی چالش‌های توسعه محصول جدید در شرکت‌های دانش‌بنیان، دومین همایش ملی مدیریت، تهران، ایران، (۱۳۹۰).
- رضایی، احمد؛ سمیعی، روح الله، موانع اجرایی شرکت‌های تعاونی دانش‌بنیان، اولین کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی، دی ماه (۱۳۹۰).
- شاکری، عباس، اقتصاد خرد ۲ (نظریه‌ها و کاربردها)، نشر نی، تهران، (۱۳۸۵).
- طباطباییان، سید حبیب اله، ناصری، رؤیا، فرقانی، علی، تعیین چالش‌های موجود فراروی تجاری‌سازی فناوری‌های نوظهور در ایران (مطالعه موردی فناوری نانو)، فصلنامه توسعه تکنولوژی سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان، (۱۳۸۶).
- فخاری، حسین، بازخوانی تعریف شرکت‌های دانش‌بنیان بر اساس شرایط اقتصادی کشور، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره ۴، پاییز و زمستان (۱۳۹۳).
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان ۳۰/۰۷/۱۳۹۳
- مقیمی، سید محمد و همکاران، تأثیر عوامل محیطی بر تجاری‌سازی ایده‌ها و نتایج، تحقیقات مطالعات راهبردی مدیریت، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹

- Cooper, R. G & Kleinschmidt, E. J(1993). "Screening new products for potential Winners". **Long Range Planning**, Vol. 26 No. 6.pp. 74.
- Cooper, R.G & Edgett, S.J. "NPD: Practices The Dark Side of Time and Time Metrics in Product Innovation". **PDMA Visions Magazine**. (2002)
- Cooper, R.G"From experience: the invisible success factors in product innovation". **Journal of Product Innovation Management**, Vol. 16 No. 2.. (1999).
- Ernst Success factors of new product development": A review of the empirical literature. **International Journal of Management Reviews**, 4(1): 1-40. H (2002).
- Maidique, M.A & Zirger, B. A study of success and Failure in product innovation", **IEEE Transactions on engineering management**, Vol.EM-31, No 4, pp 192- 203, 1999.
- Patton, Michael Quinn. **Qualitative Research and Evaluation Methods**. London: sage1990
- Poolton,J & Barclay, I(). "New product development from past research to future applications, **Ind. Market. Manage**. Vol. 27, pp 197-212, 1998.
- Sharma, B.N, "Determinants of New Consumer Product Success or Failure in Nepal". **The Journal of Nepalese Business Studies**.Vol. III No.1. 2006.
- Shepherd, C & Ahmed,P.K(). NPD frameworks: a holistic examination". **European Journal of Innovation Management**, Vol 3. No 3, pp. 160-173 2000
- Cooper, R. G & Kleinschmidt, E. "Screening new products for potential Winners". **Long Range Planning**, Vol. 26 No. 6.pp. 74, (1993).
- Thomas, David R. A General inductive approach for qualitative data analysis. **American Journal of Evaluation**. Vol27. No. 2(2006)
- Urban, G. L & John R. H. **Design and Marketing of New Products**", Prentice Hall, New Jersey ,Second Edition. (1993)
- Wilkinson, David & Birmingham, **Poter Using Research Instruments: A Guide for Researchers**. London: Routledge, (2003).

واکاوی پیشران‌های موثر بر سطوح مشارکت‌پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوق‌های اعتبارات خرد استان کردستان



بهروز توپچی^۱

شهر گرآوندی^۲

فرحناز رستمی^۳

(تاریخ دریافت ۹۷/۷/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۹)

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی پیشران‌های موثر بر سطوح مشارکت‌پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوق‌های اعتبارات خرد استان کردستان می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه ۲۷۲ نفر از زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد می‌باشند که به کمک جدول نمونه‌گیری مورگان، ۱۶۰ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج حاصل از آنالیز داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد فقط حدود ۲۸ درصد از زنان عضو، در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی صندوق‌ها نقش مشارکتی دارند. هم‌چنین بر اساس یافته‌ها، صندوق‌ها در برآورد برخی از اهداف مانند: ارتقاء مهارت، افزایش اعتماد به نفس و توسعه اشتغال تأثیرگذار بوده است. در مجموع، کارکرد این واحدهای مالی در مسیر درستی قرار دارد

۱- محقق مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کردستان

۲- استادیار و عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه. (نویسنده مسئول).

Sh.geravandi@razi.ac.ir

۳- استادیار و عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

ولی سطح مشارکت تحقق یافته در آن به نسبت پایین می باشد. تحلیل دقیق تر بر یافته ها از طریق تحلیل مسیر نشان داد متغیرهای مهارت‌های فردی و گروهی، اعتماد به نفس، گرایش به روستا نشینی، سال های عضویت، عامل فرهنگی و سطح سواد شوهر از پیشرانهای موثر بر مشارکت پذیری زنان در صندوق های اعتبار خرد می باشد. بر این اساس مشخص گردید، افزایش مشارکت لزوماً با انگیزه های اقتصادی همراه نبوده بلکه فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی نیز دارای سهمی مهم در تقویت آن دارند.

واژگان کلیدی: سطح مشارکت، صندوق اعتبارت خرد، پیشران، زنان روستایی.

مقدمه

نزدیک به سه دهه است که در سطح جهان، تأمین مالی خرد به عنوان یکی از ابزارها و روشهای توسعه اقتصادی برای اقشار پائین جامعه بخصوص زنان مورد استفاده قرار گرفته است و تقریباً در اغلب کشورهای جهان رایج شده است (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). اعتبارات خرد قابلیت افزایش درآمد زنان، کنترل آنها بر درآمد، تقویت دانش و مهارت آنها و افزایش مشارکت در تصمیم گیری خانواده و جامعه را دارد (جمبره^۱، ۲۰۰۹: ۷). از طرفی تجربیات جهانی نشان داده است که زنان، وام گیرنده های قابل اعتمادی هستند و احساس تعهد قوی نسبت به نهادهای وام دهنده دارند (ایالات متحده^۲، ۱۹۹۵). این راهکار که به موفقیت های چشمگیری در کشور های در حال توسعه نائل شده است، سبب گردید تا سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نامگذاری کند. اعتبارات خرد به معنای ارائه وام هایی با مبلغ کم و بدون وثیقه به افراد کم درآمد است تا در زمان کوتاهی مبلغ یاد شده را باز پرداخت می کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰). استفاده از این اعتبارات به عنوان یک روش مداخله در توسعه به ویژه توسعه روستایی مطرح است که حاصل تلاش متفکران با ایدئولوژی نئولیبرالیستی است (رکن الدین افتخاری و عینالی، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

۱- Beyene Jemberere

۲-United Nations

مبنا و اساس کار در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، مدیریت مشارکتی است. دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی بنا به اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کاهش بیکاری و فقر و بهبود عدالت اجتماعی در مناطق روستایی، پروژه تشکیل صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی را از سال ۱۳۷۹ به اجرا در آورده است (دفتر امور زنان جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). این صندوق ها با هدف توانمندسازی زنان روستایی برای پرداختن به مشاغل کوچک و درآمدزا، از طریق حمایت های اولیه سازمان های جهاد کشاورزی (که در حال حاضر وجود ندارد) و با تجمع پس اندازهای کوچک زنان روستایی و مشارکت آنان تشکیل شده است. در این صندوق ها، با حضور و نظارت اعضا - وام هایی با هدف ایجاد شغل و درآمد به متقاضیانی که عضو هستند، داده می شود. دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی بنا به اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کاهش بیکاری و فقر و بهبود عدالت اجتماعی در مناطق روستایی، پروژه تشکیل صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی را از سال ۱۳۷۹ به اجرا در آورده است (دفتر امور زنان جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). این صندوق ها با هدف توانمندسازی زنان روستایی برای پرداختن به مشاغل کوچک و درآمدزا، از طریق حمایت های اولیه سازمان های جهاد کشاورزی (که در حال حاضر وجود ندارد) و با تجمع پس اندازهای کوچک زنان روستایی و مشارکت آنان تشکیل شده است. در این صندوق ها، با حضور و نظارت اعضا - وام هایی با هدف ایجاد شغل و درآمد به متقاضیانی که عضو هستند، داده می شود.

مشارکت زنان روستایی در زمینه های اقتصادی پیش نیاز توانمندسازی و مشارکت همه جانبه آنها در برنامه های توسعه است. نمونه بارز و قابل مطالعه از مشارکت اقتصادی زنان را می توان در صندوق اعتبارات خرد یافت. بنابراین مسئله اساسی این تحقیق غلبه بر ناشناخته های موجود در زمینه پیشرانهای موثر بر مشارکت پذیری زنان روستایی عضو صندوقهای اعتبارات خرد روستایی استان کردستان است که اغلب شرایط و وضعیت های ذکر شده را شامل می شود. با شناسایی و درک این عوامل و نقشی که زنان در تحقق اهداف صندوق های مذکور دارند، می توان به ارتقا کارایی و اثربخشی این واحدها امیدوار بود. بدیهی است عدم توجه به موارد مطرح شده می تواند به مشکل عدم شناخت از راههای ارتقاء مشارکت و توانمندی زنان روستایی منجر شود. بررسی ها نشان می دهد مطالعات به نسبت زیادی در زمینه استفاده زنان روستایی از اعتبارات خرد و همچنین موضوعات مرتبط با آن در سطح جهان و کشور ما انجام

شده است. با این وجود، تمرکز زیادی بر مقوله مشارکت در بهره‌مندی از اینگونه برنامه‌ها مشاهده نمی‌شود که با در نظر گرفتن اهمیت آن، نیاز به پژوهش‌های بیشتر محسوس می‌باشد. به طور کلی مطالعات حوزه پژوهش حاضر را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم نمود؛ در اولین گروه، مشارکت زنان در برنامه‌های اعتبارات خرد مستقیماً مورد بررسی قرار گرفته است و از این نظر، بیشترین نزدیکی را به موضوع پژوهش پیش روی دارد. در این خصوص می‌توان به یافته‌های پژوهش زارع و میرباقری (۱۳۹۱: ۳۹۹) اشاره نمود. نتایج این محققان نشان می‌دهد متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی زنان روستایی، عوامل فرافردی، میزان هزینه-فایده ناشی از مشارکت در صندوق و ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی با متغیر گرایش به مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد رابطه معنی‌دار دارند. همچنین کوشکی و همکاران (۱۳۹۰: ۱۵) نیز در مطالعه خود به این یافته رسیدند که برخی از عوامل موثر بر مشارکت زنان به ترتیب اولویت عبارتند از: برنامه ریزی همراه با مشارکت زنان، فراهم نمودن آموزشهای لازم و مستمر برای اعضاء و ایجاد حس تعلق و افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی می‌باشد. کلیه فاکتورها در این تحقیق به سه عامل اصلی آموزشی-مدیریتی، اجتماعی-روانشناختی و اقتصادی-حمایتی دسته‌بندی شدند که ۷۱/۳ درصد از واریانس کل سازه‌های موثر بر افزایش میزان مشارکت را تبیین کرده بودند. علاوه بر این، مطالعه مقدس فریمانی و همکارانش (۱۳۸۶) نشان داد روستائیان درک و نگرش مثبتی از صندوق‌های اعتباری روستایی دارند به ویژه آنکه تمایل خود و اطرافیان را جهت مشارکت در این صندوق‌ها مثبت ارزیابی کرده بودند. از نظر پاسخگویان، صندوق‌های مالی و اعتباری موجود در منطقه، در زمینه میزان حق عضویت دریافتی، میزان وام اعطایی، نحوه بازپرداخت وام، تعداد وام‌پرداختی به اعضاء و نحوه نظارت و مدیریت بر مؤسسات مالی و اعتباری نسبتاً خوب عمل کرده است. یافته‌های آنان همچنین نشان داد عواملی چون شهرستان محل سکونت روستائیان، فاصله محل سکونت تا شهر و نزدیکترین شعبه بانک کشاورزی و میزان درآمد سالانه روستائیان بر گرایش آنها به صندوقهای اعتباری موثر است. در این راستا مروری بر ادبیات خارجی نشان داد محدودیت‌های بسیاری بر سر راه زنان برای عضویت در صندوق‌ها وجود دارد. بررسی‌های پورویت^۱ (۲۰۱۳) در کشور هند نشان

می دهد از جمله محدودیت های مهم برای مشارکت زنان عضو انجمن اعتبارات خرد عبارتند از: فقدان حمایت مردان عضو، سختی نگرش ها، مشکل در ایجاد آگاهی در مردم، نیازهای فراوان آموزشی، کمبود اعتبارات، متقاضی زیاد و کمبود نهادهای مداخله گر می باشد. هم چنین مطالعه فردوسی و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در کشور بنگلادش به این نتایج اشاره می کند که زنان روستایی در این کشور به دلیل محدودیت های زیاد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، دسترسی بسیار محدودی به فعالیت های درآمدزا و به تبع آن فرصت بهبود وضعیت رفاه خانواده خود دارند. به علاوه، آنان اجازه مشارکت در فعالیت های اقتصادی خارج از خانه را ندارند و متعاقب آن نمی توانند در کاهش فقر خانواده نقش داشته باشند. در این شرایط برنامه اعتبارات خرد توانست از طریق وام های خرد به زنان و ایجاد درآمد و فرصت های خوداشتغالی بطور معنی داری فقر را در روستاهای این کشور کاهش دهد. زنان روستایی بعد از ملحق شدن به برنامه اعتبارات خرد، داوطلب فعالیت درآمدزا شدند که باعث افزایش درآمد خانواده و بهبود رفاه آنان گردید. این در حالی است که نتایج اگیر^۲ (۲۰۱۰: ۱۹) نشان داد با وجود مشارکت روستائیان در تأسیس و اداره مؤسسات اعتبارات خرد، حدود ۷۸ درصد از خانوارها به خدمات مالی دسترسی ندارند. در این مطالعه اینگونه تفسیر شده است که این گروه به دلیل مشارکت ضعیف از اینگونه خدمات بی بهره هستند. مطالعه جمبره (۲۰۰۹) به بخشی دیگر از موانع اشاره نموده است. وی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که فرهنگ سنتی جامعه باعث می شود مردان از حضور زنان در برنامه های اعتبارات خرد ممانعت کنند و برای مالکیت دارایی آنها حقی قائل نشوند. زیرا این باور وجود داشت که زنان می بایست از مردان پیروی کنند و وضعیت برابر در جامعه به آنها تعلق ندارد. همچنین اکثریت زنان به دلیل بی سوادی، از حقوق خود برای مشارکت و عضویت در صندوق های اعتبارات خرد بی اطلاع هستند. زنان همچنین فرصت برابری و زمان لازم برای مشارکت در این برنامه ها را ندارند، چون در کنار خانه داری، به عنوان نیروی کار در فعالیت های کشاورزی مشغول هستند. بررسی های اوانس و همکارانش^۳ (۱۹۹۹) در بنگلادش

۱ - Ahmed Ferdoushi, Siwar Chamhuri, and Idris Nor Aini Hj

۲ - Irene Egyir

۳ - Timothy Evans, Alayne Adams, Rafu Mohammed, and Alison Norris

نشان داد که فقط ۲۵ درصد از خانوارهای روستایی که صلاحیت مشارکت در اعتبارات خرد را دارند، مشارکت می‌کنند و از میان همین تعداد هم، مشارکت فقرا بیشتر است. طبق نتایج او، کم‌سواد زنان، کوچک بودن اندازه خانوار و نداشتن زمین از عوامل اصلی است که مانع مشارکت افراد در برنامه اعتبارات خرد می‌شود.

در گروهی دیگر از پژوهش‌های انجام شده، میزان مشارکت زنان و عوامل موثر بر آن بررسی شده است. برای مثال می‌توان به قنبری و همکاران (۱۳۹۱: ۷۱) اشاره نمود آنان به این نتیجه دست یافتند که سطح مشارکت زنان متوسط تا زیاد است و بین متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاسهای آموزشی، بعد خانوار و سن با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین مهمترین موانع مشارکت زنان، وضعیت تأهل، ممانعت مردان و تخصصی نبودن آموزش‌ها می‌باشد. علاوه بر این بررسی‌های احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰: ۱۳۹) نشان می‌دهد، مشارکت زنان مورد مطالعه در حد متوسطی می‌باشد. علاوه بر آن، متغیرهای سن، بعد خانوار، سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح آگاهی و اطلاعات و اشتغال خارج از منزل، مهمترین تعیین‌کننده‌های متغیر مشارکت اجتماعی زنان روستایی هستند. مطالعه اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹: ۱۷۹) با موضوع تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید در استان کرمانشاه نشان داد بین مشارکت زنان مولفه‌های فردی - اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. در این راستا ادریسا و همکارانش^۱ (۲۰۰۷)، با بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای کشاورزی در ایالت برونو در کشور نیجریه و جمع‌آوری اطلاعات از ۱۲۰ نمونه، به این نتیجه دست یافتند که دسترسی به وام، تهیه نهاده‌ها و بازاریابی تولیدات از جمله مهمترین منافع برای زنان مشارکت‌کننده در تعاونیها است.

در طیف دیگری از مطالعات، اثرات مختلف اعتبارات خرد مشخص شده‌اند، مانند بریمانی و همکارانش (۱۳۹۱: ۶۹) اشاره نمود. یافته‌های آنان نشان می‌دهد اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی موثر بوده است. گروهی از زنانی که وام گرفته‌اند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده‌اند، از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر اعتماد بنفس نیز در وضعیت بهتری

قرار دارند. هم چنین بررسی های حسن زاده و همکاران (۱۳۸۵: ۴۵) نشان می دهد در ایران، اعتبارات خرد در صورتی می تواند به کاهش فقر بیانجامد که اولاً طبقات گوناگون فقر شناسایی و ثانیاً این اعتبارات برای ایجاد اشتغال باشد. به عبارتی کاهش فقر از طریق اعطای اعتبارات خرد فقط از طریق ایجاد اشتغال و برابری فرصتهای شغلی امکان پذیر است. مزید بر آن، یعقوبی (۱۳۸۴: ۱۲۵) به این نتیجه دست یافت که اعتبارات خرد پرداخت شده برای ایجاد اشتغال، بیشترین تأثیر را در تثبیت شغل زنان دریافت کننده وام داشته است. این اعتبارات همچنین بالاترین تأثیر را در افزایش اعتماد گروهی در بین زنان داشته است. مروری بر مطالعات خارجی در این بخش نشان داد از نظر حق و ایتوها^۱ (۲۰۰۹: ۴۱) کلیه صندوقهای اعتبارات خرد در بنگلادش با هدف کاهش فقر و توانمندسازی زنان روستایی ایجاد شده اند. نتایج این پژوهشگران نشان می دهد که تنها ۲۱ درصد از اعضای صندوقهای اعتبارات خرد توانمند شده بودند. در میان زنان توانمند، ۶۹ درصد عضو فعال بودند. از میان فاکتورهای اقتصادی-اجتماعی، مشارکت نهادی زنان، رسانه ها و مالکیت زمین خانوادگی در توانمندسازی زنان نقش بسیار مهمی داشته اند. همچنین، استفاده از اعتبارات، طول دوره استفاده از اعتبارات و نظارت امور بوسیله صندوق، فاکتورهای معنی دار دیگری در توانمندسازی زنانی هستند که در برنامه های صندوق مشارکت دارند. هم چنین تحقیق کیم و همکاران^۲ (۲۰۰۷: ۱۷۹۴) نشان می دهد، در گروه مورد مطالعه (زنان روستایی ۱۸ سال به بالا)، بعد از دو سال عضویت، میزان خشونت جنسی علیه فقیرترین آنها به کمتر از نصف کاهش یافت و در عین حال، در تمام شاخصهای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان بهبود مشاهده شد.

ابزار و روش

در پژوهش کاربردی حاضر تلاش شد به واکاوی پیشنهادهای موثر بر مشارکت پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوقهای اعتبارات خرد استان کردستان پرداخته شود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان روستایی عضو هشت صندوق اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان در سال ۱۳۹۲ است که بر اساس اطلاعات موجود ۲۷۲ نفر می باشند. به کمک جدول

۱ - Mahmud Hoque and Yoshihito Itohara

۲ - Julia C. Kim, Charlotte H. Watt, James R. Hargreaves, Luceth X. Ndhlovu, Godfrey Phetla, Linda A. Morison, Joanna Busza, John D. H. Porter, and Pronyk Paul.

نمونه‌گیری مورگان، حجم نمونه ۱۶۰ نفر تعیین گردیده است. به دلیل همگن فرض نمودن جامعه آماری، جهت دستیابی به نمونه‌های تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه مبتنی بر اهداف پژوهش استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات دست اول از طریق مصاحبه با نمونه‌ها و تکمیل پرسشنامه صورت گرفت. در کنار آن، مطالعات کتابخانه‌ای نیز انجام شد تا اطلاعات دست دوم و تکمیلی به ویژه برای مبانی نظری و بحث و نتیجه‌گیری تهیه گردد. قبل از تکمیل پرسشنامه‌ها، روایی و پایایی به ترتیب بوسیله پانل کارشناسان و پیش‌آزمون و ضریب آلفای کرونباخ تعیین می‌شود. داده‌ها پس از جمع‌آوری، کدگذاری و وارد نرم افزار آماری SPSS می‌شوند تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این مرحله از آمار توصیفی شامل جداول فراوانی و تقاطعی، شاخصهای گرایش به مرکز و پراکندگی، ضرایب همبستگی، درصد و نمودار برای توصیف متغیرها و از آمار استنباطی مانند آنالیز واریانس، رگرسیون و تحلیل مسیر برای آزمون فرضیات و شناسایی عوامل موثر بر اهداف صندوق‌های اعتبارات استفاده می‌شود.

یافته‌ها

بررسی‌ها نشان داد میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۶/۸ سال است که حداقل ۱۵ تا حداکثر ۶۵ سال، با انحراف معیار ۱۰/۸ را در بر می‌گیرد. از میان کل پاسخگویان، ۸۲/۵ درصد متأهل، ۱۱/۹ درصد مجرد و مابقی مطلقه یا بیوه هستند. مقدار متوسط برای جمعیت خانواده پاسخگویان، ۴/۳ نفر، با حداقل یک و حداکثر ۱۰ نفر و انحراف معیار ۱/۴ است. همچنین، حدود ۸۳ درصد از زنان عضو این صندوق‌ها دارای فرزند می‌باشند. میانگین تعداد فرزند به ازاء هر مادر، سه نفر است. زنان عضو این صندوق‌ها در وضعیت مناسبی از نظر سطح سواد قرار ندارند. بیش از نیمی از آنان، کم‌سوادند. نزدیک به ۴۰ درصد نیز دوره‌های تحصیلی راهنمایی تا دیپلم را گذرانده‌اند و تنها کمی بیش از شش درصد از نمونه‌های پژوهش، در دانشگاه تحصیل کرده‌اند. هم‌چنین حدود ۳۶ درصد از همسران این زنان نیز کم‌سوادند. سطح سواد ۵۵٪ از همین افراد از مقطع راهنمایی تا دیپلم متوسطه است (در مقایسه با ۴۰ درصد زنان). با مقایسه سطح سواد زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی و همسرانشان، مشاهده می‌شود که هر دو گروه از سطح سواد به نسبت پائینی برخوردارند. با این وجود، سواد زنان متأهل، به طور آشکاری پایین‌تر از شوهرانشان است.

از میان پاسخگویان، ۴۹/۴ درصد، از زندگی در روستا راضی هستند. این در حالیست که رغبت زیاد به زندگی شهرنشینی در ۳۱/۸ درصد از آنان مشاهده می شود. اکثریت پاسخگویان، فاقد شغل هستند و تنها حدود ۴۳ درصد از آنان، حداقل به یک حرفه اقتصادی به عنوان منبع اصلی درآمد مشغول هستند. بیشترین فراوانی مربوط به شغل زنان به خیاطی و بافندگی، قالیبافی و کشاورزی و دامداری اختصاص دارد. میانگین درآمد ماهانه زنانی که بطور مستقل حداقل دارای یک شغل می باشند، ۳۴۳/۵ هزار تومان است. متوسط درآمد ماهانه کل اعضا نیز ۱۴۶ هزار تومان می باشد. بررسی سوابق عضویت آنان نشان می داد که میانگین زمان عضویت هر پاسخگو، ۴/۲ سال است. افراد با عضو شدن، ضمن پس انداز موجودی خود، از وامهای ارائه شده نیز بهره مند می شوند. این روند برای تمامی اعضاء یکسان می باشد. با این وجود، نزدیک به ۲۸ درصد از نمونه ها اعلام داشته اند که در سایر امور صندوق ها منجمله نظارت بر فعالیت ها، ارزشیابی، تصمیم گیریهای صندوق و برنامه ریزی برای فعالیتهای آتی نقش مشارکتی دارند. حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان اشاره داشته اند که تا دو نوبت از صندوق های خود وام دریافت داشته اند. تقریباً ۳۶ درصد نیز فقط یک بار از وام استفاده کرده اند. نزدیک به ۱۶ درصد نیز سه بار و حتی بیشتر وام گرفته اند. مابقی افراد (نزدیک به شش درصد) تاکنون از وام بهره مند نشده اند. با وجودیکه داده ها نشان می دهند، از تعداد وامهای پرداختی به اعضا در سه سال اخیر کاسته شده است، ولی، افرادی که تعداد وام بیشتری دریافت داشته اند، مدت بیشتری هم عضو بوده اند. برای نمونه، متوسط سالهای عضویت افرادی که یک فقره وام دریافت داشته اند، ۳/۳ سال است. این مقدار برای آنهایی که سه و حتی بیشتر از آن هم وام گرفته اند، ۵/۲ سال است. تا زمان اجرای این پژوهش، هر عضو به طور میانگین ۵۸۴/۸ هزار تومان وام دریافت داشته است. متوسط این مقدار در یک نوبت دریافت وام، ۴۳۰/۲، در دونوبت ۵۷۰/۶ هزار تومان و در سه نوبت و حتی بیشتر ۹۸۲ هزار تومان است.

همانگونه که پیش از این اشاره شد، نزدیک به یک سوم از زنان عضو، در تصمیم گیری و برنامه ریزی صندوق ها شرکت دارند. در این پژوهش، این شکل از عضویت به عنوان سطح دوم یا بالاتر مشارکت در نظر گرفته می شود. سطح اول همان عضویت معمولی، سهم داشتن در پس انداز و دریافت وام است. میانگین سنی زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، قدری پایین تر از سایرین است (۳۵/۶ در مقایسه با ۳۷/۳ سال) که البته از نظر آماری معنی دار نیست ولی می

توان حدس زد، با کاهش میانگین سن اعضاء، سطح مشارکت بیشتر خواهد شد. درآمد ماهانه زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، با اختلاف معنی داری بیشتر از بقیه است ($t=2.923$, $Sig=.005$). این گروه از زنان بطور میانگین در ماه ۴۲۴/۶ هزار تومان درآمد دارند. این مقدار برای سطح اول مشارکت ۲۹۹/۸ می باشد (حدود ۳۰ درصد اختلاف). این نتیجه نیز بر بارز بودن کارکرد اقتصادی صندوق ها و همچنین توقع اقتصادی اعضا از صندوقها تأکید دارد. ارتباط مابین شاغل بودن و سطح مشارکت، این نتیجه را تأیید می کند، زیرا از میان زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، ۵۸/۵ درصد دارای شغل هستند و در عین حال، ۷۸/۳ درصد از زنانی که در سطح اول مشارکت قرار دارند، فاقد شغل هستند (جدول ۱).

جدول (۱) - سطح مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد

شغل	سطح مشارکت		کل
	دارد	ندارد	
اول	۴۴	۷۲	۹۲
دوم	۲۴	۲۰	۴۱
کل	۶۸	۹۲	۱۶۰

(منبع: یافته های محقق)

Chi-Square=3.603 Sig=.043

جهت مطالعه تمایل زنان به مشارکت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی، از یک متغیر ترکیبی استفاده شد. نمره نهایی این متغیر از مجموع نمرات پنج آیم یا گویه بدست آمد. هر گویه، جنبه ای از تمایل زنان به مشارکت را در بر می گرفت. بر اساس ارقام بدست آمده، ملاحظه شد تمایل زنان به مشارکت در این واحدها بطور قابل قبولی مساعد می باشد. میانگین نمره نهایی این متغیر نیز ۲۰/۹ در محدوده ۱۰/۰ تا ۲۵/۰ با انحراف معیار ۳/۲ بدست آمده است. بر اساس تحلیل نظرسنجی مشخص گردید، زمینه مشارکت در نزد حدود ۱۴ درصد از زنان ضعیف و در نزد حدود ۵۶ درصد قوی می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که تمایل زنان به مشارکت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی مناسب می باشد (جدول ۲).

جدول (۲) - تمایل زنان به مشارکت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	علاقتمندی به شرکت در کارهای گروهی	۵	۹	۲۱	۶۰	۶۵	
۲	تمایل به حضور در فعالیتهای خارج از خانه مانند تعاونی ها و انجمن ها	۶	۱۱	۳۳	۴۳	۶۷	
۳	راضی بودن از عضویت در صندوق اعتبارات خرد	۲	۳	۲۷	۷۰	۵۸	
۴	عضو بودن در یک تعاونی یا انجمن بهتر از عضو نبودن است.	۴	۶	۵	۴۷	۹۸	
۵	تمایل به نقش داشتن در همه کارها مانند مردان	۱	۷	۱۴	۵۳	۸۵	

(منبع: یافته های محقق)

به منظور سنجش نظرات پاسخگویان در خصوص میزان دسترسی به تسهیلات صندوق ها و همچنین تناسب با وضعیت زندگی آنان، از سه گویه استفاده شد (جدول ۳). یافته ها نشان داد میزان رضایت از مبلغ وامها و همچنین قسط بندی آنها از نظر زنان، در حد متوسط می باشد، ولی رضایت از دسترسی به وامها کمی بیشتر است. میانگین نمره این متغیر $10/2$ بدست آمده است که کمترین آن، $3/0$ و بیشترین آن، $15/0$ است. انحراف معیار نیز، $2/2$ می باشد. تحلیل نظر سنجی نشان می دهد، 45 درصد از پاسخگویان، از دسترسی به تسهیلات و تناسب آن رضایت کافی دارند. رضایت حدود 41 درصد در حد متوسط و نزدیک به 15 درصد ضعیف می باشد.

جدول (۳) - میزان دسترسی زنان به وام و تناسب این تسهیلات با وضعیت معیشتی آنان

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	تناسب مبلغ وامهای اخذ شده با وضعیت معیشتی شما	۱۲	۲۰	۷۲	۳۱	۲۵	
۲	تناسب قسط بندی وامهای اخذ شده، با وضعیت معیشتی شما	۴	۲۸	۵۲	۴۴	۳۲	
۳	رضایت از دسترسی به وامهای صندوق	۶	۱۵	۵۴	۶۸	۱۷	

(منبع: یافته های محقق)

این متغیر به شدت از وضعیت اشتغال تأثیر می‌پذیرد. به بیانی دیگر، اهمیت اقتصادی این واحدهای صندوق‌های اعتبارات خرد، برای زنانی که حداقل به یک حرفه درآمدزا مشغول هستند، به طور معنی‌داری و در سطح یک درصد بیشتر است ($t=1.146$ Sig=.001). نمره میزان رضایت از تناسب تسهیلات و دسترسی به آنها برای زنان شاغل به طور متوسط ۱۰/۸ و برای زنان غیر شاغل ۹/۷ است.

میزان رضایت با مشارکت‌گرایی زنان نیز رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار در سطح یک درصد دارد ($t=-.407$ Sig=.000). به نظر می‌رسد، از نظر زنانی تمایل بیشتری برای مشارکت در برنامه‌های صندوق‌ها دارند، میزان رضایت از وام‌ها و دسترسی به آنها بیشتر باشد. بنابراین با وجودیکه رضایت عمومی از مقدار وام‌ها، اقساط و میزان دسترسی به آنها زیاد نیست، ولی همین رضایت خود، تحت تأثیر زمینه فکری مشارکت و وضعیت اشتغال قرار دارد. به بیانی دیگر، افرادی که اهمیت بیشتری برای فعالیت این واحدها قائلند (افراد شاغل با مشارکت بالا)، از تسهیلات موجود هم رضایت بیشتری دارند. آشکار است که کارکرد اقتصادی صندوق‌ها ارتباط نزدیکی با وضعیت اشتغال زنان روستایی دارد.

تمایل به خوداتکایی مالی، یکی از موضوعات مهم در زمینه بررسی رفتارهای اقتصادی و اجتماعی زنان می‌باشد (جدول ۴). در پژوهش حاضر جهت سنجش این متغیر از دو گویه بهره گرفته شد. همانگونه که مشاهده می‌شود، زنان مورد مطالعه از تمایل بالایی برای خوداتکایی مالی برخوردارند. میانگین نمره این متغیر ۹/۱ از حداقل ۴/۰ و حداکثر ۱۰/۰ بدست آمده است. انحراف معیار برای این متغیر نیز ۱/۱ است. تحلیل نظر سنجی نشان می‌دهد، فقط ۱۰ درصد از پاسخگویان، از گرایش کمی برای خوداتکایی مالی برخوردارند.

جدول (۴) - میزان تمایل به خوداتکایی مالی در زنان عضو صندوق

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	چقدر مایلید، از نظر مالی به کسی وابسته نباشید	۷	۳	۹	۳۰	۱۱۱
۲	خودکفا بودن از نظر مالی برایم مهم است.	۱	۰	۲	۴۷	۱۱۰

(منبع: یافته‌های محقق)

صندوق های اعتبارات خرد روستایی به عنوان یک پدیده به نسبت جدید در جوامع روستایی شناخته شده می باشد که مبدأ و متولی پیدایش آن خارج از این جوامع قرار دارد. میزان اهمیت و توجهی که زنان روستایی برای این واحدهای مالی قائل هستند، تا حدودی به نقش و کارکرد این واحدها بستگی دارد. بدین منظور از شش گویه استفاده گردید تا بتوان به اهمیت نسبی صندوق ها از بعد اقتصادی و اجتماعی عضو پی برد (جدول شماره ۵). نتایج نشان داد صندوق های اعتبارات خرد روستایی از نظر زنان عضو، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مشخصی دارند و از این نظر می توان آنها را مهم و مورد توجه زنان روستایی در نظر گرفت. میانگین نمره این متغیر ۲۲/۲ با حداقل ۱۱/۰، حداکثر ۳۰/۰ و انحراف معیار ۳/۹۰ بدست آمده است. تحلیل نظر سنجی هم مشخص کرده است که این واحدها از نظر نزدیک به ۵۰ درصد از زنان عضو، مهم می باشند. میزان این اهمیت با وضعیت شغل اعضا ارتباط زیادی دارد. میانگین نمره این متغیر برای زنان دارای شغل، ۲۳/۰ و برای سایر زنان، ۲۱/۶ می باشد. این تفاوت در سطح پنج درصد معنی دار است ($t=2.424$ Sig=.016). این نتیجه نشان می دهند، کارکرد اقتصادی و اجتماعی این واحدها به احتمال زیاد با افزایش تعداد اعضای شاغل تقویت می شود. علاوه بر این افرادی که در مدیریت این واحدها مشارکت بیشتری دارند، اهمیت بیشتری نیز برای آن در نظر می گیرند. میانگین نمره برای زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، ۲۳/۲ محاسبه شده است. این مقدار برای دیگر اعضا ۲۱/۸ است. تفاوتها در سطح پنج درصد معنی دار می باشد ($t=2.363$ Sig=.047). همچنین، میزان اهمیت صندوق ها با افزایش میزان تمایل به مشارکت ($r=-.497$ Sig=.000) و دسترسی و تناسب تسهیلات ($r=-.539$ Sig=.000) بیشتر می شود. هرچه تمایل به خوداتکایی مالی نیز بیشتر شود، اهمیت اقتصادی و اجتماعی واحد ها نیز بیشتر می شود ($r=-.182$ Sig=.021).

جدول (۵) - اهمیت اقتصادی و اجتماعی عضویت در صندوق ها

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	صندوق اعتبارات خرد توانسته است مشکلات مالی من را برطرف کند.	۸	۱۰	۳۸	۸۳	۲۱	
۲	پس از عضویت در صندوق اعتبارات خرد، مردم احترام بیشتری برای من قائلند.	۳	۱۵	۵۳	۶۷	۲۲	
۳	اعضای خانواده هم احترام بیشتری به من می گذارند	۰	۷	۳۸	۷۷	۳۸	

ردیف	گویه	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۴	از زمانی که عضو صندوق شده ام، خانواده اهمیت بیشتری به من می دهد.	۲	۳۲	۸۰	۴۰
۵	از همان زمان، در میان سایر اعضای جامعه هم اهمیت بیشتر دارم	۲	۴۰	۸۱	۲۷
۶	پس از استفاده از تسهیلات صندوق، وابستگی مالی ام به خانواده کمتر شده است (چقدر موافقت؟)	۷	۲۷	۷۲	۲۰

(منبع: یافته های محقق)

برای سنجش و تخمینی از باورهای فرهنگی موجود در جامعه، نسبت به حضور زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی از سه مولفه استفاده شد (جدول ۶). از آنجاییکه میزان مخالفت با مولفه ها بالا هستند و همچنین به منظور افزایش همسویی این متغیر با سایر متغیرهای تحقیق، در حین تجزیه و تحلیل، داده های این متغیر معکوس شدند. اعداد بدست آمده نشان می دهند در مناطق روستایی استان کردستان، زمینه فرهنگی مساعدی برای حضور زنان در این صندوق ها و همچنین مشارکت بیشتر آنان وجود دارد. بر اساس اعداد فوق، به نظر می رسد، حضور و مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان با مانع جدی فرهنگی مواجه نباشد. میانگین نمره نهایی این متغیر ۱۱/۷ محاسبه شده است که از حداقل ۵/۰ تا حداکثر ۱۵/۰ با انحراف معیار ۰/۶ در تغییر می باشد. تحلیل داده ها همچنین نشان می دهد، زمینه فرهنگی برای مشارکت در صندوق ها فقط از نظر ۱۸ درصد از پاسخگویان مساعد نمی باشد. بر اساس نتایج محدودیتهای فرهنگی برای زنان متأهل در مقایسه با سایرین قدری بیشتر است که از نظر آماری معنی دار می باشد ($t=2.213$ Sig=.028). همچنین مابین عامل فرهنگی و تمایل به مشارکت ($r=.340$ Sig .000) و همچنین تمایل به خوداتکایی ($r=.204$ Sig .000) ارتباطی مثبت و معنی دار وجود دارد. لذا در مجموع می توان اینگونه برداشت نمود که حضور زنان در این واحدهای مالی از نظر فرهنگ جامعه تا حدود زیادی بلامانع می باشد.

جدول (۶)- باورهای فرهنگی موثر بر مشارکت زنان در صندوق ها

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	باورهای موجود، مانع حضور بیشتر من در جامعه می شود.	۳۰	۶۲	۲۱	۲۷	۲۰	
۲	باور مردها این است که که زن باید در خانه باشد.	۷۳	۴۰	۱۱	۳۱	۵	
۳	خودم هم باور دارم که زن باید در خانه باشد.	۱۰۲	۴۲	۸	۵	۳	

(منبع: یافته های محقق)

با هدف شناخت اثرات عضویت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی بر افزایش مهارت های عمومی یا غیر حرفه ای، از شش مولفه استفاده گردید. در این گویه ها به موضوعاتی مانند بهبود در وضعیت تغذیه و سلامت فرزندان و بهبود روابط درون خانواده به عنوان مهارت های فردی و همچنین افزایش توانایی ایجاد شغل و کارهای گروهی به عنوان مهارت های اجتماعی پرداخته شده است. اعداد مربوط به گویه ها نشان می دهند، در مجموع، توانایی های فردی و اجتماعی زنان، پس از عضویت در صندوق ها بهبود نسبی داشته است. متوسط نمره نهایی این متغیر ۲۳/۹ بدست آمده است، با حداقل ۱۵/۰، حداکثر ۳۰/۰ و انحراف معیار ۳/۵. افزایش مهارتها فقط برای حدود ۱۴ درصد از زنان در سطح پائینی می باشد. این اثرات از نظر ۵۷ درصد از پاسخگویان، در حد قابل قبولی است.

جدول (۷)- ارتقاء مهارت های فردی و گروهی در زنان عضو صندوق

گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
با عضویت در صندوق اعتبارات خرد، آشناییم با شیوه های منظم کار جمعی بیشتر شده است.	۱	۵	۲۱	۶۲	۹۹	۴۸
از زمانی که عضو شده ام، تغذیه و سلامت فرزندانم بهتر شده است.	۳	۳	۴	۲۵	۹۳	۳۵
با استفاده از اینگونه تسهیلات، روابطم با دیگر اعضای خانواده بهتر شده است.	۱	۱۴	۱۶	۸۳	۴۶	
با عضویت در صندوق، مهارت هایم برای ایجاد یک کسب و کار جدید بیشتر شده است.	۰	۱	۱۵	۸۵	۵۹	
با عضویت در صندوق اعتبارات خرد، دید گاهم نسبت به کار گروهی بهتر شده است.	۰	۳	۳۱	۸۰	۴۶	

(منبع: یافته های محقق)

با استفاده از دو گویه معرفی شده در جدول (۸)، می‌توان تا حدودی به نقش احتمالی صندوق‌های اعتبارات خرد بر افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی پی برد. همانگونه که مشاهده می‌شود، از نظر پاسخگویان، صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته است نقش مهمی در افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان داشته باشد. مقدار متوسط برای این متغیر ۸/۱۴ محاسبه شده است. تحلیل نظر سنجی نشان داده است فقط ۱۲/۵ درصد از نمونه‌ها معتقدند عضویت در صندوق‌ها تأثیر کمی بر افزایش اعتماد به نفس آنها داشته است.

جدول (۸) - نقش صندوق‌ها در افزایش اعتماد به نفس زنان

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	صندوق اعتبارات خرد نقش مهمی در افزایش خودباوری من داشته است.	۳	۲	۲۶	۸۸	۴۱
۲	اعتماد به نفس بهتری نسبت به قبل از عضویت در صندوق به دست آورده‌ام.	۰	۲	۲۰	۹۴	۴۴

(منبع: یافته‌های محقق)

همانگونه که در جدول (۹) مشاهده می‌شود از نظر پاسخگویان، عضویت در صندوق‌ها در حد مناسبی توانسته است به توسعه اشتغال منجر گردد. میانگین نمره این شاخص ۱۱/۵ است. کمترین، بیشترین و انحراف معیار نیز به ترتیب ۳/۰، ۱۵/۰ و ۲/۶ است. با تحلیل نظر سنجی مشخص گردید که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان اعلام داشته‌اند برنامه‌های صندوق‌ها در گسترش اشتغال یا درآمدزایی آنان، نقش قابل توجهی داشته است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، مابین هر سه متغیر مربوط به اثرات عضویت، ارتباطی مثبت، قوی و معنی‌دار وجود دارد. در این بین، ارتباط مابین ارتقاء مهارت‌های فردی و اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس قوی‌تر و مشهودتر می‌باشد (Sig. = .000, $r = .712$). احتمالاً بهبود مهارت توانسته است خودباوری و اعتماد به نفس بیشتری در فرد ایجاد نماید. همچنین به نظر می‌رسد، افزایش مهارت به توسعه اشتغال کمک کرده است (Sig. = .000, $r = .589$). افراد دارای شغل هم به احتمال فراوان از خودباوری بیشتری برخوردارند (Sig. = .000, $r = .555$). واضح است که صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی نقش مهمی در توانمندسازی زنان روستایی داشته است.

جدول (۹) - نقش صندوق ها در توسعه اشتغال زنان

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱۲	توانسته ام با دریافت وام از این صندوق، کسب و کاری راه اندازی کنم.	۱۸	۲۴	۱۶	۸۱	۲۱
۳۳	با استفاده از تسهیلات صندوق توانسته ام یک فعالیت درآمدزا ایجاد کنم.	۶	۲۱	۲۳	۶۶	۴۴
۳۶	صندوق، سرمایه های موجود را به سمت تولید و ایجاد شغل برای همه زنان هدایت می کند.	۱	۴	۱۳	۶۸	۷۴

(منبع: یافته های محقق)

در اولین گام با رگرسیون اصلی، مشخص گردید، متغیرهای مهارت های فردی و گروهی (۰/۲۸۶)، خودباوری و اعتماد به نفس (۰/۲۲۳)، عامل فرهنگی (۰/۱۵۲)، گرایش به روستانشینی (۰/۲۰۳)، تمایل به خود اتکایی (۰/۲۰۳) و سطح سواد متوسط شوهر (۰/۱۵۲) مستقیماً میزان مشارکت زنان در برنامه های صندوق های اعتبارات خرد روستایی را تبیین می کنند.

با رگرسیون دوم، اثرات متغیرهایی مانند اهمیت صندوق ها (۰/۴۵۵)، اعتماد به نفس (۰/۳۳۴)، عامل فرهنگی (۰/۱۲۱)، سن (۰/۱۰۵)، شغل (۰/۰۹۹) و گرایش به روستانشینی (۰/۱۰۱) بر مهارت های فردی و گروهی زنان مشخص گردید. خودباوری و اعتماد به نفس زنان نیز طبق رگرسیون سوم، تحت تأثیر مهارت ها (۰/۴۹۱)، اهمیت صندوق ها (۰/۳۱۱)، وضعیت ازدواج (۰/۱۳۱) و مجموع مقدار وام دریافتی (۰/۱۱۴) قرار دارد. در چهارمین مرحله هم، اثر متغیر مهارت ها (۰/۲۴۱) به تنهایی بر عامل فرهنگی مشخص شد.

به کمک رگرسیون پنجم تعیین گردید که متغیرهای مهارت ها (۰/۳۸۲)، تمایل به خود اتکایی (۰/۲۰۷-)، عامل فرهنگی (۰/۱۶۰) و سطح مشارکت (۰/۱۵۱)، گرایش به روستانشینی را تحت تأثیر قرار می دهند. تمایل به خود اتکایی نیز در آخرین معادله رگرسیونی تحت تأثیر شغل (۰/۲۷۰)، اعتماد به نفس (۰/۲۴۴)، گرایش به روستانشینی (۰/۲۰۸-)، سال های عضویت (۰/۱۶۷) و عامل فرهنگی (۰/۱۶۱) قرار دارد.

جدول (۱۰) - متغیرهای اثرگذار و نوع اثرشان بر مشارکت زنان در برنامه های صندوق ها

ردیف	متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
۱	مهارت‌های فردی و گروهی	۰/۲۸۶	۰/۰۴۵	۰/۳۳۱
۲	اعتماد به نفس	۰/۲۲۳	۰/۰۸۱	۰/۳۰۴
۳	عامل فرهنگی	۰/۱۵۲	۰/۰۰۳	۰/۱۵۵
۴	گرایش به روستا نشینی	۰/۲۰۳	-۰/۰۲۱	۰/۱۸۲
۵	تمایل به خودانگیزی	۰/۲۰۳	-۰/۲۰۷	-۰/۰۰۴
۶	سطح سواد متوسط شوهر	۰/۱۵۲	--	۰/۱۵۲
۷	اهمیت اقتصادی و اجتماعی صندوق ها	--	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲
۸	سن	--	-۰/۱۰۵	-۰/۱۰۵
۹	شغل	--	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷
۱۰	مجموع مقدار وام دریافتی	--	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴
۱۱	مشارکت در سطوح بالایی مدیریت صندوق ها	--	۰/۱۵۱	۰/۱۵۱
۱۲	سال های عضویت	--	۰/۱۶۷	۰/۱۶۷

(منبع: یافته های محقق)

بحث و نتیجه گیری

از جمع بندی مشخصات فردی پاسخگویان مشخص می شود که میانگین سن زنان روستایی عضو صندوق های اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان نزدیک به ۴۰ سال است و از این نظر قدری بالا به نظر می رسد. آنان همچنین در وضعیت مناسبی از نظر سطح سواد قرار ندارند. علاوه بر آن، سواد زنان متأهل، به طور آشکاری پایین تر از شوهرانشان است. در ضمن، رضایت از زندگی در روستا، تنها در نیمی از آنان وجود دارد و در نزدیک به یک سوم از آنها، رغبت زیادی به شهرنشینی وجود دارد. به همین ترتیب، حدود ۶۰ درصد از آنان فاقد شغل و منبع درآمد اختصاصی هستند. بنابراین، عدم وجود مشاغل کافی، پایین بودن سطح درآمدها، نامناسب بودن سطح تحصیلات، بالا بودن سن و همچنین نارضایتی نسبی از زندگی در محیط روستا را می توان از مشخصات بارز زنان روستایی عضو صندوق های اعتبارات خرد دانست. به طور میانگین بیش از چهار سال از زمان عضویت زنان در این واحدهای مالی می گذرد و با افزایش هر سال عضویت، شانس استفاده آن‌ها از وام و تسهیلات بیشتر می شود. با این وجود، کمتر از یک سوم از این افراد در فعالیتهای مدیریتی مانند: نظارت بر امور، ارزشیابی، تصمیم گیری و برنامه ریزی برای کارهای آتی نقش مشارکتی دارند. اکثریت این گروه نیز دارای شغل و درآمد هستند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد، سطح کلی مشارکت در مدیریت این واحدها پایین باشد و افراد مشارکت کننده در این سطح نیز عمدتاً دارای رویکردهای اقتصادی هستند. تمایل به مشارکت زنان در این واحدهای مالی به طور قابل قبولی مساعد می‌باشد. با این وجود، تمایل به مشارکت عملی زنان در صندوقها بیشتر به شرایط سنی و نگرش‌های اقتصادی آنها بستگی دارد و به احتمال فراوان با کم شدن سن اعضاء و هم‌چنین افزایش شغل و منبع درآمد، زمینه و تمایل به مشارکت در فعالیت این واحدهای مالی نیز بیشتر می‌شود.

میزان رضایت از مقدار وام‌های اخذ شده و هم‌چنین قسط‌بندی آنها از نظر زنان، در حد متوسط می‌باشد، ولی رضایت از دسترسی به وامها کمی بیشتر است. میزان کل رضایت در نزد افراد شاغل و هم‌چنین آنهایی که تمایل بالاتری به مشارکت دارند، بیشتر است. به بیانی دیگر، افرادی که اهمیت بیشتری برای فعالیت این واحدها قائلند (افراد شاغل با مشارکت بالا)، از تسهیلات موجود هم رضایت بیشتری دارند. در واقع آشکار است که کارکرد اقتصادی صندوقها ارتباط نزدیکی با وضعیت اشتغال اعضاء دارد. علاوه بر آن، زنان مورد پژوهش از گرایش بالایی برای خوداتکایی مالی برخوردارند.

صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی از نظر اعضاء، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مشخصی داشته است و از این نظر می‌توان آنها را مهم و مورد توجه زنان روستایی در نظر گرفت. این نتیجه با یافته‌های مقدس فریمانی و همکارانش (۱۳۸۶) همخوانی دارد. در ضمن، افراد شاغل و افرادی که در مدیریت این واحدها مشارکت بیشتری دارند، اهمیت بیشتری نیز برای آن در نظر می‌گیرند. میزان اهمیت صندوقها هم‌چنین با افزایش میزان تمایل به مشارکت، دسترسی و تناسب تسهیلات و تمایل به خوداتکایی مالی بیشتر می‌شود.

زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی، اعتماد (در نقش پیش زمینه همکاری) به نسبت بالایی به ساکنین روستای محل سکونت خود دارند. متغیر اعتماد اجتماعی با تمایل به مشارکت و اهمیت اقتصادی و اجتماعی صندوقها رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارند. گلایی و همکاران (۱۳۹۲): ۲۱ در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت زنان با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار وجود دارد.

حضور و مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان با مانع جدی فرهنگی مواجه نیست. با این وجود، محدودیت‌های فرهنگی برای زنان متأهل در مقایسه با

سایرین قدری بیشتر است. هم‌چنین مابین عامل فرهنگی و تمایل به مشارکت و هم‌چنین تمایل به خوداتکایی ارتباطی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

اثرات عضویت زنان روستایی در این واحدها، در سه حیطه ارتقاء مهارت‌های فردی و اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و توسعه اشتغال مطالعه گردید. در مجموع، توانایی‌های فردی و اجتماعی زنان، پس از عضویت در صندوق‌ها بهبود نسبی داشته است. هم‌چنین، از نظر پاسخگویان، صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته است نقش مهمی در افزایش خودباوری و اعتماد به نفس آنان داشته باشد. در عین حال، از نظر زنان، عضویت در صندوق‌ها در حد مناسبی توانسته است به توسعه اشتغال منجر گردد. یافته اخیر با نتایج پژوهش‌های حسن زاده و همکاران (۱۳۸۵)، یعقوبی (۱۳۸۴)، کریبون و همکارانش^۱ (۲۰۱۱) و فردوشی و همکاران (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، مابین هر سه متغیر مربوط به اثرات عضویت، ارتباطی مثبت، قوی و معنی‌دار وجود دارد. احتمالاً بهبود مهارت توانسته است خودباوری و اعتماد به نفس بیشتری در افراد ایجاد نماید. هم‌چنین به نظر می‌رسد، افزایش مهارت توانسته باشد به توسعه اشتغال کمک کند. شاغلین هم به احتمال فراوان از خودباوری بیشتری برخوردارند. بنابراین آشکار است که صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی نقش مهمی در توانمندسازی زنان روستایی داشته است. این نتیجه‌گیری نیز یافته‌های بریمانی و همکارانش (۱۳۹۱)، حق و ایتوهارا (۲۰۰۹)، کیم و همکارانش (۲۰۰۷) و رحمان^۲ (۱۹۹۹) را تأیید می‌کند.

مهمترین عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد نیز شامل متغیرهای مهارت‌های فردی و گروهی، خودباوری و اعتماد به نفس، عامل فرهنگی، گرایش به روستائینی، تمایل به خود اتکایی و سطح سواد شوهر با اثرات مستقیم و متغیرهای سال‌های عضویت، مشارکت در سطوح بالایی مدیریت صندوق‌ها، اهمیت اقتصادی و اجتماعی صندوق‌ها، مجموع مقدار وام دریافتی، سن و شغل با اثرات غیر مستقیم هستند. این نتیجه نشان داد، افزایش مشارکت لزوماً با انگیزه‌های اقتصادی همراه نیست بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند سهم مهمی در تقویت آن داشته باشند.

۱ - Bruno Crepon, Florencia Devoto, Esther Duflo, and Pariente William

۲ - Rahman Aminur

تأثیر داشتن متغیر اعتماد به نفس و خودباوری بر مشارکت، با یافته های کوشکی و همکارانش (۱۳۹۰) تطابق دارد. بنابراین می توان برای متغیرهای مشارکت و اعتماد به نفس رابطه ای دوسویه متصور بود.

در بررسی های فردوشی و همکارانش (۲۰۱۱)، جمبره (۲۰۰۹) و ادریسا و همکاران (۲۰۰۷) بر نقش فاکتورهای فرهنگی در مشارکت تأکید شده است. در این پژوهش نیز این نقش مشاهده شده است، با این وجود در استان کردستان بر خلاف نتایج این سه گزارش، زمینه فرهنگی برای مشارکت بیشتر زنان در برنامه های صندوق های اعتبارات خرد روستایی بسیار مساعدتر به نظر می رسد.

در این پژوهش، سواد به عنوان فاکتوری موثر در مشارکت شناخته شده است. در مطالعات احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰)، ادریسا و همکارانش (۲۰۰۷) و اوانس (۱۹۹۹) نیز به تأثیر سواد بر مشارکت اشاره شده است. علاوه بر آن، در این تحقیق مشخص گردید سابقه یا سال های عضویت، همانند نتیجه ای که اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) بدست آورده اند، بر فرایند مشارکت اثر گذار است.

سن به عنوان متغیری که نماینده مشخصات فردی است، بر مشارکت اثر داشته است. بررسی های زارع و میرباقری (۱۳۹۱)، قبری و همکاران (۱۳۹۱)، احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰)، اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) و ادریسا و همکارانش (۲۰۰۷) نیز نشاندهنده نتایج مشابهی هستند. در ضمن، بنابر یافته های بدست آمده در این تحقیق، متغیر شغل، مشارکت را تشدید می کند. احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰) و ادریسا و همکارانش (۲۰۰۷) نیز به نتیجه مشابهی دست یافته اند.

پیشنهادها

با در نظر گرفتن مشخصات فردی پاسخگویان، و با هدف تقویت ساختار، به نظر می رسد بهتر باشد صندوق های اعتبارات خرد روستایی در استان طی یک برنامه پنج ساله، عضویت افراد جوان و با سوادتر را از طریق مکانیسم هایی مانند تسریع در دریافت تسهیلات و آموزش های مهارتی سرعت ببخشند. با جوان تر شدن و باسواد تر شدن اعضا می توان احتمال بیشتری برای تقویت مشارکت در این واحدها متصور بود.

سالانه از اعضا در مورد ایده ها و روش های جدید مدیریتی نظر سنجی به عمل آید، تا اگر افرادی با تمایل بالا و ایده های مدیریتی مناسب وجود داشته باشند، برای تصدی دوره ای مدیریت

صندوق‌ها برگزیده شوند.

از آنجائی که زمینه فکری و تمایل به مشارکت و کارهای گروهی در میان زنان استان مساعد به نظر می‌رسد، می‌توان از این پتانسیل در حیطه‌های دیگری نیز استفاده کرد. برای نمونه زنانی که رغبت زیادی برای مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد دارند، قادر خواهند بود فعالیت‌های گروهی در آمدزای دیگری مانند: ایجاد یک واحد تولیدی پوشاک یا صنایع غذایی جمعی را هم داشته باشند. بنابراین می‌توان از این واحدها به عنوان معبری برای ورود به عرصه‌های دیگر مشارکت و فعالیت‌های جمعی اقتصادی استفاده کرد. در این زمینه هم می‌توان برنامه پنج ساله ای تدوین کرد.

بدون شك، حمایت‌های بیشتر دولتی از این واحدها مورد نیاز است. تجربیات گوناگون جهانی نیز آن را تأیید می‌کند، زیرا اساساً سرمایه گذاری های دولتی در توسعه روستایی و به‌ویژه توانمندسازی زنان از منظرگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی کاملاً توجیه پذیر می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با رعایت قوانین مالی و حقوقی و به صورت آزمایشی، برای یک دوره سه ساله، ردیف‌های اعتباری ویژه ای برای توسعه این واحدها در نظر گرفته شوند.

با در نظر گرفتن این واقعیت که مشارکت زنان روستایی استان کردستان در صندوق‌های اعتبارات با موانع جدی فرهنگی مواجه نیست، بنابراین پیش بینی می‌شود، برای دیگر فعالیت‌های مشارکتی و جمعی زنان که ماهیتی اقتصادی داشته باشد، نیز ممانعت فرهنگی کم باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی زنان با ماهیتی جمعی و مشارکتی در استان کردستان مورد مطالعه بیشتری قرار گیرد.

با توجه به نقش مهمی که فاکتور مهارت‌ها در توانمندسازی و همچنین مشارکت در این واحدهای مالی دارد، به نظر می‌رسد، پررنگ‌تر کردن موضوع آموزش‌های مهارتی زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی یا قرار دادن آن به عنوان اصلی‌ترین رویکرد در مدیریت این واحدها کاملاً منطقی باشد. بدین منظور می‌توان از سازوکارهایی مانند اختصاص اعتبارات دولتی، منوط داشتن دریاات وام به گذراندن اینگونه آموزشها، اختصاص وام‌های بیشتر به افرادی که این آموزش‌ها را دیده باشند و مانند آنها استفاده کرد.

نتایج این پژوهش مشخص ساخته است که مشارکت لزوماً با انگیزه‌های اقتصادی همراه نیست بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند سهم مهمی در تقویت آن داشته باشند. بنابراین، در

کنار توجه به آموزش مهارتها و موضوع مهم ایجاد فعالیت های درآمد زا برای زنان عضو، به نظر می رسد، توجه به آموزش هایی که در آنها انگیزه های اجتماعی و فرهنگی برای مشارکت و کار گروهی تقویت شود، ضرورت داشته باشند. نقش رسانه ها و رهبران محلی در این رابطه مهم به نظر می رسد.

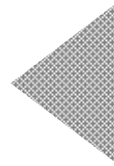
منابع

- احمدوند، مصطفی و شریف زاده، مریم. (۱۳۹۰). تعیین کننده های مشارکت اجتماعی زنان روستایی. **مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان**، سال نهم، شماره ۳، صص: ۱۶۶-۱۳۹.
- اعظمی، موسی و سروش مهر، هما. ۱۳۸۹. تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید (مطالعه موردی: تعاونی توپ سازی شهرستان پاوه و اورامانات). **پژوهش های روستایی**، شماره ۴، صص: ۲۰۴-۱۷۹.
- بریمانی، فرامرز، نیک منش، زهرا و خداوردی لو، سهیلا. ۱۳۹۱. بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی - نمونه موردی دهستان لکستان شهرستان سلماس، **فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی**، شماره ۱، صص: ۸۲-۶۹.
- حسن زاده، علی، ازوجی، علاءالدین و قویدل، صالح. ۱۳۸۵. بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری های درآمدی، **اقتصاد اسلامی**، سال ششم، صص: ۶۹-۴۵.
- دفتر امور زنان جهاد کشاورزی. ۱۳۹۲. معرفی پروژه های صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، قابل دسترس در: <http://daftarzanan.blogfa.com/page/2.aspx>
- رکن الدین افتخاری، علیرضا و عینالی، جمشید. ۱۳۸۴. ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستایی: مطالعه موردی روستاهای حوزه آبریز رودخانه خراورد (شهرستان خداآبند)، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۳۴، صص: ۲۰۱-۱۷۹.
- زارع، بیژن و میرباقری، اکرم السادات. ۱۳۹۱. مطالعه عوامل فردی - اجتماعی موثر بر گرایش به مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۴۶، صص: ۴۳۱-۳۹۹.
- طباطبایی، مهدیه. ۱۳۹۰. بررسی عوامل موثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان، قابل دسترس در: <http://skyblue64.blogfa.com/post-2.aspx>
- قنبری، یوسف، حجاریان، احمد، انصاری، رحیمه و کیانی، فاطمه. ۱۳۹۱. شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی؛ مطالعه موردی شهرستان فریدون شهر، **مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی**، شماره ۲، صص ۷۱-۸۷.

- کوشکی، فاطمه، ایروانی، هوشنگ و کلانتری، خلیل. ۱۳۹۰. عوامل موثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۲، شماره ۱، ص: ۳۳-۱۵.
- گلابی، سوده. ابراهیمی، محمد صادق. و علی بیگی، امیر حسین. (۱۳۹۲). تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان فلاورجان در تعاونی ها: کاربرد نردبان مشارکت شری آرنستین. **فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه**. دوره ۴، شماره ۱۶: صفحه ۴۴-۲۱.
- مقدس فریمانی، شهرام، رجب بیگی، مجتبی، احمدی قبانکندی، احمد و مجید آذر، میرمحمود. گرایش روستائیان به صندوق های اعتباری روستایی: مطالعه موردی استان تهران، **ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران**، دانشگاه فردوسی مشهد، ۸-۹ آبان ۱۳۸۶، مشهد، ایران.
- یعقوبی، جعفر. ۱۳۸۴. بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان، **پژوهش زنان**، دوره ۳، شماره ۱، ص: ۱۴۶-۱۲۵.
- Crepon, Bruno., Devoto, Florencia., Duflo, Esther and William Pariente. 2011. Impact of microcredit in rural areas of Morocco: Evidence from a Randomized Evaluation. International Growth Center, Available on: http://www.crest.fr/ckfinder/userfiles/files/pageperso/Impact_of_microcredit_in_rural_areas_of_Morocco_2011_04.pdf
- Egyir, Irene S. Rural Women and Microfinance in Ghana: Challenges and Prospects, 2010. **Paper presented at the 3rd African Association of Agricultural Economists (AAAE) and 48th Agricultural Economists Association of South Africa (AEASA) Conference**, Cape Town, South Africa, September 19-23.
- Evans, Timothy., Adams, Alayne., Mohammed, Rafu and Norris, Alison, 1999. Demystifying Non-Participation in Microcredit: A Population Based Analysis, **World Development**; Vol. 27, No. 2, pp: 419-430.
- Ferdoushi, Ahmed., Chamhuri, Siwar and Nor Aini Hj, Idris. 2011. Improving Well-being of Rural Women Through Participation in Microcredit Programme: Evidence from Bangladesh, **Australian Journal of Basic and Applied Sciences**, Vol. 5, No. 8, p: 857-862.
- Hoque, Mahmuda and Itohara, Yoshihito. 2009. Women empowerment through micro-credit program: a case study from Bangladesh, **Journal of Social Sciences**, Vol. 5, No. 3: 41-62.
- Idrisa, Y.L., Sulumbe, I.M. and Mohammed, S. T. 2007. Socio-economic factors affecting the participation of women in agricultural co-operatives in Gwoza Local Government, Borno State, Nigeria. **Journal of Agriculture, Food, Environment and Extension**, Vol 6, No. pp: 73 – 78.

- Jembere, Beyene. 2009. Participation of women in rural saving and credit cooperatives: A case of Shebedino District, Sidama Zone, Southern Ethiopia, Research project submitted to Wageningen University, **In partial Fulfilment of the Requirements for the Master Degree in Management of Development**, Wageningen, The Netherlands.
- Kim, Julia C., Watts, Charlotte H., Hargreaves, James R., Ndhlovu, Luceth X., Phetla, Godfrey, Morison, Linda A., Busza, Joanna., Porter, John D. H. and Paul Pronyk. 2007. Understanding the Impact of a Microfinance-Based Intervention on Women's Empowerment and the Reduction of Intimate Partner Violence in South Africa, **American Journal of Public Health**, Vol. 97, No. 10, pp:1794-1802.
- Purohit, Sheela. 2013. Micro Credit and Women's Empowerment, from: <http://www.gdrc.org/icm/wind/rass>.
- Rahman, Aminur. 1999. Women and Microcredit in Rural Bangladesh: Anthropological Study of the Rhetoric and Realities of Grameen Bank Lending. Westview Press, Unites States of America.
- United Nations. 1995. Women in a Changing Global Environment, New York, USA.

واپایش نابرابری فضایی توسعه شاخص‌های ارتباطات (مطالعه پژوهی: استان گلستان)



ابراهیم معمري^۱

احمد زنگانه^۲

فرهاد معمري^۳

(تاریخ دریافت ۹۷/۳/۳۰ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۱۱)

چکیده

امروزه ارتباطات و اطلاعات در پیشرفت انسان و توسعه جوامع نقشی اساسی و انکار ناپذیر دارد. در این تحقیق با استفاده از شاخص‌های ارتباطات و اطلاعات به سطح‌بندی جامعه عصر اطلاعاتی در شهرستان‌های استان گلستان پرداخته‌ایم. روش پژوهش، بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی و دارای هدف کاربردی-توسعه‌ای است. داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده است. تکنیک‌های به کار گرفته شده در این مقاله، ضریب ویژگی، حل اختلاف طبقه‌ای، ضریب تغییرات و مدل ویکور بوده و برای امتیاز دهی از روش آنتروپی شانون استفاده گردید، همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری Excel استفاده شده است، برای نمایش آن به صورت توزیع فضایی از نرم افزار ARC GIS 9.3 استفاده شده است. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که اختلاف فاحشی بین شهرستان گرگان به عنوان مرکز استان با دیگر

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گلستان، گلستان. (نویسنده مسئول).

E.moammare70@gmail.com

۲- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی.

۳- دانش آموخته کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان.

شهرستان‌های استان از لحاظ برخورداری از شاخص‌های جامعه اطلاعاتی - ارتباطی وجود دارد. بر اساس نتایج تکنیک ضریب ویژگی شهرستان گرگان با میزان ویژگی بالای ۳۳۵۵۷۹۲ دارای اختلاف فاحشی با دیگر شهرستان‌های استان و به صورت ملموس با شهرستان دوم استان از لحاظ برخورداری از شاخص‌های جامعه اطلاعاتی - ارتباطی یعنی شهرستان گنبد کاووس با میزان ضریب ویژگی ۶۲۳۱۱۷ می‌باشد. تلفیق نتایج حاصل از تکنیک ضریب ویژگی برای طبقه‌گذاری شهرستان‌های استان در مدل حل اختلاف طبقه‌ای نیز فقط شهرستان گرگان را در طبقه اول توسعه و ۱۳ شهرستان دیگر استان را در طبقه محروم یعنی طبقه پنجم قرار می‌دهد. محاسبه ضریب تغییرات جهت تحلیل پراکنش شاخص‌ها نیز نشان می‌دهد که شاخص تعداد چاپخانه‌ها با میزان ۳/۲۴ دارای پراکنش نابرابری بین شهرستان‌های استان است. نتایج تکنیک ویکور نشان می‌دهد که شهرستان گرگان بیشتر شاخص‌های جامعه اطلاعاتی - ارتباطی را در خود متمرکز کرده و محروم‌ترین شهرستان گمیشان است.

کلمات کلیدی: توسعه منطقه‌ای، تصمیم‌گیری چند معیاره، آنتروپی شانون، ویکور، استان گلستان

مقدمه و بیان مسئله

ارتباطات در فرایند توسعه، از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است: نخستین جنبه، آنکه وسایل ارتباطی، از عوامل موثر در آگاه‌سازی، هماهنگی و ساماندهی مورد نظر در ارائه و اجرای طرح‌های گوناگون توسعه به شمار می‌روند و در جلب مشارکت عمومی و همکاری‌های مردمی، برای دستیابی به نتایج مطلوب، تاثیری تعیین‌کننده دارند؛ و دومین جنبه آنکه ارتباطات خود نیز به عنوان شاخص‌های توسعه مانند، درآمد ملی، سطح سواد و رفاه عمومی و همچون اجزای اصلی توسعه مانند آموزش و بهداشت، صنعت و خدمات، از جایگاه مهم و متمایز برخوردار است. از این رو، برای پیشرفت و گسترش آنها در کنار زمینه‌های مهم دیگر توسعه، برنامه ریزی‌های ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات، در فرایند توسعه، لازم و ملزوم یکدیگرند (معمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۱). گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از پیش شرط‌های توسعه پایدار و متوازن در کشورمان است و به نظر می‌رسد راه رشد و توسعه ایران از مسیر این فناوری که همه کشورها به آن توجه ویژه‌ای دارند، می‌گذرد. نابرابری و عدم تعادل منطقه‌ای و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات، شاخصه مهم و

ویژگی بارز کشورهای توسعه‌نیافته و ایران است (مرسلی، ۱۳۸۵: ۷۷).

در ایران نیز امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تمام شئون زندگی مردم در جامعه تاثیر گذار است، ثبت اطلاعات اقتصادی خانوار، استفاده از کارت‌های هوشمند سوخت، پرداخت غیر حضوری برق، گاز، ثبت سفارش‌ها، رایج شدن کارت اعتباری و پول الکترونیکی و استفاده از روش‌های غیر حضوری در کنکور و یا خرید اقلام مختلف از جمله خدمات این فناوری است که مردم آن را تجربه می‌کنند. توسعه و دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات به چند دلیل برای رشد و توسعه اقتصادی کشور ضروری به نظر می‌رسد. زیرا اولاً آنکه این تکنولوژی (فناوری) سرعت انتقال اطلاعات را افزایش می‌دهد و به این ترتیب اطلاعات بین افراد بیشتری انتشار می‌یابد. دوم آنکه، فناوری اطلاعات و ارتباطات هزینه تولید را کاهش می‌دهد، زیرا دسترسی به دانش تولید شده با کمترین هزینه امکانپذیر است. همچنین کاهش هزینه مبادلاتی، درجه ناکارآمدی و نااطمینانی را کاهش می‌دهد. سوم آنکه، فناوری اطلاعات و ارتباطات بر محدودیت زمانی و مکانی غلبه می‌کند، در نتیجه انتقال اطلاعات بین خریداران و فروشندگان افزایش یافته و فرایند تولید از حریم ملی می‌گذرد. این فناوری همه افراد را قادر می‌سازد تا در اقتصاد بازار برتری خود را نسبت به دیگران بشناسند که منجر به بازار وسیعتر و افزایش سطح دسترسی به عرضه جهانی کالاها می‌شود. چهارم آنکه، باعث شفافیت بیشتر بازار و افزایش تقاضا می‌شود (عبوری، رضایی راد، ۱۳۹۳: ۱۰).

در اواخر دهه هشتاد و آغاز دهه نود میلادی، آلوین تافلر با توجه به ظهور آثار و کارکردهای کامپیوترهای شخصی و ماهواره‌ها و ارتباطات جدید، در کتاب جابجایی در قدرت یکی از پیامدهای جامعه فراصنعتی و موج سومی را تحول مفهومی و ساختاری در توانایی معرفی کرده که دیگر در نظام دارایی و اطلاعات فوران می‌کند نه در استفاده از ابزارهای نظامی و دلارهای اقتصادی تا جایی که حتی ایفای نقش شهروندی فعال در عرصه محلی، ملی و حتی جهانی و حضور فعالانه در عرصه‌های سیاسی و مدنی مستلزم دسترسی فزاینده شهروندان به اطلاعات، یادگیری و درونی‌سازی آموزه‌های دموکراتیک و نگرش‌های مدنی است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

جامعه اطلاعاتی که خود مستلزم توسعه به نسبت کامل ارتباطات و زیر ساختارهای ارتباطی و به کارگیری و گسترش وسایل نو ارتباطی است و می‌تواند جوامع را به سمت توسعه رهنمون کند

در دهه‌های اخیر و به ویژه در ده سال گذشته یکی از مهمترین موضوعاتی است که توجه نظریه پردازان و متخصصان علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به خود جلب کرده و در عرصه روابط بین‌الملل، مناسبات منطقه‌ای و زندگی ملی نیز جایگاه برجسته‌ای یافته است؛ از همین رو، در حال حاضر اقتصادهای پیشرفته توسط فرایندهای اقتصادی و بازساخت فضایی در چارچوب اقتصاد دانش محور جدید تغییر یافته‌اند (فنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴).

در عصر ارتباطات فرایند مواجهه و برخورداری از فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات یکی از نمودهای بارز توسعه یافتگی در سطح فراملی تا محلی عنوان شده است. نابرابری‌های فضایی به صورت کمبود در نحوه توزیع سکونت، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، امنیت، اطلاعات و ارتباطات نمودار می‌شود. با توجه به این مطالب توسعه آینده مناطق و شهرها بر پایه جوامع اطلاعاتی است. روشن است که بخش ارتباطات در شاخصه‌های توسعه یافتگی، از اجزای اصلی و زیربنایی توسعه است، به گونه‌ای که این بخش می‌تواند بستری مناسب برای ارتقاء جایگاه بقیه شاخص‌های توسعه قرار بگیرد. در همین راستا یکی از گام‌های اساسی جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در بخش ارتباطات کشور، اطلاع از وضع موجود این خدمات در استان‌های کشور است. استان گلستان جزو ۳ استان برتر کشور در ایجاد پوشش ۱۰۰ درصدی ارتباط است. در حال حاضر اکثر روستاهای استان دارای هر سه نوع ارتباط تلفن ثابت، همراه اول و اینترنت هستند اما در برخی روستاها فقط پوشش یک اپراتور را داریم که در مجموع کلیه روستاهای استان حداقل دارای یک نوع ارتباط هستند. در راستای دسترسی روستاییان به اینترنت پرسرعت، پروژه اینترنت پرسرعت روستایی در نظر گرفته شده است که در فاز نخست آن تعداد ۶۶۶ روستا از مجموع ۱۰۰۷ روستای استان، تحت پوشش اینترنت پرسرعت قرار گرفتند. در فاز دوم نیز تعداد ۲۶۹ روستا به این طرح اضافه شدند که طی ماه‌های آینده به اینترنت پرسرعت متصل می‌شوند. با تکمیل فاز دوم این پروژه، ۹۹ درصد جمعیت استان تحت پوشش اینترنت پرسرعت قرار می‌گیرند و مابقی روستاهایی که شامل پوشش نمی‌شوند عمدتاً روستاهایی هستند که جمعیت بسیار کمی دارند و یا اینکه ییلاقی - قشلاقی هستند (ارتباطات و فناوری اطلاعات استان، ۱۳۹۸).

مبانی نظری

توسعه یافتگی و دستیابی به تعالی و رفاه از دغدغه‌های اصلی بشریت برای بهره‌برداری در محیط اطراف خود و اتخاذ سیاست‌های تحول آفرین بوده است (mannan, 2014: 437). در

این مسیر اولین نگرش برای برتری و پیشرفت بر جنبه‌های اقتصادی و تسهیلات کالبدی متمرکز بوده (Gaigalis and skema, 2014: 719). همان طور که مشخص است توسعه پایدار فرایند هدایت یافته و در عین حال قابل انتخاب و برنامه ریزی شده هست و به زیرساخت‌های توسعه‌ای و پویایی و دینامیک اجتماعی نیاز دارد (Sarvar & Musavi, 2011: 213) منظور از زیر ساخت ها، مجموعه ساختارهای بنیادین اقتصادی و همچنین زیرساخت‌های مرتبط با تأمین نیازهای اساسی همچون بهداشت، مسکن، خطوط ارتباطی و نظایر آنها می باشد (Glasson, 2008: 28). مفهوم جامعه اطلاعاتی را اولین بار ژاپنی‌ها ابداع کردند و در سال ۱۹۷۸ میلادی سایمن نورا و آلن مینک در گزارشی به نخست وزیر فرانسه، آن را به غرب منتقل کردند (کاستلز، ۱۳۹۴: ۲۸۲).

سابقه استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان به در دسترس قرار گرفتن رایانه در سال ۱۹۵۰ برمی گردد (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹)؛ اما پیدایش و تحول ICT سه موج متوالی را پشت سر گذاشت؛ موج اول را رایانه‌های بزرگ ایجاد کرد که در امور نظامی، دانشگاهی و پژوهشی کاربرد داشت. موج دوم با گسترش رایانه‌های شخصی و اینترنت همراه بود و برای افراد باسواد ICT کاربردی شد. موج سوم نیز با اینترنت همه گیر ایجاد شد (منتظری، ۱۳۸۷: ۱۷).

فناوری اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان در حال ایجاد انقلاب نوینی است که از لحاظ اهمیت و ابعاد از انقلاب صنعتی نیز پیشی گرفته و تمام جنبه‌های زندگی بشر را متأثر ساخته است. اهمیت و توسعه آن به سرعت ادامه دارد و شعاع تأثیرگذاری آن در زندگی بشر هر روز گسترش می یابد؛ به طوری که در اجلاس جامعه اطلاعاتی که در سال ۲۰۰۳ در ژنو با حضور بیش از ۱۴۰ کشور برگزار شد، کشورهای شرکت کننده با امضای اعلامیه «اصول جامعه اطلاعاتی» متعهد شدند در گسترش ساختار جامعه اطلاعاتی تأثیرگذار باشند. در همین زمینه آمریکا، مهم ترین سرفصل توسعه خود را به موضوع فناوری اطلاعات اختصاص داد و انگلستان اعلام کرد تمام خدمات عمومی و دولتی را با اینترنت انجام خواهد داد (امیدی نجف آبادی و پیش‌بین، ۱۳۸۵: ۸۷).

ویلیام مارتین جامعه اطلاعاتی را این گونه تعریف می کند: جامعه‌ای که در آن کیفیت زندگی مانند چشم‌اندازهای تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی، به میزان فزاینده‌ای به اطلاعات و بهره وری از آن وابسته است. در جامعه اطلاعاتی، آموزش و دانش از انحصار بیرون می آید و

دسترسی به آن آسان می‌شود (تافلر، ۱۳۹۰: ۵۶). بحث توسعه اطلاعاتی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری از مباحث نوظهور است که به شدت مورد توجه محققان و نظریه‌پردازان جامعه اطلاعاتی قرار گرفته است (تقوایی و شفیع، ۱۳۸۹: ۲۷).

فناوری اطلاعات و ارتباطات از یک سو با نظم بخشیدن به حوزه اجرا و خودکارسازی عملیات تکراری و فاقد خلاقیت، با توجه به اهداف تحقیق و توسعه، فعالیت فیزیکی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر با تولید و انتقال سریع، دقیق و به موقع اطلاعات به حوزه تحقیقات، شناخت را تکامل بخشیده و کارایی نظام را افزایش می‌دهد و از این طریق، نظم را بر بنیان آگاهی استوار می‌سازد؛ بدین جهت، فناوری اطلاعات کلید دستیابی به رشد و توسعه پایدار است (آقاپور فرد، ۱۳۸۸: ۲۵۳). شواهد فراوانی در دسترس است که نشان می‌دهد تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات در قلب تغییرات قرار دارد که بر اقتصاد، اشتغال و فرصت‌های شغلی تاثیر فضایی مستقیمی دارد (فنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶).

تغییرات اطلاعات بر عدم تعادل‌هایی در توسعه فضایی و بازتوسعه ناعادلانه کارایی اقتصادی و انسجام اجتماعی و اقتصادی تاثیر می‌گذارند (dabinett, 2001: 168). به گزارش طرح توسعه سازمان ملل، پیشرفت‌های کنونی حوزه اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی باعث فزونی شکاف بین دنیای داراها و ندارها شده است (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲: ۱۹). مطالعات گوناگون درباره نقش برجسته امکانات ارتباطی در برنامه‌های توسعه کشورهای توسعه‌نیافته و به ویژه کوشش‌ها و پژوهش‌ها و همچنین تصمیم‌ها و توصیه‌های سازمان یونسکو درباره برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی ارتباطات که بهترین آن‌ها در گزارش نهایی کمیسیون مک‌براید به نام یک جهان و چندین صدا انعکاس یافته ضرورت استفاده از ارتباطات برای تحقق برنامه‌های توسعه را بیشتر آشکار می‌کند (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۱۴). تا آنجا که به زایش مفاهیمی مانند ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات انجامیده است (فنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷).

تعیین شاخص‌های دستیابی به جامعه اطلاعاتی برای تدوین برنامه‌های بلند مدت اقتصادی و تحقق توسعه پایدار و نیز برای سنجش رتبه کشور در بین دیگر کشورهایی که به جامعه اطلاعاتی دست یافته‌اند، موضوع تحقیق سازمان‌های پژوهشی و نظریه‌پردازان جامعه اطلاعاتی، بر اساس تفاوت در انگیزه حرکت به سوی جامعه و رویکردهای متفاوت در شکل‌گیری آن ناهمسانی‌هایی مشاهده می‌شود (زندى روان، ۱۳۸۶: ۲۲۴). امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات

رشد گسترده و چشم‌گیری در بین کشورهای مختلف داشته و مزایای فراوانی را برای کشورها ایجاد کرده است (mutual et al, 2006:54). که برای جذب منافع حاصل از فناوری اطلاعات و ارتباطات، باید این فناوری اجرا و به صورت کارآمدی استفاده شود (bridges,2005:11). بسیاری از صاحب‌نظران در مسائل توسعه‌ی کشورهای توسعه‌نیافته و مناطق معتقدند که با استفاده‌ی صحیح از فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش فنون و روش‌های نوین می‌توان بر بهبود کیفیت زندگی و میزان تولیدات گوناگون افزود (بهرامیان، ۱۳۸۸: ۳۷). از همین رو می‌توان اذعان نمود که در سال‌های اخیر، گسترش وسایل اطلاعات و ارتباطات و سهولت دریافت پیام از این رسانه‌ها در تمامی مناطق، اثرات زیادی بر کیفیت زندگی انسانها گذاشته است.

پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی تعیین سطح توسعه‌ی مناطق و توسعه یافتگی و بررسی نابرابری‌های بین آن‌ها تحقیقاتی انجام شده است که در ذیل به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود: جو و همکاران (۲۰۰۰) یک روش برای طبقه‌بندی مناطق مختلف کشور بلژیک به منظور حمایت از سیاست توسعه منطقه‌ای ارائه داده‌اند. این رتبه‌بندی با استفاده از تکنیک‌های آماری چند متغیره و تحلیل خوشه‌ای و با استفاده از ۳۳ شاخص اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، اجتماعی انجام شده است. نتایج نشان دهنده توسعه متوسط در مناطق است.

نو و - کورتی و همکاران (۲۰۱۴) نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر محرومیت اجتماعی زنان روستایی منطقه گالیسی در شمال غربی اسپانیا بررسی کردند. نتایج نشان داد ICT روستایی در زمینه شاخص‌های اجتماعی موفق عمل کرده است؛ با وجود این نداشتن دسترسی و مهارت و همچنین نگرش منفی افراد روستایی، مهم‌ترین موانع در این زمینه بوده‌اند.

همچنین کلینتونگ و اودتن (۲۰۱۴) وضعیت دسترسی به ICT را در نواحی روستایی و شهری تايلند بررسی کردند. نتایج نشان داد بین نواحی روستایی و شهری تفاوت وجود دارد. از طرفی ترکیب خانوار، اقتصاد و آموزش نیز در نوع و میزان استفاده مؤثر بوده است.

بای و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی مقایسه‌ای تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر آموزش

مدارس روستایی چین بررسی کرده‌اند. نتایج نشان از تأثیر مثبت این فناوری بر نمرات و بهبود عملکرد آموزشی آنها داشته است.

سالمینک و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی درباره «توسعه روستایی در عصر دیجیتال» دریافتند با توجه به پراکندگی نواحی روستایی و مشکلات دسترسی فیزیکی آنها، گسترش ICT ضروری است.

مارتیک^۱ و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی به رتبه‌بندی و تحلیل مقایسه‌ای مناطق صربستان با توجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند. در این مطالعه برای بررسی امکانات از روش تحلیل پوشش داده‌ها استفاده شده. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۱۳ منطقه از ۳۰ منطقه مورد بررسی به صورت کارا از منابعشان استفاده نکرده‌اند، اما ۱۷ منطقه دیگر از منابعشان به صورت کارا استفاده کرده‌اند. نوری^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری توسعه پایدار، نتایج حاصل از یک تحلیل در ۸ بعد توسعه پایدار را در فرانسه مورد مطالعه قرار داده است. وی بر این واقعیت تأکید می‌کند که هیچ شاخصی کامل نیست و هیچ کس نمی‌تواند در مورد توسعه پایدار نظر جامعی بدهد. با توجه به این تحقیق، شاخص‌ها نتایج مختلفی را نشان می‌دهند و به نظر وی در طی سال مورد بررسی، حرکت فرانسه به سمت توسعه پایدار روند کندی داشته است. گلستیس و کلتوس^۳ (۲۰۱۱) با مطالعه‌ای تحت عنوان؛ سنجش میزان توسعه و نابرابری منطقه‌ای در مناطق پیرامونی یونان، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و خوشه‌ای، مناطق یونان را به لحاظ شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۷ بین مناطق یونان همگرایی وجود ندارد. زنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان تحلیل فضایی فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای جهان نشان داده‌اند کشورهایهایی که از شاخص‌های توسعه انسانی با توجه به معیارهای درآمد سرانه، سواد، امید به زندگی و اشتغال در بخش خدمات بالایی برخوردارند، از میزان زیرساخت‌های فناوری اطلاعات بالایی نیز برخوردارند. شمعی و موسوی‌وند (۱۳۹۰) در تحقیقی به سطح‌بندی شهرستان‌های استان اصفهان

۱- Martic

۲- Nourry

۳- Goletsis & Chletsos

از لحاظ زیر ساخت‌های گردشگری با استفاده از مدل‌های AHP و TOPSIS پرداخته‌اند. نتایج مدل TOPSIS نشان داد شهرستان‌های اصفهان، شاهین شهر و کاشان از نظر زیر ساخت‌های گردشگری در سطح یک تا سه قرار دارند و نتایج تلفیقی دو مدل نشان داد شهرستان‌های اصفهان و کاشان نواحی اول و دوم گردشگری در استان اصفهان هستند. پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۱) به تحلیل توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه با استفاده از شاخص‌های درمانی- بهداشتی، گردشگری، مذهبی و زیرساختی پرداخته است. نتایج تحقیق، نشان‌دهنده شکاف زیاد بین شهرستان‌های استان کرمانشاه و توسعه نامتعادل استان با توجه به شاخص‌های مورد استفاده است. بر این اساس شهرستان قصر شیرین توسعه یافته‌ترین و شهرستان دالاهو محروم‌ترین شهرستان‌های استان است. قنبری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان تحلیل و اولویت‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از تکنیک تاپسیس پرداخته‌اند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد، شهرستان خرم‌آباد با ضریب اولویت ۰.۵۴۲ دارای رتبه اول از نظر میزان توسعه یافتگی و شهرستان سلسله با ضریب اولویت ۰.۲۶۴ در آخرین مرتبه توسعه یافتگی در استان قرار گرفته است. مروری بر مطالعات پیشین بیان‌کننده آن است که تاکنون پژوهشی با این عنوان در منطقه استان گلستان انجام نشده است و با توجه به اثرگذاری گسترده فناوری ارتباطات بر توسعه همه جانبه، خلا جدی این گونه پژوهش‌ها احساس می‌شود تا شناختی دقیق و صحیح از وضعیت ارتباطات شهرستان‌های استان گلستان جهت برنامه‌ریزی در آیند برای مسئولان بدست آید.

داده و روش‌ها

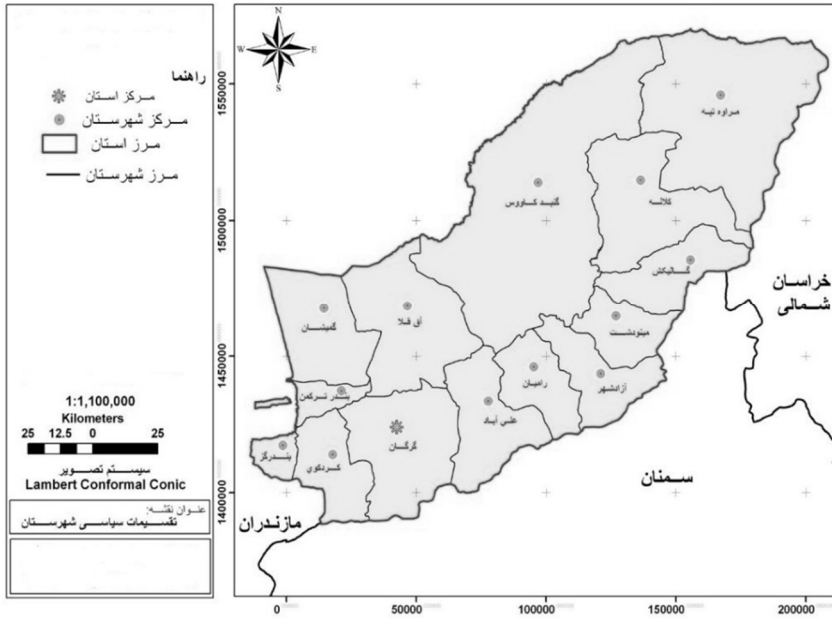
پژوهش حاضر بر پایه روش توصیفی- تحلیلی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق استان گلستان به تفکیک شهرستان‌های آن است. در زمینه جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده گردید. داده‌های مورد نیاز از سالنامه آماری سال ۱۳۹۲ استان استخراج شده است. در این پژوهش به منظور بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان در بخش ارتباطات که یکی از زیربنای اصلی توسعه است، با توجه به اهمیت شاخص‌ها و همچنین محدودیت دسترسی به آنها ۱۰ شاخص به شرح ذیل با توجه به مطالعات و پژوهش‌های پیشین انتخاب گردید:

۱- تعداد اداره پست هر شهرستان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۲- تعداد دفتر خدمات ارتباطات

شهری به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۳- تعداد تلفن ثابت به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۴- تعداد چاپخانه به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۵- تعداد خرید اینترنتی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۶- تیراژ مطبوعات به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۷- تعداد دفاتر ICT روستای به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۸- تعداد کتابخانه‌های عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۹- تعداد تلفن همراه (موبایل) به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۱۰- تعداد نمایندگی پست روستای به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت (خان‌آقایی و محمدی، ۱۳۹۴: ۲۹؛ زنگی‌آبادی، علی‌حسینی، ۱۳۸۸: ۶۵؛ سلطانی، ۱۳۸۵: ۲۸؛ حنفی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹). تکنیک‌های به کار رفته در این پژوهش عبارتند از: مدل شاخص و ویژگی، تکنیک حل اختلاف طبقه‌ای، ضریب آنتروپی شانون جهت وزن‌دهی به شاخص‌ها و در انتها جهت رتبه‌بندی شهرستان‌ها از تکنیک ویکور استفاده شده است. جهت محاسبات آماری و ترسیم نقشه‌ها نیز از محیط نرم افزاری Arc GIS 9.3 و Excel استفاده شده است. لازم به ذکر است که سطح‌بندی شهرستان‌ها در دو مرحله صورت گرفته است. ابتدا با تلفیق مدل ضریب ویژگی و مدل حل اختلاف طبقه‌ای به طبقه‌بندی شهرستان‌ها پرداخته شده است و سپس با وزن‌دهی به زیر شاخص‌ها با استفاده از ضریب آنتروپی شانون از الگوریتم ویکور برای سطح بندی در مرحله دوم استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

استان گلستان با مساحت ۲۰۴۳۸ کیلومتر مربع، ۱/۳ درصد از کل مساحت کشور و رتبه ۲۱ در بین استان‌ها است. تراکم نسبی جمعیت استان در سال ۱۳۹۲ معادل ۸۷ نفر در کیلومتر مربع بوده که شهرستان گرگان با ۲۸۶ نفر و شهرستان مراوه تپه با ۱۷ نفر بالاترین و پایین‌ترین تراکم نسبی جمعیت را داشته‌اند. این استان بین ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه و ۲ ثانیه تا ۳۸ درجه و ۷ دقیقه و ۶ ثانیه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲۱ دقیقه و ۴ ثانیه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و در بخش شمالی کشور واقع شده است. از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان شمالی و از غرب به دریای خزر و استان مازندران محدود می‌شود. استان گلستان از نظر تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۲ متشکل از ۱۴ شهرستان، ۲۷ بخش، ۲۵ شهر، ۶۰ دهستان، ۱۰۰۸ آبادی مسکونی و ۴۷ آبادی غیر مسکونی می‌باشد (سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۲: ۱۳).



شکل (۱) - محدوده مورد مطالعه: منبع معاونت برنامه‌ریزی استانداری گلستان

بحث و بررسی

برای برآورد میزان توسعه در مولفه‌های منتخب برای چهارده شهرستان استان گلستان از مدل‌ها و روش‌های سطح‌بندی استفاده شده است. همانطور که روش‌شناسی پژوهش آمد برای اینکار ابتدا از ضریب ویژگی برای محاسبه میزان برخورداری شهرستان‌های استان گلستان از شاخص‌های جامعه اطلاعاتی استفاده شده است. نتایج در جدول ۱ آمده است.

شاخص‌ها شهرستانها	گرگان	گنبد	مینودشت	گالیکش	کمیجان	مراوه تپه	c.v
اداره پست	۳۱۶۴۲۴۰.۱	۳۰۹۰۱۷۱	۵۸۷۰۸۷۳۳	۷۸۴۹۳۴۶۳۴	۷۳۱۱۱۱۱۱۱۱	۳۱۳۴۶۸۳۱۳	۳۸۷۷۷۷۸۰.۱
دفتر خدمات ارتباطی	۴۵۵۸۷۷۳.۳	۹۲۰۶۶۰۹	۱۱۲۰۲۵۷۱	۸۸۰۰۰۱۱۱	۹۸۰۰۰۷۱۲۲	۵۵۱۰۳۵۱۷	۳۵۱۸۱۸۷۰.۱
تلف ثابت	۴۵۸۴۲۲.۹	۷۲۰۹۵۰۷	۱۳۱۰۶۳۹۱	۱۸۲۱۱۱۱۱	۸۸۱۰۷۸۶	۵۵۳۰۳۳۳۷۷	۶۵۵۶۶۶.۱
چاپخانه	۶۷۷۶۰۶۶	۳۳۰۸۹۸۶	۸۸۶۰۷۱۳۴	۱۶۰۵۰۵۰۸	۶۰۶۱۰۳۳۳	۶۰۶۰۳۳۳۳۳	۳۵۱۱۳۱۳۰.۱
خرید اینترنتی	۸۲۰۶۸۰۹	۸۲۰۱۱۶۶۸۳	۸۳۳۰۸۱۸	۰	۰	۰	۳۸۸۰۷۰.۱
مطبوعات	۶۵۱۵۳۳۸	۷۵۵۱۳۱۱	۶۱۷۷۵۲۶	۱۶۸۶۰۸۸۳	۱۸۵۲۰۰۳	۸۸۸۰۷۸۸	۶۸۶۰۶۶.۱
دفتر ایت روسنایی	۲۲۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۵۶۰۶۸۱۹۶	۳۲۸۰۹۰۵	۶۶۲۰۵۰۵۰۷۱	۳۱۶۰۹۱۱	۱۰۸۱۳۰۱	۵۷۲۰۶۸۰.۱
کتابخانه عمومی	۴۱۵۸۲۲۰۵	۵۱۰۳۶۷۹۶	۱۳۵۰۰۰۷۷	۵۶۰۷۰۴۱	۸۰۶۰۶۰۱۱	۱۵۶۰۲۵۵۶	۶۳۷۷۳۶۶.۱
موبایل	۱۵۰۴۴۴۱	۵۰۸۷۷۷۰	۶۱۵۳۴۰۰	۷۸۷۷۷۰۲۰۰	۰۰۰۶۵۱۳۵	۷۰۳۳۶۱۸۲	۸۸۷۰۲۰.۱
نمایندگی پست	۱۴۰۹۵۱۰۵	۳۱۰۵۳۰۳۴	۸۱۰۰۳۴۱۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۵۹۲۰۵۱۲۷	۳۳۳۰۰۸۷	۸۸۷۰۲۰.۱
مجموع ضریب ویژگی	۳۳۵۵۷۷۲	۲۲۳۱۱۷	۲۵۱۵۳۰۹۳	۱۷۰۱۳۱۱۱	۷۹۵۶۰۷۷۳	۱۱۷۹۶۰۰۲	

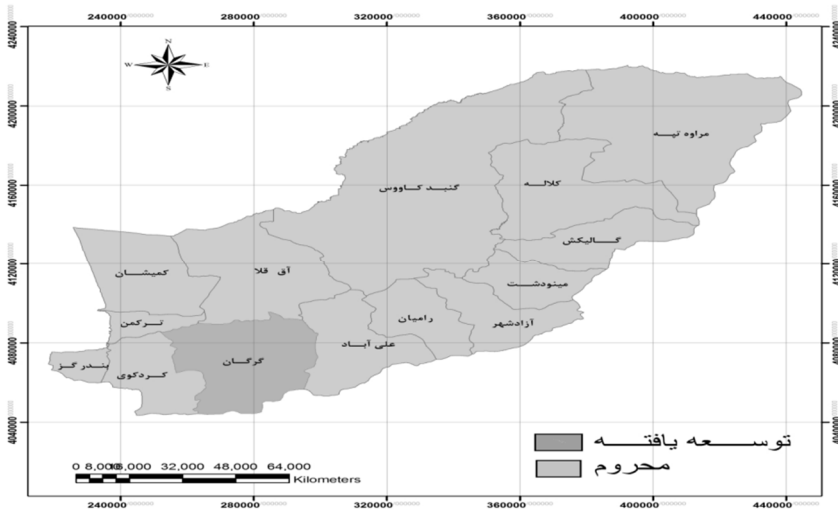
منبع: محاسبات نگارندگان

همان طور که از جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود با محاسبه ضریب ویژگی شاخص‌های جامعه ارتباطی- اطلاعاتی برای شهرستان‌های استان، شهرستان گرگان با جذب اکثریت امکانات تفاوت فاحشی را از لحاظ میزان توسعه در برخورداری از شاخص‌ها با توجه به مجموع ضریب ویژگی بدست آمده برای آن با سایر شهرستان‌ها ایجاد کرده و رقم بالای مجموع ضریب ویژگی نسبت به سایر شهرستان‌ها گویای این امر است. این مساله باعث بالا رفتن فاحش میزان میانگین شده که اکثر شهرستان‌ها را از میزان میانگین توسعه در زمینه جامعه اطلاعاتی پایین‌تر نگه داشته است. محاسبه ضریب تغییرات که از نسبت انحراف معیار با میانگین داده‌ها به دست آمده است برای هر یک از شاخص‌ها نیز گویای تفاوت فاحش در زمینه شاخص‌های مربوطه است که در این میان شاخص تعداد چاپخانه با میزان $3/24$ بیش‌ترین نابرابری را در پراکنش دارد. در ادامه به طبقه‌گذاری شهرستان‌های استان با استفاده از مدل حل اختلاف طبقه‌ای پرداخته شده است. مبنا برای انجام این مدل میزان مجموع ضریب ویژگی به دست آمده برای شهرستان‌های استان در جدول شماره (۱) است. بنابراین برای تعیین تعداد طبقات از رابطه $C=1+3/322 \log n$ استفاده شده است که تعداد شهرستان‌ها می‌باشد که بعد از محاسبه لگاریتم عدد ۱۴ یعنی تعداد شهرستان‌ها در عدد ثابت $1+3/322$ ضرب گردیده و عدد $4/80$ به دست آمده ولی به علت نزدیکی به عدد ۵ تعداد طبقات ۵ تا محاسبه و در نظر گرفته شده است. بعد از این کار برای تعیین فاصله عددی هر یک از طبقات توسعه از رابطه $W=R/C$ استفاده شده که در آن R تفاضل بزرگترین داده از کوچک‌ترین داده است. در اینجا براساس مجموع ضریب ویژگی بدست آمده برای شهرستان‌ها بزرگ‌ترین داده $3355792/2$ برای شهرستان گرگان و کوچک-ترین داده $7956/7$ برای شهرستان گمیشان است که تفاضل آنها بر تعداد طبقات یعنی C که عدد ۵ است تقسیم و فاصله طبقات برخوردار مدل حل اختلاف را برای شهرستان‌های استان گلستان در جدول شماره (۲) مشخص ساخته است.

جدول (۲)- طبقه‌گذاری شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از مدل حل اختلاف طبقه‌ای

سطح	طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم	طبقه چهارم	طبقه پنجم
(فاصله)	-۲۶۸۶۲۲۵	-۲۰۱۶۶۵۸	-۱۳۴۷۰۹۱	-۶۷۷۵۲۳۸	-۷۹۵۶۷
	۳۳۵۵۷۹۲	۲۶۸۶۲۲۵	۲۰۱۶۶۵۸	۱۳۴۷۰۹۱	۶۷۷۵۲۳۸

طبق جدول بالا و با توجه به مجموع ضریب ویژگی بدست آمده در جدول شماره (۱) برای شهرستان‌های استان به علت شکاف عمیق بین سطح خدمات ارائه شده در شهرستان گرگان به عنوان مرکز استان نسبت به سایر شهرستان‌های استان و میزان فاصله زیاد این شکاف، فقط شهرستان گرگان در طبقه اول و بقیه شهرستان‌ها همگی در طبقه پنجم قرار می‌گیرند. این امر در حقیقت نشانگر رابطه نابرابر بین شهرستان گرگان با دیگر شهرستان‌های استان در زمینه برخورداری از شاخص یاد شده می‌باشد. شکل (۲) رتبه‌بندی با طبقه‌گذاری از طریق مدل حل اختلاف طبقه‌ای را نشان می‌دهد.



شکل (۲) - نقشه طبقه‌گذاری شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از مدل حل اختلاف طبقه‌ای

۷- رتبه‌بندی با تکنیک ویکور

روش ویکور جهت رتبه‌بندی گزینه‌های مختلف به کار می‌رود و بیشتر برای حل مسائل گسسته کاربرد دارد. این روش بر مبنای راه حل‌های توافقی بر مبنای معیارهای متضاد می‌باشد. در این مدل همواره چند گزینه مختلف وجود دارد که این گزینه‌ها بر اساس چند معیار به صورت مستقل ارزیابی می‌شوند و در نهایت گزینه‌ها بر اساس ارزش، رتبه‌بندی می‌گردند. تفاوت اصلی این مدل با مدل‌های تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی یا شبکه‌ای این است که برخلاف آن مدل‌ها، در این مدل‌ها مقایسات زوجی بین معیارها و گزینه‌ها صورت نمی‌گیرد و هر گزینه

مستقلاً توسط یک معیار سنجیده و ارزیابی می‌گردد. در جدول (۳) نتایج تکنیک ویکور درج شده است.

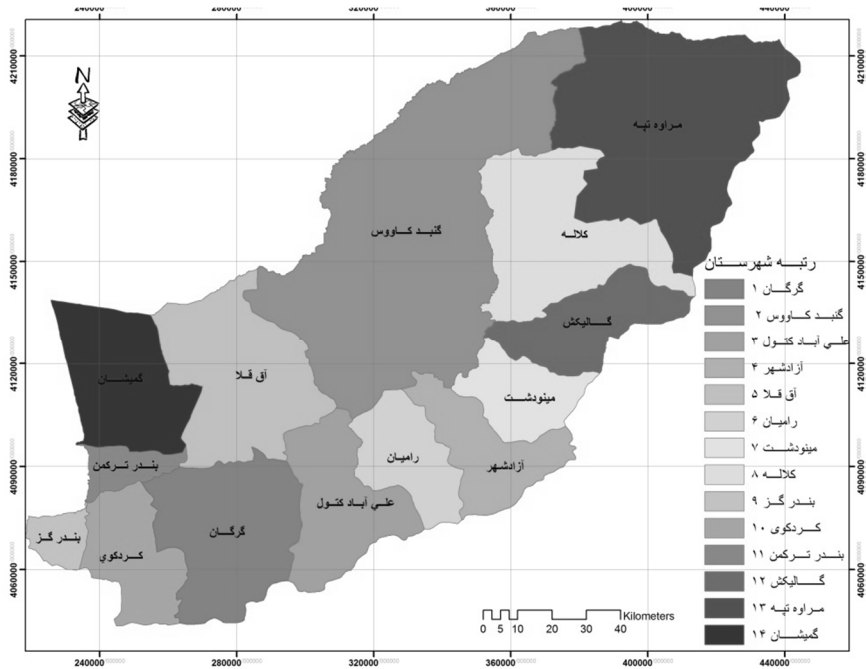
جدول (۳) - محاسبه مقدار ویکور

شاخص‌ها شهرستان‌ها	اداره پست	دفتر خدمات ارتباطی	تلفن ثابت	چاپخانه	خرید اینترنتی	مطبوعات	دفتر ICT روستایی	کتابخانه عمومی	موبایل	نمایندگی پست	S	R
	آزادشهر	۰.۰۱۵	۰.۰۷۶	۰.۰۸۴	۰.۱۳۹	۰.۰۳۱	۰.۱۳۵	۰.۰۲۶	۰.۰۶۹	۰.۲۶۵	۰.۲۹۶	۰.۸۷۵
آق‌قلا	۰.۰۱۵	۰.۰۸۶	۰.۰۸۰	۰.۱۳۰	۰.۰۳۱	۰.۱۹۷	۰.۰۱۹	۰.۰۶۶	۰.۲۶۷	۰	۰.۸۶۰	۰.۲۶۷
بندرگز	۰.۰۱۵	۰.۰۸۴	۰.۰۷۷	۰.۱۳۹	۰	۰.۲۰۳	۰.۰۳۳	۰.۰۶۹	۰.۲۷۱	۰.۴۰۲	۰.۹۴۴	۰.۲۷۱
ترکمن	۰.۰۱۵	۰.۰۷۸	۰.۰۶۷	۰.۱۳۶	۰.۰۳۱	۰.۲۰۰	۰.۰۳۷	۰.۰۷۸	۰.۳۶۸	۰.۰۴۶	۰.۹۷۵	۰.۳۶۸
رامیان	۰.۰۱۵	۰.۰۷۰	۰.۰۷۰	۰.۱۴۲	۰	۰.۱۹۱	۰.۰۸۰	۰.۰۶۰	۰.۳۶۹	۰.۳۰۰	۰.۹۰۹	۰.۳۶۹
علی‌آباد	۰.۰۱۵	۰.۰۷۴	۰.۰۶۸	۰.۱۲۱	۰	۰.۲۰۴	۰.۰۲۵	۰.۰۶۰	۰.۳۶۵	۰.۱۱۰	۰.۸۶۲	۰.۳۶۵
کردکوی	۰.۰۱۵	۰.۰۷۰	۰.۰۷۰	۰.۱۳۹	۰.۰۳۱	۰.۱۹۱	۰.۰۳۵	۰.۰۶۰	۰.۲۸۰	۰.۰۶۰	۰.۹۲۰	۰.۲۸۰

شاخص‌ها	شهرستان‌ها							S	R			
	اداره پست	دفتر خدمات ارتباطی	تلفن ثابت	چاپخانه	خرید اینترنتی	مطبوعات	دفتر icf روستایی			کتابخانه عمومی	موبایل	نمایندگی پست
کالاه	۰۰۰۱۵	۰۰۰۸۰	۰۰۰۸۳	۰۰۱۳۳	۰۰۰۳۱	۰۰۱۹۴	۰۰۰۳۱	۰۰۰۶۹	۰۰۲۶۷	۰۰۰۲۵	۰۰۹۳۳	۰۰۲۶۷
گزرگان	۰	۰	۰	۰	۰۰۰۳۱	۰	۰۰۰۰۶	۰	۰	۰۰۰۳۳	۰۰۰۶۱	۰۰۰۳۱
گنبد	۰۰۰۱۵	۰۰۰۴۰	۰۰۰۵۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۳۱	۰۰۱۰۱	۰	۰۰۰۴۰	۰۰۲۰۰	۰۰۰۲۰	۰۰۶۲۲	۰۰۲۱۸
مینودش	۰۰۰۱۵	۰۰۰۲۴	۰۰۰۰۰	۰۰۰۱۰	۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۷۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۳۰	۰۰۹۲۵	۰۰۰۲۶
گالیکش	۰۰۰۱۵	۰۰۰۲۰	۰۰۰۰۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۲۰
گمیشان	۰۰۰۱۵	۰۰۰۲۰	۰۰۰۰۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۲۰
مراوه	۰۰۰۱۵	۰۰۰۲۰	۰۰۰۰۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۲۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۳۰	۰۰۰۱۰	۰۰۰۲۰

منبع: محاسبات نویسنندگان

مطابق اطلاعات بدست آمده، شهرستان‌های گرگان با مقدار (۱)، گنبد با مقدار (۰.۳۲۰)، علی آباد با مقدار (۰.۱۰۲)، آزادشهر با مقدار (۰.۰۹۵)، آق قلا با مقدار (۰.۰۷۹)، رامیان با مقدار (۰.۰۷۰)، مینودشت با مقدار (۰.۰۶۴)، کلاله با مقدار (۰.۰۶۱)، بندرگز با مقدار (۰.۰۴۸)، کردکوی با مقدار (۰.۰۴۱)، بندر ترکمن با مقدار (۰.۰۳۷)، گالیکش با مقدار (۰.۰۱۴)، مراوه تپه با مقدار (۰.۰۰۸) و گمیشان با مقدار (۰.۰۰۱) به ترتیب در هفت رتبه اول و آخر قرار دارند. بنابراین مطابق رتبه‌بندی تکنیک ویکور، شهرستان‌های گرگان و گمیشان به ترتیب برخوردارترین و محرومترین شهرستان‌ها از نظر زیر ساخت‌های اطلاعات و ارتباطات در استان گلستان هستند. در شکل شماره (۳) توزیع فضایی آن نمایش داده می‌شود.



شکل (۳) - توزیع فضایی زیرساخت‌های ارتباطی - اطلاعاتی در سطح استان گلستان

شهرستان گمیشان یکی از شهرستان‌های محروم از لحاظ خدمات و زیرساخت‌های ارتباطاتی می‌باشد، با توجه به امعان نظر و پژوهش‌های میدانی نویسندگان از محدوده مورد مطالعه و توجه به طرح‌های تقسیماتی و مرزی‌بندی‌ها و پروژه‌های بالادستی کشور و استان گلستان متوجه این

موضوع شده که شهرستان گمیشان یکی از شهرستان‌های تازه تشکیل شده است که از شهرستان بندرترکمن جدا شده و با توجه به این که یکی از شهرستان‌های دور از مرکز و در حاشیه می‌باشد رسیدگی به آن محدود بوده است. عنایت به شهرستان‌های توسعه یافته نکته‌ای دیگر روشن می‌نماید به این صورت که در مسیر ترانزیتی از گرگان به سمت مشهد تمام شهرستان‌های وضعیت مناسب و قابل قبولی دارند (شهرستان‌های گرگان، علی‌آباد، رامیان و آزادشهر که این نشان دهنده این موضوع است که با توجه به ورود مسافران به استان از سمت استان تهران و مازندران جهت عزیمت به شهر مقدس مشهد و تأثیری که بر مردم بوم می‌گذارند. در این وضعیت شهرستان‌های محروم مثل مراوه‌تپه که از مسیرها و زیرساخت‌های ارتباطی دور می‌باشد وضعیت نامناسب و ناپایدار از لحاظ شاخص‌های ارتباطات دارد. در مسیر ترانزیتی فقط شهرستان گالیکش وضعیت نامناسبی دارد که این شهرستان هم چند سالی است که از شهرستان مینودشت منفک شده است.

نتیجه‌گیری

با محاسبه ضریب ویژگی شاخص‌های جامعه ارتباطی - اطلاعاتی برای شهرستان‌های استان، شهرستان گرگان با جذب اکثریت امکانات تفاوت فاحشی را از لحاظ میزان توسعه در برخوردارگی از شاخص‌ها با توجه به مجموع ضریب ویژگی بدست آمده برای آن با سایر شهرستان‌ها ایجاد کرده و رقم بالای مجموع ضریب ویژگی آن نسبت به سایر شهرستان‌ها گویای این امر است. این مساله باعث بالا رفتن فاحش میزان میانگین شده که اکثر شهرستان‌ها را از میزان میانگین توسعه در زمینه جامعه اطلاعاتی پایین‌تر نگه داشته است. محاسبه ضریب تغییرات که از نسبت انحراف معیار با میانگین داده‌ها به دست آمده است برای هر یک از شاخص‌ها نیز گویای تفاوت فاحش در زمینه شاخص‌های مربوطه است که در این میان شاخص تعداد چاپخانه با میزان $3/24$ بیش‌ترین نابرابری را در پراکنش دارد. در ادامه به طبقه‌گذاری شهرستان‌های استان با استفاده از مدل حل اختلاف طبقه‌ای پرداخته شده است. مبنای انجام این مدل میزان مجموع ضریب ویژگی به دست آمده برای شهرستان‌های استان است. با توجه به مجموع ضریب ویژگی برای شهرستان‌های استان به علت شکاف عمیق بین سطح خدمات ارائه شده در شهرستان گرگان به عنوان مرکز استان نسبت به سایر شهرستان‌های استان و میزان فاصله زیاد این شکاف، فقط

شهرستان گرگان در طبقه اول و بقیه شهرستان‌ها همگی در طبقه پنجم قرار می‌گیرند. این امر در حقیقت نشانگر رابطه نابرابر بین شهرستان گرگان با دیگر شهرستان‌های استان در زمینه برخورداری از شاخص یاد شده می‌باشد. مطابق رتبه‌بندی تکنیک ویکور، شهرستان‌های گرگان و گمیشان به ترتیب برخوردارترین و محرومترین شهرستان‌ها از نظر زیر ساخت‌های اطلاعات و ارتباطات در استان گلستان هستند. بنابراین شهرستان گرگان، مرکز استان، تمام زیر ساخت‌های ارتباطی-اطلاعاتی استان را نیز در خود متمرکز کرده است. این امر به برنامه‌ریزان هشدار می‌دهد برای جلوگیری از افزایش تمرکز در این شهر و نیز توسعه متعادل استان، به شاخص‌های مختلف اطلاعاتی که توسعه آینده متکی بر آن‌هاست، توجه بسیار کنند. در این راستا پیشنهادات ذیل می‌تواند در جهت کاهش نابرابری در زمینه ارتباطات و اطلاعات کار ساز باشد؛ با عنایت به این که یکی از مولفه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی، فعالیت شرکت‌های دانش بنیان است و ابزار اصلی جهت تسریع در پیشرفت این شرکت‌ها، فناوری اطلاعات است و لازم است زیرساخت‌های فنی و مخابراتی و ارتباطی شامل تلفن ثابت و همراه، رایانه و خدمات اینترنتی توسعه یابد. تعدد اپراتورهای ارائه دهند خدمات مخابراتی و ارتباطی، و ایجاد رقابت بین اپراتورها، می‌تواند به امکان دسترسی مطمئن، سریع و ارزان خدمات مخابراتی و ارتباطی، کمک نماید. سرمایه‌گذاری خصوصی در ایجاد زیرساخت‌های مخابراتی و ارتباطی و فعالیت‌های گسترده‌تر شرکت‌های خصوصی در حوزه ارتباطات، می‌تواند در تحول و ارتقاء سطح کمی و کیفی خدمات مخابراتی و ارتباطی موثر باشد. برنامه زمانی کوتاه مدت باید شهرستان‌های واقع در سطح آخر توسعه را در اولویت قرار دهد. مجهز کردن و در اولویت قرار دادن شهرستان‌های که میزان جمعیت شهرنشین کمتری دارند.

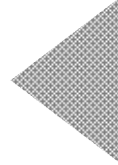
منابع

- امیدوی نجف‌آبادی، مریم و پیش‌بین، احمدرضا (۱۳۸۵)، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT در توسعه روستایی، *مجله جهاد*، دوره ۲۶، شماره ۲۷۱، تهران، ۸۶-۹۶.
- آقاپورفرد، صغری (۱۳۸۸)، نقش فناوری اطلاعات در توسعه کشور. *نشریه راهبرد یاس*، شماره ۱۹، ص ۲۷-۱۱.
- تافلر، آلوین (۱۳۹۰)، *جایجایی در قدرت، دانایی و خشونت در آستانه قرن ۲۱*. شهین‌دخت خوارزمی، انتشارات خوارزمی، تهران.

- تقوایی، مسعود، شفیعی، احمد (۱۳۸۹)، کاربرد تحلیل عاملی و خوشه‌ای در ارزیابی فضایی- مکانی مناطق روستایی استان اصفهان. **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، ش ۱۷، صص ۵۷-۷۶.
- حنفی‌زاده، پیام، خدابخشی، محسن، حنفی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۶)، استخراج شاخص‌های اصلی اندازه‌گیری فناوری اطلاعات و ارتباطات: ایجاد یک مجموعه یکپارچه غنی از شاخص‌های اصلی فناوری اطلاعات و ارتباطات. **فصلنامه علوم مدیریت ایران**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱-۳۳.
- خان‌آقایی، اعظم، محمدی، جمال (۱۳۹۴)، ارزیابی و شناخت میزان توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات. **نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان**، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۳-۴۸.
- خسروی، علیرضا (۱۳۸۵)، جایگاه جامعه اطلاعاتی در نگرش‌های ارتباطی و توسعه. **راهبرد یاس**، ش ۸، صص ۱۱۳-۱۴۰.
- زندی روان، نرگس (۱۳۸۶)، جامعه اطلاعاتی، شکل‌گیری و شاخص‌های آن. **فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی**، س ۱۰، ش ۲، صص ۲۱۱-۲۳۱.
- زنگی‌آبادی، علی، علی‌حسینی، رحمان (۱۳۸۸)، تحلیل فضایی فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور- های جهان. **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**، ص ۱۸۲-۱۵۹.
- سردار نیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، تاثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان. **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، ش ۵۷، صص ۱۹۳-۲۱۱.
- سلطانی، لیلیا (۱۳۸۵)، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش تقاضای سفرهای شهری (نمونه موردی: شهر اصفهان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری،
- شماعی، علی و جعفر موسوی‌وند (۱۳۹۰)، سطح بندی شهرستان‌های استان اصفهان از لحاظ زیر ساخت‌های گردشگری با استفاده از مدل‌های AHP، TOPSIS. **پژوهش‌های شهری و منطقه- ای**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۳ تا ۴۰.
- عبوری، مهدی، رضایی راد، مجتبی (۱۳۹۳)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در گردشگری شهری. **دو ماهنامه سراسری رسانه‌های نوین و آموزش**، سال اول، شماره دوم، صص ۱۷-۷.
- عزیز، پروانه، لطفی، حیدر و پیشرو، حمدالله (۱۳۸۸)، فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر اقتصاد روستایی ایران. **فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط**، دوره ۲، شماره ۶، ملایر، صص ۶۳-۳۴.
- فنی، زهره، رضوی، محمد محسن (۱۳۹۳)، سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی بر اساس شاخص‌های اطلاعاتی با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای. **مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، دوره هجدهم، شماره یک، صص ۱۹۶-۱۸۱.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۴)، **عصر اطلاعات، قدرت، هویت**. حسن چاوشیان، طرح نو، تهران.
- مرسلی، ادريس (۱۳۸۵)، بررسی نابرابری اشتغال شهری- روستایی استان آذربایجان غربی در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵. **فصلنامه روستا و توسعه**، شماره ۲، صص ۷۷-۱۰۳.

- منتظری، الهام (۱۳۸۷)، بررسی چالش‌ها و موانع اجرای طرح‌های جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازمان‌ها و ارائه راهکارهای مؤثر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: موحدی‌نیا، ناصر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، گروه مهندسی صنایع.
- Dabinett, G.,(2014) "EU Mainstreaming of the Information Society in Regional Development Policy", **Regional Studies**, Vol. 35: 2. Pp. 16
 - Gaigalis, V. and Skema, R. (2014). Sustainable economy development and transition of fuel and energy in Lithuania after integration into the European Union. **Renewable and Sustainable Energy Reviews**, 29(1): 719-733.
 - Glasson. P. (2008). **Sustainable development concept in world literature**. Urban development congress in Menschen. Germany
 - Goletsis, Y., M. Chletsos. (2011). Measurement of Development and Regional Disparities in Greek Periphery: A Multivariate Approach, **Socio-Economic Planning Sciences**, Vol. 45, No 4, pp 174-183.
 - Joao Olkveira S.,M. Manuela., C., Manuel Ferreira (2000) a multivariate methodology touncover regional disparities: a contribution to improve European Union and Governmental Decisions. Departamento de Mathematical. **Faculdade de Ciencias e Tecnologia** – U.N.L, Lisbon, Portugal.
 - Mannan, S, (2014), Sustainable Development Chapter 25. Lees' Process Safety Essentials. 437-446.
 - Martic, Milan & Savic, Gordana (2001), "An Application of DEA for Comparative Analysis and Ranking of Regions in Serbia with Regards to Social – Economic Development", **European Journal of Operational Research**, Vol. 132, PP. 343-356.
 - Nourry, M. (2008). Measuring Sustainable Development: **Some Empirical Evidence Ecological Economics**, Vol. 67, pp. 441- 456.
 - Sarvar.R and Mousavi. M.N (2011). the assessment of sustainable development in west Azerbaijan province. **Journal of geography**. No.28,pp.3-21(in Persian).

اثر صادرات بازارچه‌های مرزی بر اشتغال منطقه سیستان



زهرا راشکی قلعه نو^۱

نورمحمد یعقوبی^۲

رمضان حسین زاده^۳

امین رضا کمالیان^۴

(تاریخ دریافت ۹۷/۸/۲ - تاریخ تصویب ۹۸/۴/۱)

چکیده

بازارچه‌های مرزی می‌تواند نقش بسزایی در صادرات کالاهای تولیدی در منطقه و به دنبال آن رشد و توسعه اقتصادی آن منطقه داشته باشد لذا ایجاد و توسعه بازارچه‌های مرزی؛ افزایش و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال و درآمد برای مردمان مستقر در نواحی مرزی را در پی خواهد داشت. در بسیاری از کشور های پیشرفته صادرات محور اصلی توسعه بوده است. لذا رشد صادرات موجب افزایش درآمد و اشتغال شده و با فراهم آوردن امکان بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس، بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته، امکان تخصیص بهینه منابع و افزایش رقابت در تولید محصولات می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید و اشتغال و رسیدن به رشد

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- استاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول).

yaghoobi@hamoon.usb.ac.ir

۳- استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان

۴- دانشیار دانشگاه دهلی

اقتصادی بالاتر و توسعه ی بیشتر شود، از این رو هدف این مطالعه بررسی اثر صادرات بازارچه های مرزی میلک و گمشاد بر اشتغال شهرستان زابل با استفاده از الگوی داده ستانده در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۴ می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که افزایش صادرات بازارچه های مرزی از سه بخش کشاورزی، صنایع و معادن طی سال های ۹۴ و ۹۵ به ترتیب ۳۰۹۱۳۶۱۲۹، ۰۸۲۶۷۷۰۶۴۹ و ۲۰۴۳۷۳۲۵۱۵ بوده است که بیشترین تاثیر را بر افزایش اشتغال در بخش های کشاورزی به میزان ۲۲ نفر، صنعت ۲۰ نفر و آموزش ۱۵ نفر داشته به طوری که افزایش صادرات بیشترین تاثیر گذاری اشتغال را در بخش کشاورزی کمترین اثر در تامین آب و برق و گاز دارا است، در نتیجه افزایش اشتغال کل منطقه را در پی داشته است.

کلید واژه ها: الگوی داده- ستانده، صادرات، توسعه اقتصادی، اشتغال، بازارچه مرزی

۱- مقدمه

بازارچه های مشترک مرزی به منظور توسعه اقتصادی روستاهای مرزنشینان یا به عرصه وجود نهند و به منظور ایجاد تحول نسبی در تولید و اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشینان در مرزها، افزایش درآمد و نهایتاً توسعه پایدار مناطق مرزی در دو دهه اخیر همچنان به فعالیت خود ادامه داده اند، این بازارچه ها در چارچوب اهداف تعیین شده می بایست علاوه بر تسریع در امر صادرات، در رشد و شکوفایی و توسعه اقتصادی مناطق مرزی نیز مفید واقع شده و اشتغال مستقیم یا غیر مستقیم تعداد زیادی از ساکنان منطقه را در ارتباط با حمل و نقل و تهیه کالاهای صادراتی فراهم سازد. (محمدی یگانه ۱۳۹۱، ص ۹۶-۷۹)

یکی از استان های مرزی ایران در جنوب شرق کشور استان سیستان و بلوچستان می باشد. این استان با وسعتی بیش از ۱۷۸ هزار کیلومتر مربع، حدود ۱/۱۱ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص می دهد و با داشتن ۱۱۰۰ کیلومتر مربع مرز بین المللی با دو کشور پاکستان و افغانستان از امکانات استراتژیکی مناسبی برای توسعه صادرات منطقه ای و ملی برخوردار است. همچنین سابقه ی تاریخی استان در زمینه مبادلات و تجارت و قرار داشتن در مهم ترین مسیر تجاری دنیای قدیم (جاده ابریشم) و نیز مراودات قومی و فرهنگی مرزنشینان استان با کشورهای همسایه، عامل اساسی در برگزیدن پیشینه تجارت و داد و ستد ساکنان منطقه محسوب می شود و

این روابط گسترده و وسیع با مناطق همجوار باعث شده تا استان سیستان و بلوچستان از قابلیت های چشمگیر بازارگانی منطقه و قرار داشتن در مسیر مبادلات سازمان اقتصادی اکو (ECO)، راهبرد توسعه بازارگانی استان از اولویت ویژه ای برخوردار می باشد. (پهلوانی ۱۳۷۸، ص ۹۱-۶۹).

منطقه سیستان در این استان به علت نزدیکی با کشور افغانستان ظرفیت صادرات کالا را دارد ولی به دلیل شرایط طبیعی و توسعه نیافتگی خود، پتانسیل کافی برای ایجاد اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی را ندارد. ایجاد نواحی صنعتی در این منطقه، یکی از راهکارهای اتخاذ شده توسط سیاستگذاران برای ارتقای شاخص های توسعه و ایجاد درآمد و اشتغال در منطقه بوده است که تا حدودی نیز، باعث ارتقای کلی شاخص های اقتصادی-اجتماعی روستاییان در منطقه شده و آثار مثبتی در زمینه های اشتغال و ایجاد درآمد برای ساکنان منطقه را داشته است (معصومی و همکاران ۱۳۹۲، ص ۹۸-۶۷). تأسیس و فعال کردن بازارچه های مرزی یکی دیگر از راهکارهای اتخاذ شده توسط سیاستگذاران ملی و منطقه ای بوده است. ایجاد بازارچه های مرزی تا حدود زیادی توانسته است به صورت مستقیم و غیرمستقیم به اشتغال زایی و نهایتاً توسعه مناطق مرزی کمک کند. تسهیل صادرات کالاهای تولیدی توسط روستاییان مانند صنایع دستی و کالاهای کشاورزی و همچنین کالاهای صنعتی و معدنی تولید شده در نواحی صنعتی و معدنی در منطقه تونسته است کمک موثری در افزایش تولید و ایجاد اشتغال در منطقه ایفا کند. بر این اساس هدف این پژوهش اثر صادرات سه بخش کشاورزی، معدنی و صنعتی از بازارچه های مرزی در منطقه سیستان بر اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در منطقه با استفاده از الگوی داده- ستانده در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۴ می باشد.

در این تحقیق بخش اول و دوم به چارچوب نظری الگو و پیشینه پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم مدل تحقیق و داده های پژوهش آورده شده است. در بخش چهارم یافته های تجربی بحث شده است و نهایتاً در قسمت آخر، جمع بندی و پیشنهادات ارائه می شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

یکی از گام های مؤثر جهت نگهداشت جمعیت و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی، ایجاد بازارچه های مرزی (تجارت مرزی) است. صادرات بخش مهمی از اقتصاد هر کشور را تشکیل

می دهد. در بسیاری از کشور های پیشرفته صادرات محور اصلی توسعه بوده و اهمیت بسیاری در حضور آن کشور در بازار های جهانی دارد. لذا رشد صادرات موجب افزایش درآمد و اشتغال شده و می تواند موجب افزایش بهره وری کل عوامل تولید و اشتغال و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و توسعه ی بیشتر شود. (سلمانی بی شک و اشکان ۱۳۹۳، ص ۱۶-۵) بر اساس نظریه های اقتصادی، صادرات یکی از عوامل موثر بر اشتغال در اقتصاد می باشد. صادرات کالاهای تولیدی موجب افزایش تولید شده و افزایش تولیدات به طور مداوم زمینه را برای تقاضاهای جدید فراهم می آورد، این تقاضا خود محرک سرمایه گذاری و تضمین کننده رشد و شکوفایی صادرات مجدد می شود، در نتیجه صادرات در نهایت منجر به اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در بخشهای مختلف اقتصادی را فراهم می کند. (شاه آبادی و ثمری ۱۳۹۵، ص ۱۲۲-۸۵) بر این اساس صادرات بازارچه های مرزی به عنوان راهکار مطلوبی جهت رفع شکاف مناطق مرکزی و مرزی و برون رفت از بحران های اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان مورد توجه برنامه ریزان قرار گرفته است. مهم ترین ویژگی ساختار این مناطق، فقدان تنوع در بستر های اقتصادی و فرصت های شغلی خصوصا برای نیروی انسانی رو به افزایش روستایی است، جهت رفع این معضلات، بالندگی و حرکت در مسیر توسعه روستایی این مناطق و تمرکز بر ایجاد بازارچه های مرزی می تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت نسبی و توسعه بازارهای منطقه ای، تثبیت قیمت و افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه ی روستایی مرز نشین باشد، همچنین زمینه ساز توسعه اقتصادی آن ها نیز می گردد. (طیب نیا و منوچهری ۱۳۹۵، ص ۱۷۲-۱۴۷)

هدف از ایجاد و توسعه بازارچه های مرزی؛ افزایش و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال و درآمد برای مردمان مستقر در نواحی مرزی، جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی و انتقال تکنولوژی، افزایش درآمدهای عمومی، افزایش توریسم، صادرات کالاها و محصولات تولید شده در مناطق مرزی به کشورهای هم جوار و واردات و تأمین کالاهای مورد نیاز معیشتی برای مردم مرزنشین از کشور هم جوار و همچنین ایجاد امنیت اجتماعی در مناطق مرزی، کمک به رونق بخشیدن تولید کالاهای صنعتی، معدنی، کشاورزی و نیز محصولات صنایع دستی استانهای مرزی، کمک به توسعه صادرات و ایجاد تعادل در تراز بازرگانی خارجی کشور، کسب درآمد ارزی و کمک به ایجاد تعادل در تراز ارزی کشور، جلوگیری از گسترش پدیده قاچاق کالا، پیشگیری از مهاجرت مردم مرزنشین و کمک به توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و

اقتصادی با کشورهای همسایه و در نتیجه ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره مندی از اقتصاد رقابتی است. از گذشته های دور مناطق مرزنشین به دلیل ناتوانی های بالقوه، جزء مناطق منزوی و محروم به حساب می رفت. (ابراهیم زاده و همکاران ۱۳۸۹، ص ۱۴۰-۱۰۷) بنابراین شهرهای واقع در مناطق مرزی بسیار محدود و از توسعه ی پایینی برخوردارند. اما با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین المللی، تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد. به گونه ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش به آن، به عنوان یک فرصت اقتصادی از سوی نظامهای سیاسی حاکم، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است. این شرایط جدید، مرکز را وادار به تجدیدنظر در روابط خود با پیرامون کرده است. رشد و رونق فعالیت های تجاری و بازرگانی در مرزها و یا مناطق مرزی تاثیرات مثبت و بسزایی در توسعه ی شهرهای مرزی گذاشت. به طوری شهرهای بزرگ و کوچک واقع در مناطق مرزی، هدف اصلی تأثیرات مرزی هستند. آن ها، نه تنها، موتورهای توسعه ی اقتصادی هستند، بلکه، مراکز نوآوری های فرهنگی، تحولات اجتماعی و تغییرات سیاسی می باشند. علی رغم اینکه شهرهای مرزی از مناطق وابسته و برخوردار نمی باشند، اما به دلیل درآمد ناشی از داد و ستد یا ذخیره سازی کالاها این شهرها دارای اهمیت در این راستا فراوانی هستند. ایجاد و گسترش بازارچه های مرزی یک استراتژی کلیدی در راستای کمک کردن به اقتصاد این نواحی و توسعه همکاری های اقتصادی و مبادلات بازرگانی میان کشورهای همسایه بوده است (کامران و همکاران ۱۳۸۸، ص ۱۹۲-۱۷۶).

۲-۲- مروری بر مطالعات پیشین

مطالعات متعددی به بررسی اثر بازارچه های مرزی بر تولید و اشتغال در مناطق مختلف در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در زیر به آنها اشاره می شود.

پهلوانی (۱۳۷۸) در مقاله ای به بررسی مسائل و مشکلات بازارچه های مشترک مرزی سیستان و بلوچستان، پرداخته است. روش تحقیق در این مطالعه، روش کتابخانه ای براساس منابع و مدارک و گزارشات موجود و همچنین مصاحبه حضوری می باشد. نتایج تحقیق حاکی از این است که تشکیل بازارچه های مشترک مرزی در زمینه تشویق صادرات، افزایش اشتغال، افزایش تولید و کاهش قاچاق و مبادلات غیررسمی تاثیر مثبتی داشته است.

اسماعیل زاده، خالد (۱۳۸۵) در مطالعه خود به انسان شناختی بازارچه های مشترک مرزی با رویکرد انسان شناسی اقتصادی در روستاهای مرزنشین شهرستان سردشت پرداخته است. روش تحقیق این نوشتار حاصل پژوهشی میدانی از بازارچه مرزی سردشت است که با استفاده از روش تحقیق قوم نگاری و تکنیک های مصاحبه و مشاهده انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که فعالیت بازارچه های مرزی باعث ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری و ... مرزنشینان گردیده است.

دهمرده و همکاران (۱۳۸۷) توانمندی های استان سیستان و بلوچستان برای رسیدن به توسعه با تأکید بر ترانزیت کالا و کشاورزی را مورد بررسی قرار داده اند. روش تحقیق در این مقاله، اسنادی و کتابخانه ای بوده است. نتیجه اینکه ایجاد تفکر توسعه و توجه مسئولین به توسعه استان از جمله ترانزیت کالا، توسعه امکانات بندرچابهار و تبدیل بازارچه مرزی میلک زابل به منطقه آزاد، توجه و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی استان می تواند باعث رفع بسیاری از مشکلات منطقه شود.

بی سخن و جباری (۱۳۸۷) در مطالعه خود به بررسی ارزیابی و تحلیل نقش بازارچه های مرزی در تغییر ساختار اقتصادی و کالبدی و اقتصادی شهرهای مرزی و ابعاد پیرانشهر پرداخته که روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای و مشاهدات میدانی جمع آوری گردیده و برای تجزیه و تحلیل وضع موجود از مدل SWOT استفاده شده است. نتایج حاکی از این می باشد که سهم شاغلان بخش کشاورزی کاسته و جمعیت شاغل در بخش خدمات افزایش یافته است.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه های مرزی در بازتابهای توسعه مناطق مرزی، در بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه پرداخته اند. با روش توصیفی و تحلیلی به شیوه کتابخانه ای و میدانی اطلاعات با استفاده از نرم افزار تجربی - پرسشنامه و مشاهده - تحلیل داده ها و اطلاعات با استفاده از نرم افزار Arc GIS و SPSS مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده حاکی از این واقعیت است که بازارچه توانسته است اثرات اقتصادی مثبتی بر روی تولید مناطق پیرامون خود برجای گذارد.

ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله خود تحت عنوان "نقش بازارچه های مرزی بر توسعه

و افزایش امنیت " در استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. در این تحقیق با استفاده از شیوه کتابخانه ای و میدانی اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان می دهد، از مهمترین آثار بازارچه ها می توان به ایجاد اعتماد و کاهش تنشجات مرزی اشاره کرد که از آن طریق زیرساخت های منطقه گسترش می یابد و توسعه شهری و روستایی، افزایش تولید و اشتغال و ثبات در مناطق مرزی تضمین می شود.

محمدی صالح و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به نقش تجارت مرزی در تثبیت جمعیت روستایی در بازارچه مرزی سردشت پرداخته و روش تحقیق از دو طریق عینی تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و مطالعه کتابخانه ای جمع آوری گردید و داده های جمع آوری شده از روش آمار توصیفی، استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان دهنده ی این بود که در محدوده مورد مطالعه، مبادلات مرزی می تواند منجر به ماندگاری جمعیت شود.

میری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به مطالعه نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی و امنیت در مناطق مرزی میلک با هدف دستیابی به توسعه پایدار، امنیت فراگیر و عدالت اجتماعی به این موضوع پرداخته است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه ای و میدانی سعی در بررسی و تبیین نقش بازارچه های مرزی در امنیت و اثرات اقتصادی آن در توسعه پایدار در نواحی پیرامون خود پرداخته شده است. برای تحلیل داده ها و اطلاعات خود از نرم افزار SPSS استفاده شده است و یافته های تحقیق بیانگر این است که این بازارچه بر نواحی پیرامون خود تاثیر گذاشته است.

محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی در دهستان محسن آباد پرداخته است. روش تحقیق او توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی (مصاحبه و پرسشنامه) و برای تجزیه تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آماره t تک نمونه ای و ویلکا کسون) استفاده نموده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد، بازارچه مرزی مهران موجب افزایش اشتغال، کاهش فقر، افزایش درآمد و کاهش تمایل مهاجرت ساکنان مناطق مرزی به جاهای دیگر شده است.

غلامرضایی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مطالعه موردی صنم بلاغی پلدشت پرداخته است. در روش تحقیق این پژوهش از

پرسشنامه استفاده و برای تجزیه و تحلیل یافته ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد، ایجاد بازارچه مرزی در منطقه پلدشت نقطه عطفی در ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، افزایش در آمد و تولید ونهایتا توسعه پایدار می باشد و همکاری های متقابل منطقه ای را افزایش می دهد که نمونه بارز آن همکاری متقابل بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان می باشد.

عاشری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به ارزیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه های مرزی و نقش آن در توسعه مناطق مرزی جانورود پرداخته است. روش تحقیق در بخش نظری کتابخانه ی و در بخش عملی پیمایشی است. نتایج تحقیق نشان می دهد که فعالیت بازارچه مرزی باعث ایجاد اشتغال مستقیم و غیر مستقیم، همچنین تحرک شغلی مرزنشینان گردیده که سهم اشتغال غیر مستقیم به مراتب بیشتر از اشتغال مستقیم است و باعث افزایش در آمد مرزنشینان و ساکنان شهرستان شده و ایجاد اشتغال برای ساکنین مرزی توانسته از مهاجرت ساکنان این مناطق به شهرها بکاهد و جلوگیری از اقتصاد غیر رسمی و تامین مایحتاج ساکنین مرزی و موجب برقراری امنیت نسبی اقتصادی و اجتماعی در منطقه و باعث افزایش سرمایه گذاری شده است.

موسوی (۱۳۹۲) در رابطه با مقاله ای تحت عنوان ارزیابی نقش بازارچه های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرز نشین پیرانشهر به بررسی بازارچه مرزی شهرستان پیرانشهر در استان آذربایجان غربی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است. جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل تحلیل شبکه (ANP) و هم چنین آمار استنباطی رگرسیون چندگانه استفاده شده. نتایج حاکی از این است که فعالیت و استقرار بازارچه ها در منطقه توانسته است در بسیاری از متغیر های رفاهی از قبیل ایجاد اشتغال، تحرک شغلی مرز نشینان، افزایش در آمد و تولید، تامین مایحتاج نیاز های ساکنان مرز نشین، تغذیه، بهداشت، مسکن و محیط زیست، بهبود نسبی ایجاد کنند. نتایج مدل رگرسیون چندگانه نشان دهنده این است که بین عوامل موجود در بازارچه ی مرزی تمرچین و شاخص های رفاه منطقه ای رابطه ای نسبتا معنا داری وجود دارد.

ابراهیمی مستکانی، احمدوند (۱۳۹۴) در مطالعه ای به ارزیابی تاثیرات اجتماعی - اقتصادی بازارچه ی مرزی سرو بر توسعه ی مناطق روستایی پیرامون می پردازند. در این پژوهش از روش

توصیفی - تحلیل بهره گرفته اند و جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه ی محقق ساخته انجام شد و برای تعیین اعتبار از آلفای کرونباخ استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SOSS19 بهره گرفته اند. یافته ها نشان داده که بین اثر بازارچه های مرزی و توسعه مناطق روستایی اطراف رابطه ی معنا داری وجود دارد.

رضائی، مسعودی راد (۱۳۹۴) در مطالعه ای به بررسی نقش بازارچه های مرزی بر اقتصاد و امنیت مناطق پیرامون بازارچه مرزی مهران پرداخته اند که روش تحقیق این مطالعه توصیفی - تحلیلی می باشد که برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه و مشاهده مستقیم بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق بیانگر این بود که بازارچه مرزی مهران منافع اقتصادی بسیاری برای منطقه در پی داشته و در زمینه ی کاهش فقر و ایجاد اشتغال و خارج کردن استان ایلام از انزوای جغرافیایی تا حد بسیار زیادی موثر بوده است، که همه ی این عوامل باعث ایجاد توسعه و امنیت منطقه می باشد.

دارابی (۱۳۹۶) به بررسی نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی استان ایلام پرداخته است، روش تحقیق جهت گردآوری اطلاعات، پرسش نامه ی محقق ساخته بوده و نتیجه این است که نقش بازارچه در تامین و افزایش درآمد و اشتغال مرزنشینان تاثیر معنادار دارد.

بیگی و امیری (۱۳۹۶) در مطالعه ای تحت عنوان بررسی نقش و میزان تاثیر بازارچه های مرزی در بهبود وضعیت اجتماعی ساکنان بازارچه مرزی پرویز خان کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که تاثیر بازارچه های مرزی بر مسائل اجتماعی منطقه زیاد می باشد و این امر در زمینه افزایش رفاه و کاهش مهاجرت تاثیرگذار بوده است. روش پژوهش توصیفی و تحلیل بوده است و به لحاظ هدف کاربردی می باشد.

بدری و همکاران (۱۳۹۷) مقاله ای تحت عنوان تاثیر بازارچه های مرزی در توسعه ی سیاسی - فضایی مناطق روستایی مرزی باشماق مریوان را بررسی نموده که این تحقیق از حیث هدف کاربردی و از حیث روش توصیفی تحلیلی می باشد، بااستفاده از روش پرسشنامه و به منظور تحلیل داده ها از آزمون t تک نمونه ای، آزمون کای اسکور و آزمون ANOVA در نرم افزار SPSS استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل فضایی از روش خوشه بندی و IDW در نرم افزار GIS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بازارچه های مرزی در بهبود وضعیت کالبدی در منطقه مرزی تاثیر مثبتی داشته است.

از مطالعات انجام شده خارجی در زمینه بازارچه های مرزی بر رشد و توسعه منطقه می توان به موارد زیر اشاره نمود.

نایبور و استیلر^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی به بررسی اثرات اقتصادی تجارت نواحی مرزی پرداخته اند و معتقدند که اثرات همگرایی کشورها در مناطق مرزی متمرکز شده اند، لذا تحلیل های تجربی و قوی نیازمند فهمیدن و درک عمیق همگرایی و یکپارچگی در منطقه است. روش پژوهش توصیفی می باشد.

لی پائوپه^۲ و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی " اثرات اقتصادی - اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم"، در سه ایالت کشور لائوس میپردازند. روش این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی استو نتایج تحقیق نشان می دهد، تجارت مرزی در افزایش تنوع و کیفیت کالا، ایجاد اشتغال به طور کلی افزایش استانداردهای زندگی این ایالت های سه گانه موثر بوده است.

مورشید^۳ و همکارانش (۲۰۰۵) در مطالعه ای به بررسی مبادلات مرزی کامبوج، لائوس، ویتنام و تایلند می پردازند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی -تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان می دهد، ریسک سرمایه گذاری علیرغم افزایش رقابت های بازاری و نیز هزینه های رسمی و غیررسمی ترخیص کالا مخصوصاً برای تجارت های کوچک افزایش یافته است.

لیو^۴ (۲۰۱۲) به بررسی نقش اعتماد در ارتباط یادگیری در روابط خریدار و فروشنده مرزی پرداخته است. در این مقاله روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی -تحلیلی است. مدل مفهومی یکپارچه سازی نظریه یادگیری سازمانی، رابطه حکومت و دیدگاه مبتنی بر منابع در حال توسعه شده است و یافته ها نشان می دهد که قصد یادگیری، ظرفیت جذب و تفاوت های میان فرهنگی بر یادگیری ارتباط دارد.

پلیگو^۵ و همکاران (۲۰۱۷) تاثیر قرار داد های مرزی منطقه ای در ویتنام را بررسی نموده اند.

۱-Niebuhr(2002)

۲-Leebouapo(2004)

۳-Murshid.K(2005)

۴-C.-L. E. Liu(2014)

۵-Emilene Pliego Pliego(2017)

تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی می باشد که به تجزیه و تحلیل اقتصاد ویتنام توسط چارچوب های منطقه ای می پردازد و نتایج بیانگر این مطلب است که تغییرات عرضه نیروی کار، بهره وری ناشی از تجارت را شامل می شود.

لین ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تجارت مرزی چین در زمینه ی کارخانه های چینی می پردازند. روش تحقیق توصیفی تحلیلی می باشد و نتایج تجزیه تحلیل بیانگر این است که تغییرات سازمانی منطقه ای با هدف افزایش فرصت های اقتصادی برای مبادلات مرزی و تجارت بین المللی باعث افزایش صادرات منطقه ای خواهد شد.

۳- روش شناسی و داده های تحقیق

۳-۱- روش شناسی تحقیق

در این تحقیق از الگوی داده- ستانده منطقه ای برای بررسی اثر صادرات بازارچه های مرزی بر اشتغال منطقه سیستان استفاده شده است. رابطه تولید بخشی در این مدل به صورت رابطه (۱) می- باشد.

$$Q = (I - A)^{-1} \cdot Y = C \cdot Y \quad (1)$$

در این رابطه Q ماتریس تولید بخشها، A ماتریس ضرایب فنی تولید منطقه، C ماتریس معکوس لئونتیف و Y تقاضای نهایی می باشد.

ضریب مستقیم اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی به صورت زیر می باشد.

$$e_j = \frac{E_j}{Q_j} \quad (2)$$

در این رابطه e_j ضریب مستقیم اشتغال در بخش j ، E_j اشتغال مستقیم بخش و Q_j تولید بخش j می باشد. بر این اساس ماتریس اشتغال بخشها را می توان به صورت زیر نوشت.

$$e = e^{\wedge} \cdot Q \quad (3)$$

که در این رابطه e میزان اشتغال بخشها، e^{\wedge} شکل قطری شده ی ماتریس ها و X میزان

تولیدات می باشد. با جاگذاری رابطه ۱ در رابطه ۳ عبارت زیر حاصل می شود.

$$e = e^{\wedge} \cdot (I - A)^{-1} \cdot Y \quad (۴)$$

در این رابطه $(I - A)^{-1}$ ماتریس معکوس لئونتیف که در رابطه ی زیر با C نشان داده شده است و Y مقدار تقاضای نهایی تولیدات می باشد. اجزای تقاضای نهایی بصورت زیر است.

$$Y = (C + G + I + X) \quad (۵)$$

که در آن C: مخارج مصرفی، G: مخارج دولت، I: سرمایه گذاری و X: حجم صادرات است. بر این اساس با افزایش صادرات و ثبات سایر متغیرها از جمله مخارج مصرفی و مخارج دولت و سرمایه گذاری می توان اثر تغییر صادرات را بر اشتغال بخش های مختلف منطقه سیستان مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر تغییرات اشتغال بخشها در اثر تغییرات صادرات به صورت زیر خواهد بود.

$$\Delta e = e^{\wedge} \cdot C \cdot \Delta X \quad (۶)$$

در این رابطه Δe : تغییرات اشتغال در بخش های مختلف منطقه، ΔX : تغییرات حجم صادرات بازارچه های مرزی است. بر اساس این رابطه اثر تغییر صادرات در سه بخش کشاورزی، معدن و صنعت منطقه سیستان از طریق بازارچه های مرزی بر اشتغال ۱۴ بخش مختلف استان مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۲- داده های تحقیق

در این مطالعه از دو گروه اطلاعات، یکی جدول داده ستانده منطقه ای و دیگری آمار صادرات از بازارچه های مرزی منطقه استفاده شده است.

جهت تهیه ی این جدول از آمار حساب های ملی مرکز آمار کشور استفاده شده است و همچنین آمار صادرات بازارچه های مرزی از گمرک استان سیستان و بلوچستان جمع آوری و توسط پژوهشگر طبقه بندی شده است. این اطلاعات برای توضیح تغییرات متغیرهایی مانند تولید، اشتغال، ارزش افزوده، بهره وری نیروی کار در اقتصاد به کار می رود. از جمله کاربردهای الگوی داده ستانده بررسی اثر اجزای تقاضای نهایی (مصارف خانوار، مصارف دولت، سرمایه گذاری و صادرات) بر اشتغال بخش های مختلف منطقه است.

۴- نتایج تحقیق

اثر صادرات از سه بخش کشاورزی، معدن و صنعت از منطقه سیستان بر اشتغال بخشهای مختلف منطقه در جدول (۱) - نشان داده شده است.

جدول (۱) - اثر افزایش صادرات بر اشتغال بخشهای مختلف منطقه (نفر)

اثر افزایش صادرات بر اشتغال بخشهای مختلف منطقه (نفر)	
اشتغال	بخشهای اقتصادی
۲۲	کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
۴	معدن
۲۰	صنعت
۰	تأمین آب، برق و گاز ...
۱	ساختمان
۸	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها
۵	هتل و رستوران
۱۲	حمل و نقل، انبار داری و ارتباطات
۲	واسطه گری مالی
۲	فعالیت های املاک و مستغلات
۴	اداره امور عمومی
۱۵	آموزش
۱	بهداشت و مدد کاری اجتماعی
۱	سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی
۹۷	مجموع

منبع: محاسبات پژوهشگر

همان طور که اطلاعات جدول نشان می دهد افزایش صادرات در طی دوره موجب افزایش اشتغال کل منطقه به میزان ۹۷ نفر شده است. به طوری که افزایش صادرات بیشترین تاثیر گذاری اشتغال را در بخش کشاورزی دارا می باشد و کمترین اثر در تامین آب و برق و گاز را برخوردار است. با توجه به نتایج تحقیق بیشترین اثر افزایش صادرات بر اشتغال به ترتیب در

بخش کشاورزی به تعداد (۲۲ نفر) و در بخش صنعت به تعداد (۲۰ نفر) و در بخش آموزش به تعداد (۱۵ نفر) بیشترین اثر بر اشتغال را دارد به این علت که سرمایه گذاری در این بخش ها بیشتر بوده است. ارقام نشان می دهد که تشکیل سرمایه در این بازارچه ها در روند افزایش صادرات کاملاً موثر می باشد و با افزایش صادرات، اشتغال نیز روند افزایشی خواهد داشت. و از طرفی تامین آب و برق و گاز به تعداد (۰ نفر) ساختمان، بهداشت و مدد کاری اجتماعی، سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی به تعداد (۱ نفر)، کمترین اثر گذاری بر اشتغال را شامل می شوند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف این مطالعه بررسی اثر صادرات بازارچه های مرزی میلک و گمشاد بر اشتغال شهرستان زابل با استفاده از الگوی داده ستانده می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که افزایش صادرات بازارچه های مرزی از سه بخش کشاورزی، صنعت و معدن موجب افزایش اشتغال کل منطقه خواهد شد که با یافته های پهلوانی ۱۳۷۸، محمدی یگانه ۱۳۹۱، دارابی ۱۳۹۶ مطابقت دارد و نهایتاً افزایش اشتغال کشور را در بر دارد، همچنین کالاهای مبادله شده عمداً رویکرد فرااستانی و فرا منطقه ای دارند که با یافته های اسماعیل زاده، ۱۳۸۵ مطابقت دارد.

اثر صادرات بر تولید و اشتغال باید به گونه ای باشد که امکان ورود به بازار جهانی فراهم گردد و زمینه ای فراهم شود که علاوه بر مزیت نسبی دارای مزیت رقابتی نیز باشد، بنابراین با متنوع نمودن صادرات بازارچه های مرزی با توجه به مزیت نسبی بالفعل به کارگیری ظرفیت های بالقوه در تجارت خارجی گام موثری در اتکا به درآمدهای با ثبات این بازارچه ها در اقتصاد داشته است.

بین صادرات بازارچه های مرزی و درآمد و رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد زیرا با افزایش صادرات این بازارچه ها در آمد ناشی از آن افزایش یافته و این افزایش درآمد ها منجر به ارتقای کارایی در تخصیص مجدد منابع تولید به سمت فعالیت های با بهره وری بالا و افزایش تولید و رشد اقتصادی می شود و از آن جا که درآمد ناشی از صادرات بازارچه های مرزی ابزار مناسبی برای مقابله با بی ثباتی درآمدهای ناشی اینگونه صادرات است، بنابراین تشویق در جهت افزایش صادرات بازارچه های مرزی و به دنبال آن افزایش رشد اقتصادی بهترین عامل برای

کاهش اتکا به درآمدهای پرنوسان نفتی خواهد بود، به ویژه اگر این درآمدها در راستای سرمایه گذاری مجدد در اقتصاد و افزایش توان تولیدی در کشور باشد در بلند مدت شاهد آثار بهتر این افزایش درآمدها و ثبات در آن خواهیم بود.

همچنین بین اثر صادرات و واردات با ثبات شغلی و رشد اقتصادی رابطه مثبت است، زیرا با افزایش میزان صادرات و به مقدار کمتر واردات، درآمد ناشی از صادرات افزایش یافته و این درآمد ها مجدد می تواند در راستای درآمدزایی در اقتصاد یا حتی بالابردن تخصص و مهارت نیروی کار به کار گرفته شده و به نوعی باعث ثبات شغلی و رشد اقتصادی می شود.

همچنین نتایج حاصل از تحقیق حاضر و سناریو های مختلف نشان می دهد از بین بخش های صادرات بازارچه های مرزی کشور، بخش صنعت و معدن بیشترین تاثیر را در ثبات شغلی و درآمدی داراست. بنابراین لزوم توجه به صادرات این بخش ها در بازارچه های مرزی توان رشد اقتصادی و ثبات شغلی و درآمدی را در کشور تسریع می کند. به طور کلی صادرات و واردات رسمی تاثیر مثبت و معنی داری بر افزایش تولید، افزایش اشتغال، ثبات شغلی و درآمدی و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد داشت.

در راستای این اهداف و نتایج پیشنهاداتی ارائه می شود:

۱. راه اندازی بازارچه های جدید و سازمان دهی بازارچه های قبلی در مناطق
۲. تقویت مناطق مرزی به منظور افزایش صادرات بازارچه ها، افزایش درآمد مرزنشینان و اشتغال زایی و در نهایت توسعه ی این مناطق و ایجاد جاذبه ماندن در این مناطق اهمیت ویژه ای دارد و تسهیل در چنین مواردی در قالب برنامه های ویژه در چارچوب برنامه ها چشم انداز ضروری به نظر می رسد.

منابع

- ابراهیم زاده آسمین، عباسیان حسین، نقش بازارچه های مرزی بر توسعه و افزایش امنیت در استان سیستان و بلوچستان، **مجله مطالعات دفاعی و امنیتی**، سال ۱۳۸۹، شماره ۵۹، ص ۱۴۰-۱۰۷
- ابراهیم مستکانی عابد، احمد وند مصطفی، ارزیابی تاثیرات اجتماعی- اقتصادی بازارچه مرزی سرو بر توسعه مناطق روستایی پیرامون، **پژوهش های روستایی**، دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۸۸-۳۶۹
- استانداری استان سیستان و بلوچستان

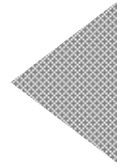
- اسماعیل زاده خالد (۱۳۸۵) مطالعه ی انسان شناختی بازارچه های مشترک مرزی با رویکرد انسان شناسی اقتصادی (مطالعه موردی: تجارت مرزی در روستاهای مرز نشین شهرستان سردشت)، کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران
- افتخاری عبدالرضا رکن الدین، پاپلی یزدی، محمد حسین و عبدی، عرفان، ارزیابی آثار اقتصادی بازارچه های مرزی در بازتاب های توسعه مناطق مرزی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳۸۷، سال ۴، شماره ۲، تهران ۱۰۹-۸۲
- بدری سید علی، دربان آستانه علیرضا، سعدی سیما، تاثیر بازارچه های مرزی در توسعه سیلسی- فضایی مناطق روستایی مرزی مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان، جغرافیا و توسعه، دوره ۱۶، شماره، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱-۲۴
- بی سخن امید، تاثیر بازارچه های مرزی در تغییر ساختار اقتصادی و کالبدی شهر نمونه وردی: پیرانشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان، سال ۱۳۸۷
- بیگی کیهان، امیری وحید، بررسی نقش و میزان تاثیر بازارچه های مرزی در بهبود وضعیت اجتماعی ساکنان منطقه مرزی (مورد مطالعه: بازارچه مرزی پرویز خان استان کرمانشاه)، کنفرانس بین المللی چالش ها و راهکار های مدیریت و توسعه اقتصادی، سال ۱۳۹۶
- پهلوانی مصیب، بررسی مسائل و مشکلات بازارچه های مشترک مرزی سیستان و بلوچستان، همایش شناخت استعداد های بازرگانی- اقتصادی استان سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۷۸
- دارابی مرتضی، نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی استان ایلام، سومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، سال ۱۳۹۶
- دهمرده نظر، محمودی مجید، دهمرده قلعه نو زهرا، توانمندی های استان سیستان و بلوچستان برای رسیدن به توسعه با تاکید بر ترانزیت کالا و کشاورزی، مجموعه مقالات ششمین همایش از سلسله همایش های منطقه ای چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس، سال ۱۳۸۷
- رضائی مریم، مسعودی راد ماندانا، بررسی نقش بازارچه های مرزی بر اقتصاد و امنیت مناطق پیرامون (نمونه موردی: بازارچه مرزی مهران)، فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی ایلام، سال ۱۳۹۴
- سازمان جهاد سازندگی
- سلمانی بی شک محمد رضا، اشکان المیرا، اثر صادرات کالاهای صنعتی بر رشد اقتصاد ایران، سال ۱۳۹۳، شماره ۱۱ و ۱۲، مجله اقتصادی ص ۱۶-۵
- شاه آبادی و ثمری (۱۳۹۶) عوامل موثر بر صادرات مبتنی بر فناوری برتر با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۶

- طیب نیا سید هادی، منوچهری سوران، نقش بازارچه های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی مورد نمونه: روستاهای بخش خاو و میر آباد شهرستان میروان، **فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی**، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، پیاپی ۱۵، ص ۱۷۲-۱۴۷
- عاشری امامعلی، نور محمدی سمیه، قادری رضا، رستمی علیرضا، ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه های مرزی و نقش آن در توسعه مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی جوانرود شیخ صالح)، **دومین همایش ملی راهکار های توسعه اقتصادی با محوریت برنامه ریزی منطقه ای**، دانشگاه سنندج، ایران، سال ۱۳۹۱
- غلامرضایی سعید، نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی (مطالعه موردی بازارچه صنم بلاغی بلدشت، **دومین همایش ملی راهکار های توسعه اقتصادی با محوریت برنامه ریزی منطقه ای**، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ۱۳۹۱
- کامران حسن، محمد پور علی، جعفری فرهاد، تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران، **جغرافیا نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران**، سال ۱۳۸۸، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۹ و ۱۸
- محمدی صالح رحیم، بوکانی رشید، ویسی رضا، نقش تجارت مرزی در تثبیت جمعیت روستایی: **مطالعه موردی حوزه نفوذ بازارچه مرزی سردشت**، دوره ۲۶، سال ۱۳۹۱، شماره ۴، پیاپی ۸۶
- محمدی یگانه بهروز، مهدی زاده عصمت، مهدی زاده غفت، چراغی مهدی، ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه ی مهران بر توسعه نواحی روستایی **مطالعه موردی: دهستان محسن آباد- ۱۳۹۱**، ص ۷۹-۹۶
- معصومی مجید، اژدری بهناز، ملکوتی محمد جواد، نقش ژئوپلیتیکی رودخانه ژئوآکونومی بازارچه مرزی در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان، **پژوهشنامه جغرافیایی انتظامی سال اول**، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲
- موسوی میرنجف، ارزیابی نقش بازارچه های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرز نشین؛ **مطالعه موردی: بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر**، علمی پژوهشی، سال ۱۳۹۲، ISC شماره ۳۳، ص ۵۵ تا ۷۰
- میری غلامرضا، اسمعیل زایی ناهید، حق پرست عباسعلی، شهنوازی یونس، نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی و امنیت در مناطق مرزی (بازارچه مرزی میلک زابل)، **همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش ها و رهیافت ها**، دانشگاه سیستان و بوچستان سال ۱۳۹۱

- Bruno Versailles, Market Integration and Border Effects in Eastern Africa, **Paper provided by Centre for the Study of African Economies**, University of Oxford in its series CSAE Working Paper Series with number, 2012

- C.-L. E. Liu, An investigation of relationship learning in cross-border buyer-supplier relationships: **The role of trust, International Business Review**, Volume 21, Issue 3, June, Pages 311-327, 2012.
- Emilene Pliego Pliego, Jorge Velazquez-Castro, Markus P. Eichhorn, Andres Fraguela Collar. (2017), Increased Efficiency in the Second-Hand Tire Trade Provides Opportunity for Dengue Control. **Journal of Theoretical Biology** .
- Leebouapao, L; Phonesaly, S; Phetsamone, S; Souphith, D; Vanthana, N . (2004). Lao PDR Cross
- Lin Zhanga, Lin Cuib,1, Sali Lic,1, Jiangyong Lua. (2017), Who rides the tide of regionalization: Examining the effect of the China-ASEAN Free Trade Area on the exports of Chinese firms. **International Business Review**
- Murshid.K.a.s; Tuot, S. (2005) .the Cross Border Economy of Cambodia" **Cambodia Development Resource Institute** ,Development Analysis Network with the Support of the RockefellerFoundation Phnom Penh.104-126
- Niebuhr, Annekatriin & Silvia Stiller. (2002), Integration Effects in BorderRegions – A Survey of Economic Theory and Empirical Studies; Hamburgisches Welt-Wirtschafts- **Archiv (HWWA) Hamburg Institute of International Economics.**

نقش و کاربرد ابزارهای اقتصادی در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیست



فرزام پوراصغر سنگاچین^۱

سجاد بهرامی^۲

حمیده حیدرزاده^۳

(تاریخ دریافت ۹۷/۳/۷ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۹)

چکیده

انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از مصرف انرژی، طی سال‌های اخیر، در ایران و جهان افزایش قابل توجهی داشته است. افزایش تقاضای جهانی انرژی از سوخت‌های فسیلی نقش مهمی در روند صعودی انتشار CO₂ دارد. با بسط و گسترش معضلات محیط‌زیستی ناشی از فعالیت‌های بشر مشخص شده است که فعالیت‌های اقتصادی بدون توجه به محدودیت‌های محیط‌زیست نمی‌توانند ادامه پیدا کنند. به همین دلیل استفاده از سازوکارهای بازار و ابزارهای اقتصادی و همچنین قانون و مقررات برای استفاده عقلایی از مواهب منابع طبیعی در کانون توجه بسیاری از دولت‌های جهان قرار گرفته است. طبق مطالعات گذشته، ابزارهای اقتصادی کارآمدترین راه‌حل

۱- رئیس گروه توسعه پایدار، امور برنامه ریزی، نظارت و آمایش سرزمین، سازمان برنامه و بودجه کشور

۲- کارشناس توسعه پایدار، امور برنامه ریزی، نظارت و آمایش سرزمین، سازمان برنامه و بودجه کشور (نویسنده مسئول).

s.bahrami98@gmail.com

۳- کارشناس امور آب، کشاورزی و محیط زیست، سازمان برنامه و بودجه کشور

را برای کنترل و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ارائه می‌دهند که دو فرم اصلی این ابزارها شامل مالیات بر آلودگی و مجوزهای قابل مبادله می‌شود. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله بیشتر اسنادی-تحلیلی است که سعی بر آن شده است با توجه به اسناد و قوانین و مقررات به ضرورت و نقش ابزارهای اقتصادی در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیست تاکید شود. در واقع در این تحقیق مفاهیم و ابزارهای اقتصادی مؤثر در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به نقش این ابزارهای اقتصادی در نیل به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و جایگاه آن‌ها در نظام برنامه‌ریزی کشور پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: گازهای گلخانه‌ای، ابزارهای اقتصادی، مالیات، مجوزهای قابل مبادله

مقدمه

یکی از نگرانی‌های عمده زیست‌محیطی به‌ویژه در دستیابی به توسعه پایدار، دی‌اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه‌ای می‌باشد. گازهای گلخانه‌ای اولیه عبارتند از: دی‌اکسید کربن (CO_2)، متان (CH_4) و دی‌نیتروژن اکسید (N_2O) از ن در جو پایین (O_3) و کلروفلوئوروکربن‌ها (CFCs). انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت در بیوسفر عامل اصلی تغییر اقلیم محسوب می‌شوند (کارگری و مستوری، ۱۳۸۹). در بین این گازها کربن دی‌اکسید، متان و دی‌نیتروژن اکسید به دلیل عمر زیاد و میزان بازتابش امواج فروسرخ از مهم‌ترین گازهای گلخانه‌ای هستند و در گزارش‌های نشر گازهای گلخانه‌ای عمدتاً این گازها را در نظر می‌گیرند. گاز گلخانه‌ای دی‌اکسید کربن به‌عنوان مبنای تعیین میزان تأثیر گازهای گلخانه‌ای بر گرمایش زمین در نظر گرفته می‌شود و پتانسیل گرمایش سایر گازها نسبت به این گاز سنجیده می‌شود. (IPCC, 2006). گازهای گلخانه‌ای توسط منابع طبیعی و غیرطبیعی تولید و جذب می‌شوند این منابع را اصطلاحاً چشمه‌ها و چاهک‌های گازهای گلخانه‌ای می‌نامند. بزرگ‌ترین منبع انتشار گازهای گلخانه‌ای احتراق سوخت‌های فسیلی می‌باشد (IPCC, 2013). از زمان انقلاب صنعتی تاکنون

غلظت CO₂ جو به میزان ۴۴ درصد، عمدتاً به دلیل احتراق سوخت‌های فسیلی، افزایش یافته است (NOAA/ESRL, 2017). در بین فعالیت‌های انسانی که گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کنند، استفاده از انرژی بزرگ‌ترین منبع انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌باشد (IPCC, 2013). افزایش تقاضا برای انرژی، ناشی از توسعه و رشد اقتصادی در سراسر جهان می‌باشد. تقاضای جهانی انرژی محاسبه شده با توجه به کل عرضه انرژی اولیه (TPES) بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۵ تقریباً ۱۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است که هنوز هم به سوخت‌های فسیلی متکی می‌باشد. علیرغم رشد انرژی غیر فسیلی، به‌ویژه در تولید برق که اکنون ۳۴ درصد از رقم جهانی (از جمله انرژی هسته‌ای، انرژی آبی و سایر منابع تجدید پذیر) را تشکیل می‌دهد، سهم سوخت‌های فسیلی در عرضه انرژی جهان در طول چهار دهه گذشته نسبتاً تغییر نکرده است. در سال ۲۰۱۵، منابع فسیلی ۸۲ درصد از کل عرضه انرژی اولیه (TPES) جهانی را تشکیل داده‌اند. رشد تقاضای جهانی انرژی از سوخت‌های فسیلی نقش مهمی در روند صعودی انتشار CO₂ دارد. از زمان انقلاب صنعتی، انتشار CO₂ سالانه از احتراق سوخت به‌طور چشمگیری از نزدیک به صفر تا بیش از ۳۳ گیگا تن CO₂ در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است. دو سوم انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از احتراق سوخت در سال ۲۰۱۵ در اثر دو بخش تولید می‌شوند: تولید برق و گرما به‌مراتب بزرگ‌ترین سهم با ۴۲ درصد و پس از آن حمل‌ونقل با ۲۴ درصد را دارا می‌باشند. (IEA, 2017). در حقیقت هیچ نظام اقتصادی نمی‌تواند بدون حمایت نظام‌های بوم‌شناختی (منابع زنده و غیرزنده و روابط متقابل بین آن‌ها) به حیات خود ادامه دهد. مفهوم این گفته این است که به‌منظور به حرکت در آمدن اقتصاد (یعنی تأمین کالاها و خدمات یا ثروت برای انسان‌ها) باید منابع اولیه یعنی مواد خام و سوخت را از طبیعت استخراج و فراوری نمود. این موضوع به‌خوبی ارتباط تنگاتنگ بین نظام اقتصادی و محیط‌زیست را نمایان می‌سازد. فعالیت‌های عمرانی به طرق مختلف بر محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند و مطلوبیت آن را برای جامعه کاهش می‌دهند. از سوی دیگر ظرفیت محیط‌زیست محدود می‌باشد. بنابراین فعالیت‌های اقتصادی که محیط‌زیست را آلوده می‌نمایند، نمی‌توانند بدون هیچ محدودیتی به فعالیت خود

ادامه دهند زیرا ظرفیت خود پالایی محیط‌زیست محدود است (پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۰). با توجه به افزایش میزان فعالیت‌های اقتصادی بشر در محیط‌زیست طبیعی و کاهش توان محیط به برآورده ساختن این نیازها و در واقع محدود بودن توان پاسخگویی محیط‌زیست برای توان خواسته‌های انسان‌ها، مفهوم حفاظت از محیط‌زیست از حیث اقتصادی مطرح گردیده است (دانشی و همکاران، ۱۳۹۳). هزینه‌های کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای از صنعتی به صنعتی دیگر و از کارخانه‌ای به کارخانه‌ی دیگر متفاوت خواهد بود. کارایی‌ترین شکل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تشویق به کاهش انتشار می‌باشد که می‌تواند با کمترین هزینه از نظر منابع اقتصادی واقعی به دست آید. ابزارهای اقتصادی یا ابزارهای مبتنی بر بازار، کارآمدترین راه حل را ارائه می‌دهند که دو فرم اصلی را شامل می‌شود: مالیات بر آلودگی و مجوزهای قابل مبادله. (Royal Society, 2002). در این مطالعه سعی بر آن است که این دو فرم از ابزارهای اقتصادی تشریح شوند.

۱- مبانی

طرح موضوعات زیست‌محیطی در دهه ۷۰ میلادی موجب نگرانی‌هایی در بخش اقتصادی شد؛ زیرا به‌زعم کارگزاران اقتصادی رعایت دقیق استانداردهای زیست‌محیطی در بخش تولید می‌تواند موجب کاهش رشد اقتصادی گردد. فرآیند تدریجی ادغام موضوعات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با برگزاری کنفرانس ریو ۱۹۹۲ آغاز شد و همچنان نیز در دستور کار دولت‌ها و برخی از سازمان‌های بین‌المللی قرار دارد. اقتصاد سبز یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ادغام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و بدون آن توسعه پایدار محقق نخواهد شد. اکثر اقتصاددانان فارغ از اینکه جزء کدام یک از نحله‌های اقتصادی باشند در این خصوص اتفاق نظر دارند که باید راه حل فوری جهت حل مشکلات و معضلات زیست‌محیطی اتخاذ گردد. اقتصاددانانی چون پیگو، سامولسون و کواز با طرح مفاهیمی همچون آثار جانبی یا آثار خارجی (برونی)، اموال عمومی و حق آلوده کردن سعی بر پر کردن خلأهای موجود کرده‌اند. به تدریج این مفاهیم از رهگذر ارائه نظریات بعدی اقتصادی تبدیل به یکی از

موضوعات مهم اقتصاد محیط‌زیست گردید (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳).

اتخاذ سیاست‌های مالی برای حفاظت از محیط‌زیست از جمله عوارض و مالیات‌ها یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حفاظت از محیط‌زیست قلمداد می‌شوند. زیرا مالیات‌ها از طریق سازوکارهای بازار عمل می‌کنند و می‌توانند در رویکرد بنگاه‌های تولید تغییر ایجاد کنند. مسئله اصلی در استفاده از مالیات‌ها این است که باید آن‌ها را به گونه‌ای تنظیم کرد که نه تنها منافع و هزینه‌های مستقیم فعالیت‌های اقتصادی بلکه هزینه‌های غیرمستقیمی را که بر محیط‌زیست تحمیل می‌کند، انعکاس دهد. در صورتی که سیاست‌های مالیاتی برای پیشگیری از فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست به‌خوبی استفاده شوند، در این صورت می‌توان پایداری توسعه را تضمین کرد. البته باید متذکر شد در مورد برخی از اهداف زیست‌محیطی مانند محدود کردن میزان صید آبیان در یک منبع شیلاتی یا دفع اصولی پسماندهای اتمی، وضع مالیات کارایی نداشته و صرفاً باید از رویکردهای قانونی برای این منظور استفاده کرد، (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹).

مالیات‌هایی که به‌منظور اضافه کردن هزینه‌های زیست‌محیطی به قیمت تولید کالاها یا پرداخت بهای واقعی خدمات وضع می‌شوند، موجب می‌شود بازار علائم صحیحی مخابره کند که در نتیجه آن اهداف محیط‌زیست در سطح بهینه قابل‌دسترس خواهد شد. مزیت سیاست‌های مالی برای منظور کردن هزینه‌های زیست‌محیطی غیرمستقیم، باعث تحت تأثیر قرار گرفتن بنگاه‌های بزرگ، سیاست‌گذاران و خانوارها شده و هزینه‌های تحقق اهداف محیط‌زیست را بشدت کاهش می‌دهد. لذا در صورتی که بازار کارکردهای مختلف بوم‌شناختی نظام‌های زیستی را به‌خوبی بازتاب دهد، اطلاعاتی که فرد برای اتخاذ تصمیمات عقلایی در زمینه بهره‌برداری از محیط‌زیست نیاز دارد به حداقل ممکن کاهش می‌یابد (کریم زادگان، ۱۳۸۲). به این ترتیب مشاهده می‌شود، رابطه تنگاتنگی بین نظام اقتصادی و محیط‌زیست وجود دارد، چرا که اگر ما برای محیط‌زیست سه کارکرد اصلی فراهم آورنده مواد اولیه (منابع تجدید شونده و غیرقابل تجدید) برای تولید محصولات، جاذب بسیاری از ضایعات حاصل از فرایندهای تولیدی و رضایت خاطر معنوی برای افراد بشر از نظر امکان بهره‌برداری‌های زیباشناختی که به طور کل

می‌توان از آن‌ها به‌عنوان حفظ حیات نام برد، در نظر بگیریم، هریک از این کارکردها یک کارکرد اقتصادی محسوب می‌شوند و چنانچه این کارکردها در یک فروشگاه مبادله شوند قیمت‌های بسیار خوبی خواهند داشت. متأسفانه، بسیاری از این کارکردها قیمت‌گذاری نشده و این مسئله باعث شده است که انسان رفتار عقلایی با محیط‌زیست نداشته باشد و به طرق مختلف موجبات آلودگی و تخریب آن را فراهم کند. بنابراین، قیمت‌گذاری کارکردهای زیست‌محیطی و انعکاس هزینه‌های تخریب و بهره‌برداری از محیط‌زیست گام مهمی برای رسیدن به پایداری است که می‌تواند حفظ کارکردهای محیط‌زیست را در بلندمدت تضمین نماید (پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۹).

بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست در بسیاری از کشورها از جمله ایران نشان می‌دهد که دخالت دولت‌ها برای کنترل آلودگی و حفاظت از محیط‌زیست تجربه موفق‌تری نبوده است. زیرا در اکثر این کشورها مقوله حفاظت از محیط‌زیست عمدتاً از طریق وضع قوانین و تدوین استانداردها دنبال شده و کمتر از ابزارهای اقتصادی و مکانیسم‌های بازار به‌ویژه مالیات‌ها و عوارض برای تخصیص منابع و حفاظت از محیط‌زیست استفاده شده است. تجربه توسعه اقتصادی در ایران مبین این واقعیت است که در امور تولیدی و سرمایه‌گذاری نقش دولت گسترده بوده و نقش آن در فعالیت‌های اقتصادی تعیین‌کننده است. این امر باعث شده است تا دولت به‌منظور رفع نیازهای جامعه به تولید کالاهایی مبادرت ورزد که در فرایند تولید آن‌ها رعایت استانداردهای زیست‌محیطی نشده است. از آنجائی که منابع زیست‌محیطی محدود می‌باشد و از طرف دیگر با گسترش فعالیت‌های تولیدی کیفیت این‌گونه منابع کاهش خواهد یافت، لذا ضرورت دارد تا به‌منظور منطقی نمودن استفاده از منابع زیست‌محیطی، سیستم قیمت‌گذاری تعریف شده و به تناسب آن ابزارهای اقتصادی مناسب مانند مالیات و عوارض بکار گرفته شود.

۲-۱- پیشینه تحقیق

در ادامه به برخی از مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته در ایران و جهان در زمینه استفاده از ابزارهای اقتصادی در کاهش آلودگی‌ها پرداخته می‌شود.

ویسما و دلینک^۱ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای در ایرلند به این نتیجه رسیدند که با نرخ مالیات ۱۰-۱۵ یورو بر تن دی‌اکسید کربن، آلودگی به اندازه ۲۵ درصد کاهش می‌یابد. کاهش رفاه حاصل از این مالیات ۱ درصد برآورد گردیده است.

لیانگ و همکاران^۲ (۲۰۰۷) در چین بیان داشتند که به‌منظور کاهش ۵-۱۰ درصدی دی‌اکسید کربن، بدون پرداخت یارانه به تولید یا معافیت‌های مالیاتی، تولید ناخالص داخلی کاهش خواهد یافت؛ اما در این مطالعه مشخص شد که با معاف کردن بخش‌های مصرف‌کننده انرژی بر و تجاری‌تر، حتی امکان افزایش تولید ناخالص داخلی وجود خواهد داشت.

در مطالعه برائو^۳ (۲۰۱۱) در فرانسه به‌منظور کاهش ۱۴ درصدی انتشار دی‌اکسید کربن، سناریو مالیات بر کربن ۳۱ یورو به ازای هر تن انتشار دی‌اکسید کربن بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که با اجرای این سیاست رفاه هر خانوار کاهش می‌یابد و سهم خانوارهای ثروتمندتر از این کاهش مطلوبیت بیشتر است. در این مطالعه نشان داده شده است توزیع یکنواخت درآمدهای مالیاتی میان خانوارها موجب افزایش درآمد خانوارهای فقیر خواهد شد.

دیسو و ایلند^۴ (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای در کانادا به این نتیجه رسیدند که با سناریوی دریافت مالیات ۴۰ دلار به ازای هر تن انتشار دی‌اکسید کربن، در صورت بازگشت مالیات ضمن تعدیل کاهش پتانسیل رقابت، موجب کاهش بیشتری در تولید ناخالص داخلی خواهد شد. بدون عودت مالیات بر آلودگی تولید ناخالص ۰/۱۳ درصد کاهش می‌یابد و با عودت آن تولید ناخالص ۰/۱۷ درصد کاهش می‌یابد. این شرایط برای رفاه نیز برقرار است.

1 - Wissema and Dellink

2 - Liang et al

3 - Bureau

4 - Dissou and Eyland

هادیان و استاذزاد (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای به برآورد سطح بهینه مالیات بر آلودگی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. آن‌ها به این منظور، یک الگوی سه‌بخشی شامل خانوار، بنگاه و دولت در نظر گرفته که پس از حل الگو با استفاده از آمار مربوط به اقتصاد ایران مقدار بهینه مالیات بر آلودگی محاسبه کرده‌اند. پس از کالیبره کردن الگوی حل شده، نرخ بهینه مالیات بر آلودگی ۷/۸ هزار ریال به ازای هر تن انتشار CO₂ به دست آورده‌اند.

اسلاملوئیان و استاذزاد (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با رویکرد نظریه بازی‌ها به بررسی مالیات سبز در بخش‌های انرژی و کالای نهایی در ایران پرداختند. آن‌ها بعد از ساخت یک الگو، ابتدا توابع تولید انرژی‌های فسیلی، انرژی‌های تجدید پذیر به‌عنوان کالای واسطه‌ای و تابع تولید کالای نهایی برآورده کردند. سپس یک بازی پویا برای سه بازیگر شامل دولت، بنگاه‌های واسطه‌ای تولید انرژی و بنگاه تولید کالای نهایی طراحی نمودند. بر اساس مدل آن‌ها، در مرحله اول دولت با هدف حداکثر سازی رفاه به تعیین نرخ مالیات می‌پردازد و در مرحله دوم، بنگاه‌ها با اخذ این نرخ با انتخاب عوامل تولید سود خود را حداکثر می‌کند. بر اساس نتایج نرخ بهینه مالیات سبز در سال ۱۳۹۴ حدود ۹ درصد تولید کالاهای نهایی برآورد گردید.

۲-۲- اهمیت ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط‌زیست و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی

جامعه جهانی برای مقابله با کاهش و کمیابی روز افزون منابع و تشدید معضلات محیط‌زیست و سرانجام محدود شدن منابع به سه طریق قادر است به علائم مربوط به اینکه مصرف منابع و انتشار آلاینده‌ها از محدودیت‌های پایدار خود فراتر رفته است واکنش نشان دهد (شکل ۱). **یک روش** انکار وجود هرگونه محدودیت، خودفریبی، یا اشتباه در دریافت علائم است. این رویکرد اشکال مختلفی دارد. برخی مدعی هستند که دلیلی ندارد نگران محدودیت‌ها باشیم، زیرا بازار و فناوری به طور خودکار هر مشکلی را حل می‌کند (دیدگاه افراط‌گرایانه اقتصادی). بعضی نیز بر این باورند که تا زمانی که مطالعات کافی در این زمینه انجام نشده است برای کاهش فشارهای وارده بر محیط‌زیست نباید تلاش نمود. بر این اساس در این رویکرد افراد خواهان انتقال

هزینه‌های تخریب و آلودگی محیط‌زیست به مکان‌های دیگر و زمان‌های دورتر هستند (پوراصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۴).

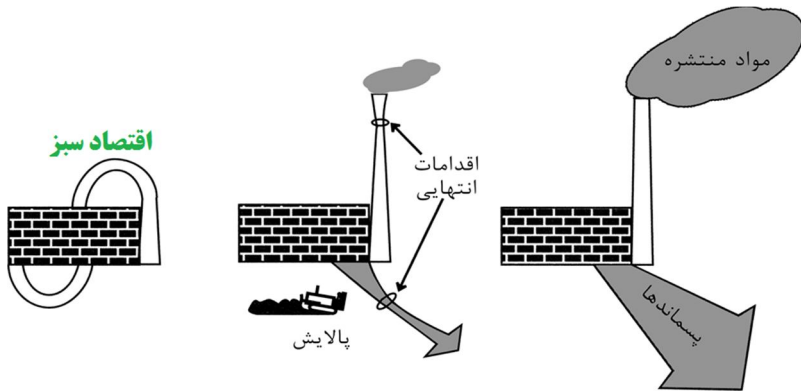
دومین روش برای مقابله با معضلات ناشی از کاهش و محدود شدن منابع زیست‌محیطی کاهش فشارهای موجود بر محدودیت‌ها با کمک ابزارهای فنی و اقتصادی است که در این خصوص می‌توان به سازوکارهای زیر اشاره کرد:

- مقدار آلودگی ایجادشده به ازای هر مایل رانندگی یا هر کیلووات برق تولیدشده را کاهش داد.
- منابع را با کارایی بیشتر مصرف کرد، منابع را بازیافت نمود، یا منابع تجدیدپذیر را جایگزین منابع تجدیدناپذیر کرد.
- وظایفی را که طبیعت انجام می‌دهد نظیر تصفیه فاضلاب، یا کنترل سیلاب، یا احیاء باروری خاک، با انرژی، سرمایه انسانی، یا نیروی کار جایگزین کرد.

انجام هرچه سریع‌تر این اقدامات ضروری است. بسیاری از این اقدامات، کارایی اکولوژیکی را افزایش و با خرید زمان بیشتر فشارها را برای مدتی کاهش می‌دهد. ولی اقدامات مذکور دلایل اصلی فشارها را حذف نمی‌کند. چنانچه یک خودرو به ازای هر مایل مسافت طی شده آلودگی کمتری ایجاد کند، ولی اگر مسافت بیشتری طی شود، یا ظرفیت تصفیه فاضلاب افزایش یابد، در این صورت به موازات آن حجم فاضلاب نیز بیشتر شود و مشکلات به‌جای حل شدن، تنها به تعویق خواهد افتاد.

سومین روش برای مقابله با معضلات زیست‌محیطی و کاهش روز افزون منابع، توجه به دلایل اصلی و اعتراف به این موضوع است که نظام اقتصادی - اجتماعی با ساختار فعلی خود قابل کنترل نیست و از ظرفیت برد خود فراتر رفته و در حال فروپاشی است و در نتیجه باید ساختار اقتصادی آن را تغییر داد. لذا باید تجدیدنظر اساسی در الگوهای تولید و مصرف منابع در چارچوب‌های نوین از جمله اقتصاد سبز یا رشد سبز انجام داد. بدین منظور جامعه جهانی باید تحولات ساختاری در نظام اقتصادی به وجود آورد.

شکل شماره (۱) - مراحل تکامل رویکردهای جلوگیری از آلودگی (ماناهان، ۱۳۹۰)



۱. نادیده گرفتن آلاینده‌ها، دورریختن پسماندها
 ۲. کنترل آلاینده‌ها و پسماندها پس از تولید
 ۳. بستن حلقه و یکپارچه کردن آن با محیط زیست

ابزارهای اقتصادی شامل طیف وسیعی از ابزارهای سیاستی همچون مالیات‌های آلودگی و مجوزهای قابل فروش برای سیستم‌های بازپرداخت سپرده و عملکرد اوراق قرضه می‌باشند. عنصر رایج تمامی ابزارهای اقتصادی این است که آن‌ها از طریق تأثیر بر سیگنال‌های بازار در سطح غیرمتمرکز کار می‌کنند. ابزارهای اقتصادی اغلب با رویکردهای سیاست فرماندهی و کنترل^۱ که اهداف کاهش آلودگی و فن‌آوری‌های مجاز کنترل را بر اساس قوانین یا مقررات تعیین می‌کنند، متناقض هستند. در واقع، رویکردهای فرماندهی و کنترل و ابزارهای اقتصادی اغلب در پشت سر هم کار می‌کنند. به عنوان مثال، دولت‌ها ممکن است محدودیت‌های آلودگی مجاز را برای یک منطقه یا کشور تعیین کنند. سپس رویکردهای بازار گرا مانند مجوزهای قابل معامله برای تخصیص انتشار مجاز به روش کارآمد استفاده شوند (UNEP, 2002).

فعالیت اقتصادی برای تولید کالاها و خدمات نه تنها به گروه‌های مشخص درگیر در تولید و

1 - command and control policy

مصرف (هزینه‌های خصوصی) بلکه به مردم (هزینه‌های اجتماعی) نیز مرتبط می‌شود. هزینه‌های اجتماعی شامل هزینه‌های آلودگی، تخریب منابع طبیعی یا تخریب محیط‌زیست است. این هزینه‌ها اغلب در قیمت‌های پرداخت‌شده توسط مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان لحاظ نمی‌شود. عدم توجه به "هزینه‌های خارجی" در تصمیم‌گیری‌های خصوصی می‌تواند از طریق استفاده از ابزار اقتصادی با افزودن آن‌ها در قیمت کالاها و خدمات اصلاح شود تا سیگنال‌های بازار را دقیق‌تر منتقل کند. ابزارهای اقتصادی به این ترتیب ابزاری برای اجرای اصل "پرداخت غرامت" می‌باشند. (UNEP, 2002). در برخی اسناد و بیانیه‌های بین‌المللی در رابطه با بحران آلودگی‌ها و کنترل آن‌ها و اقتصاد سبز مطالبی اشاره شده است از جمله:

- **در بند ۵۶ بیانیه ریو سال ۱۹۹۲** عنوان شده است که در جهان بر اساس شرایط و اولویت‌های هر کشور برای دستیابی به توسعه پایدار در سه بعد آن که هدف بالادستی است، رویکردها، چشم‌اندازها، مدل‌ها و ابزارهای متفاوت قابل دسترس برای هر کشور وجود دارد (دستور کار ۲۱).

- **در بند ۱۶ بیانیه ریو سال ۱۹۹۲** نیز عنوان شده است، مقامات مسئول در سطح ملی باید برای داخلی کردن هزینه‌های زیست‌محیطی تلاش کنند و با استفاده از ابزارهای اقتصادی، رویکردهایی را اتخاذ کنند که منابع آلاینده را موظف به پرداخت و تقبل هزینه‌های آلودگی کند تا منافع جامعه حفظ‌شده و آسیبی به تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی نشود (دستور کار ۲۱)

- **در فصل هشتم دستور کار ۲۱** بر استفاده مؤثر از ابزارهای اقتصادی و سازوکارهای بازار و سایر محرک‌های تشویقی برای دست یافتن به توسعه پایدار و حفاظت محیط‌زیست تأکید شده است. (دستور کار ۲۱)

همچنین در سیاست‌گذاری‌های نظام برنامه‌ریزی ایران نیز استفاده برخی از مفاهیم مالیات بر آلودگی‌ها یا حتی مفاهیم مشابه وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها به صورت خلاصه اشاره می‌گردد.

تبصره ۱ ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده بیان می‌دارد که واحدهای تولیدی آلاینده محیط‌زیست که استانداردها و ضوابط حفاظت از محیط‌زیست را رعایت نمی‌نمایند، طبق تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط‌زیست، همچنین پالایشگاه‌های نفت و واحدهای پتروشیمی، علاوه بر مالیات و عوارض موضوع این قانون، مشمول پرداخت یک درصد از قیمت فروش به‌عنوان عوارض آلاینده‌گی می‌باشند.

برخی از بندهای سیاست‌های کلی محیط‌زیست ابلاغی مقام معظم رهبری از جمله:

بند ۴. پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت.

بند ۸. گسترش اقتصاد سبز با تأکید بر؛

۸-۱- صنعت کم‌کربن، استفاده از انرژی‌های پاک، محصولات کشاورزی سالم و ارگانیک و مدیریت پسماندها و پساب‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و زیست‌محیطی.

۸-۲- اصلاح الگوی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی الگوی مصرف آب، منابع، غذا، مواد و انرژی به‌ویژه ترویج مواد سوختی سازگار با محیط‌زیست.

۸-۳- توسعه حمل‌ونقل عمومی سبز و غیر فسیلی از جمله برقی و افزایش حمل‌ونقل همگانی به‌ویژه در کلان‌شهرها.

۱۱. حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری‌ها و فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست با استفاده از ابزارهای مناسب از جمله عوارض و مالیات سبز.

۱۵. تقویت دیپلماسی محیط‌زیست با

۱۵-۳- بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌ها و مشوق‌های بین‌المللی در حرکت به سوی اقتصاد

کم‌کربن و تسهیل انتقال و توسعه فناوری‌ها و نوآوری‌های مرتبط.

در آرمان ۱۳ اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار (SDGs) و شاخص‌های ذیل آن نیز بر اتخاذ اقدامات عاجل برای مقابله با تغییرات اقلیمی تأکید شده است. راهبردها و سیاست‌ها در اسناد فرابخشی محیط‌زیست در برنامه ششم توسعه: (سازمان برنامه و بودجه، اسناد تفصیلی برنامه ششم، ۱۳۹۴)

❖ راهبرد ۱: توسعه اقتصاد کم‌کربن

- سیاست اتخاذ سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در جهت کاهش آلایندگی و حمایت از انرژی‌های نو و تجدید پذیر
- سیاست استفاده از ابزارهای مالی مانند وضع عوارض و مالیات بر واحدهای ایجاد کننده آلایندگی
- سیاست استفاده از سازوکارهای پولی (اعطای وام کم‌بهره برای توسعه فناوری‌های پاک) برای توسعه اقتصاد کم‌کربن
- سیاست درونی کردن هزینه‌های تخریب و آلودگی محیط‌زیست در هزینه فایده طرح‌ها و پروژه‌های اثرگذار بر محیط‌زیست
- سیاست منظور کردن سیاست‌ها و برنامه‌های سازگاری با اقلیم در برنامه‌های کلیه بخش‌های اثرگذار
- سیاست استقرار نظام حسابداری محیط‌زیست و تهیه حساب‌های اقماری محیط‌زیست

❖ راهبرد ۳: اعمال هزینه‌های آلودگی و تخریب محیط‌زیست در ارزیابی و محاسبات

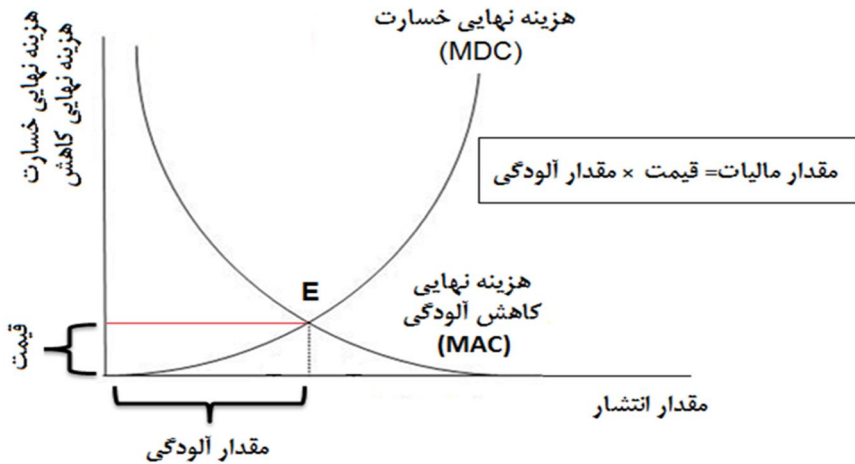
طرح‌ها و اقتصاد کشور

- سیاست وضع عوارض و مالیات بر واحدهای ایجاد کننده آلایندگی
- سیاست ایجاد بسترهای لازم برای استفاده از ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط‌زیست مانند مجوزهای انتشار قابل مبادله
- سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها و حذف یارانه‌های مخرب محیط‌زیست

۲-۳- مالیات بر آلودگی‌ها

موضوع مالیات بر انتشار آلودگی‌ها نخستین بار توسط سر آرتور پیگو در سال ۱۹۲۰ مطرح شده است. پیگو در کتاب خود با عنوان اقتصاد رفاه (۱۹۲۰) برای نخستین بار موضوع انتشار پسماندها را به عنوان آثار بیرونی یا جانبی معرفی کرد و وضع مالیات برابر با هزینه نهایی جانبی را مطرح کرد که موجب می‌شود انتشار آلودگی در سطح کارایی تخصیصی قرار گیرد. آثار جانبی و پیامدهای ناخواسته رفتار یک بنگاه بر یک بنگاه دیگر یا دیگر بنگاه‌هاست که بر اساس ترتیبات نهادی موجود بنگاه آلوده‌کننده هیچ الزامی برای پذیرش مسئولیت آثار جانبی فعالیت‌های خود بر دیگر بنگاه‌ها در خود احساس نمی‌کند. اگرچه آثار جانبی می‌تواند مثبت نیز باشد، اما در سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی اغلب با آثار جانبی منفی روبه‌رو هستیم، مانند آلودگی هوای ناشی از آگزوز خودروها که موجب بروز مشکلات تنفسی در افرادی که در پیرامون مسیر آلوده‌شد خودروها زندگی می‌کنند. برای تعیین وضع مالیات بر انتشار آلاینده‌ها ضروری است تا هزینه نهایی خسارت وارده بر محیط‌زیست و هزینه نهایی کاهش آلودگی بنگاه‌ها تعیین شود. از محل تقاطع این دو منحنی قیمت هر واحد آلودگی مشخص می‌شود که این نقطه، نقطه بهینه انتشار آلودگی از نظر اجتماعی است (شکل ۲). البته در برخی از موارد بر اساس این رویکرد، مالیات (Tax) و در برخی موارد عوارض (Fee) اخذ می‌شود. تفاوت مالیات با عوارض در این است که مالیات مصرف ملی داشته و عوارض مصرف محلی دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹).

شکل شماره (۲) - نحوه محاسبه مالیات بر انتشار آلودگی (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹)



همان‌طور که عنوان شد، برای اینکه نرخ مالیات تعیین گردد لازم است که نقطه بهینه آلودگی مشخص گردد. این کار از طریق برآورد هزینه نهایی کاهش آلودگی (MAC) و هزینه نهایی خسارت محیط‌زیست (MDC) تعیین می‌شود. تعیین هزینه نهایی خسارت را می‌توان از روش‌های مختلف ارزش‌گذاری محیط‌زیست، تخمین زد، اما تعیین هزینه‌های نهایی کاهش آلودگی (MAC) بسیار مشکل می‌باشد، زیرا برای تعیین و برآورد آن‌ها باید اطلاعات را از بنگاه‌ها اخذ کرد که معمولاً برای اینکه بنگاه‌ها تمایلی به پرداخت مالیات‌های بیشتر ندارند و همین دلیل از دادن اطلاعات مناسب و اعلام هزینه‌های واقعی طرفه می‌روند (Kolstad, 2000، صالحی و همکاران، ۱۳۸۹).

دریافت مالیات بر آلودگی، مطابق انتظار، موجب کاهش انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی می‌شود که در پی آن به افزایش مطلوبیت فردی و رفاه اجتماعی منجر خواهد شد اما از سوی دیگر افزایش مالیات از جمله مالیات بر آلودگی و دریافت آن از واحدهای تولیدی، کاهش تولید و در نتیجه کاهش مصرف و رفاه اجتماعی را در پی خواهد داشت. بنابراین، برآیند

تأثیرات وضع مالیات بر آلودگی می‌تواند کاهش و یا افزایش رفاه اجتماعی را به همراه داشته باشد. به همین دلیل ضرورت دارد تا سطح این نوع مالیات به گونه‌ای تعیین گردد که برآیند تأثیرات آن منجر به حداکثر رفاه اجتماعی شود. ابزارهای اقتصادی حفاظت از محیط‌زیست، رویکردهایی سیاستی هستند که رفتارها را از طریق تأثیر بر سیگنال‌های بازار نسبت به دستورالعمل‌های صریح در مورد سطوح کنترل آلودگی‌ها یا استفاده از منابع بیشتر تشویق می‌کنند (Stavins, 2003).

UNEP^۱ مطالعات متعددی در مورد ابزارهای اقتصادی انجام داده است. به‌عنوان مثال در کشور فیلیپین، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای بخش جنگل را مورد مطالعه قرار دادند. در فیلیپین افزایش استخراج منابع و مسکن‌سازی در ذخایر جنگل تهدیدی جدی برای اکوسیستم‌ها و سلامتی درازمدت حوزه آبخیز بود. راه‌حل آن‌ها این بود که حقوق مالکیت را در اختیار کشاورزان موجود قرار دهند تا انگیزه‌ای برای رفتار پایدار ایجاد و کنترل بیشتری را در سرتاسر ذخایر جنگلی داشته باشند. بخش دوم این استراتژی شامل ایجاد هزینه برای کمک به حفاظت از ذخایر جنگلی، از جمله مکانیسم قیمت‌گذاری حوضه و اعتباراتی برای شیوه‌های کشاورزی پایدار بود.

مثال دوم مطالعات UNEP در هند مربوط به سیاست‌گذاری برای کاهش انتشار آلاینده‌ها در صنعت خودرو از جمله عوارض مالیات زیست‌محیطی برای تشویق تولید وسایل نقلیه پاکیزه می‌باشد. مقدار عوارض مالیات با سطوح انتشار متفاوت است. این ابزار اقتصادی باید با مقرراتی تکمیل شود که برای خودروهای موجود برای اجرای برنامه‌های بازرسی و نگهداری برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تقاضا ایجاد نماید (UNEP, 2002).

۲-۴- مجوزهای قابل مبادله

از دیگر ابزارهای مبتنی بر بازار، مجوزهای قابل مبادله انتشار هستند. این ابزار اقتصادی یکی از

روش‌های متعارف در بسیاری از کشورهای توسعه یافته است و از دهه ۷۰ میلادی در برخی از کشورهای توسعه یافته در مورد برخی از آلاینده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از گذشت بیش از یک دهه از زمان آغاز سیستم‌های تجارت انتشار^۱ (ETS) پیشنهادی اتحادیه اروپا، تجارت انتشار گازهای گلخانه‌ای همچنان رشد و توسعه می‌یابد. تجارت انتشار در حال حاضر با ۱۷ سیستم در سراسر جهان عمل می‌کند که بیش از ۴ میلیارد تن از انتشار گازهای گلخانه‌ای را قیمت‌گذاری می‌کنند. اگرچه هیچ رویکرد ایده آل برای طراحی و اجرای ETS وجود ندارد اما سیستم‌های تجارت انتشار در حال حاضر در سطوح مختلف، در مکان‌های بزرگ مانند توکیو، ایالات متحده و استان‌های کانادا و سطح بین‌المللی در اتحادیه اروپا کار می‌کنند. دولت‌ها می‌توانند ETS خود را با توجه به شرایط محلی مطابقت دهند و بخش‌هایی را که بیشتر مربوط به نمایندگی‌های مربوط به انتشار آن‌ها هستند، هدف قرار دهند (ICAP, 2016).

۲-۵- سازوکارها در مجوزهای قابل مبادله

در واقع مجوزهای مبادله پذیر نوعی از ابزارهای سیاست‌گذاری مبتنی بر بازار هستند که بر اساس آن به آلوده‌کنندگان یا بهره‌برداران از منابع این حق داده می‌شود تا مقدار معینی از آلودگی را در محیط‌زیست تخلیه یا مقدار معینی از منابع را به صورت آزاد یا مجوزهای کنترل شده بهره‌برداری کنند. این مجوزها، مانند انواع مالیات موجب ایجاد انگیزه در بنگاه‌های اقتصادی می‌شود تا رفتارها و فعالیت‌های خود را به سوی فعالیت‌های سازگارتر با محیط‌زیست تغییر دهند. از زمانی که این ابزار مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عمدتاً آثار مستقیم بر بنگاه‌ها داشته است. با وضع مالیات انگیزه پولی پیش روی بنگاه قیمت ثابتی است که به ازای هر واحد آلودگی (انتشار) باید پرداخت شود. با صدور مجوزهای مبادله پذیر بنگاه با هدفی کمی درباره انتشار آلودگی روبه‌رو می‌شود که مقدار آن بر اساس مجوزهای صادر شده ثابت است و بنگاه می‌تواند مجوزهای خود را در قیمت‌های مختلف خرید و فروش کند.

نحوه عملکرد در برنامه مجوزهای قابل تبادل در دو مرحله تعیین می‌گردد. گام اول تعیین اهداف کاهش انتشار و میزان آن و گام دوم تخصیص مجوز یا سهمیه به صنایع مشمول طرح می‌باشد. میزان سهمیه یا مجوز تخصیص‌یافته بر اساس میزان انتشار در گذشته، مزایده و یا سایر روش‌ها تعیین می‌گردد. مبادله و خریدوفروش مجوزها نحوه تخصیص حقوق آلودگی را تغییر خواهند داد. با اجرای چنین سیاستی هر منبع آلوده‌کننده، هزینه نهایی کاهش آلودگی بنگاه خود را با قیمت هر مجوز یا سهمیه مقایسه می‌کند. در شرایطی که هزینه نهایی کاهش آلودگی از قیمت مجوزها پایین‌تر باشد صنایع مجوزها یا سهمیه‌های خود را به فروش می‌رسانند. خریدوفروش مجوزها تا زمانی ادامه می‌یابد که هزینه نهایی کنترل آلودگی بین آلوده‌کننده‌های مختلف یکسان گردد (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۸).

به‌طورکلی دو نوع سیستم مجوزهای مبادله پذیر وجود دارد، که شامل برنامه "تعیین سقف و مبادله"^۱ و برنامه "اعتبار کاهش انتشار"^۲ است. در حالت دوم، پیش از شروع عملیات سیستم یک مقدار پایه برای هر منبع مشارکت‌کننده در ایجاد آلودگی تعیین می‌شود. به هر مشارکت‌کننده در صورتی که بتواند به مقداری بیش از هدف تعیین شده برسد اعتبار تعیین می‌شود و اجازه خواهد داشت این اعتبار را به فروش برساند. برنامه "تعیین سقف و مبادله"^۱ مستلزم تصمیم‌گیری سازمان نظارت بر محیط‌زیست درباره کل انتشار (یا بهره‌برداری از منابع طبیعی) مجاز- همان سقف تعیین شده- و تقسیم آن بین بنگاه‌های مشارکت‌کننده است. در این برنامه مقدار مشخصی را به‌عنوان سقف انتشار آلاینده‌ها یا بهره‌برداری از منابع طبیعی برای یک دوره زمانی خاص تعیین می‌شود. هیچ یک از بنگاه‌ها حق ندارند بیش از مقدار سهمیه تعیین شده در مجوز خود آلودگی منتشر (یا از منابع طبیعی بهره‌برداری) کنند. در چارچوب برنامه کاهش انتشار، مشارکت‌کنندگان می‌توانند مجوزها را بین خود خریدوفروش کنند. در این روش سطحی از آلودگی توسط دولت برای مجموعه‌ای از بنگاه‌ها و برای آلودگی خاصی (برای نمونه SO₂)

1 - Cap-and-Trade Program

2 - Emission Reduction Credits (ERCs)

مشخص می‌شود (مثلاً انتشار روزانه ۱۰۰۰ تن). در این حالت برای سیاست‌گذار یا دولت مهم نیست که کدام‌یک از بنگاه‌ها چه میزان آلاینده تولید می‌کند، هدف اصلی دولت کنترل میزان انتشار به میزان سقف تعیین‌شده (۱۰۰۰ تن) است. پس از تعیین سقف آلودگی مجوزها و سهمیه‌های انتشار به بنگاه‌ها داده می‌شود. در مرحله بعد بنگاه‌ها می‌توانند با یکدیگر وارد مبادله شوند و مجوزهای خود را با یکدیگر مبادله کنند. در این صورت بنگاه‌هایی که هزینه نهایی کاهش آلودگی آن‌ها کمتر و به عبارتی از تکنولوژی بهتری برای کنترل انتشار برخوردارند، فروشنده و بر عکس بنگاه‌هایی که دارای "هزینه نهایی کاهش (MAC)" بالاتر هستند و از تکنولوژی کنترل آلودگی پایین‌تری برخوردارند، خریدار مجوزها می‌باشند (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۸).

از مهم‌ترین مزایای این ابزار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انگیزه‌های اقتصادی در بنگاه‌ها برای کاهش انتشار و خلاقیت و نوآوری در بنگاه‌ها به وجود می‌آید
 - این شیوه هزینه‌های چندانی برای سیاست‌گذاران محیط‌زیست و دولت ندارد (هزینه اجرایی کم).
 - کارایی این روش در مورد برخی از آلاینده‌ها کاملاً به اثبات رسیده است.
- از مهم‌ترین معایب این ابزار اقتصادی، مشکلات مربوط به تعیین میزان کل انتشار آلاینده‌ها در محیط‌زیست است. زیرا برای تعیین میزان انتشار بهینه، باید قدرت خود پالایی محیط‌زیست (آب یا هوا) تعیین شود که این کار نیاز به اطلاعات و تخصص بسیار زیاد خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، دارد. ضمناً وضعیت آلودگی در بسیاری از زیست‌بوم‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ایران (مانند رودخانه زرجوب رشت)، به حدی بالا است که از ظرفیت خود پالایی فراتر رفته و عملاً فاقد خاصیت خود پالایی هستند، بنابراین این شیوه علیرغم موفقیت‌های قابل قبول در کشورهای توسعه‌یافته، در کشورهای در حال توسعه به دلیل کمبود اطلاعات و آلودگی بسیار شدید برخی از زیست‌بوم‌های حیاتی، ممکن است از کارایی لازم برخوردار نباشد

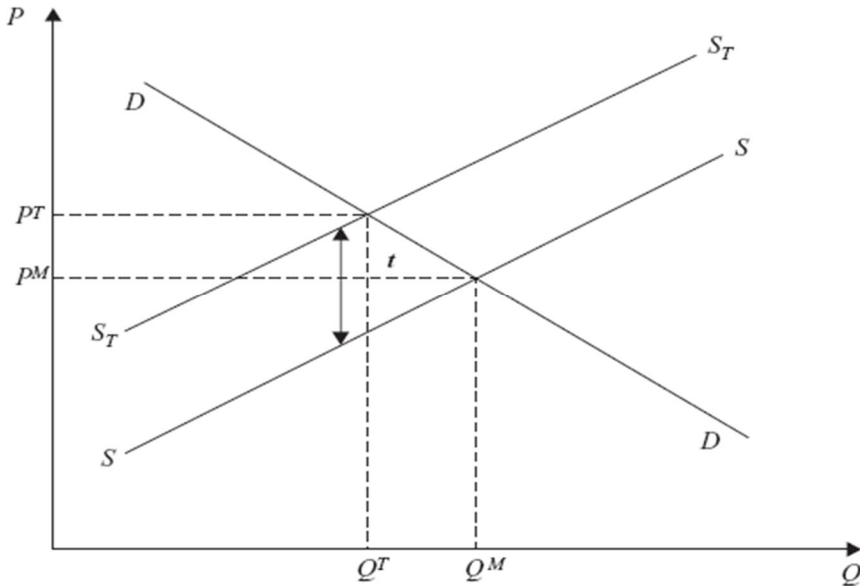
باین حال این شیوه در مورد انتشار آلاینده‌های هوا بسیار کارایی دارد

۲-۶- نقاط قوت و ضعف مالیات و عوارض آلودگی

نیاز به تبدیل و تغییر مالیات‌ها، یعنی پایین آوردن مالیات‌های بر درآمد و برقراری و افزودن عوارض بر فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی به‌منظور واداشتن بازار برای انعکاس واقعی هزینه‌ها، موضوعی است که در کانون توجه دولت‌ها و صاحب‌نظران اقتصادی قرار گرفته است.

وضع مالیات بر انتشار آلاینده‌ها یا نهاده‌هایی که منشأ انتشار آلاینده‌ها هستند، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. افزایش هزینه تولید موجب جابه‌جایی تابع عرضه به سمت بالا می‌شود. این پیامد وضع مالیات بر انتشار آلاینده‌ها یا نهاده‌ها، در شکل ۲ نشان داده شده است، که در آن $S-S$ تابع عرضه برخی از کالاها پیش از وضع مالیات و $ST-ST$ نیز تابع عرضه پس از وضع مالیات است. $D-D$ هم تابع تقاضای کالا است. در نتیجه وضع مالیات، مقدار تعادلی از Q^M به Q^T کاهش می‌یابد و قیمت تعادلی نیز از P^M به P^T افزایش پیدا می‌کند. اندازه این تغییرات در اثر وضع مالیات به کشش‌های عرضه و تقاضا بستگی دارد، که بر اساس آن مالیات وضع شده بین تولیدکنندگان و خریداران تقسیم خواهد شد.

شکل شماره (۳) - اثرات مالیات‌های محیط‌زیستی بر بازار کالاها (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹)



برای تبیین بهتر کارکرد مالیاتی می‌توان وضع مالیات بر کربن را مثال زد. هدف وضع مالیات بر کربن کاهش انتشار دی‌اکسید کربن حاصل از احتراق سوخت‌های فسیلی است که تهدیدی برای آب‌وهوای کره زمین است. بیش از ۹۰ درصد انتشار دی‌اکسید کربن کره زمین از احتراق سوخت‌های فسیلی ناشی می‌شود. در عمل مالیات نباید بر میزان انتشار دی‌اکسید کربن وضع شود، بلکه باید از سوخت‌های فسیلی دریافت شود. شما می‌توانید مالیات بر کربن به‌عنوان هزینه تولید یک محصول در نظر بگیرید که بر مصرف سوخت‌های فسیلی به نسبت محتوای کربن آن‌ها وضع می‌شود. در نتیجه، بر زغال‌سنگ که کربن بیشتری نسبت به نفت و گاز طبیعی دارد مالیات به نسبت بیشتری وضع می‌شود. به‌محض وضع مالیات، افزایش قیمت سوخت‌های فسیلی موجب خواهد شد مردم به مصرف بیشتر نفت و گاز طبیعی در مقایسه با زغال‌سنگ روی آورند. استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر به‌جای سوخت‌های فسیلی گسترش می‌یابد؛ و در مجموع مصرف انرژی از کارایی بیشتری برخوردار خواهد شد. بر این اساس، وضع این نوع مالیات

اقتصاد را قادر می‌سازد تا مقدار انتشار دی‌اکسید کربن خود را با کمترین هزینه کاهش دهد. به دلیل مقیاس مصرف سوخت‌های فسیلی در اقتصاد، مالیات بر کربن برای دولت‌ها جذاب‌تر است، زیرا می‌تواند درآمد دولت را به طور چشمگیری افزایش دهد، که در نهایت از این منابع دولت می‌تواند برای تأمین مالی پروژه‌های زیست‌محیطی یا کاهش دیگر انواع مالیات، مانند مالیات بر نیروی کار، استفاده کند. در حالت دوم (کاهش انواع دیگر مالیات) قیمت‌های نسبی نهاده‌های تولید تغییر می‌کند. نیروی کار ارزان‌تر شده و انرژی گران‌تر می‌شود. این مسئله موجب افزایش تقاضای نیروی کار شده و مصرف انرژی را کاهش می‌دهد و در نتیجه انتشار دی‌اکسید کربن را کاهش می‌دهد. افزایش تقاضای نیروی کار نیز در نهایت موجب کاهش بیکاری می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹). با وضع مالیات می‌توان ساختار اقتصادی کشور را به سوی استفاده بهینه از نهاده‌ها سوق داد و از انتشار آلاینده‌ها کاست. البته استفاده از هر ابزار اقتصادی مزایا و معایب خود را دارد. کارکرد و عملکرد هر کدام از این ابزارها بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و منابع مالی دولت‌ها متفاوت است. یکی از مهم‌ترین مزایای مالیات بر آلودگی عدم نیاز به تشکیلات و سازمان گسترده‌ای است. زیرا با وضع این مالیات نیازی به کنترل و نظارت مستمر بنگاه‌های آلوده کننده نیست. همچنین هزینه‌های اجرایی مالیات‌ها در مقایسه با شیوه‌های کنترل و فرمان بسیار اندک است (پوراصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین اتخاذ سیاست‌های مالیاتی رویکردی دو سر برد است و سود مضاعفی برای جامعه به همراه دارد. زیرا با کاهش مالیات بر درآمد و در نتیجه کاهش مالیات بر نیروی کار، نیروی کار ارزان‌تری در اختیار بوده و هزینه نیروی کار در کل هزینه تولید کاهش پیدا می‌کند. از سوی دیگر این تغییر جهت مالیاتی می‌تواند به نوبه خود باعث توسعه اشتغال سبز شود.

تبدیل مالیات به کشورها کمک می‌کند در تدارک تجهیزات جدید، از قبیل فناوری‌های انرژی پیشگام شوند. به‌عنوان مثال مشوق‌های مالیاتی دولت دانمارک (با ۵ میلیون نفر جمعیت) بر برق حاصل از نیروی باد آن کشور، موجب شده است تا این کشور به تولیدکننده اصلی توربین‌های بادی در جهان تبدیل شود (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹).

سیاست‌های مالیاتی بخصوص به این دلیل مؤثر هستند که به ماهیت خود سیاستی نظام مند است. اگر وضع مالیات بر سوخت، قیمت سوخت فسیلی را به‌منظور منعکس کردن تمام هزینه‌های آن افزایش دهد، این سیاست با اثر گذاشتن بر تمام تصمیمات اقتصادی مربوط به انرژی به کل اقتصاد تسری پیدا کرده و افکار عمومی را به‌سوی حفاظت از محیط‌زیست هدایت می‌کند.

در کنار این مزیت‌ها، ایراداتی نیز بر عوارض و مالیات‌های محیط‌زیست وارد است. به‌عنوان مثال برای تعیین میزان بهینه مالیات و عوارض زیست‌محیطی باید تابع هزینه کاهش آلودگی (AC) و تابع خسارت زیست‌محیطی (DC) تعیین شود. در حوزه‌های محیط‌زیست معمولاً اطلاعات در مورد مقدار و اندازه خسارت‌های آلودگی و همچنین تابع کاهش هزینه آلودگی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، عمدتاً اطلاعات اندکی وجود دارد. البته تعیین تابع هزینه خسارت آلودگی (DC) ساده‌تر است و می‌توان با استفاده از روش‌های متعددی که در بندهای قبل به آن اشاره شد (روش هزینه بیماری، تغییر بهره‌وری و...)، به‌صورت تقریبی تابع هزینه خسارت (DC) را به دست آورد، اما در تعیین تابع کاهش آلودگی (AC) تا حدودی مشکل است، زیرا اطلاعات لازم برای تعیین این تابع را باید از بنگاه آلاینده درخواست کرد. در عمل این احتمال وجود دارد که بنگاه‌های آلوده‌کننده از دادن اطلاعات طفره روند یا اطلاعات ناقصی ارائه کنند. این پدیده می‌تواند مشکلاتی را برای دستگاه‌های نظارتی به وجود آورد (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹).

۳- نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا پیشینه اقتصاد محیط‌زیست و اهمیت استفاده از ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط‌زیست بررسی شد. در مرحله بعد مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی برای حفاظت محیط‌زیست و نقاط قوت و ضعف هر کدام از آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. این تحلیل و مقایسه نشان داد، ابزارهای اقتصادی حفاظت از محیط‌زیست که در سیاست‌گذاری‌های حفاظت از محیط‌زیست مورد استفاده می‌شوند، نقش تعیین‌کننده و مهم بهره‌برداری پایدار از منابع محیط‌زیستی را دارا بوده و سازوکارهای لازم را برای ادغام ملاحظات محیط‌زیستی در

سیاست‌های کلان اقتصادی فراهم می‌کنند. به همین دلیل به سرعت به عنوان ابزار کارآمد اقتصادی در سطح جهان مطرح شده‌اند. هدف اصلی نهادینه کردن این ابزارها در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشورها به طور عام و برنامه‌های توسعه بخش انرژی به طور خاص، بالا بردن آگاهی‌های سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی در سطح کشورهاست تا از این رهگذر بتوانند تصمیمات منطقی‌تری برای استفاده از کالاهای محیط‌زیستی و به‌ویژه منابع انرژی فسیلی که متعلق به تمامی نسل‌هاست، اتخاذ کنند و ملاحظات محیط‌زیستی را با استفاده از ابزارهای مناسب اقتصادی در برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و بین‌المللی ادغام کنند. بررسی عملکرد بسیاری از سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست در جهان در چند دهه گذشته از جمله ایران، از این واقعیت حکایت دارد که تا چندی پیش، تمرکز جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست، بیشتر متکی بر اعمال سیاست‌های قانونی و بازدارنده بوده و کمتر از رویکردهای اقتصادی که در چارچوب ابزارهای اقتصادی بیان می‌شوند، سود برده شده است. بنابراین استفاده از ابزارهای اقتصادی در کنار قانون و مقررات می‌تواند نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای برای حفاظت از محیط‌زیست ایفا کند. بهترین نتیجه‌ای که از این مقاله می‌توان گرفت، این موضوع است که رویکردها و ابزارهای اقتصادی، سازوکارهای مناسبی برای استفاده بهینه از منابع طبیعی و محیط‌زیستی و به‌ویژه منابع انرژی محسوب شده و به‌عنوان مکمل قانون و مقررات می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به اهداف توسعه پایدار داشته باشند؛ اما باید توجه کرد که هیچ ابزار سیاستی خاصی وجود ندارد که بتواند در کلیه شرایط بهترین باشد. بنابراین استفاده از هر کدام از آن‌ها بستگی به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی کشورها دارد. استفاده از مجموعه‌ای از این ابزارها به‌ویژه ابزارهای مالیاتی و مجوزهای قابل مبادله علیرغم ضعف‌های مطرح شده در این مقاله بهترین گزینه است که باید در قانون توجه قرار گیرند. در شرایطی که اعمال سیاست‌های بهره‌برداری از منابع و آثار آن‌ها بر محیط‌زیست، با عدم قطعیت همراه است، رویکردهای کنترل-فرمان (نظیر استانداردها) نسبت به سایر رویکردها ارجحیت دارند، اما در شرایطی که عدم قطعیتی در مورد استفاده از منابع و آثار آن بر محیط‌زیست وجود نداشته و

فرایندهای حاکم بر محیط‌زیست شناخته شده باشند، رویکردهای مبتنی بر بازار ارجح هستند.

۴. پیشنهادات

با توجه به موارد عنوان شده و نقاط ضعف و قوت استفاده از ابزارهای اقتصادی در رابطه با کنترل و کاهش آلودگی هوا به‌ویژه در بخش انرژی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- استفاده از سازوکارها و ابزارهای اقتصادی، به‌ویژه مالیات‌های محیط‌زیست در قانون مالیات بر ارزش افزوده قانون تجمیع عوارض موضوع تبصره (۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۸ و جز (۳) بند (ب) ماده ۶ قانون برنامه ششم توسعه

۲- کاربرد مجوزهای قابل مبادله در صنایع خاص به‌ویژه صنایع سیمان و نیروگاه‌ها

۳- استفاده از ابزارهای اقتصادی نظیر مالیات‌های تبعیضی در مکان‌یابی فعالیت‌های صنعتی.

۴- بازنگری در قانون و مقررات اخذ جرائم و خسارات محیط‌زیستی با استفاده از ابزارهای اقتصاد محیط‌زیست.

۵- واریز درآمدهای حاصل از مالیات‌ها و عوارض به صندوق ملی محیط‌زیست

منابع

- اسلامولیان، کریم و استازاد، علی حسین، (۱۳۹۴)، مالیات‌های سبز در بخش‌های انرژی و کالای نهایی در ایران: رویکرد نظریه بازی‌ها، **پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران**، سال ۵، شماره ۱۷، ص ۱-۳۷.
- پژویان، جمشید و امین رشتی، نارسیس، (۱۳۸۶)، مالیات‌های سبز با تأکید بر مصرف بنزین، **ویژه‌نامه اقتصادی**، شماره ۷، ص ۱۵-۴۴.
- پوراصغر سنگاچین، فاطمه غفاری رهبر، محمد حسین آبادی، (۱۳۹۴)، توسعه پایدار، مبانی و شاخص‌های پایداری، **انتشارات علم کشاورزی**.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد، (۱۳۸۰)، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط‌زیست، **فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست**، شماره ۳۵.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد، (۱۳۸۹)، مقایسه تحلیلی ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط‌زیست و پیشنهادهایی برای عملیاتی کردن آن‌ها در برنامه‌های توسعه کشور، **محیط‌زیست و توسعه**، شماره ۱.
- دانشی، علیرضا، وفاخواه، مهدی و پناهی، مصطفی، (۱۳۹۳)، ابزارهای اقتصادی مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست، آب و توسعه پایدار، سال ۱، شماره ۲، ص ۷-۱۴.

- دهقانیان، سیاوش، کوچکی، عوض و کلاهی اهری، علی، (۱۳۷۷). اقتصاد محیط‌زیست. (ترجمه)، **انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.**
- دستور کار ۲۱، (۱۳۷۷)، ترجمه حمید طراوتی، سید امیر ایافت، **انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست و برنامه عمران سازمان ملل متحد.**
- کارگری، نرگس و مستوری، رضا، (۱۳۸۹). مقایسه انتشار گازهای گلخانه‌ای در انواع نیروگاه‌های برق با استفاده از رویکرد LCA، **نشریه انرژی ایران**، دوره ۱۳، شماره ۲، ص ۶۷-۷۸.
- کریم زادگان، حسن، (۱۳۸۲)، مبانی اقتصاد محیط‌زیست، **انتشارات نقش مهر**، ص ۱۳۷
- رحیمی، نسترن. مریم، خودی. نرگس، کارگری، (۱۳۸۸)، امکان‌سنجی اجرای تجارت نشر در نیروگاه‌ها و کاهش انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای، **علوم و تکنولوژی محیط‌زیست**، دوره ۱۱، شماره ۳، ص ۱۳۸-۱۵۳.
- رضایی قوام آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۳). اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، **دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی**، دوره جدید، سال ۲۱، شماره ۶، ص ۱۱۴-۱۴۱.
- سازمان برنامه‌بودجه کشور، (۱۳۹۴)، **اسناد تفصیلی برنامه ششم توسعه**، بخش محیط‌زیست،
- ماناهاں ای. استانی، (۱۳۹۰)، بوم‌شناسی صنعتی، ترجمه سید حسین هاشمی، فرزام پوراصغر سنگاچین، اطهره نژادی، فاطمه غفاری رهبر، **انتشارات ترجمان خرد.**
- صالحی، اسماعیل، حبیبی، علی و پوراصغر سنگاچین، فرزام، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر اقتصاد بوم‌شناختی، (ترجمه)، **دانشگاه تهران**، ۹۱۰ صفحه.
- هادیان، ابراهیم و استاذزاد، علی حسین، (۱۳۹۲)، برآورد سطح بهینه مالیات بر آلودگی در اقتصاد ایران، **پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، شماره ۱۲، ص ۷۴-۵۷.

- Bureau, B. (2011), "Distributional Effects of a Carbon Tax on Car Fuels in France", **Energy Economics**, 33, pp. 121-130.
- Dissou, Y. and Eyland, T. (2011), Carbon Control Policies, Competitiveness, and Border Tax Adjustments", **Energy Economics**, 33, pp. 556- 564.
- ICAP. (2016). Emissions Trading Worldwide: Status Report 2016. Berlin: ICAP.
- IEA, (2017). CO2 emissions from fuel combustion. <https://www.iea.org/publications/freepublications/publication/CO2EmissionsfromFuelCombustionHighlights2017.pdf>
- IPCC, (2006), IPCC Guidelines for National Greenhouse Gas Inventories. The National Greenhouse Gas Inventories Programme, **the Intergovernmental Panel on Climate Change**. [H.S. Eggleston, L.

- Buendia, K. Miwa, T. Ngara, and K. Tanabe (Eds.)). Hayama, Kanagawa, Japan.
- IPCC, (2013), Climate Change 2013: The Physical Science Basis. Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change [Stocker, T.F. D. Qin, G.K. Plattner, M. Tignor, S.K. Allen, J. Boschung, A. Nauels, Y. Xia, V. Bex and P.M. Midgley (Eds.)]. **Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and New York, NY, USA**, 1535 pp.
 - Kolstad. D. Charles, (2000), Environmental Economics, **Oxford University Press**, New York.
 - Liang, Q.M. Fan, Y. and Wei, Y.M. (2007). Carbon Taxation Policy in China: How to Protect Energy- and Trade-Intensive Sectors, **Journal of Policy Modeling**, 29, pp. 311–333.
 - NOAA/ESRL, (2017), Trends in Atmospheric Carbon Dioxide. Available online at: <https://www.esrl.noaa.gov/gmd/ccgg/trends/>. 2 February 2017.
 - OECD and IEA, (2003). Policies to Reduce Greenhouse Gas Emissions in Industry-Successful Approaches and Lessons Learned: Workshop Report. **OECD and IEA**. COM/ENV/EPOC/IEA/SLT. <https://www.oecd.org/env/cc/2956442.pdf>
 - **Royal Society**, 2002, Economic instruments for the reduction of carbon dioxide emissions.
 - Stavins, R.N. (2003). Experience with market-based environmental policy instruments. **Chapter 9 in: Handbook of Environmental Economics**.
 - UNEP. 2002. Economics & Trade Branch, UNEP Briefs on Economics, Trade and Sustainable Development, Information and Policy Tools from the United Nations Environment Programme. **Economic Instruments for Environmental Protection**. https://unep.ch/etu/publications/UNEP_Econ_Inst.PDF
 - Wissema, W. and Dellink, R. (2007), AGE Analysis of the Impact of a Carbon Energy Tax on the Irish Economy. **Ecological Economics**, 61, pp. 671-683.

The role and application of economic instruments in reducing environmental pollution

Farzam Pourasghar Sangachin
Sajad Bahrami
Hamideh Heydarzadeh

Abstract

With increasing energy consumption, greenhouse gas emissions from energy use have increased significantly in Iran and the world in recent years. Increasing global demand for energy from fossil fuels plays an important role in the upward trend in CO₂ emissions. With the development of environmental problems caused by human activities, it has been determined that economic activities can not continue without regard to environmental constraints. For this reason, the use of market mechanisms and economic instruments, as well as laws and regulations for the rational use of natural resources, has become the focus of many governments in the world. According to previous studies, economic instruments provide the most effective solution for controlling and reducing greenhouse gas emissions, the two main forms of which include pollution taxes and exchangeable licenses. The research method used in this paper is more documentary-analytic, which according to the documents and regulations has tried to emphasize the necessity and role of economic instruments in reducing environmental pollution. In this research, the concepts and tools used to reduce environmental pollution have been discussed and the role of these economic tools in achieving sustainable development and their position in the country's planning system has been discussed.

Keywords: Greenhouse Gases; Economic Instruments; Taxes; Incorrect Permits..

The Effect Of Border Markets Export On Sistan Region Employment

Zahra rashki ghaleh no
Noor mohammad yaghoubi
Ramezan hossein zadeh
Aminreza kamalian

Abstract

Border markets can play a significant role in the export of manufactured goods in the region and, consequently, in the economic development of the region. Therefore, the creation and development of border markets; the expansion and expansion of exports, the creation of employment and income for people living in the border areas Will follow. In many advanced countries, exports have been the main focus of development. Therefore, the growth of exports leads to increased income and employment, and by providing the opportunity to take advantage of scale savings, using advanced technology, the optimal allocation of resources and increased competition in the production of products can increase the total productivity of production and employment factors and reach Increase economic growth and development, Therefore, the purpose of this study was to investigate the effect of Milak and Gamshad border markets on employment in Zabol city using the output data model during 2011-2013. The findings of the research show that the increase in the export of border markets from the three sectors of agriculture, industries and mines during the years 94 and 95 was 3.9136129, 20.43732515 and 0.826770649 respectively, which had the greatest impact on the increase of employment in agricultural sectors 22 people, industry, 20 people and training of 15 people, so that the increase in exports has the most impact on employment in the agricultural sector, which has the least effect on supply of water and electricity and gas, resulting in increased employment of the entire region.

Keyword: Output data pattern, Export, Economic Development, Employment, Border market.

Addressing Spatial Inequality Development of Communication Indices (Case Study: Golestan Province)

Ebrahim Moammeri
Ahmad zanganeh
Farhad moammeri

Abstract

Today, communications and information play a fundamental and undeniable role in human progress and the development of societies. In this research, using the indicators of communication and information, we have focused on the level of information society in the city of Golestan province. The research methodology is descriptive-analytic in nature and has a practical-developmental purpose. The required data are collected by library and documentation method. The techniques used in this paper are the feature coefficient, class difference difference, coefficient of variation, and the model of the wikker, and the Shannon Entropy method was used for scoring. Also, for analyzing the data, Excel software Has been used to display it as a spatial distribution of ARC GIS 9.3 software. The findings show that there is a significant difference between the city of Gorgan and the other provinces of the province in terms of having indicators of the information-communication society. Based on the results of the technique, the coefficient of feature of Gorgan city with a high attribute of 3355792 has a significant difference with other cities of the province and is tangible with the second city of the province in terms of having the indicators of the information and communication society - Gonbad Kavoods city with a coefficient of 623117 Should be. The combination of the results of the feature coefficient technique for classifying the province's cities in the class dispute resolution model is only in the Gorgan region in the first floor of the development and 13 other provinces in the province are placed in the deprived floor, namely, the fifth floor. The calculation of the coefficient of variation for analyzing the distribution of indicators also shows that the index of the number of printers with a rate of 3.24 is the distribution of inequality between the provinces of the province. The results of the viik technique show that the city of Gorgan focused on the indicators of the information-communication society and is the most deprived city in Gomishan.regional expansion, multi-criteria decision, Entropy, VIKOR, Golestan province

Keyword: Regional Development, Multi-criteria Decision Making, Shannon Entropy, Vikor, Golestan Province.

Analysis of driving factors affecting participatory level among rural women in progress goals of Micro Credit funds

Behrooz Toopchi
Shahpar Geravandi
Farahnaz Rostami

Abstract

The main purpose of this research is analysis of driving factors affecting participatory level among rural women in progress goals of micro credit funds in Kordestan province. The population includes 272 rural women. Using Morgan table and random simpling method, 160 persons were selected as sample size to complete the questionnaires. Results show, only about 28% of members participate in funds's decision making and planning. Also finding revealed that Micro Credit funds has been influenced in skills upgrading, increasing self steem deveopmnet of employment. Totally Micro Credit funds in Kordestan province has been in right direction, but the level of participation is relatively low. Path analysis method also represent the significant role of variables such as individual and group skills, self confidence, tendency to stay in the village, years of membership, cultural factor and level of husband's literacy in the women tendency to participation. Accordingly, it was determined that increasing participation in these financial units is not necessarily associated with economic incentives. But, social and cultural factors have an important contribution in strengthen it.

Keywords: Participation, Rural Women, Micro-Credit Fund, Kordestan.

Determining the Priorities of Supporting Knowledge-Based Companies in Iran Base on Current Condition Pathology

AbdolMohammad Kashian
Bahram Bayat

Abstract

In our changing world, the foundation of industrial economies are shifting from resources to the intellectual capital, and therefore the importance of the knowledge in the economy is increasing. Attention to the knowledge base economy is one of the most important strategies of Iran's economy to achieve the objectives of the resistance economy. The main purpose of this paper is to clarify the most important harms to knowledge base companies and determine their degree of importance and their priorities with respect to each other's, and finally provide some supporting Priorities. Using Friedman Test, the results show making relationship between Universities and Industries and supporting by tax system, also supporting through reduction of administrative bureaucracy in Iran, supporting by strengthening the intellectual property laws at the national and international levels, supporting through the educating commercialization and marketing to knowledge-based companies managers are the most important policy priorities in supporting knowledge-based companies. Contrary to common belief issues related to financing is in the next degree of importance.

Keywords: Knowledgebase, support, supply, commercialization, intellectual property, economics.

The Impact of Neo-liberalist and Neo-mercantilist Policy on Brazilian Economic Development

Hadi Ajili

Mehdi Rezaei

Abstract

Dillma Rousseff's government crash (of the Labor Party) in 2016 for allegations of corruption and embezzlement and assuming power by the candidate of the right-wing opposition (PSDB party) has once again called the world's attention toward political developments in Brazil.

Regardless of the long and usual political conflicts in this country, the economic rise of Brazil in recent decades has raised the country as a considerable weight in regional and global political and economic developments particularly after the establishment of Breaks in 2009. Thus studying the developments associated with rapid economic growth in this country, as the largest economy in Latin American region and one of the most capable global economies, has become more and more important.

A comparative study of economic development policies in Brazil over the past three decades indicates significant fluctuations in economic development of the country particularly between Two economic policy e.i Market-Oriented Neo-liberalism and State-Centric Neo-Mercantilism or sometimes a mixture of both policies. Thus, the main research's topic in this paper is the comparative study of two prevailing policies in Brazil's economic development over the past three decades relying on specific indicators Such as the "Human Development Index", "Gini coefficient", "Inflation rate", "Foreign investment rate" and "Monetary index".

The main question in this survey is which economic policy (Neoliberal or Neo- mercantilist) has played a more crucial role in Brazil's economic development over the past three decades?

The main hypothesis presented on this question is that the neo-mercantilist economic policies crystallized in Labor Party have been more effective than neoliberal economic policies crystallized in PSDB in Brazil's economic empowerment and economic growth and development.

Keywords: Brazil, Economic Development, Neo liberalism, Neo-mercantilist.



Abstracts

Quarterly Journal Development Strategy ,2019 ,Vol.15 , No.2 (58), 1-6

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

شغل / نوع فعالیت:

نشانی:

.....

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن:

شماره‌های درخواستی از: تا شماره:

تعداد درخواستی از هر شماره:

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید)

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۴۰۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۰۳۰۸۷۲۷۱۶۵۰۰۹ شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۰۵۹۵۱۹۶ بانک ملی
- ارسال تصویر فیش پرداختی به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه
- تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲